

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّخِذُوا عِدْوِيَّ عِدْوًا وَمَا كُنَّا بِأَعْدَاءِكُمْ بَلْ كُنَّا بِكُمْ عَادِلِينَ
(القرآن)

فتح العزيز

في اثبات ارتباط اهل البيت مع الانبياء



المسمى به
الحدِيثُ الْكَرِيمُ

فقيه ومحقق العصر الحاج مولانا القاري مفتي محمد ناصر الله لطفی

— الشهير بالاساذ الووفار الافغانی —

فاضل السنة الشرقية	فاضل الدرس النظامی
المختص في قسم الافكار والدعوة	المجتهد في العلوم العربية والاسلامية
المختص في الفرق	

رسائل ثلاثہ

رسائل ثلاثہ

۱۔ اہل حدیث و انگریز ۲۔ انکشافات دین جدید و ہابی ۳۔ نتائج و ختم ترک تقلید

مؤلف — مفتی اعظم افغانستان

جلد — حصہ اول

طبع — اول

ناشر — سواد اعظم اہل السنۃ و الجماعۃ افغانستان

آدرس — قائد آباد پشاور پاکستان

عمران اکیڈمی
اردو بازار لاہور

مضامین

ردیف	مضمون	شماره	مضمون	ردیف
۱	۱۶ بانی همه این فرق باطله اهلحدیث بودند	۹	خطبہ کتبت ب...	۱
۲	۱۷ قبیل از تسلط انگریز در ہند ہماکنون	۱۰	...	۲
۳	۱۸ این بلاد اہلسنت حقیقی المذہب بودند	۱۱	...	۳
۴	۱۹ دلائل قاطع بر اینکہ قبل از تسلط انگریز اہل حدیث وجود نہ داشت	۱۲	...	۴
۵	۲۰ اہل حدیث بہ حمایت انگریز و اشارہ انگریز بہ وجود آمد	۱۳	...	۵
۶	۲۱ دلیل ۱	۱۴	...	۶
۷	۲۲ دلیل ۲	۱۵	...	۷
۸	۲۳ دلیل ۳	۱۶	...	۸
۹	۲۴ دلیل ۴	۱۷	...	۹
۱۰	۲۵ دلیل ۵	۱۸	...	۱۰
۱۱	۲۶ حالاً بشنوید	۱۹	...	۱۱
۱۲	۲۷ نیر بشنوید	۲۰	...	۱۲
۱۳	۲۸ بہ طرز جدید	۲۱	...	۱۳
۱۴	۲۹ تا امروز اہلحدیث نصاب اسلامی و درسی کامل نہ دارند	۲۲	...	۱۴
۱۵	۳۰ استفادہ اہل حدیث از کتب مقلدین	۲۳	...	۱۵
۱۶	۳۱ باب دوم غلطت اہلحدیث بہ انگریز	۲۴	...	۱۶
۱۷	۳۲ حمایت اہلحدیث از انگریز	۲۵	...	۱۷
۱۸	۳۳ مخالفت اہلحدیث با مجاہدین اسلام	۲۶	...	۱۸
۱۹	۳۴ حمایت نذیر حسین دہلوی اہلحدیث از انگریز	۲۷	...	۱۹

شماره	مضمون	صفحه	شماره	مضمون	صفحه
۳۴	حکومت انگریز به نزد اهلحدیث مفترض الطاعة است -	۱۸	۵۱	انعام گرفتار اهلحدیث از انگریز -	۲۳
۳۵	جنگ آزادی ۱۸۵۷ هندی و خیانت اهل حدیث	۱۹	۵۲	عمل اجماعی اهلحدیث در زمان نذیر حسین امام اهل حدیث -	۲۳
۳۶	غداري نذیر حسین امام غیرمقلدین با مجاهدین اسلام و فاداری او با حکومت انگریز	۲۰	۵۳	خط امام اهلحدیث به شیوه عراقی در مطالبه کتب در ذم امام ابوحنیفه رحمة اللہ تعالیٰ	"
۳۷	غداري و خیانت غیرمقلدین و دخول انگریز در دہلی مرکز مسلمانان ہند -	"	۵۵	فحاشی و عیاشی ولی دینی اهلحدیث بر رعایت پدر علامہ ابوالحسن علی الندوی متقی -	"
۳۸	قتل ۳۷ ہزار مسلمان و ضیافت اہلحدیث	۲۱	۵۶	فتاویٰ بی دینی امام اہل حدیث	۲۵
۳۹	بی حرمتی مساجد و غداري اہل حدیث	"	۵۷	شخصیت اساسی دوم اہلحدیث	۲۶
۴۰	تجزیہ فکر فہیت اہل حدیث	"	۵۸	نواب صدیق حسن خان و خوشنودی انگریز	"
۴۱	جنایات اہلحدیث در حمایت از انگریز	"	۵۹	کفر ۱	۲۷
۴۲	منحوس	"	۶۰	کفر ۲	"
۴۳	بیان شیخ حسام الدین	"	۶۱	کفر ۳	۲۸
۴۴	بیان حضرت مدنی	"	۶۲	کفر ۴	"
۴۵	کردار غیرمقلدین در جنگ آزادی ۱۸۵۷ ہند -	۲۲	۶۳	در ہند بیخ فرقہ بہ مثل اہلحدیث خیر خواہ انگریز نیست	"
۴۶	امام اہلحدیث معرود بہ تداوی عسکر انگریز بود -	"	۶۴	غیرمقلدین و مجاہدین ۱۸۵۷ ہند	"
۴۷	اقرار افضل حسین اہل حدیث	"	۶۵	اقوال کفریہ اہلحدیث در بارہ مجاہدین اسلام	"
۴۸	اقرار محمد حسین بٹالوی و کیل اہلحدیث	"	۶۶	قول ۱	"
۴۹	اقرار نذیر احمد اہل حدیث	"	۶۷	قول ۲	۲۹
۵۰	شہادت رسمی و فاداری اہلحدیث بہ انگریز -	۲۳	۶۸	قول ۳	"
			۶۹	غیرمقلدین بہ گنہگار نگردہ اند	"

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون
۳۵	مقصد امامت خوشنودی و حمایت انگریزوں پر	۲۹	مقصد امامت
"	مقصد دعوی امامت از نظر عالم دیگر	۳۰	مقصد امامت
"	اہل حدیث	۳۱	مقصد امامت
"	مقصد امامت	"	مقصد امامت
"	مقصد امامت	"	مقصد امامت
۳۶	مقصد اصلی اہل حدیث از ایجاب و این فقرہ	"	مقصد امامت
"	حمایت انگریزوں پر	۳۲	مقصد امامت
"	خیانت اہل حدیث بہ تاریخ اسلامی	۳۲	مقصد امامت
"	حقیقت ایجاب و لفظ اہل حدیث	"	مقصد امامت
۳۷	درخواست وکیل اہل حدیث انگریزوں پر	"	مقصد امامت
"	در تبدیلی نام	"	مقصد امامت
"	مخالفت اہل حدیث از لفظ و بیانی	"	مقصد امامت
"	رسمی شدن لفظ اہل حدیث در تمام دفاتر	۳۴	مقصد امامت
"	انگریزوں پر	"	مقصد امامت
۳۸	خدمات وکیل اہل حدیث بہ انگریزوں پر	"	مقصد امامت
"	قبول کردن انگریزوں پر درخواست وکیل اہل حدیث	"	مقصد امامت
۳۹	اعلانات حکومت انگریزوں پر در این موضوع	"	مقصد امامت
"	شرکت اہل حدیث در جشن جوبلی جشن انگریزوں پر	"	مقصد امامت
"	کلمات و عبارات اہل حدیث در بیورہ انگریزوں پر	۳۵	مقصد امامت
"	لعین	"	مقصد امامت
"	کلمہ امام تا کلمہ امامت	"	مقصد امامت

شماره	مضمون	صفحه	شماره	مضمون	شماره
۱۰۸	کلمه کسا	۳۹	۱۲۷	روابط اهلحدیث با قادیانی	۳۷
۱۰۹	تملق و چاپلوسی اهلحدیث در باره	۴۰	۱۲۸	تمام اهل اسلام نزد صحابه کرام گرفته تا امروز	۳۸
۱۱۰	حکومت اتحادی انگریز -	"		همه مشرک هستند	۳۷
۱۱۱	چاپلوسی و تملق		۱۲۹	ظلم انگریز در مقام جلیان نواله و حمایت	۳۵
۱۱۲	"	"		اهل حدیث -	۳۶
۱۱۳	"	۴۲	۱۳۰	سپاسنامه و فاداری اهل حدیث	۳۷
۱۱۴	سپاسنامه علماء اهلحدیث به پیشگاه	"	۱۳۱	غلام احمد قادیانی اهل حدیث بود	۳۸
	حکومت خون خود انگریز		۱۳۲	روابط مجتهدین اهلحدیث با قادیانی	۳۸
۱۱۵	سپاسنامه و اتا	"	۱۳۳	در تمام مسائل قادیانی اهل حدیث بود	۳۹
۱۱۶	به شما ای قارئین کرام	۴۳	۱۳۴	تفصیل مسائل	"
۱۱۷	خصر صیت و کیل اهل حدیث	۴۴	۱۳۵	مسئله اول تا	۵۰
۱۱۸	افزودن در عوض کتاب الحادی از قلم	"	۱۳۶	مسئله ۱ تا ۱۵	"
	علامه مسعود عالم ندوی	"	۱۳۷	قادیانی اهلحدیث بود علامه رفیعی احسن	"
۱۱۹	تمام فرق باطله هند از بطن فتنه پرور	"		خانپوری	"
	اهلحدیث پیدا شده است -	۴۵	۱۳۸	اقوال اهلحدیث در تعریف و حمایت	۵۱
۱۲۰	اقرار عالم مشهور اهلحدیث قاضی	"		قادیانی -	"
	عبدالله خانپوری		۱۳۹	درخواست عالم اهل حدیث از قادیانی	"
۱۲۱	موافقت اهلحدیث با قادیانی از کتب	"		برای امامت در مسجد بلوچ بود	"
	و مجلات اهل حدیث -	۴۶	۱۴۰	تمام حمایت اهلحدیث از قادیانی بعد	"
۱۲۲	فرقه نیپیری	"		از دعوی نبوت بود -	"
۱۲۳	فرقه مرزایی	"	۱۴۱	نماز در اقتدار قادیانی جائز است	"
۱۲۴	فرقه شاکریه	"	۱۴۲	نکاح او جائز است -	"
۱۲۵	فرقه انکار حدیث	"	۱۴۳	دعوت و کیل اهلحدیث قادیانی راجع	"
۱۲۶	فرقه اهلحدیث به نزد عالم اهلحدیث قاضی	"		اهل و عیال	"
	عبدالله خانپوری				

صفحه	مضمون	شماره	صفحه	مضمون
۵۵	اقوال غیر مقلدین و اهلحدیث در حرمت	۱۵۹	۵۲	تفسیر حدیث با قادیانی
	جهاد و اطاعت انگریز		"	حوادث تاریخ احمدیت
۵۶	قول امام اہلحدیث نو ابصدیق حسن خان	۱۶۰	"	حوادث موج کوثر
	بھوپالی		"	نظریات قادیانی و تفسیر اہلحدیث مسلمان است
۵۷	مجاہدین سرحد حنفی المذہب بودند	۱۶۱	"	تفسیر لفظ کبیر اہلحدیث در عدالت سیالکوٹ
"	مخالطہ اہلحدیث و جواب آن	۱۶۲	"	تفسیر لفظ کبیر اہلحدیث در عقائد قادیانی ہند
۵۸	مراد از اہل حدیث محدثین کرام است نہ کہ	۱۶۳	"	تفسیر حوالہ تنظیم اہلحدیث لاہور
	غیر مقلدین		"	تفسیر حدیث قادیانی از گورداسپور بہ
"	دلایل قاطعہ در این موضوع	۱۶۴	"	تفسیر لاہور بزمیاریت وکیل اہلحدیث -
۵۹	رفع شبہ اہلحدیث	۱۶۵	۵۳	بیانات وکیل اہلحدیث در حمایت
	لازم سلفیت انکار از تقلید نیست	۱۶۶		قادیانی مرتد -
"	مراد از سلفی در زمان سابقہ علماء مذاہب	۱۶۷	۵۴	حمایت قادیانی و اہلحدیث از حکومت
	اربعہ بود -			انگریز -
"	اختیار بہ اہلحدیث	۱۶۸	"	بیانات قادیانی در حمایت انگریز
"	در کائنات بہ غیر یک یا دو گمراہ	۱۶۹	"	بیان مسائیان -
	ہیچ فرد غیر مقلد نیست		"	حمایت علماء اہلحدیث از قادیانی با
۶۰	ای قاریین کرام	۱۷۰		وجود کفریات -
۶۱	مقصد از نوشتن کتاب	۱۷۱	"	تقدیم اہلحدیث در خدمت انگریز
"	اختتامیہ -	۱۷۲		از قادیانی
			۵۵	اقوال کفریہ اہلحدیث در این موضوع
			"	قول مسائیان تا قول ما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي خلق الانسان وعلمه البيان وهدي
الامة برسالة نبيه في آخر الزمان ومنع
الامة عن موافقه اهل الطغيان وامرهم باتباع
صفيه سيد الانس والجان صلى الله تعالى عليه وسلم
وعلى آله واصحابه الذين هم من اهل الاحسان و
على من اتبعهم من اهل الاقربان ومن احب محبتهم
وابغض مبغضهم الى يوم يقوم الناس الى
رب الاديان

اما بعد --- بنده ناچيز الحاج مولوي مفتي محمد نصر الله لطفى شهبير
به استاد ابوالوفاء الافغانى عرض ميده دارد که در چنين آوان که اهل الحاد و فساد
از هر طرف در کوشش تخريب از زبان مسلمانان هستند و در وصول اين مقصد از پيچ نوع وسايس
در ريغ تمي کنند عده اشبي خردان و دشمنان عقل و انسانيت که در حقيقت تمثيل اهل تبشير و مهيونت
عالمى هستند در مخالفت با مذهب و عقیده پر داخته اند و از اين بي جاني کار گرفته اسم کتاب و سنت
و حديث رسول صلى الله تعالى عليه وسلم را تقيه استعمال مي کنند و مقصد آنها از استعمال اين نام صرف و
صرف فریب دادن مسلمانان ساده و بي علم است - در چنين حالات که دشمنان اسلام در حصول
مقصد شوم خود از نام اسلام استفاده سومي کنند وظيفه هر عالم از نظر دين مقدس اسلام اين است
که سکوت اختيار نکنند بلکه وجيبه ايماني و مذهب او است تا در ميدان برآمده حق را ظاهر کند
و نگذارد که دشمنان اسلام با تبليغات منافقانه خویش روح و چهره اصلي اسلام را سلب کنند
روى همين موضوع احقر با کلمات ساده و جملات عاميانه از کتب خود اين گروه مبتدعه حقيقت
آنها را ظاهر کردم و با دلائيل قاطع ثابت کردم که گروه الدعوة الى القرآن و السنة و گروه اهل حديث
که قائد اين الحاد جميل الرحمن کونري و غلام ناقل است با اهل حديث پاکستان در وابط دارند
حتي که در اخبار خود اين گروه به اين حقيقت اشاره شده است و اهل حديث پاکستان

این گروه به قرآن و سنت رسول هیچ سروکاری ندارند بلکه کار آنها اختلاف و افتراق و انتشار در میان مسلمانان است. در این حقیقت از عمل این منافقین واضح گردیده که هر فرد افغانستان در آن آگاهی دارند پس باید که از حماسه مذهبی و اسلامی خود کار گرفته هر نوع تعلق خود را با این گروه منقطع کنید و نگذارید تا این الحاد ریشه خود را مستحکم کنند و از تمام احزاب سیاسی افغانستان خواهش می کنم تا فعالیت الحادی این گروه را بند کنند و گرنه مغفوت مسلمانان به سبب منافقت این گروه الحادی منتشر خواهد شد. که این امر باعث خوشنودی استعمار عالمی خواهد شد. منجز تعلقها و اسلامی گردد. در این موضوع به نزدیکترین فرصت اقدام کنید زیرا که نجات ما و شما در وحدت اسلامی است و وحدت در صورت وحدت عقیدوی صورت می گیرد و افعال این این گروه مبتدعه منافی این امر است. بر ما بلاغ است و بس.

الاحقر الحاج مولوی مفتی محمد نصر اللہ نقضی الشہید بالاسناد
 ابوالوفاء الافغانی حنفی چشتی قادری نقشبندی نزیل مکر المکرمه

۱۰/۲۹ ۱۴۰۷ھ

Marfat.com

باب اول در بیان

ظهور فرقه غیر مقلدین در هندوستان

در تمام عالم اسلام اعم از افریقا و اروپا و آسیا جماعتی بنام غیر مقلدین نه قبلاً وجود داشت و نه امروز وجود دارد، صرف هندوستان و پاکستان چنین ملکی است که این فرقه وجود دارد، لیکن حقیقت این است که در هندوستان و پاکستان نیز قبل از حکومت انگریز این فرقه وجودی نداشت، وجود و ظهور این فرقه در هندوستان درین سنت نظر کرم و چشم التفات انگریز است و تئیکه انگریز قدم منحوس خود را در هندوستان گذاشت برای پیده کردن انتشار و اختلاف و افتراق و لامرکزیت در میان مسلمانان هند تحت اصول مدبرانه خویش (بنجگان و حکومت کن) همه ساکنین هند را آزادی مذهبی داد که در پرده آن تمام وسائل خود را در دست می گذاشت و آزاد خیالی مذهبی بکار برد زیرا که انگریز ابلیس سیاست بود خوبی دانست که منع و معدر و سرچشمه همه فتن آزادی خیالی مذهبی است در نتیجه این آزادی مذهبی فرقه غیر مقلدین بوجود آمد که محرک اساسی آن انگریز است و در مباحث آئند از کتب معتبره خود غیر مقلدین این مسأله را ثابت خواهیم کرد که در حقیقت اهل حدیث نام نهاد امروز در واقع جاسوس انگریز هستند و سبب اصلی تمام فتن هند و آسیا هستند و تمام فرق باطله هند از لطن فتنه پرور این فرقه فرق باطله هند از قبیل برزائیت و نیچریت و فتنه انگار حدیث و فتنه اباحت و فتنه تجدد پسندی خلاصه تمام فرق باطله هند پیدا شد، تفصیل این مسأله را در کتاب دیگر این حقیر بنام شیاطین الهند و العذاب الشدید علی تارک التقلید به نوع تکلفی بیان شده است فلیس اجتهاداً مطلب از آزادی مذهبی این است که هر شخص هر مذهبی که بخواهد اختیار کند و به سلاطین فهم خود هر مطلب که بخواهد از قرآن و حدیث بیان کند الفاظ قرآن و حدیث را معنی غلط بپوشاند و منافق

در حقیقت آزادی را باید که این همه صورت بگیرد لیکن سستی نباشد که گوید که
 آزادی را از برای چه این است عمل و دانش آزادی طلبان از خدا شرم نمی کنند و نام
 آزادی را از برای مینامند فیالاسفا برین عقل و دانش بیاید گریست چنانچه که مجرب این فرقه
 ضاله نومولود نواب صدیق خاں که نوابی بهوپال را انگریز منخوس سپرد آن کرده در ترجمان و بابیه ص ۱۳
 حکومت انگریز را خراج تحسین پیش کرده می نویسد که از مطالعه کتب تاریخ معلوم می شود که
 این زمان و آسایش و آزادی که در حکومت انگریز برائے خلق خدا تشبیر و نصیب شده است در
 بیخ حکومتی (یعنی در تمام دور حکومت اسلامی قبلی اعم از حکومت خلفائے راشدین و اموی و
 عباسی و سلجوقی و مغزنوی و غوری و عثمانی خلاصه تمام حکومت اسلامی) نصیب نه شده بود.
 و علت آن است که حکومت انگریز همه را آزادی مذهبی داده است ترجمان و بابیه ص ۱۶ و در مقام
 دیگر می نویسد که اینها (یعنی اهل حدیث غیر مقلدین) در دین خود آن آزادی را جای میدهند که
 تشبیر آن بارها از طرف حکومت انگریز جاری شده است ترجمان و بابیه ص ۲۲ از مجرب فرقه نومولود
 غیر مقلدین و همین مجد اهل بدعت مفراید که مقلدین (یعنی متبعین آئمه و اربعه) میخواهند که همتان
 تعصب مذهبی و تقلید و ضد و جهالت پداری که در آنها از قدیم (یعنی از زمان خیر القرون تا حال)
 آمده است قائم بماند و آن آسایش که رعایا هند را حکومت انگریز بوجه آزادی مذهبی عطا کرده است
 از میان برود ترجمان و بابیه ص ۱۱۱ هند از مجربین غیر مقلدین از سباحت قبل ثابت شد که گروه
 اهل حدیث یعنی غیر مقلدین به نتیجه آزادی مذهبی عطا کرده انگریز پیدا شده اند و به خاطر تکمیل اغراض
 و مقاصد شوم انگریز پا به میدان گذاشتن و از مختلف محاذ باطل (یعنی به نام مرزائیت و نیچریت
 و انکار حدیث و مودودیت و تجدید پسندی) به شجر اسلام سنگ باری و به قلعه اسلام گوله باری
 کرده اند و حتی که اهل حدیث جدید نیز روال خود را با کفر ثابت کرده است که مثال آن در آراء نویسندگان
 به ثبوت رسیده است) خدمات خویش را به رضا و رغبت (بمخاطر حصول دنیا) به حکومت انگریز
 سپیش کردند و به نرد حکومت انگریز حاضر شده گفتند که ما فدا یان برای تکمیل و اغراض و مقاصد شما
 از جان خود دریغ نمی کنیم صرف ضرورت به اشاره ابرو شما است چنانچه که به اشاره انگریز
 اینها در سه محاذ باطل جمع شدند و از برای تکمیل خواہشات انگریز تمام کوشش و سعی ممکنه خود
 را به روی کار آوردند تفصیل این سه محاذ قرار ذیل است -
 ۱. از جهت گروه باطنی باطل که به برکت تقلید و اتباع آئمه سلف دفن شده بودند معتزله

بود این فرقه در اثبات تحریف قرآن و حدیث نبوی از همه سپیش بود انگریز برای استحکام دادن حکومت خود در هند و برای تزلزل و خلفشاری در میان مسلمانان به اجبار این فرقه ظاهر ضرورت محسوس کرد و برای تکمیل این مقصد در علماء احناف کثیراً جمعیهم پیچ فرد موزون میسر نشد (زیرا که احناف حامی سلام اند نه که دشمن سلام) نگاه عقابى انگریز در غیر مقلدین به چنین شخص موزون افتاد که برای تکمیل مقاصد انگریز نهایت موزون و مناسب بود و آن شخص سر سید احمد خان غیر مقلد بانی کانج علی گڑھ هند بود سر سید احمد خان این پیش کشی انگریز را به فخر قبول کرده بنیاد فرقه نیچریت را گذاشت و مختصراً مقادیر این فرقه قرار ذیل است حدیث دروغ و کذب است و کلمات اولیاء غلط است و معجزه نبی دروغ است و جن وجود ندارد و حتی ملائک وجود ندارد و اعتقادات اسلامی همه باطل است خلاصه این که از دین اسلام منکرات موج کوثر مد ۲، چنانچه که این ضدیت سعی تا شکور کرد تا تمام تحریفات و ضرافات معتزله را به طرز و اسلوب جدید و عنوان خوشنام و الفاظ دلکش در قلب مسلمانان پائین کند و به خاطر انجام دادن چنین کارهای اساسی انگریز یعنی او را به خطاب سر نوازید.

۲- بدون احادیث نبوی فهم قرآن ناممکن است و دین اسلام ناقص است زیرا که حدیث نبوی اصول اولیه دین اسلام است و چونکه مقصد انگریز تحریف دین بود برای حصول این مقصد در حد آن بود که در هند فرقه به وجود بیاید که از اهمیت حدیث نبوی انکار کرده به سعی تمام مسلمانان را قائل کند که مابدون حدیث نبوی و تعلیمات آن حضرت متی الله علیه و سلم خود به فهم خویش (که القار شیطانی است) قرآن کریم را می فهمیم و قادر به استنباط احکامیم و به تعلیمات آنحضرت متی الله علیه و سلم هیچ احتیاجی ندارم و حدیث نبوی هیچ اهمیت ندارد بعد از سعی و کوشش بسیار هیچ فرد از اهل سنت و الجماعت آماده نشد که توقعات انگریز را پوره کرده در تکمیل اغراض و مقاصد انگریز سعی کند برای تکمیل این مقصد فردی که میسر شد آن تیر اهل حدیث غیر مقلد بود بلکه جماعت بودند که برای تکمیل این مقصد ششوم انگریز آماده شدند و آنها عبد الله چکرا لوی

له عبد الله چکرا لوی غیر مقلد بود موج کوثر مد ۵۳ و اسم بنزیر غیر مقلد بود فودرات مد ۳۳ نیاز فتح پوری غیر مقلد و موسی و محرک اعلی جماعت سلطانی و دوست خاص مودودی بود حتی که خود مودودی اقرار کرده شد اس کے محبت و توحید بنے حوالہ کتاب مولانا مودودی ص ۱۰۲ از اسعد گیلانی مودودی طبع لاہور معلوم شد

برای کشتیدن افراد ساده دینی بلم از عمراط مستقیم تاعدی کامیاب شدند.
 چونکه ملک پنجاب مرکز پیرو پیر پستی بود انگریز قنما داشت که از این زمین پیغمبری به
 وجود بیاید تا در میان مسلمانان اختلاف و انتشار پیدا پیدا کرده ضمینه را برای تسلط کامل انگریز در
 زمین پنجاب مساعد سازد برای این امر نیز از مقلدین آتمه اربعه شخص موزون به نظر انگریز نه
 زقیه زیرا که مقلدین آتمه اربعه حامی دین مقدس اسلام و حامی وحدت اسلامی هستند و هدف
 آنها نفاذ دین اسلام است نه که تخریب اسلام و شخص موزون را که انگریز انتخاب کرد غیر مقلد
 بود که غلام احمد قادیانی است در مباحث آتمه از کتب خود اهل حدیث ثابت خابم کرد که
 غلام احمد قادیانی که دعوی پیغمبری کرد اهل حدیث بود این محدثی نبوت بنیاد فرقه جدیدی
 را گذاشته در کرامت مسکه خنجر پیوست و وحدت امت را به نفرت سبدل کرد چونکه قادیانی
 عالم کامل و عاقلند نبود و در آن کسی علمی و عملی موجود بود برای رفع این کمی عالم کامل و سیاستدان
 زیرک ضرورت بود و برای حصول چنین فراد انگریز سعی بلیغ کرد مگر از مقلدین آتمه اربعه هیچ
 فردی میسر نشد و چنین شخص بی نظیر از بطن فتنه پرور غیر مقلدین پیدا شد و این شخص زیرک
 حکیم نور الدین بیرونی بود که به اشاره انگریز برای تأیید غلام احمد قادیانی پا به میدان نهاد و برای

که محرک جافقت مودودی و قیادت او یک مرد طمد بود که تمام علماء هند به کفر او متفق اند قیاس کن راگتار
 بهاد را مقام بمرت است که محرک داعی سلیم یک فرد طمد است معاذ الله ۱۲ سنه

غلام احمد قادیانی غیر مقلد بود و دعوی اهل حدیث داشت کتاب مجدد اعظم ۱۳۲۲ طبع ۵ پیور،
 حکیم نور الدین بیرونی که از ولایت سرگودها بود اهل حدیث و غیر مقلد بود. برای تفصیل به
 تاریخ امریت ص ۱۲ و ص ۱۳ مراجعه کنید ۱۲ سنه.

کامیابی این حرکت فاسد الحادین دست و بازو غلام احمد قادیانی گردید و برای ترقی و استقامت
 این جماعت در وضع کردن پالیسی نهایت عیاض و ذمہین بود این بود نقشہ ہند در زمان
 انگریز و فتنہ سانی کہ از طرف انگریز سپید شده بودند و ہمہ غیر مقلد و اہل حدیث بودند و در
 سباحث آئندہ از کتب اکابرین اہل حدیث ثابت فہم کرد کہ قبل از تسلط انگریز در سرزمین
 ہند ہیچ نام و نشان غیر مقلدین نبود نہ نام و نشان اہل حدیث بلکہ قبل از تسلط حکومت
 انگریز تمام اہل ہند از سلاطین، اُمراء، وزراء، علماء، فقہاء، نصحاء، بلخار، ادبار، محدثین
 و مفسرین، محققین و مدققین ہمہ حنفی المذہب بودند و قانون حکومت نیز مطابق فقہ حنفی بود
 و اہل حدیث (یعنی غیر مقلدین) بعد از تسلط انگریز بہ وجود آمد و محرک آن انگریز بود و این مسئلہ
 را از کتب خود غیر مقلدین ثابت فہم کرد بہ شرطیکہ بعد از ثبوت تعصب را ترک کردہ بہ طرف
 تحقیق کنید و از تمام مسلمانان عالم و خصوصاً مسلمانان افغانستان خواہس دارم کہ بعد از معرفت حقائق
 ہر نوع تعاون خود را با این فرقہ منقطع سازید و در دفاع از مذہب بپروازید کہ این وظیفہ
 مذہبی شماست

دلیل اول

بر این کہ قبل از تسلط انگریز اہل حدیث وجود نہداشت بلکہ ہمہ مردم ہند حنفی المذہب بودند
 مجدد این حرکت سخوس نواب صدیق حسن خان در ترجمان دہلیہ مناسی نویسد کہ خلافتہ حال مسلمانان
 این است کہ از وقتیکہ اسلام انتشار یافتہ است تا امروز تمام مسلمانان ہند حنفی المذہب بودند
 و تمام حکام و قضات و مفتی از این مذہب پیروی می کردند حتی کہ جس از اہل علم ہند با ہم یک
 جاشد فتاوی ہندیہ را ترتیب دارند (کہ بنام فتاوی عالمگیری مشہور است) و رئیس آہنہ شیخ
 نظام الدین حنفی و معاون پد شاہ ولی اللہ حنفی، حضرت شاہ عبدالرحیم حنفی بود۔

دلیل دوم

ہمین مجدد مذکور (کہ انگریز در بدل خدمات او نوابی بھوپال را بہ او دادہ بود) در مقام دیگر
 می نویسد کہ مسلمان ہند ہمیشہ متمک بہ مذہب حنفی بودند ترجمان دہلیہ ص ۸۶ از احوال نواب
 صاحب کہ مجدد اہل حدیث بود ثابت میشود کہ از ابتداء اسلام تا وقت تسلط و غلبہ انگریز (کہ سبب

آن نیز صحت اهل حدیث بود حتی که به منسوخ جهاد کتاب نوشتند و جهاد را حرام گفتند و
 طاعت مکرر را فرض گفتند) در تمام هندوستان مذہب حقی رائج بود و تمام باشندہ ہند ہمہ
 حقی بودند و فرقہ اہل حدیث نام و نشانی نداشت اگر اہل حدیث وجودی میداشت نواب صاحب
 بہ نغز از آن نام میبرد و نواب صاحب در عبارت خود قید قدیم را ذکر کرده تمام دسائیس غیر مقلدین را
 در آب انداخت بہ نزد مجدد اہل حدیث از قدیم تا تسلط انگریزہ پیش فرود اہل حدیث غیر مقلد وجود
 داشت۔

وسیل سوم

علامہ محمد شاہ شاہ جہانپوری کہ محقق غیر مقلدین است در کتاب خود الارشاد الی سبیل
 ارشاد ص ۳۳ در بارہ فرقہ نومولود خود تبصرہ کرہ می نویسد کہ مدتی است کہ افراد چنین مذہب
 غیر مانوس بہ نظر میآید کہ تمام اہل ہند ازہ آن نا آشنا اند بلکہ نام این فرقہ را حال شنیدہ ام
 و آنہا خود را اہل حدیث یا موجد و یا محمدی می گویند مگر عموماً آنہا را غیر مقلد و یا دہانی و یا لا مذہب
 میگویند اتم از قول خود محقق غیر مقلدین معلوم میشود کہ این فرقہ جدید است و بہ اشارہ انگریز
 بہ وجود آمدہ است زیرا کہ اگر قدیم میبود بہ نزد مردم نامانوس و نا آشنا نمی بود و این قول
 حق است کہ این فرقہ بعد از تسلط انگریزہ بہ وجود آمدہ است و بہ اہل حدیث کہ آئمہ اربعہ اند
 پیچ مناسبتی ندارند۔

وسیل چہارم

استاذ شیخ اکل غیر مقلدین (مولوی تدریس حسین دہلوی غیر مقلد) حضرت قاری عبدالخالق
 در کتاب معروف خود تنبیہ الغالین ص ۵ در بارہ این فرقہ نومولود می نویسد کہ بانی این فرقہ
 زاحدات مولوی عبدالحق بنارسی است مدتی است کہ در بنارس سکونت دارد و بہ سبب
 حرکات ناشائستہ او امیرالمومنین حضرت سید احمد شہید آترا از جماعت خود خارج کرد (زیرا کہ
 کار اہل حدیث منافقت است نہ کہ جہاد) و علامہ حرمین شریفین بہ قتل او فتاوی صادر کردہ بودند

بہ نسبت بہ شہادت آنہا مجاہدین بود کہ در بالاکوت ہزارہ جام شہادت را نوش کردند ۲۷ سنہ

لیکن به چالاکي تمام از آنجا فراد کرد انم صه از حواله جات قبل ثابت شد که این جماعت نومولود است و تمام اهل حق اعم از اهل هند و اهل عربین شریفین به بی دینی و لاند هبیت این فرقه نومولود متفق اند .

دلیل پنجم

این حقیقت مسلم است که هر چیز یا جماعت که از قدیم موجود باشد برای قدیم بودن آن آثار و علامت وجود میباشته باشد تا دلالت کند که این قدیم است و نومولود نیست و قتیکه ماضیات غیر مقلدین (اهل حدیث) را به تحقیق مطالعه می کنیم به مثل آفتاب پاشت واضح می گردد که این فرقه نومولود می باشد است .

حالا بشوید

اگر غیر مقلدین از زمانه قدیم (قبل از تسلط انگریز) در هند می بودند پس آثار قدیم آنها به نظری خورد که این شهر شهر غیر مقلدین است و یا این مسجد قدیم مسجد غیر مقلدین است و یا این سرتی و یا این عمارت از غیر مقلدین است لاهور طتان حیدر آباد و دهلی و حیدر آباد کن و ٹھٹھ و سکھر و کلکتہ و بمبئی از جمله قدیم ترین شهر عاتے هند است در یکی از این شهر تاتے قدیمی کدام آثار قدیم غیر مقلدین دیده نمی شود و از زمانه قدیم آثار قدیم احاف کثرتند جمعهم دیده میشود مثل ساجید و مدارس و خانقاه و دیگر آثار اسلامی که مسجد شاهای لاهور و مسجد وزیرخان لاهور و جامع مسجد دهلی و مسجد شیر شاه سوری و غیره که بیان آن کتاب را طویل میکنند شاهد این امر است و در زمان حکومت انگریز یک مرتبه در لاهور پیدا شد که عبدالله پیکر الوی شکر حدیث و غیر مقلد بود و آنکه کرامت آدش نام میداد و در این حالت ارتداد رهسپار جهنم شد . در حالیکه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم ارشاد فرموده که من عادلی و لیا فقدرانسته بالهرب الحدیث (انسوس است که در دنیا حکومتی اسلامی وجود ندارد و گرنه سزا غیر مقلدین موت است امید است که چنین حکومتی اسلامی قائم شود) پس معلوم شد که این فرقه نومولود است



باب دوم در بیان

فدما اہل حدیث (غیر مقلدین) بہ انگریز

بعضہ تعالیٰ در روشنی دلائل و براہین این حقیقت واضح دلی نقاب شد کہ وجود فرقہ اہل حدیث (غیر مقلدین) کہیں سنٹ چشم التفات انگریز است و قبل از حکومت انگریز این فرقہ در ارض ہند وجود نہاشت و در افغانستان نیز قبل از داخلہ روسہا این فرقہ وجود نہاشت بلکہ تحریک غیر مقلدین در افغانستان بعد از داخلہ روسہا شروع شدہ است کہ باروسہا روابط نزدیک دارند و ثبوت آن روابط نورستانی ما با حکومت کابل دست و در این باب این مسدہ را واضح خواہم کرد کہ تمام علماء اہل حدیث (غیر مقلدین) خدام انگریز بودند و تمام وقت خود را در خدمت و سلطت حکام حکومت انگریز وقف کردہ بودند و بہ خدمت مجاہدین اسلام فتاویٰ دروغین صادر کردہ بودند و از غلام احمد قادیانی کہ دعویٰ نبوت کردہ بود حمایت کردند و اولاً ابتدا از شیخ اکل فی اکل غیر مقلدین می کنیم و می بینیم کہ چہ خدمات برای انگریز انجام دادہ بود و نظریہ این خدمات انگریز بہ او خطاب شمس العلماء دادہ بود و غیر مقلدین آن را مجدد اعظم و شیخ اکل فی اکل و شمس العلماء و آیات من آیات اللہ خلاصہ بہ القاب بلتے بزرگ یاد می کنند و مذکور بزرگ ترین ہستی غیر مقلدین است کہ مدت ۲۵ سال عمر خود را در تنقید اسمہ کرام و الزامات بی بنیاد و مخالفت علمائے حق منصرف کردہ بود وی در سال ۱۲۲۰ھ در قریہ سویج گریہ منبع موہنگر صوبہ بہار پیدا شدہ بود و در ۱۳۲۰ھ وفات کردہ بود و او رئیس غیر مقلدین بود۔ بزرگ کارنامہ اہل ہند جہاد آہنما در ۱۸۵۶ء است کہ بہ نام جنگ آزادی مشہور است و رئیس غیر مقلدین با جماعت خود در آن جہاد سہم گرفت سہم گرفتن در کار بلکہ بہ مخالفت مجاہدین پروانگشا و فتاویٰ صادر کرد کہ این جہاد نیست بلکہ غدہ و خیانت و بغاوت است و ہدف آن مجاہدین

مؤیدین آزادی و بزرگان ترین حامیان انگریز بود تمام علماء حق به فرصت جهاد فتاوی
 صادر کردند و در این بین از رئیس بزرگترین به مخالفت آنها پرداخته حکومت انگریز مقتضی
 آنرا در داد و ستد که یک زخمی انگریز با که از دست مجاهدین اسلام زخمی شده بود میان
 آن دو طرف حمله نمود و قتل خود برده آنرا بیمار داری کرده از حکومت انگریز سند رسمی وفا داری
 صادر کرد این جهت اسلام و مسلمانی غیر مقلدین که کار آنها مخالفت با مسلمانان و حمایت
 از کفار است ای مسلمانان افغانستان عبرت حاصل کنید و به مکر و حیل آنها و زبان شرین و
 دعوای دینداری آنها بازی نخورید زیرا که این فتنه فتنه ایجاد کرده انگریز است به اسلام محمد
 عربی صلی الله علیه و سلم پیس رطبی ندارند چونکه سخن از جنگ آزادی هند به میان آمد باید که
 قدسی تفصیل دهیم زیرا که مردم افغانستان از جنگ هند معلوماقی ندارند.

جنگ آزادی ۱۸۵۷ء هند

مجاهد کبیر لعل جیل شیخ الاسلام امام راشد محدث اعظم هند حضرت مولانا سید حسین احمد
 مدنی که تمام علماء افغانستان به او آشنائی دارند زیرا که شیخ الحدیث دارالعلوم دیوبند بود در
 کتاب محققانه و مورد فائده خود که نقش حیات نام دارد در باره جنگ آزادی مسلمانان هند
 چنین روایت فرموده است. احوال چنین است که از یک طرف انگریز به سبب کامیابی و پیش
 رفت قوای خود بدست شده بودند به عهد خویش وفا میکرد و نه خاطر کسی میکرد تمام ساکنین
 هند را خواهی مسلمان باشد یا خواهی غیر مسلم همه را به نظر حقارت و ذلت می دید و هر وقت کلمات
 تحقیر آمیزه توین آیت استمال می کرد (الان قال) الغرض هر قدر که وقت طول می کشید مظلوم
 انگریز به انواع گوناگون ظاهری شده خلاصه اینکه تمام اهل هند را از تمام حقوق باطن خود محروم
 کرده بودند حسب قول (جنگ آمد جنگ آمد) همه مردم هند آزادی خود را ضروری دانستند
 و از آنجا که یکدیگر را شهادت شامل بودند و در صوبه سرحد مشغول به جهاد بودند بعد از شهادت
 سید احمد شهباز که هزاره به وطن خود باز گشتند و جذبه جهاد هر وقت در دل آنها موع
 و از آنجا که مسلمانان هند انقلاب ۱۸۵۷ء را ضروری دانستند آنم نقش حیات از محدث هند
 که در آن زمان به نظر بد حالات مذکور تمام علماء دور اندیش و بیدار مغز آن زمان به خلاف انگریز

فتاویٰ فرضیت جهاد را صادر کردند و تمام علماء اهل سنت و الجماعه به آن امضا کردند مگر افسوس
 سدا فسوس که بعضی علماء عافیت طلب و این الوقت و خود فرزند و عبد اللہ بنیا به آن فتاویٰ امضا
 نکردند بلکه به آنان مخالفت کردند و از همه پیش پیش قائم غیر مقلدین و امام وقت آنها (که به
 نکاح خوانی قادیانی مشغول بود یعنی نکاح مدعی نبوت را او فائده است) به مخالفت اهل حق پرداخت
 در کوشش خوشنودی انگریز بود و آن امام نالائق نذیر حسین دهلوی امام غیر مقلدین است

غداري نذیر حسین امام غیر مقلدین

باجاهدین مشتمه و وقاداری او با حکومت انگلیسی

سوانح نگار نذیر حسین دهلوی امام غیر مقلدین مولوی فضل حسین بهاری هندی در سوانح او
 که الحیات بعد الحیات نام دارد ص ۱۲۰ طبع هندی می نویسد که نذیر حسین و فادار حکومت انگریز
 بود در زمانه غدار یعنی جنگ آزادی که اهل حدیث آن را غدر می گویند زیرا که جنگ جهاد بر علیه
 پدر و مادر آنان بود) ۱۸۵۷ نذیر حسین دهلوی به فتاویٰ اهل حق موافقت نکرد و از فرضیت
 جهاد انکار کرد و هر وقت وعظ و نصیحت میکرد که جهلده خوب نیست و حکومت انگریز بهتر است
 آنرا لے مسلمانان غیور و فرض شناس افغانستان این بود مسلمانیت غیر مقلدین و فرض شناسی
 آنها و این بود کار امام این گروه پس از مقتدی چه توقع خواهد داشت زیرا که به قول کسی پس

هر که را بهر کاسے ساختند

میل او در دیش انداختند

این بود حالات امام این جماعت که حامی انگریز و دشمن اسلام و مسلمانان بود

غداري و خیانت غیر مقلدین

و دخول انگریز در دہلی مرکز مسلمانان ہند

به تاریخ ۱۹ ستمبر ۱۸۵۷ انگریزها به سبب غداري و خیانت غیر مقلدین و مرزا الہی
 بخش و مرزا مغل در دہلی داخل شدند بعد از تسلط شہر کہ به حمایت غیر مقلدین سعادت
 گرفته بود به نہایت سفاکی قتل عام شروع کردند و خصوصاً مسلمانان را قتل عام کردند و به
 چنان ظلم و ستم و بربریت و دہشت شروع کردند کہ داستان ظلم و ستم ہا کہ خان و چنگیز و ہتلر

در این زمان که انگلیس و فرانسوا در هند مستعمر شدند و در آنجا
 حکومت کردند از آن زمان که در آن وقت ۳۰۰ و ۳۰۰ هزار اشخاص اعدام
 شدند و آن از قتل‌های شاه‌ها بود و صاحب تبصرة التواریخ می‌نویسد که ۳۰۰ هزار
 نفر کشته شدند و در روز مسلسل قتل عام جاری بود شانزار ماضی صفت از سید محمد
 در این زمان که در هند (و در باره نظام انگلیز) محدث هند حضرت مدنی میفرماید که به خصوصیت
 آن وقت آسمان و جگر خراش انگلیز با مسلمانان از بیان بیرون است مثلاً مسلمان زنده را در
 آتش کجک (جنگ) انداخته در تیل گرم انداختن و مسلمان را غلام بکند قرار دادن و از مسجد
 فتح بکنند تا در دوازده سال قلعه مسلمانان را در شاخ درخت اوزان کردن و بی حرمتی مساجد
 خصوصاً جامع مسجد و محل کے خرابی خود را در آن می‌بستند و در مقام عبادت الهی و فاتر
 الهادی قائم کردن و در حوض مسجد به عوض آب سردی یعنی سرگین گاتے خرابی را انداختن آن
 نقیص حیات از سید حسین احمد مدنی ص ۲۰۰ ای مسلمانان این بود چه عوی از نظام انگلیز که بعد از
 تسلط بر مسلمانان و در پی با تسخیر مسلمانان هند شروع کردند که اهل حدیث حامی آن بود و
 جمله را علیه آن حرام می‌گفتند بر این تفصیل در رساله نظام انگلیز به طرف کتاب القاب ۱۸۵۶
 که در تاریخ از شیخ حسام الدین به زبان اردو و به کتاب مسٹر ریڈورڈ ٹانسیس به زبان انگلیزی
 مراد می‌کنید به سبب غداري و خمیر فروش فرقه نو پیدا یعنی غیر متقلدین مسلمانان هند به چنین
 صاحب نظام مبتلا شدند اگر گروه غیر متقلدین یقیناً مسلمان میبودند و غداري و خیانت نمی
 کردند نه زن مسلمان بی پرده میشدند و نه مساجد بی حرمتی میشدند و نه جسد مسلمان در سر
 درخت اوزان میشدند و نه مسلمان در پوست خوک داخل کرده میشدند خلاصه این که پیچ نوح
 در هند صورتی گرفت این همه از صدقه فرقه مبتدعه نو پیدا بود که برای خوشنودی
 و کفر با خداوند تعالی و داند و بیرومی آنکه کرام را شرک و کفر گفتند و ندانستند که چراغ
 حقانی هرگز نه مرد (اینها از اسلام محمدی صلی الله علیه و سلم خیلها دور اند به اوصاف ظاهری
 و قریب خودید خبث باطنی ایشان اکثر است از اسلام حقیقی و اهل اسلام خیلها دور اند
 و این خیلان اند که در مقابل با کس و جود زیاد و ندانستند که
 هر چه گویان میر که خالی است ؟
 و این که با کس و خفت باشد ؟

کردار غیر مقلدین در جنگ آزادی ہند ۱۸۵۷ء

وقتیکہ مسلمانان ہند برائے آزادی علیہ انگریزی جنگیدند و جان و مال خود را قربان می کردند در آن حالات بہ عوض بیمار داری و تداوی و تعاون مجاہدین سلام اعم از مالی و اخلاقی قائد و امام اہل حدیث (غیر مقلدین) تذیر حسین دہلوی معروف بیمار داری و تداوی انگریز بود چنانچہ کہ زخمی شکر لعل انگریز را در خانہ خود برده مدت ۳۰ ماہ تداوی کرد و قتیکہ صحت مند شد آن را دو کیمپ انگریز رسانیدہ مبلغ ۱۳۰۰ روپیہ را بخرج الوقت انعام گرفت. و شہادت اسمی و فاداری بہ حکومت انگریز را حاصل کرد این ہمہ اند برای رضای انگریز بہائز و تقلید آئمہ اربعہ حرام و شرک است ای مسلمانان عبرت حاصل کنید و این واقعہ اظہر من الشمس است انکار آن دلیل جہالت بہ واقعات ہند است زیرا کہ خود غیر مقلدین بہ این حقیقت اعتراف کرده اند چنانچہ کہ محقق معروف غیر مقلدین مفتاح حسین ہندی در کتاب مشہور خود الحیات بعد الممات در ص ۱۲۶ کہ در سوانح امام جماعت اہل حدیث نوشتہ است بہ صحت این واقعہ اعتراف کرده است و جنگ آزادی مسلمانان ہند را بہ غدہ و خیانت تعبیر کرده است کہ دلیل واضح است بہ گراہی این فرقہ نومولود و مبتدع فی الدین و قائد دیگر غیر مقلدین کہ دوست صمیمی قادیانی بود یعنی محمد حسین بٹالوی (غیر مقلد) در جریدۃ اشاعت السنۃ نوشتہ است کہ در غدہ (یعنی جنگ آزادی ہند) پیر اہل حدیث علیہ انگریز جہاد نکرد و در عین این طوفان مشغول بہ تداوی انگریز بودند و بعد از صحت آن را دو کیمپ انگریز و رسانیدند رسالہ اشاعت السنۃ ص ۲۶۹ کہ محمد حسین بٹالوی غیر مقلدین بود عمل آن بہ حدیث و این مفہوم عمل بہ حدیث است کہ در حالت جہاد علیہ انگریز از حکومت انگریز حمایت می کردند۔

گر ہمین مکتب و ہمین ملا ؟

کارِ طفلان تمام غایب شد ؟

از جملہ خویشاوندان تذیر حسین امام اہل حدیث شخصی بنام تذیر احمد در سوانح تذیر حسین می نویسد کہ در زمانہ غدہ (یعنی جہاد مسلمانان ہند) زخمی انگریز را در خانہ خود آورده تداوی

137386

و بعد از صحت آنرا به کمپ انگریز سپرد و از انگریز شهادت و ناداری و پول نقد حاصل کرد
و اگر مجاہدین از این واقعه خبر می شدند همه اہل و عیال او را نابودی ساختند الحیات بعد
الحیات منک و منک بیع ہند.

تاریخ کرام خوب خود کنید و خود فیصلہ کنید کہ آیا این گروہ نو مولود مسلمان ہستند یا نہ
زیر کہ قاضین این طرفہ شہادت در جنگ آزادی مسلمانان ہند سہم نگرفتند و از مسلمانان
حمایت نہ کردند و تعداد ۳۶۰۰۰ ہزار مسلمان شہید شد در دل پیر مقلدین رحم جانی نگرفت و قتیکہ
یک عسکر انگریز زخمی شد دل امام اہل حدیث بیقرار شد و آن را بہ خانہ خود بردہ توادری کرد
و بعد از صحت یابی آنرا سالم بہ کمپ انگریز سپرد و تمام ظلم و مصائب کہ از طرف انگریز بہ
سر مسلمانان رخ میداد پیش برد نہ داشت زیرا کہ از طرف دوست صورت میگرفت و ہر چہ کہ
از طرف دوست صورت بگیرد باکی ندارد سوال این است کہ علت چہ است کہ دل او
بہ مسلمانان نمی سوخت و بہ کافر می سوخت بسوخت عقل زحیرت کہ این چہ بود العجبی است
امام و مجتہد غیر مقلدین نذیر حسین دہلوی بہ سبب وفاداری بہ انگریز و حکومت جابر او مبلغ
۱۳۰۰ روپیہ رائج الوقت انعام گرفت و بہ خطاب شمس العلماء مخاطب شد و از انگریز شہادت
رسمی وفاداری حاصل کرد و این افسانہ نیست بلکہ واقعیت است چنانچہ کہ یک شہادت رسمی او
بہ نام شہادت نذیر حسین از طرف ڈپو جی و اتر نیلڈ قائم مقام کشر انگریز در دہلی در مجلہ اشاعتہ
السنۃ ص ۳۰ از محمد حسین بنالوی غیر مقلد شائع شدہ کہ انکار آن جہالت محض است و شہادت رسمی دیگر
بناہم سادگی و وفاداری از ڈپو تریلیٹ بنگال سروس کمیشن دہلی کا سپرنٹنڈنٹ الفاظ اردو و التقلی کہتم
زیر کہ وکشر است۔ مولوی نذیر حسین دہلی کے ایک بڑے عالم ہیں جنہوں نے مشکل اور نازک وقتوں میں اپنی
وفاداری اور نمک حلالی گورنمنٹ برطانیہ پر ثابت کی ہے۔ کتاب الحیات بعد الحیات ص چاپ کراچی مہتموم
اسی است کہ نذیر حسین دہلوی در اوقات مشکل وفاداری و نمک حلالی خود را ثابت کردہ و در سالہ اشاعتہ
السنۃ ص ۳۰ از بنالوی غیر مقلد آمدہ است کہ حکومت انگریز بہ وقت نذیر حسین را کمک و مدد می کرد
و اگر او سستی کرے کہ بہ سبب حمایت و وفاداری او بہ انگریز و حکومت الحادی و خود بخوار او در بدل
شہادت کہ نذیر حسین دہلوی غیر مقلدین انجام دادہ بودی و آن نیکو مسلمانان و مجاہدین و حمایت انگریز
بناہم سادگی و وفاداری از ڈپو تریلیٹ بنگال سروس کمیشن دہلی کا سپرنٹنڈنٹ الفاظ اردو و التقلی کہتم
زیر کہ وکشر است۔ مولوی نذیر حسین دہلی کے ایک بڑے عالم ہیں جنہوں نے مشکل اور نازک وقتوں میں اپنی
وفاداری اور نمک حلالی گورنمنٹ برطانیہ پر ثابت کی ہے۔ کتاب الحیات بعد الحیات ص چاپ کراچی مہتموم
اسی است کہ نذیر حسین دہلوی در اوقات مشکل وفاداری و نمک حلالی خود را ثابت کردہ و در سالہ اشاعتہ
السنۃ ص ۳۰ از بنالوی غیر مقلد آمدہ است کہ حکومت انگریز بہ وقت نذیر حسین را کمک و مدد می کرد
و اگر او سستی کرے کہ بہ سبب حمایت و وفاداری او بہ انگریز و حکومت الحادی و خود بخوار او در بدل
شہادت کہ نذیر حسین دہلوی غیر مقلدین انجام دادہ بودی و آن نیکو مسلمانان و مجاہدین و حمایت انگریز

و مبتدع فی الدین یعنی فرقه اهلحدیث ۱۵

کنندیم جنس با هم جنس پروانه

کبوتر با کبوتر باز با باز

عمل غیر مقلدین در زمان نذیر حسین دهلوی

اما غیر مقلدین

قبلاً به دلائل قاطعه و براهین واضحه ثابت کردم که فرقه غیر مقلدین اهل حدیث موجودی بعد از ظهور و تسلط حکومت انگریز به خود آمدند و در زیر سایه حکومت انگریز پرورش یافتند و در سایه عافیت انگریز نشوونما یافتند و به اشاره انگریز در میان مسلمانان افتراق و اختلاف ایجاد کردند (زیرا که قبل از تسلط انگریز همه مسلمانان مبنی حنفی المذهب بودند و هیچ نوع اختلاف وجود نداشت)

خدمه از آنجا که در این مسئله تمام قوت خود را به معیت قوت مالی انگریز بکار بردند و مسائل فروعی را بهانه قرار داده در میان مسلمانان انتشار پیدا کردند چنانچه که نثره عالی آنرا در میان غیر مقلدین پشاور و نورستان و گونر مشاهده می کنیم و در آن زمان نذیر حسین دهلوی به ضد مسلمانان اشتها و اخبار به چاپ رسانیده منتشر می کرد که از دایره ادب خارج است. مسائل فروعی را معسکه کفر و اسلام قرار می داد و به علماء احناف بغض شدید داشت حتی که به شیعیه آن زمان در عراق خط نوشت که اگر به نزد توبه ذم ابوحنیفه و اصحاب او کتاب باشد به من بفرست که من اشرف ضرورت دارم مراجعه کنید تبیة الضالین ص ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ میند. و تمام علماء آن وقت به گراهی و بی دینی او فتاوی صادر کردند و عادتاً از نگاه اخلاق نهایت پست بود و این حقیقت در غیر مقلدین پاکستان به چشم خود دیدم که اخلاق این گروه پست است و بازار زنا و لواطت گرم است. فحاشی بر او رخ خود رسیده است. اگر ناراض نشوید در غیر مقلدین افغانستان نیز این فحاشی سرایت کرده است زیرا که اثر در صحبت امر مسلم است از جمله واقعات بی دینی و فحاشی این گروه یک واقع را ذکر می کنم که پدر بزرگوار علامه سید ابوالحسن علی الندوی الدوبندی، علامه سید ابوالحی الحسینی ناظم اعلی ندوة العلماء لکهنو میند تقریباً قبل از ۱۳۵۰ سال بیان کرده است که باعث هجرت و شرم است ما انک

میں نے اپنی زندگی میں دیکھی ہے کہ مشرکوں نے انہیں انڈازہ میں لے گئے اور انہیں قتل کر دیا۔ علامہ موصوفی نے لکھا ہے کہ اس واقعہ پر حضرت
 علیؑ نے فرمایا کہ یہ سب سے بڑا گناہ ہے۔ اور اس میں جو قریب است۔ در این محلہ یک مولوی سکونت
 فرمایا اور وہ روز بروز تیز چلنے لگتا اور وہی زامام غیر مقلدین) مدرس است۔ ویک پیرزن
 تیر روز اس محلہ سکونت داشت۔ یک روز زن مولوی غیر مقلد پیرزن را طلب کرده گفت کہ از برای
 خدا نماز کن تا میں غلام بنامتہ بدہ۔ پیرزن گفت: خیر است، زن مولوی گفت: کہ شراست کہ زیرا کہ
 شہر میں نندہ است و این مولوی غیر مقلد مرا بہ فریب آورده بہ ہمراہی من بدکاری می کند۔
 (استغفر اللہ العظیم) و روزی مولوی غیر مقلد رازی خود را در خلوت بہ نذیر حسین امام اہل حدیث
 پہنچا کر دہ، گفت کہ در این قریہ یک زنی خوبصورت است و من بہ آن محبت دارم۔ لیکن
 شہر آن موجود است۔ برای من چنین تدبیر نشان بدہ کہ آن زن در تسلط من بیاید۔

(حال فتویٰ امام غیر مقلدین بالشونہ کہ دلیل واضح بہ محدثی دین بودن اوست)

امام غیر مقلدین گفت: این کار مشکل نیست، زیرا کہ اہل قریہ ہمہ حنفی اند و انہما مستحل الدم ہند
 (لعنة الله على الكاذبين) یعنی قتل انہا جائز است و مال انہا مال غنیمت است۔
 قتل انہا برای ما جائز است الخ (دہلی اور اس کے اطراف ص ۴۹ ج ۱، از سید عبدالحی پور سید ابوالحسن علی
 الندوی الدیوبندی الحنفی) این است فتاویٰ امام اہل حدیث۔ مردم افغانستان از این واقعات بہت
 حال کنیہ و بدایید کہ غیر مقلدین کہ ہستند و چہ اہداف دارند مسلمانان را مستحیل الدم و کافر و مشرک
 می گویند حتی کہ متبعین ائمہ اربعہ را مسلمان نمیدانند و زن و مال مسلمانان را حلال می گویند
 و نظریہ این عوام غیر مقلدین ہر فوج رابطہ بہ ہمراہ، انہا حرام است و نکاح اہل سنت با غیر مقلدین
 حرام نیست زیرا کہ این گروہ کفر نیستند و نکاح بہ انہا حرام است و در آن زمانہ غیر مقلدین مساجید
 را مرکز کفر سازی و تفسیق مسلمانان ساختہ بودند۔ متبعین ائمہ را در مساجید دشنام می دارند و
 ائمہ اربعہ را سب و دشنام می گویند و در شب در مساجید مقلدین مراداری می انداختند و گوشت
 مردار و حرام و گندگی را در مساجید مسلمانان می انداختند۔ بعینہ روایت مشرکین عرب با پیغمبر اسلام
 صلوات اللہ علیہ فرمایند: ہر کس کہ با من در جنگ ہستد و من را کشتد و گوشت مرا بخورد و در مساجید
 مسلمانان انداختد و در مساجید مقلدین مراداری می انداختند۔ آیا غیر مقلدین حدیث

سبب المومنین فسوق و قتالہ کفر و ازاموش کرده اند۔ بی دینی و خرافات
 و عزائم الحادی غیر مقلدین بہ درجہ رسیدہ است۔ کہ انکار از آن ناممکن است۔ مؤرخ و محقق ہند
 علامہ سید عبدالحی الحسنی پدر بزرگوارہ علامہ ابوالحسن علی الندوی دیوبندی حنفی در سفر خود بہ دہلی می
 نویسند کہ مسجد درہلی مولوی اکبر غیر مقلد و عظمی کرد۔ و در وعظ از احناف تبراً بیزاری خود را اعلانی
 می کرد۔ و بہ این سخن فخر می کرد کہ از خاندان ہدایہ (ہدایہ بزرگترین کتاب فقہ اسلامی است) توبہ کردہ
 ام۔ و چنین می گفت کہ اگر از خاندان ہدایہ توبہ نمی کنیدی ہمہ روز دوزخ می رویدی و تمام مقلدین
 ظالمین و مشرکین ہستند۔ الخ دہلی اور اس کے اطراف ص ۶۸، ۶۹ از پدر ابوالحسن علی الندوی ع

قیاس کن : بہاد من گلستان مرا این است

این است اسلام و عمل بہ حدیث غیر مقلدین در حالیکہ کفر بہ طرف قائل خود رجوع می کند۔ حقیقت این
 است کہ بہ نزد غیر مقلدین اسلام و حدیث بیچ اهمیت ندارد بلکہ مسئلہ اساسی آنها تفرقہ بین
 مسلمانان و اختلاف و انتشار در میان مسلمانان و بالآخرہ سقوط مسلمانان است و این
 ہمہ برای خوشنودی دشمنان اسلام است این است اصل حرکت غیر مقلدین و مقصد اساسی
 آنها، حیث بر چنین مسلمانان حالات امام غیر مقلدین را مطالعه کردید و دانستید کہ نہ مسلمان بود
 و نہ خیر خواہی مسلمانان بلکہ جاسوسی و حامی حکومت انگریز و دشمن مسلمانان بود حال بہ کشف احوال
 شخصیت دوم این حرکت نومولود و جاسوس انگریز و مجوسی پردازیم ولی بینیم کہ این چه شخصیت بود
 و چه کاری انجام داد۔

شخصیت اساسی دوم غیر مقلدین

این شخصیت نواب صدیق حسین خان است کہ بہ نزد غیر مقلدین امام و پیشوا و حامی السنت
 و قائمہ المحدثین است ولی بہ تاریخ اکتوبر ہوزیکشنہ ۱۸۳۲ء بمقام باسی منسلح برہلی پیداشدہ
 و بہ تاریخ ۲۰ فروری ۱۸۹۰ء وفات کردہ است (ماثر صدیقی ص ۲۰ ج ۳)

نواب صدیق حسین خان غیر مقلد و انگریز

قائد دوم غیر مقلدین نواب صدیق حسن خان برای خوشنودی انگریز و حاصل کردن الغامت و رضا
 انگریز مجاہدین ۱۸۵۶ء ہند را (کہ بہ قہر انگریز جہاد میکردند) طعن و تشنیع کردہ آنها را ظلم و غاصب

مفسد و نادان و عداوتی و جاہل و منحرف از اسلام و مرتکب گناہ کبیرہ
 از اسلام خسرا دنیا و الاخذہ می گفت. و مسلمانان را باین القاب خبیثہ یاد
 کرد. کتاب اہل حدیث ص ۲۲ طبع پاکستان۔ این بود خیالات قائد دوم و امام غیر مقلدین در بارہ
 تہذیب اسلام مجاہدین ۱۸۵۶ ہند کہ کفر محض است خیالات ایں خبیث را در بارہ انگریز و حکومت
 افسوس از مطالعہ کنید کہ مظهر حقائق اہل حدیث است از مطالعہ کردہ خود فیصدہ کنید کہ آیا اہل حدیث
 مسلمان است یا غیر اقبال امام ملحدین امام اہل حدیث قرار ذیل است :-

۱۔ اطاعت انگریز بہ نزد اہل حدیث (غیر مقلدین) از سہمہ واجب ہا واجب تر و از و اہم تر
 است۔ این قول امام اہل حدیث قابل غور و اہم است۔ لہذا الفاظ اردو آزا نقل می کنم
 تا قادیان کرام لطف حاصل کنند (لطف الحادی) وی می نویسد: اور حاکموں کی اطاعت اور
 رئیسوں کا اقتیاد ان کی ملت میں (یعنی ملت غیر مقلدین) سب واجبوں سے بڑا واجب
 ہے۔ ترجمان و بابہ ص ۲۹ از نواب صدیق حسن خاں قائد دوم اہل حدیث) قادیان با ضمیر و خدا
 پرست و اسلام دوست و غیور و متترین شما خود خداج را حاضر دانستہ خود کنید کہ آیا اطاعت انگریز
 ظالم و خونخوار و کافر از سہمہ فرائض اسلامی فروریقہ و اہم تر است گویا از کلمہ توحید و نماز و روزہ و حج
 و زکوٰۃ خلاصہ از سہمہ فرائض اسلامی کردہ فرض تر و اہم تر است۔ دہر کہ از انگریز پیروی نکند گویا
 منکر فرض است۔ و از دارہ اسلام خارج است۔ فوا اسفی افسوس بر چنین قائد و صد
 افسوس بر چنین اشخاصیکہ در دہبال اعیان عقاید و مہلک چنین منحوس ہستند۔

اے بسا ابلیس آدم روی است

پس بہ ہر دست نباید داد دست ؟

از ایں گوردہ نو مولود چه توقع غلام داشت در حالیکہ ؟ ایں چنین ارکان دولت ملک را دیراں کنند
 جہاد علیہ انگریز سخت ناوانی و حماقت است۔ قائد اہل حدیث چونکہ کتاب ایں منحوس بہ زبان اردو
 است و اگر عبارت اردو را نقل کردہ ترجمہ کنم کتابم طول کشد و مقصد ایں حقیر اختصار است
 از ایں لحاظ الفاظ اردو را نقل نمی کنم بلکہ بجوالہ صفحہ صفحہ معنی آزا نقل می کنم تا قادیان کتاب از حقائق
 اہل حدیث آگاہ شد۔ از ایں فتنہ جدید خود را نگاہ دارند۔ نواب صدیق حسن خاں قائد دوم
 غیر مقلدین و امام اہل حدیث نام نہادی نویسد کہ آنانکہ از حکم مذہبی جاہل اند (یعنی مذہب الحادی
 انانکہ مذہب اہل سنت و الجماعت) وہی خواہند کہ حکومت انگریز ختم شود و امن و امان کہ

Marfat.com

به تفصیل حکومت انگریز میسر شده از بین برد نام آنرا جهادی نامند آنها همه جاهل و نادان اند و این علامت نادانی آنها است. ترجمان و دایره میث از نواب صدیق حسن خان امام اهل حدیث مخالفت انگریز قطعاً ناجائز است و هندوستان دارالاسلام است. یعنی حکومت انگریز حکومت اسلامی است و شخص دیگر نیز در این موضوع گوه خورده است که تفصیل آن در کتاب دیگر این حقیر بنام **شیا طین الهند** و کتاب او به نام اعلام الاعلان بان هندوستان دارالاسلام است و نواب صدیق حسن خان امام اهل حدیث می گوید که در این امر شکی نیست که هندوستان دارالاسلام است و اطاعت حکومت انگریز ضروری است. ترجمان و دایره میث ۴۸.

۴- در هند بیچ فرقه به مثل اهل حدیث خیرخواه انگریز نیست. نواب امام اهل حدیث می نویسد که به تحقیق من بیچ فرقه به مثل اهل حدیث خیرخواه حکومت انگریز نیست. ترجمان و دایره میث ۱۱۳ (تنبیه) به سبب همین محبت و وفاداری حکومت انگریز، انگریز نواب بهوپالی را به نواب صدیق حسن خان سپرد و بعد از آن به نام نواب صدیق حسن خان یاد می شد و او این نوایی را قبول کرده در خدمت انگریز از همه پیش پیش بود. مقلدین امام اعظم امام ابوحنیفه در سال ۱۸۵۶ جهاد خود را علیه انگریز اعلان کرده بودند و تمام مسلمانان هند تحت ظلم و شکنجه انگریز قرار داشتند و در آن وقت امام غیر مقلدین با عساکر خود مدت ۴ سال در فرقه یعنی چھاوئی انگریز دوش بدوش انگریز با مسلمانان جنگید و به سبب این حماقت و وفاداری پول و زمین و جایباده فراوانی از انگریز به طور جائزه و انعام حاصل کرد. چنانچه که خود نواب صدیق حسن خان اعتراف کرده می نویسد که خیرخواهی ریاست بهوپالی بر انگریز ظاهر است و برای افواج حکومت انگریز غله و امداد مهیا کرده بود و علاوه کرده می نویسد که بعد از اعلان جهاد (یعنی اعلان مجاهدین هند) ریاست بهوپالی اعلان کرد که بیچ حامی مجاهدین زعم از ترکی، عربی، هندی در ریاست بهوپالی استقامت نکنند و این حکم تا حال جاری است و بر انگریز خط نوشت که افواج من برای حمایت و کمک تیار است و مدت ۴ سال افواج بهوپالی در خدمت و حمایت حکومت انگریز معروف بود و به علیه مجاهدین می جنگید. ترجمان و دایره میث ۱۱۲، ۱۱۳.

غیر مقلدین و مجاهدین هند ۱۸۵۶

۵- فدای بحث عقیده امام اهل حدیث را از کتب خود او برای قارئین کرام پیش می کشم تا

در حدیث جبرئیل علیه السلام آمده است که هر کس از شما را از جهاد دعوت کند و او را در راه خدا راهی کند و در فلفله فیه مبتلا نشوند زیرا که اهل حدیث جهاد را حرام
 و منکر می دانند و به منسوختن جهاد کتب نوشته اند که الاقتصاد فی مسائل الجهاد
 نام دارد و در فیه فی ضلع باولنگر به چاپ رسیده است و اصل کتاب به نزد این حقیر
 موجود است. انکار از آن ناممکن است و از حواله جات بعدی ثابت میشود که اهل حدیث
 با انگریز محبت و دوستی داشتند و با مسلمانان مداوت و بغض و عناد. چنانچه که امام احمدیث
 ذاب صدیق حسن خان جاسوس انگریز در باره مجاهدین ۱۸۵۴ هجری هندی نویسد که آنها از ایمان دور اند
 و حسد شکن و بی وفا و احمق و نادان اند و ادمشیره اسلام و ایمان (یعنی اسلام غیر مقلدین
 نه که اسلام محمد عربی) دور اند و خائن اند و این جهاد جائز نیست. ترجمان و لا بیه ص ۵۳.
 ۱- مجاهدین جنگ آزادی ۱۸۵۴ هجری نادان و غاصب و عاری از خلوص و پاکی اند و از حق روگردان و
 از اسلام منحرف اند و همه مجاهدین از اسلام خارج بودند. ترجمان و لا بیه ص ۲۳ از امام اهل حدیث.
 ۲- جهاد مجاهدین ۱۸۵۴ هجری جهاد شرعی نبود (زیرا که به خلاف آقائے اکامی جنگیدند) امام اهل
 حدیث می نویسد که این جهاد هرگز جهاد شرعی نیست زیرا که خلاف حکومت است و این
 بغاوت است آنرا جهاد گفتن جائز نیست ذودین غیر مقلدین نه کردین اسلام) و
 گمراهی و جهالت است. ترجمان و لا بیه ص ۱۰۶.

۳- مجاهدین جنگ آزادی ۱۸۵۴ هجری همه حنفی بودند (امام غیر مقلدین می نویسد که هیچ کس نشنیده
 است که انسان متبع سنت و مومند اهل حدیث و متبع قرآن با انگریز جنگیده باشد و یا بر آن جهاد
 آورده شده باشد این همه (یعنی جهاد کردن) کار مقلدین مذہب حنفی بود نه که کار اهل حدیث.
 ترجمان و لا بیه ص ۲۵.

چنان که از تحریرات سابقه خیالات و نظریات غیر مقلدین در باره جهاد آزادی ۱۸۵۴ هجری معلوم
 میشود هم چنین این حقیقت واضح میگردد که غیر مقلدین هرگز جهاد نکرده است و نه جهاد آزادی
 ۱۸۵۴ هجری شریک شده اند بلکه بالعکس مجاهدین را باغی و مخالف سنت و خارج از اسلام می گفتند و
 این حقیقت نیز واضح میگردد که همه مجاهدین آزادی هندی حنفی المذہب بودند نه که سلفی و اهل حدیث و غیر مقلد.

در این باره نیز غیر مقلدین است که بر ریاست ذاب صدیق حسن خان امام احمدیث در آن زمان جاری میشد. و بعداً
 در کتاب تاریخ هند است ۱۲ - منہ

حقیقت این بود افغانستان عزیز مشاهده می کنیم که علماء و عوام احناف جهاد می کنند و سلفی و اهل حدیث و غیر مقلدین در پاکستان در قول خارج عیش می کنند و در پی منافقت و مخالفت با مسلمانان هستند و معاونین و همکار تمام قدرت های غیر اسلامی هستند این است حقیقت غیر مقلدیت و سلفیت و قبلاً قول نواب صدیق حسن خان غیر مقلد ذکر شد که تمام مجاهدین آزادی هند ۱۸۵۷ء از تسلط انگریز صنفی المذهب بودند و القاضی ماسهدت به الاعداء معلوم شد که احناف اند که از برای اصلاح کلمه الله و آزادی و نجات از هر نوع ظلم و جور استبداد و غلامی هر نوع از ملت می جنگند و تاریخ گواه است که از ابتدا تا حال غیر مقلدین مع برادران کلال خود خود اهل تشیع معاون دشمنان اسلام بودند و احناف کثر الله جمعهم و اول تا حال با دشمنان اسلام بدسریکار اند. ج

این سعادت بزور بازو نیست

تا نه بخشد خدای بخشنده

اسرار محبت را هر دل نبود قابل در نیست پیر دریا زرنیت هر کفنه
 جهاد نصیب خاصان اسلام است نه که نصیب اعدائے اسلام است
 در تاریخ ورق می زینم تا به بینم که مجاهدین اسلام که است و اعداودین که

مجاهدین هزاره بالاکوت و غیر مقلدین

گروه گمراه و نومولود غیر مقلدین (که خود را اهل حدیث می گویند) چنانچه که مجاهدین ۱۸۵۷ء را به سبب رضاء جوانی و خوشنودی انگریز طرد کافر و فاسق و ظالم و مخالف قرآن و سنت و بالاخره خارج اند اسلام قرار داده بودند هم چنان وفاداری انگریز آنها را مجبور کرد تا مجاهدین هزاره را نیز فاسق و فاجر و ظالم و خارج از اسلام بگویند و این همه برای رضاء انگریز و حصول دنیا و برای استحکام حکومت انگریز در میان مسلمانان اختلاف انتشار و بالاخره متنفر شدن مردم از مجاهدین چنانچه که در وطن عزیز خود افغانستان مشاهده می کنیم که احناف در سنگر جهاد می جنگند و غیر مقلدین مسائل فروعی را بهانه کرده در میان مسلمانان تخم نفاق را می پاشند و هدف اصلی آنها ناکام کردن مسلمانان و حمایت از الحاد است. عیان را چه بیان.

۴۰ و به نام جهاد دست به قتل علماء را بلسنت زده اند که در کونر قتل مولانا عبدالرحمن بدست جمیل الرحمن طبر دلیلی واضح است - ۱۲۰ منده

تعارف مجاہدین بالاکوت

مجاہدین بالاکوت از جملہ مسلمانان مخلص و بقیہ سلف صالحین و فخر احناف بودند کہ روح اسلام یعنی جہاد را زندہ کردند۔ آنها تحت قیادت حضرت سید احمد شہید و حضرت شاہ اسماعیل شہید نواسہ شاہ ولی اللہ محدث دہلوی حنفی کہ ہمہ حنفی المذہب بودند در حقیقت آنها بیچ مشکئی نیست و خود مجدد غیر مقلدین نواب صدیق حسن خان در الحطہ و ابجیال العلوم اعتراف کرده است) برای رضای خدا و اعلائے کلمتہ الحق و احیاء ادلتہ شرعیہ و اشاعت دین و احیاء سنت و مذہب ساقی اہل سنت و امانت بدعت و اہل بدعت خلاصہ برای قیام یک حکومت اسلامی واقعی و نجات مسلمانان از دست ہمہ ظلمہ و خصوصاً فرقہ سکھ کہ در ہزارہ پاکستان موجودی حکومت داشتند۔ در میدان جہاد قدم گذاشتہ روح حقیقی اسلام را زندہ کردند کہ خدمات آنها اظہر من الشمس است و در آن زمان بہ مثل آنها باہمسل و پاک از و پاک دامن بیچ اجتماعی و فردی وجود نہداشت و واقعاً مجاہدین حقیقی بودند۔ لیکن این افراد کہ آمدند خود را اہل حدیث میگویند برای خوشنودی در نماز انگریزہاں مجاہدین را کافر و بے دین و از اسلام خارج می گفتند۔ نظریات و خیالات کبریٰ دین فرقہ منحوسی نومولود نواح اس را بشنوید تا آنہ حقائق این گروہ آگاہ شوید۔ و در گمراہی مبتلا نشوید۔ و از مقصد اعلیٰ این گروہ مطلع گردید و بدانید کہ آنها حامی اسلام و مسلمانانند یا کفر و کفرہ۔

۱۔ مجاہدین بالاکوت ہزارہ شریعہ و فسادی اند؟ مجدد اہل حدیث نواب صدیق حسن خان می نویسند کہ تمام فرقہ سائے اسلام بہ حکومت (یعنی حکومت انگریزہ) شکایت کردند کہ فرقہ غیر مقلدین و اہل حدیث) بہ مثل فرقہ مجاہدین بالاکوت دشمنی حکومت و بدخواہ حکومت اند۔ این ہمہ افترا است الخ (ترجمان و ابیہ) از عبارت فوق معلوم شد کہ این فرقہ نومولود اہل حدیث دوست و نیک خواہ حکومت انگریزہ ہستند و مجاہدین بدخواہ حکومت است و اہل حدیث با مجاہدین بیچ نوع موافقت ندارند۔

۲۔ نفرت از مجاہدین بالاکوت تقاضائے ایمان است۔ مجدد غیر مقلدین می نویسند کہ حکومت انگریزہ اعلان صادر کرد و در آن ذکر شد کہ فرقہ غیر مقلدین بدخواہ حکومت نیست لہذا این فرقہ را ولای گفتہ نشود زیرا کہ قایدین این فرقہ اعلان کرده اند نفرت از مجاہدین بالاکوت

تقاضائے ایمان است. انتہی ص ۶۲ ترجمان و لایہ لہوری (ایں بود کار نامہ مجدد اعظم غیر مقلدین کہ شائقانین کرام مطالعہ کردید و ممکن است کہ بہ این نتیجہ رسیدہ باشید کہ در حقیقت اہل حدیث (غیر مقلدین) جاسوس و عمل انگیز بودند پس از چہنیں افراد توقع اسلام و خدمت بہ اسلام امر ناممکن است۔ حال در شخصیت دیگری غیر مقلدین نظر افکنیم و بینیم کہ این شخصیت دیگر اہل حدیث بہ حکومت انگیزہ چہ خدمات را انجام داد و این شخصیت بزرگ و اہل حدیث مولوی محمد حسین بٹالوی است۔ این مرد میدان برای خوشنودی انگیزہ از تمام متقدمین خود ترقی کردہ بود و رسالہ اشاعت السنۃ خود را در خدمت انگیزہ وقف کردہ بود حتی کہ این بطل جلیل غیر مقلدین از غلام احمد قادیانی مدعی نبوت ترقی کردہ در منسوخیت جہاد کتاب نوشت کہ پر از خرافات و منکر جہاد است۔ لنتہ اللہ علیہ و علیٰ انصارہ۔

جہاد بہ نزد غیر مقلدین منسوخ است

محقق و مؤرخ مشہور ہند غلام محمد ایوب انصاری در کتاب مشہور خود جنگ آزادی ہند ۱۸۵۷ء می نویسد کہ محمد حسین بٹالوی غیر مقلد برای خوشنودی انگیزہ بہ منسوخیت جہاد کتاب نوشت کہ الاقتصاد فی مسائل جہاد نام دارد و آنرا بہ زبان عربی و انگریزی ترجمہ کردہ در میان مسلم مسلمان ہند تقسیم کردند و آن کتاب بہ نام والی انگریز معنون کردہ و از تمام علماء اہل حدیث تقریظ حاصل کردہ در ماہنامہ اشاعت السنۃ شائع کرد و در ۱۲۹۶ھ با مراقت تمام علماء اہل حدیث (غیر مقلدین) شائع شد۔ این است خدمت بزرگترین شخصیت غیر مقلدین بہ اسلام و مسلمین ای مسلمانان افغانان عبرت حاصل کنید و از این گروہ باطل خود را نگاہ کنید۔ تفصیل نوشتن رسالہ کتاب منسوخیت جہاد را از زبان خود مؤلف آنکہ مجدد غیر مقلدین است۔ بشنوید کہ آن دربارہ این کتاب الحادی خود چہ میگوید جناب مجدد غیر مقلدین محمد حسین بٹالوی فخر کردہ این کتاب خود را بہ کتاب غلام احمد قادیانی کہ در بارہ منسوخیت جہاد نوشتہ بود، ترجیح دادہ می نویسد کہ وکیل این قوم یعنی غیر مقلدین و کان وکیل خود محمد حسین بٹالوی است) بہ حمایت انگریزوں رسالہ خود مختلف معنایں نوشتہ می نویسد کہ

در تمام مضامین خود ثابت کرده است که جهاد علیه انگریز ناجائز است. و تعاون مجاهدین حرام است و نمیدانم که این حکم یعنی ناجائز بود جهاد علیه انگریز و حرام بودن تعاون با مجاهدین در کدام دین است و در دین مقدس اسلام چنین حکم وجود ندارد شده میتواند که در دین اهل حدیث (غیر مقلدین) وجود داشته باشد و شکی نیست که دین غیر مقلدین از دین اسلام جدا است) این مضامین وکیل غیر مقلدین در مهفت رساله جر نیل انجمن پنجاب منبر اجله ۵ چاپ ۲۵ دسمبر ۱۸۸۵ء شائع شده است و اعزاز نامه حکومت انگریز نیز شائع شده است مضمون رساله اهل حدیث قرار ذیل است. خادم اهل حدیث (غیر مقلدین) محمد حسین بٹالوی در این مضمون یعنی جهاد علیه حکومت انگریز ناجائز و تعاون مجاهدین حرام است. کتاب مسنی به الاقصاد فی مسائل الجهاد نوشته که فاضل بریطانوی جی. ڈبلیو ڈاکٹر لیور زبانی پنجاب یونیورسٹی و پرنسپل گورنمنٹ کالج لاهور به زبان انگریزی ترجمه کرده است. اشاعت السنه ۲۶۱ شماره ۵ جلد ۵) و این کتاب را به کتاب قادیانی ترجیح داده می نویسد که خصوصیت که در این کتاب است در هیچ کتاب دیگر نیست ص ۳۴۱ این بود اسلام و خدمت به اسلام و کردار ایمانی غیر مقلدین حتی که امام شیطان این فرقه ثواب صدیقی حسن بهوپالی نیز این کتاب را تأیید کرده است و می نویسد که در سال ۱۸۶۵ء محمد حسین بٹالوی سرگروه غیر مقلدین در جواب این سوال که آیا جهاد علیه حکومت انگریز جائز است یا نه جواب داد که جنگ علیه حکومت برٹش (یعنی انگریز) ممنوع و ناجائز است و آنانکه علیه حکومت اقدام می کنند همه باغی اند. و حکم آنها حکم باغی است.

الاقصاد فی مسائل الجهاد کتاب منفقین غیر مقلدین است

مؤلف محمد این کتاب محمد حسین بٹالوی غیر مقلدی نویسد که اگر چه در دین مضمون دیگر کتب نیز نوشته شده است مگر خصوصیات که این کتاب دارد دیگر کتب ندارد زیرا که این کتاب ترجمان یک گروه (یعنی اهل حدیث غیر مقلدین) است و همه عوام و خواص موافقت خود را اظهار کرده اند. و برای توافق از عظیم آباد تا پٹنه سفر کرده رای همه غیر مقلدین حاصل کردم و همه غیر مقلدین این کتاب را می موافق دارند اشاعت السنه ۲۶۱ شماره ۹ جلد ۸) و این قول بٹالوی را محمد این گروه صدیق حسن بهوپالی تأیید کرده می نویسد که محمد حسین بٹالوی بعد از نوشتن این کتاب در اطراف اکناف هند و پنجاب سفر کرده از تمام مردم معتقدین خود (یعنی از تمام غیر مقلدین) در باره این کتاب

رای طلب کرد و ہمہ غیر مقلدین رای موافق دادند و علماء غیر مقلدین در این کتاب دستخط کرده عمر خود را سبب کردند و ہمہ متفق شدند کہ جہاد علیہ حکومت انگریز ناجائز و خلاف اسلام (یعنی اسلام اہل حدیث) است۔ ترجمان و لایہ ص ۱۳۱ طبع بھوپال در این مقام چندیں نکتہ قابل غور است :

۱۔ مجدد اہل حدیث (غیر مقلدین) نواب صدیق حسن بھوپالی و ذکیل انہا محمد حسین بٹالوی و تمام ہم عصرشان برای خوشنودی انگریز و حصول دنیا و آرامی و شہرہ و جاہ طلبی و توب بہ بارگاہ حکومت و سہولت نفس از اہم ترین فریضہ اسلامی کہ در حقیقت روح اسلام است یعنی فرضیت جہاد انکار کردہ اند در حالیکہ فرضیت جہاد از کتاب اللہ و سنت رسول و اجماع امت مسلمہ ثابت است و فرضیت کی قطعیت است کہ در آن هیچ شبہ نیست۔ پس فیصلہ در اختیار قاریں کرام است، خود فیصلہ کنید کہ آیا منکر جہاد کہ منکر فرض است، مسلمان است یا کافر اگر منکر کافر است۔ پس غیر مقلدین چطور دعویٰ مسلمان می کنند شرم و حیا چیزی خوب است۔ ع

بے حیا باش و ہرچہ خواہی کن ؟

۲۔ ذکیل اہل حدیث (غیر مقلدین) برائے تشہیر قناتوے کذب خویش (یعنی حرمت جہاد) بہ تمام ہند سفر کرد علماء اہل حدیث بہ عرض کہ انکار کنند و مؤلف آن کتاب را سرزنش کنند قناتوی این کذاب را تائید کردند و اتفاق رای خود را اظہار کردہ در آن دستخط کردند بہ حرمت جہاد علیہ انگریز متفق شدند و قناتوی صادر کردند کہ مرتکب جہاد از اسلام خارج است۔ این است ایمان اہل حدیث و غیر مقلدین کہ مردم عوام انہا را و بانی می گویند شما مردم ملت غیور و قہرمان افغانستان عبرت حاصل کنید و در دام تنویر این فرقہ مبتدعہ نہ افتید کہ باعث ہلاکت شما است۔

۳۔ حکم منسوخیت جہاد رای خاص بٹالوی نبود بلکہ تمام غیر مقلدین بر آن متفق اند و رای تمام گروہ لای غیر مقلدین است و کتاب او کتاب ہمہ غیر مقلدین است زیرا کہ تصدیق کردند و این کتاب ترجمان عقاید ہمہ غیر مقلدین است و قارئین کرام از عقاید حقیقیہ غیر مقلدین آگاہ شدہ باشد این افراد مذکورہ قارئین اہل حدیث و غیر مقلدین آسیا اند حال و نزدیک غیر مقلدین را در ورق زیم تا بینیم کہ در پردہ حدیث چه کارے را انجام دادند کی

از بزرگ ترین شخصیت غیر مقلدین که مولوی عبدالوہاب ملتانی است۔ بہ اشارہ انگریز دعویٰ امامت است
 و متبعین این مدعی امامت تا ہنوز در پاکستان وجود دارند و در کراچی مدرسہ بزرگ دارند و بسید از غیر مقلدین
 افغانستان نیز تعلق بہ این محد دارند و در کراچی بزرگ آنا مولوی ستار بود و حلالہ عبدالرحمن است
 کہ بہ نام جمعیت فریاد اہل حدیث جمعیت خود را مشہور کردہ است و مدرسہ تہیکال پشاور کہ مرکز
 غیر مقلدین صوبہ سرحد است۔ بہ این محد ارتباط دارد۔ ہم عقیدہ اند و غیر مقلدین کوئٹہ و نورستان بہ
 این گروہ محد تعلق دارند۔ حالہ نظریات موسس این فرقہ را مطالعہ کنیم تا حقیقت این فرقہ گمراہ تو پیدا
 واضح شود۔ مولوی عبدالوہاب کہ دعویٰ امامت کرد (و آن ہم بہ اشارہ انگریز) شاگرد نذیر حسین
 دہلوی است۔ و در دعویٰ او اغراض و مقاصد داشت در بارہ نظریات و مقاصد امامت او عالم
 بزرگ غیر مقلدین یعنی مولوی مبارک استاذ اسلامیات کالج بنی باغ کراچی و شاگرد عطاء اللہ حنیف
 بھومیانوی (چنین میفرمائید :

(۱) مقصد اول نقصان رسانیدن تحریک مجاہدین کہ سبب خوشنودی انگریز بود۔

(۲) در میان مسلمانان اختلاف پیدا کردن۔

(۳) انانیت و شخصیت زیرا کہ در میان تلامذہ شیخ ہند یعنی نذیر حسین دہلوی صفر بود و میخواست

کہ شخصیت پیدا کند۔ مطابق این خانہ ہمہ آفتاب است۔ غیر مقلدین ہمہ بہ این حقیقت موصوف

اند کہ انانیت و خود پرستی و خود خواہی بدرجہ رسیدہ است کہ یک طالب ابتدائی این فرقہ کہ عبارت

کتب ابتداء را صحیح قرأت نمیتواند دعویٰ اجتهاد کردہ و کتب ائمہ خود را مستغنی میدانند۔ این

ہمہ انانیت است و صفات دیگر آنها اختلاف و افتراق انتشار و نشست دلامت

پیدا کردن است و ہمہ از برای تزلزل مسلمان و تقویہ غیر مسلمین حتی کہ بہ سبب فتنہ آنها انگریز

در ہند تسلط پیدا کردہ و در افغانستان عزیز تیزی بینیم کہ و خلیفہ این گروہ نفاق است۔ و

چونکہ در ہند مقصد آنها تقویت حکومت انگریز بود۔ از این سبب یکی از دیگر سبقت

حاصل می کردند و دعویٰ امامت عبدالوہاب ملتانی نیز در سلسلہ خدمت انگریز صورت گرفت زیرا

کہ امامت دعویٰ آن در مذہب اہل تشیع وجود دارد نہ در مذہب آئمہ اربعہ کہ جمعہ ہم و ناداری

غیر مقلدین بہ انگریز و ترجیح حکومت انگریز را بہ حکومت اسلامی) بنا لوی می نویسند کہ این گروہ

ع (علائم احناف اور تحریک مجاہدین ص ۵۲/۵۳ از غیر مقلدین)

(یعنی غیر مقلدین) حکومت انگریز را بر حکومت سابقه (یعنی اسلامی) ترجیح میدهند و جهاد را علیه
 آن حرام می دانند و کامل وفادار حکومت هستند از کتاب اشاعت السنه ص ۲۶۲ شماره ۹ جلد ۱
 به قاریین کرام غور کنید که غیر مقلدین حکومت انگریز را که در مشرک و ظالم و جابر و فاسق و ولادینی
 آن شک نیست به حکومت اسلامی ترجیح میدهند و وفاداری خود را اعلان می کنند و دل بر
 که قطره ایمان اگر وجود داشته باشد حکومت کفر را بر مسلمانان و حکومت اسلامی ترجیح می
 دهند معلوم میشود که در دل غیر مقلدین قطره ایمان وجود ندارد به سبب رنما و انگریز چه قدر
 ذهن این گروه پست شده است که چنین مثال در تاریخ نگذشته است تاریخ گواه است
 که مسلمانان عالم هر وقت در هر زمان بان کفاه و ظالمین در سر پیکار بوده و هر وقت نگذاشته
 است که آزادی آنها سلب شود و از بیخ نوع قربانی در بیخ نکرده اند و به علیه آنها جهاد کردند
 و بیخ وقت حکومت کفر را به حکومت اسلامی ترجیح نداده اند این عمل صرف عمل منافقین و
 خائسین بود که در بغداد به عوض حکومت اسلامی از حکومت پلاکوخان حمایت کردند آن
 اهل تشیع بودند قائد آنها طوسی این علمتی به حمایت آنها برخاسته و صف پلاکوخان و قصاص
 تیار کرد و این عمل را در هند و آسیا غیر مقلدین به ذمه خود گرفته اند ای قاریین کرام شما
 خود فیصله کنید که این گروه در کدام صف قرار دارند و در صف مسلمانان و یا منافقین امید دارم که شش
 ثانیه را تأیید کنید مسئله دلکش اینکه قبل از حمایت این گروه از انگریز اینها به نام ولابی شرت داشته
 و مردم آنها را یا ولابی و یا غیر مقلدین می گفتند لیکن به سبب خدمات وسیع به انگریز - انگریز
 این گروه را به نام اهلحدیث و در فرزند اندراج کرد قبل از انگریز این نام در آسیا
 وجود ندارد پس معلوم شد که دعوی غیر مقلدین که میگویند که این نام از اول است، غلط
 است و دلیل جهالت آنهاست از تاریخ خود خبر ندارند بنده ادکتب خود این فرقه ظالم
 نقل می کنم تا مطمئن شوند اول بدانید که وقتیکه این گروه تمام فرائض که منظر انگریز برای
 آنها سپارده شده بود بخوبی انجام دادند و موقع وفاداری خود را ظاهر کردند زیرا که ترجمان
 ولابی از صدیق حسن خان و اشاعت السنه از بنالوی هر وقت در خدمت انگریز قرار داشت
 بعد از چنین خدمات بی پایان غیر مقلدین از انگریز خواستند که نام ولابی یا غیر مقلد را از مادود
 کرده ضرب مارا به نام اهل حدیث مسیحی ثبت کن تا آینده ما به نام اهلحدیث مشهور شویم زیرا که
 مسلمانان از نام ولابی و غیر مقلد نفرت دارند چنانچه که انگریز خدمت بے پناه این گروه ضال را

فراموش نکرده و این درخواست غیر مقلدین را جواب مثبت داد. تفصیل این امر را
یعنی اینکه تمام اہل حدیث را انگیزہ برای غیر مقلدین بہ صورت رسمی عطا کرد و در دفاتر خود
رسماً آہنہا را اہل حدیث نوشتند و بر این نام مشہور شدند در این بارہ اولاً قول
بزرگ ترین عالم غیر مقلدین را نقل می کنم کہ عبدالمجید سوہدروی است وی می گوید کہ مولوی محمد حسین
بٹالوی بذریعہ جریدہ اشاعت السنۃ خدمات لامتناہی انجام داد و منسوخیت نام ولابی و اجراء
نام اہل حدیث در تمام دفاتر حکومتی از محنت او بود. ولابی را بہ نام اہل حدیث موسوم کرد.
سیرت ثنائی ص ۳۳، ۳۴ طبع کراچی) در ہمیں مسئلہ از زبان خود بٹالوی بشنوم کہ او چہ میگوید. اولاً
باید بدانیم کہ نظر بہ خدمات کہ محمد حسین بٹالوی و دیگر غیر مقلدین انجام دادہ بودند حکومت انگیزہ
از آہناخوش بود بلکہ بہ تمام انواع انعامات این گروہ را خودسند ساختہ بود و فاداری جماعت
اہل حدیث برای خدمت انگیز معلوم بود. محمد حسین بٹالوی کہ وکیل اہل حدیث و غیر مقلدین (ہند بود از
حکومت انگیز خواست کہ لفظ ولابی را از کتب عموماً برای مخالفین و باغی و دشمنان مسلمانان
استعمال شد) از ما دور منسوخ کردہ برای فرقہ ما لفظ اہل حدیث رسماً دادہ شود درخواست
کہ بٹالوی از جریدہ اشاعت السنۃ ص ۲۲ تا ۲۶ نشر کردہ بود بہ زبان انگیزہ است و این خلاصہ
آن است کہ بہ زبان فارسی بہ شما قادیان کرام پیش می کنم. عنوان درخواست برای الائنٹ نام اہل حدیث
و منسوخ لفظ ولابی اشاعت السنۃ لاہور از جناب ابوسعید محمد حسین بٹالوی غیر مقلد لاہوری رئیس
اشاعت السنۃ و وکیل اہل حدیث در تمام ہند بخدمت جناب سیکرٹری حکومت (ہند انگیز)۔
من بہ خدمت شما این چند سطور را پیش می کنم، آرزو دارم کہ من اراہزت بدہیدہ ^{۱۹۸۶} در سندھ من
یک مضمون در رسالہ اشاعت السنۃ لاہور نوشتہ بودم کہ در آن عرض کردہ بودم کہ لفظ ولابی کہ عموماً
برای مخالفین و باغی استعمال می شود از ما منسوخ کردہ و برای ما کلمہ اہل حدیث رسماً دادہ شود زیرا کہ
ما خیرخواہ و نمک حلال حکومت انگیزیم و این امر باہ لا ثابت شدہ است کہ ما خیرخواہ حکومت انگیز
ہستیم و در خطوط سرکاری حکومت تسلیم کردہ است. بنا بر این ما از استعمال لفظ ولابی خوشنود نیستیم و
با ادب از حکومت مطالبہ می کنم کہ این لفظ را از منسوخ کردہ و استعمال آنرا ممنوع قرار بدہید و این
فرقہ را بہ نام اہل حدیث موسوم کنید و این فقر یعنی محمد حسین بٹالوی یک عرضہ بہ نزد حکومت پنجاب
پیش کردہ ام و حکومت پنجاب از حکومت مرکزی خواستہ کہ در این مسئلہ توجہ کردہ لفظ ولابی را
از این فرقہ دور کردہ آنرا ممنوع قرار دادہ این گروہ را اہل حدیث موسوم کردہ شود و این درخواست

مرجاء ولی انگیز عساکر بود و نسبت سفاک بود تفصیل آن دو کافر دین این کتاب می آید منہ

از طرف تمام ممبران و کارکنان اجماع است. و این رساله اشاعت السنه وکیل عمومی این فرقی است
و دستخط تمام اہل حدیث پاکستان و ہندوستان آہن ہونے سے ہے۔ چنانچہ انیسویں سیر چارلس کے دالی پنجاب بود
حکومت ہند را بہ طرف این امر متوجہ کردہ این درخواست را بہ اجازت حکومت ہند قبول کردہ و حکم
صادر کرد کہ لفظ و لابی ممنوع است و بعد از این تاریخ لفظ اہل حدیث اجراء شد۔ من نہایت
خادم و فرمانبردار شما ہستم ابو سعید محمد حسین بٹالوی ۸ میر اشاعت السنه ۲۳ تا ۲۶ شماره ۲
جلد ۱۱ لاہور این بود۔ حقیقت اہل حدیث این فرقہ خالص چنانچہ کہ بعد از کوشش در ہند تمام
ولایات ہند کہ تمام دالی آن ولایت انگریز بودند بہ حمایت بٹالوی پرداختند و از حکومت
مرکزی انگریز مطالبہ کردند کہ این لفظ یعنی و لابی را ممنوع قرار دادہ کلمہ اہل حدیث را اجراء
کند۔ یہاں بود کہ حکومت مرکزی نظر بہ خدمات اہل حدیث این مطالبہ را قبول کردہ
اطلاع ابو محمد حسین بٹالوی بہ حیثیت وکیل غیر مقلدین از تمام حکومت پنجاب و ہند مطالبہ
کرد کہ لفظ و لابی را منسوخ کردہ ما را بنام اہل حدیث یاد کردہ شود۔ تمام دفاتر حکومتی
و کاغذات و خطوط و مراسلات این نام استعمال شود نظریہ خدمات جلیلہ محمد حسین
بٹالوی حکومت برطانیہ این مطالبہ را قبول کردہ بہ محمد حسین بٹالوی اطلاع داد کہ من
حکومت پنجاب را امر کردہ ام درخواست شمارہ منظور می کند و حکومت پنجاب کہ گورنر
آن انگریز بود۔ بذریعہ خط نمبر ۱۷۸۵ بتاریخ ۳ دسمبر ۱۸۸۶ء محمد حسین بٹالوی را اطلاع داد
و ہم چنان از طرف حکومت سی۔ پی۔ بیہ تاریخ ۱۲ جولائی ۱۸۸۸ء بذریعہ خط نمبر ۳۰۷ و از
طرف حکومت یو۔ پی۔ بیہ تاریخ ۲۰ جولائی ۱۸۸۸ء بذریعہ خط نمبر ۳۸۶ و از طرف
حکومت بمبئی بہ تاریخ ۱۲ اگست ۱۸۸۸ء و بذریعہ خط نمبر ۳۳۳ و از طرف حکومت
مراس بہ تاریخ ۱۵ اگست ۱۸۸۸ء بذریعہ خط نمبر ۱۳۷ و از طرف حکومت بنگال بتاریخ
۴ مارش ۱۸۹۰ء بذریعہ خط نمبر ۱۵۶ برای مہر محمد حسین بٹالوی اطلاع دادہ کہ متذکرہ
درخواست شما منظور شدہ است۔ این بود خدمات اہل حدیث و حصول این نام و آن ہم از
انگریز نہ از مسلمانان زیرا کہ در مسلمانان این نام بہ آن علماء اطلاق میشود کہ عمر خویش را در خدمت
علم و شوق کردہ باشند در فروعات علمی باشد یا شافی یا مالکی یا حنبلی چنانچہ کہ ہمہ ائمہ بہ نام
اہل حدیث یا اصحاب الحدیث یا محدثین یاد می شوند لیکن غیر مقلدین این نام را از انگریز حاصل
کردند نہ کہ از خدمت حدیث قارئین کہ ام این حقیقت را دانستید کہ این گروہ این نام را

نظر ہدایت خویش یعنی دشمنی یا مسلمانان از انگریز امارہ گرفتہ حال بینیم کہ ایں گروہ دیگر چہ روابط
 با انگریز داشتند مسلمان در تعجب می افتند کہ چہ قسم ضمیر این گروہ قبول کرد کہ در جشن ملکہ و کٹوریہ
 کہ ملکہ ان وقت انگلس بود، تمام اکا بدمین اہل حدیث (غیر مقلدین) سپاسنامہ پیش کردند و آن
 واقعہ مشہور بہ جشن جوبلی است کہ ہمہ اہل حدیث بہ آن معرفت دارند و از آن سپاسنامہ اظہار
 مسرت و اظہار عقیدت کردند کہ ہمہ این عمل ضرب کلاہ بود۔ بہ مسلمانان ہند کہ در فکر جہاد انگریز
 بود۔ لیکن علمائے اہل حدیث در فکر رہنا کردن انگریز نبودند نہ در فکر جہاد و آزادی ایں
 جشن را از زبان خود غیر مقلدین بشنویم ر قلم از من و زبان از آنها) بہتر خواہد بود در جشن جوبلی ملکہ
 و کٹوریہ) از زبان خود قاید و وکیل غیر مقلدین بشنویم۔ ایں دعوت در مقام برابر دروازہ الہی بخش
 مقرر شدہ بود و نواب لینفینٹ کہ والی انگریز بود، از این مقام رسمی گذشت تیرہ شد در این مقام
 اہل حدیث یک دروازہ نہایت بلند بود کردہ بود و نہایت مزین ساختہ بود (برای خوشنودی انگریز)
 و بہ زبان انگریزی نہایت خوشخط الفاظ کلمات دعائیہ را نوشتہ بودند در ایں شعر را نیز نوشتہ بودند
 کہ دل سے ہے یہ دعائے اہل حدیث جشن جوبلی مبارک ہو۔

رسالۃ اشاعت السنۃ ص ۲۰۳ شمارہ جلد ۹

و در ایں موقعہ بذریعہ ڈیپوٹیشن آوری قرار ذیل برای ملکہ و کٹوریہ بحضور فیض گنجورہ کوٹن
 و کٹوریہ گریٹ و قیصرہ ہند بارک اللہ فی سلطانہا (ایں جملہ کلمات دعائیہ برای ملکہ انگریزہ استعمال
 شود و ایں عمل بالحدیث است) لعنت باد بہ چنین عاملین بہ حدیث

- (۱) ما ممبران گروہ اہل حدیث از طرف تمام افراد خود جشن جوبلی را بہ شائبہ تبریک میگویم۔
- (۲) دعایا انگریزہ ہمہ مسرت دارند بہ تقریب جشن خصوصاً گروہ اہل حدیث کہ ایں از تعلیمات
 مذہبی آنها است۔ لہذا ایں گروہ نہایت مسرت دارند و در اظہار مسرت و عقیدت از
 ہمہ سبقت حاصل کردند و بہ سبب برکت دعائے ایں گروہ ایں تاج نصیب بریطانیہا
 شدہ است دانہ جملہ نعمت ہائے انگریزیک نعمت عظمیٰ آزاد مذہبی است (یعنی
 ملحد ساختن مسلمانان العیاذ باللہ) و ایں گروہ بہ خصوصیت از این فائدہ فی گیرد
 (۳) و آن خصوصیت ایں است کہ ایں گروہ را آزادی مذہب در ایں سلطنت (یعنی حکومت انگریز)
 حاصل شدہ است و بہ خلاف دیگر فرقہ ہای اسلامی کہ آنها را در حکومت اسلامی آزادی میسر نشدہ بود
 اشاعت السنۃ ص ۲۰۳ تا ۲۰۹ شمارہ ۲ جلد ۱۱ جنگ آزادی از پروفیسر محمد ایوب ص ۶۶

و بہ یقینی میگویم کہ این گزیده فریض (اہل حدیث) را در استحکام این سلطنت مسرت و
شده است و از دل آن آواز مبارک باد بیرون می آید۔ ما از دل دعا می کنیم کہ خداوند
سلطنت شما را قائم و دائم دارد و خداوند نگاه بان شما باشد تا کہ ما بہ برکت شما و حکومت شما
فائدہ حاصل می کنیم۔ رسالہ اشاعت السنۃ ص ۲۰۶ شماره ۹، جلد ۹ مطبوعہ و کتب خانہ پریس
لاہور۔

قارئین کرام شما اسلامیت و مہمان دوستی غیر مقلدین را ملاحظہ کردید و دانستید کہ این گزیده
کفر پرور گزاندہ کہ اسلام پرور؟ حال واقعہ دیگر را بشنوید تا بدانید کہ این فرقہ با کفرہ چه قسم
مہبت دارند۔ این کلمات الوداع اہل حدیث است کہ در وقت رفتن گورنر (یعنی والی) پنجاب
مسٹر سرچارلس (کہ عیسائی و دشمن مسلمانان بود) بہ خدمت او عرض کردند کلمات منجانب فرقہ
اہل حدیث (غیر مقلدین) و مہمان و تمام متعلقین بحضور سرچارلس ایچی سن بہادہ سی ایس آئی سی
آئی ای ایل ایل ڈی والی پنجاب:

(۱) ما مہمان و کارکنان فرقہ اہل حدیث بہ خدمت شما فضیلت مآب در این موقعہ تاسف
آور کہ

شمارخصت میشود بہ کمال ادب و اخلاص احسانات و عنایات شما را تشکر گفتہ و بہ جدائی
شما افسوس می کنیم و بہ این خاطر حاضر شدہ ایم۔

(۲) از آمد شما تا این وقت احسانات شما و عنایات شما بہ درجہ رسیدہ است کہ اگر آنرا باران
رحمت و یا موج دریای مہربت بگویم بیجا نباشد۔

(۳) احسانات شما بہ ملک و ملت پنجاب بہ حد رسیدہ است کہ ہمہ نسل آیندہ یاد خواہد کرد و یعنی
قتل مسلمانان) از دست مبارک شما یونیورسٹی قائم شد (یعنی مرکز کفر سازی دیوبندی) تمام اہل
پنجاب از آن مستفید می شوند و آیندہ نیز امید داریم کہ فیوضات جاری بماند (یعنی کفر
سازی و لادینیت) آن افراد را کہ شما عمدہ دادید (یعنی جاسوسی انگریز مثل نواب بٹالوی
و امثال آن) در بیخ وقت بہ این عمدہ نرسیدہ بودند (از عدم اہل الیت شان) و
در پنجاب حکومت عوامی نیز از کوشش شما بود۔

(۴) قرعہ کالج پنجاب نیز در روز اول بہ تمام شما انداختہ شدہ بود۔

(۵) قیام کتب خانہ پنجاب (کتب کفر و الحاد) نیز مقررہ کوشش شما بود کہ ہمہ مردم فائدہ حاصل می کنند۔

(یعنی کافر میشوند)

(۴) تمام مردم را علی السونیه در دربار خود جای داریب و همه برابر اند این نیز از جملہ خدمات عالیہ شما است۔

(۵) این برکات و عنایات خسروانہ شما است کہ ہمہ مردم فیض یاب شدند و بر ما رحم کردید و این احسان شما را ما ہرگز فراموش نمی کنیم۔

(۸) این احسان شما لائق فخر است کہ شما بہ اہل حدیث کردید کہ بہ نسبت لفظ و اہل را منسوخ کردید و در تمام دقائیر و کاغذات کہ اہل حدیث استعمال کردید و در تمام ملک حکم صادر کردید کہ دوبارہ این گروہ را واپس گفتہ نشود بلکہ اہل حدیث گفتہ شود این نعمت عظمی را اگر فراموش کنم کفران نعمت خواہد شد۔

(۹) ما گروہ اہل حدیث و این احسانات و انعامات لامنتہای را از زبردل شکمہ ادا می کنیم و حسرت و افسوس ظاہر می کنیم کہ شما از این جا نہخصت می شوید و ما در آیندہ این انعامات لامنتہای محروم شویم

(۱۰) ما باشندگان پنجاب خصوصاً اہل حدیث این قدر افسوس می کنیم کہ در اظہار آن الفاظ مناسب استعمال نمیتوانیم لہذا بہ عرض افسوس در آخر ما بہ این کلمات دعایہ اکتفا می کنیم خداوند عالم شما جناب را بہ رحمت و عنایت بہ وطنی خویش برساند و بہ مدت قریب شما بہ رتبہ جنرل واپس در این وطن بیارود و چشمان ما را از دیدار شما منور کند۔ آمین ثم آمین بوطنی رفتنت مبارک باد بہ سلامت دوری و باز آئی این ایڈریسی بزرگیہ ڈپوٹیشن ہر ہائینس آنریبل لیفٹیننٹ گورنر بہ تاریخ ۲۲ مارچ ۱۸۸۶ء پیش شد۔ اشاعت السنۃ ۲۵۳ و ۲۵۶ شماره ۸ جلد ۹۔

سپاسنامہ دیگر این گروہ را مطالعہ کنید کہ بہ جناب والی تمام ہند کہ انگریز بود پیش کردہ بودند۔ بہ عنوان سپاس نامہ اہل حدیث و تمام اراکین آن بہ حضور بی۔ جی ایم۔ ایس۔ آئی۔ جی۔ سی۔ بی۔ جی۔ سی۔ ایم۔ جی۔ پی۔ سی۔ ڈی۔ او۔ ایل دائرہ اینڈ والی ہند وام ملکتم۔ جناب عالی!

ما فرقہ الہدیت از طرف تمام فرقہ خود و کالتہ بہ سبب اظہار افسوس مفارقت ذات ستودہ صفات شما حاضر شدہ ایم بکمال انکساری کہ شیوہ جان نثاران است برای

عرض مدعی اجازت می خواهیم۔

(۱) احسانات و برکات که در عهد سعادت مندر شخصیت عدل پرورشما به ما به مثل بابلان رحمت ریخته است فراموش نخواهیم کرد و تمام خدمات عالیہ شما (یعنی کفر سازی) قابل ستائش است و مسلمان ہند یعنی اہل حدیث از این فائدہ کامل حاصل کردند و اہل حدیث در این سبقت حاصل کردند و در این بارہ خصوصیت پیدا شدہ است (از شرم خویش خصوصیت ما را ذکر نمی کند کہ آن کدام خصوصیت است یعنی جاسوسی، انگریز پروری غیر مقلدین لعنت باد بہ چنین مسلمان۔

(۲) بہ یک انعام و احسان عظیم خویش کہ اہل اسلام (یعنی غیر مقلدین) را مخصوص کرده اید یعنی انجمن اسلامیہ کلکتہ را شرف قبول بخشید و حکم صادر کردید کہ در شما ولایت ہند یک رپورٹ مخصوص بر لنگہ مسلمان باشد و در آن حالات سیاسی و تعلیمی مسلمان ہرماستی شود۔ یعنی در ہر جایی کہ جذبہ جہاد و اسلام باشد بہ انگریز اطلاع فرایم کند تا حکومت انگریز آنرا نابود کند این است خدمت انگریز کہ غیر مقلدین شکہ گزارہ آن اند۔

(۳) بزرگ ترین کرم و احسان شما این بود کہ از فرقہ اہل حدیث لفظ و لابی منسوخ کردید آن ہمہ بہ خدمات اہل حدیث کہ ہمہ وقت ظاہر شدہ و حکومت خود تسلیم کردہ است و از تمام ولایات حکم صادر کردید کہ برای این فرقہ اہل حدیث استعمال شود و در تمام دفاتر و کاغذات حکومت اہل حدیث نوشته شود این کار نامہ شما را ہرگز فراموش نخواہیم کرد و لابی کہ در آن زمان لفظ و لابی سبب تنفر عوام بود و بہ انگریز خدمت نمیتوانستند ہمین بود کہ انگریز خواست کہ این گروہ کہ حامی انگریز بودند در بین مردم سبب تنفر واقع شوند بلکہ کلمہ استعمال شود کہ حرام بہ کرد این گروہ جمع شدہ خود را بہ حکومت انگریز سپارند)

(۱) احسانات، عامہ و خاصہ شما کہ بہ اہل حدیث کردہ اید۔ ما بہ ہزارہ زبان از صمیم قلب شکر ادا می کنیم و از مفارقت ذات شما کہ مظهر احسان است، آب حسرت و چشم گریان غم و اندوہ و نخ و الم و تکلیف قلبی خود را بہ این منظر ظاہری کنیم کہ کاشکہ سایہ شادمت بہ سرا سایہ افگندی بود و کاشکہ حکومت شاد و چندی بود کہ از انعامات و احسانات شما فواید مزید حاصل می کردیم۔

(۲) ما گروہ اہل حدیث این درد و غم مفارقت کہ ما را مضمحل کردہ است، صبر کردہ بہ این کلمات خود را تسلی و بیم کہ خداوند شما را بہ خیر و عافیت بہ وطن خویش برساند۔

(۳) نیز اینکه ترقی کرده باز سایه شما بر سر سایه افکند تا ما از حمایت شما بهره مند شویم۔ ما وفادار و
 جانشان شما مولوی سید ندیر حسین شیخ الکل فار الکل یعنی شیخ الکفر فی الکفر و آیتہ من آیات
 یعنی فتنہ می فتنہ دنیا) و ابوسعید محمد حسین بٹالوی وکیل اہل حدیث در ہند و مولوی
 احمد اہلہ و اعظمت کثرت امرتسر و قطب الدین امام اہل حدیث روپڑ و عبداللہ غازی پوری و
 محمد سعید بنارسی و محمد ابراہیم آندہ و نظام الدین امام اہل حدیث مدراس اشاعت السنۃ ص ۳
 تا ص ۴ شماره ۲ جلد ۱۱

قارئین کرام شما تا حال از مناسبت و روابط این گروہ با انگریزہ آگاہ شدید و بہ سپاس
 نامہ کہ تم علماء و مجددین و تمام افراد اہل حدیث بہ حضور ملکہ و کٹوریہ و والی ہند و والی پنجاب
 پیش کردند مطالعہ کردید شما خود غور کنید کہ آیا در این سپاسنامہ از دائرہ شرم و حیا و غیرت
 ایمانی و جدائی خارج شدہ اند یا خیر زیرا کہ ہمیں انگریزہ بود کہ ۱۲ ہزار علماء را بہ قتل رسانید و
 ۲۰۰۰ مسلمانان ہند را شہید ساخت ہزار ہا زن را بیوہ ساخت ۱۰ ہزار طفل را یتیم
 ساخت۔ خلاصہ ظلم انگریزہ در ہند اظہر من الشمس است باوجود این ہمہ این فرقہ نو پیدا بہ خاطر
 اغراض دنیوی خود چنین سپاسنامہ پیش می کند و غیرت مسلمانان و حقوق شرعیہ آنها را
 پا ہال می کند و بہ چقدر چاپلوسی و عیبی و مکاری خانہ مالی انگریزہ را می کنند یقین کہ
 طبعاً غیر مقلدین در این فن یعنی چاپلوسی در این حقیر در پاکستان بہ چشم خود دیدم کہ
 اگر علماء این فرقہ زن و دختر خود را بہ سرمایہ دارد آن پیش می کند و ہزار ہا چاپلوسی می کنند
 تا آنرا از خود کند معاذ اللہ۔

ماہر اند شاعر راست گفتہ است کہ:

ہر کس را بہرکاری ساختند میل او اندر دلش انداختند

شما بگوئید کہ آنانکہ ہمیشہ تلعلیف و توصیف حکومت فاسق و فاجر کافر و ظالم بی
 دین از حد تجاوز کردہ بودند و از برای ترقی و استحکام آن از صمیم قلبت دعای کہ دند و
 از مفادقت و جدائی آن در غم دانندہ و رنج و کرب مبتلا می شدند و در شک حسرت اند
 چشم آنها می ریخت و برای استحکام و دوام آن خالص دعای کہ دند و شفقت و عدالت
 آنرا بہ حکومت اسلامی ترجیح می دادند آنها کہ بودند قارئین کرام بہ نظر من بہ تفصیل کامل
 خواہد گفت کہ این علماء سود بی دین و لامذہب غیر مقلدین بودند کہ این ہمہ را اسلام

می داشتند۔ و اسلام را ظلمت و آن افراد بودند که غیر مقلدین امروز می گویند که به مثل
آنها در علم و فضل هیچ شخص نخواهد پیدا شد و در کدام علم و کدام فضل حمایت از کفر و شاکر
کنید و قتی که کردار و عمل کبار آنها چنین است که شما ملاحظه کردید پس عمل اصغر امروزه
آنها چه خواهد بود۔ ۳۰ قیاس کن ز گلستان من بهار سرا
قبل از اینکه نظریات و اعمال تمام غیر مقلدین را پیش کنم مناسب می بینم که بعضی خصوصیات
وکیل آنها را که بٹالوی است، پیش کنم تا بدانید که این وکیل کرده است پس موکل چه خواهد بود۔
بٹالوی به سبب خدمات ریش از انگریز دولت زیادی حاصل کرد (تذیر حسین دہلوی به سبب
خدمات لقب شمس العلماء را از انگریز حاصل کرد و نواب صدیق حسن خان به سبب خدمات
که انجام داده بود نوابی را حاصل کرد و وکیل اهل حدیث محمد حسین بٹالوی دولت لامتناہی
حاصل کرد در حال که مسلمانان ہند تحت ظلم و شکنجہ انگریز از ہمہ نعمت محروم بودند و این
افسوس برای عقل و دانش) چنانچہ عالم مشہور غیر مقلدین مسعود عالم ندوی می نویسد کہ برایت
موقوف و معتبر راویان معلوم شدہ است کہ بہ عوض کتاب منسوخیت جہاد بٹالوی را دولت
فراوان داده شدہ بود و کتاب کامل علما از تحریف و تدلیس است دہلی اسلامی تحریک ۲۹ طبع ہند
این است خدمت غیر مقلدین بہ اسلام کہ در منسوخیت جہاد کتاب تصنیف می کنند یک عالم
دیگر غیر مقلدین یعنی مولوی عبدالمجید سوہدروی می نویسد کہ محمد حسین بٹالوی بذریعہ رسالہ اشاعت
السنۃ برائے اہل حدیث خدمات لامتناہی انجام دادہ و برای حکومت ہند خدمات انجام
دادہ (یعنی برای منسوخیت جہاد کتاب نوشتہ) کہ در بدلہ آن دولت حاصل کرد۔ سیرت ثنائی
ص ۳۴۲۔ این است حقیقت غیر مقلدین امروز لطف در این است کہ آنہا مسلمان اند و
دیگر تمام عالم کافر لعوذ باللہ من شر الکفرہ مناسب می بینم کہ حالات مذہبی آن وقت ہند را
از زبان خود اہل حدیث ہ بشنویم تا مستند واضح گردد اولاً بدانید کہ تمام فرق باطلہ ہند کہ در
تسلیں آزا در کتاب دیگر خویش یعنی العذاب الشدید علی تارک التقلید
مسی بہ نتائج سنگین ترک تقلید بہ تعین بیان کردم و خلاصہ آن کہ فرقہ منکرین ختم بود و
منکرین معجزات و کرامات و منکرین حدیث و منکرین حیات عیسی تمام این فرق از بطنی
فتنہ پرور این گروہ غیر مقلدین پیدا شدہ است حتی کہ فتنہ مودودیت ہند از بطن این فرقہ
پیدا شدہ است چنانچہ کہ عالم مشہور غیر مقلدین بہ این حقیقت اعتراف کردہ می نویسد کہ

(یعنی کہ مولوی عبدالاحد خان پوری) کہ اس زمانے کے جھوٹے اہل حدیث مبتدعین مخالف سلف صالحین جو حقیقت ما جاء به الرسول سے جاہل ہیں وہ اس سفت میں دارشہ اور خلیفہ ہوئے ہیں۔ شیعہ اور رافضیہ گروہ میں جس طرح پہلے زمانے میں شیعہ باب اور رافضی دہلیز تھے اور کفر اور نفاق کے امور مدخل ملاحظہ اور زنادقہ کے تقے اسلام کی طرف، اسی طرح یہ جاہل اور بدعتی اہل حدیث اس زمانے میں باب اور دہلیز اور مدخل ہیں ملاحظہ اور زنادقہ کے بعینہ مثل اہل تشیع کے۔

(۱) دیکھئے۔ ملاحظہ پنجریتہ جو کفار اور منافقین ہیں وہ بھی انہی کی باب اور دہلیز اور مدخل سے داخل ہوئے۔ اور انہیں کو گمراہ کر کے ان سے اپنا حصہ مفروض کامل اور وفاق مثل شیطان کے لے گیا۔

(۲) پھر ملاحظہ مرزائیہ قادیانیہ نکلے تو انہوں نے بھی انہی کے باب اور دہلیز اور مدخل سے داخل ہونا اختیار کیا اور جماعت کثیرہ کو ان میں سے مرتد اور نفاق بنایا۔

(۳) اور جب ملاحظہ زنادقہ چکرالویہ نکلے تو وہ بھی انہی کی دہلیز اور دروازہ لیے داخل ہوئے اور ایک خلق کو انہوں نے مرتد بنا دیا۔

(۴) اور جب مولوی ثناء اللہ امرتسری (سردار اہل حدیث) خاتمتہ الملحدین نکلا تو وہ بھی انہی جہاں اہل حدیث کے باب سے اور دہلیز سے داخل ہو کر کیا کچھ کیا۔ کتاب التوحید والسنۃ ص ۲۶۲ از مولوی قاضی عبدالاحد غیر مقلد و اہل حدیث۔

(پھر کہ عبارت آن نہایت دلکش بود بہ زبان ادب و آرا نقل کرد) خلاصہ آن این است کہ اہل حدیث دروغی این زمانہ کہ مبتدعین و مخالفین سلف الصالحین (یعنی آئمہ کرام) ہستند در حقیقت از ما جاء الرسول جاہل ہستند۔ در این حقیقت یعنی منبع الحاد و کفر باہل تشیع و رافضی ہم سفت ہستند چنانچہ کہ از زمان سابقہ ہمہ الحاد از باب و دہلیز آنا داخل می شد و مدخل زنادقہ و کفر بود ہمچنان اہل حدیث جاہل این باب و دہلیز ہمہ کفر و الحاد اند و ہر کفر و الحاد از دروازہ و دہلیز این گروہ داخل می شود بعینہ اینہا مثل اہل تشیع اند۔

(۱) این نسبت بہ سوی سید احمد خان غیر مقلد است کہ بانی این فرقہ ضالہ است موج کوثر ص ۹، طبع یو۔ پی

(۲) این سنت است بہ سوی عبداللہ چکرالوی غیر مقلد۔ موج کوثر ص ۴

(۱) بیند کہ ملاحظہ فرمائیے کہ ان کرامات و معجزات و حیات عیسیٰ و جن و ملک خلاصہ انہ
فرائض اسلامیہ منکر بود کہ کافر و منافق است از دوازه و دہلیز این گروہ یعنی اہل
حدیث داخل شد (یعنی اول غیر مقلد بود) و سبب آنہا را گمراہ کردہ از حصہ کامل
مثل شیطان حصہ بردند۔

(۲) بانہ فرقہ مرزائیہ قادیانیہ در آخر ثابت می کنم کہ قادیانی نیز غیر مقلد بود و علماء
غیر مقلدین باو روابط داشتند منتظر تفصیل باشید) و آن نیز از این باب و دہلیز
و مدخل داخل شدہ بسیار از اہل حدیث را مرتد و منافق ساخت۔

(۳) وقتیکہ فرقہ ملاحظہ و نہ تادہ چکر الویہ (کہ غیر مقلد بود) بر آمد آن نیز از این باب و مدخل
داخل شد و بسیار از این گروہ را مرتد ساخت

(۴) وقتیکہ ثناء اللہ امرتسری (کہ از کبار غیر مقلدین است و سپس محدث شد) خانمہ لمحمدین بر

آمد آن نیز از باب جمال اہل حدیث بر آمد از این دہلیز داخل شدہ ہرچہ کہ خود است
کرد کتاب التوحید و السنۃ ص ۲۶۳ از قاضی عبدالاعلی غیر مقلد و اہل حدیث بہ مطابقت

و الفضل ما شہدت بیا الاعداء شہادانتی کہ منشاء ہمہ فتن ہند ہمیں غیر
مقلدین بود تعریف و ثنا آنہا در بارہ حکام انگریز معروف است چنانچہ کہ

در تعریف والی ہند و ملکہ انگلی و والی پنجاب سپاسنامہ پیش کردند و وال پنجاب
کہ مسٹر چارلس بود و از نگاہ مذہب عیسائی بود و ہر وقت در کوشش عیسائی کردن مسلمانان

بود ہر وقت در کوشش آن بود کہ مسلمانان در میان خود بگنجد و علماء غیر مقلدین از این استفادہ کردہ خود
را در خدمت آن پیش کردند چنانچہ کہ منافقت و مخالفت آنہا با مسلمانان و کتاب محمد حسین

بٹالوی در بارہ منسوخیت جہاد و روابط ادب قادیانی و صدور فتاویٰ کذب بہ علیہ علماء
احناف و زبان درازی خود ائمہ کرام در دعویٰ اجتناد و تمسخر بہ علماء و صوفیاء کرام کردن و

تقلید مطلق را شرک گفتن و مخالفت از جماع کردن است کہ کتاب تاسیج التقلید کہ مذہب
حسین دہلوی تصدیق کردہ است و کتاب حقیقۃ الفقہ کہ پر از طرائف و افتخارات است شاید

این امر است۔ خلاصہ اینکه تمام محسین امت را مثل امام بخاری شافعی، امام مسلم اما ابو داؤد
اور حنبل علامہ ابن البرمالکی ابن تیمیہ حنبلی ابن کثیر شافعی امام عبدالقدوس مبارک حنفی یحییٰ

ابن معین حنفی سعید بن القطان حنفی امام ابو یوسف حنفی امام محمد حنفی امام طحاوی حنفی امام

حنفی امام کرمی حنفی امام سرخس حنفی امام مرغیانی حنفی امام ظفر حنفی علامہ الغازی حنفی شاہ ولی اللہ
 سید محدث دہلوی حنفی۔ مجدد الف ثانی حنفی۔ شیخ عبدالقادر جیلانی حنبلی۔ شاہ عبدالعزیز حنفی عبدالحمید
 لکھنوی حنفی۔ حضرت معین الدین چشتی حنفی۔ حضرت علی ہجویری حنفی۔ سید احمد شہید حنفی۔
 شاہ اسماعیل شہید حنفی مشرک و مبتدع می گویند و نیز یہ کہ آئنا ہم مقلد بودند و اہل حدیث
 تقلید را شرک می گویند) و عفت و عصمت اسلام را از بین بردند بلکہ سرمایہ
 ۱۴۰۰ سال اسلام را از میان بردند این است حقیقت مسلمانی اینها و در کتاب انقلاب
 ۱۸۵۶ء کہ تصویر در تاریخ ۱۳ آمده است کہ وقتیکہ مسلمان ہند بہ ضدانگریز اعلان جہاد
 کردند۔ حکومت انگریز جنرل اڈوائٹ را بہ سرکوبی مسلمانان فرستاد و مسلمانان ہند بہ تاریخ
 ۱۳ در تمام جلیانوالہ اعلان کانفرنس عمومی کردہ بودند و در جلسہ یعنی کانفرنس مقدار ۱۵
 ہزار مسلمان موجود بود۔ این جنرل خونخوار از چہار طرف احاطہ کردہ ہمہ مسلمانان را بہ قتل
 رسانید حتی کہ خود جرمن سٹراٹورڈ ٹاس اقرار کردہ است کہ در چند دقیقہ ۱۵ صد
 مسلمان بہ قتل رسید و این حقیقت مسلمہ است کہ ہمہ جام شہادت را نوش کردند۔
 عطاء الحق اور انکے مجاہدانہ کارنامے کے لیے اسے انگریزوں نے سفاک قرار دیا کہ ۳۰ پیر و خانقاہ
 بہ آن سپاسنامہ و قادیانی پیش کردند و انگریزوں نے نیز یہ سزا دینی باطلہ
 پسنداند۔ تکفیری انسانے کے لیے ۱۳ تا ۱۴ جلد ۱۲ طبع ہند۔ وقتیکہ ان واقعہ مجاہد و قائد اعظم
 مسلمانان ہند علامہ سید عطاء اللہ شاہ بخاری غیب شد۔ ان خانقاہ و پیر را سرکوب کرد
 آئنا بہ اسگان دم بریدہ برطانیہ خطاب داد و انگریزوں نے نیز عقاید کفریہ دادند۔ مثلاً
 عقیدہ علم غیب و مختار کل و حاضر و ناظر و نورانیت خلاصہ بساا عقیدہ کفریہ آئنا است۔
 و مخالف اہل سنت و الجماعت ہستند و تمام مسلمانان را کافر می گویند۔ تفصیل را در کتاب
 شیاطین الہند بہ زبان عربی مطالعہ کنید بہ فضلہ
 لہذا لے این فرق باطلہ ہر وقت مغلوب ہستند زیرا کہ الحق یعلو ولا یعلیٰ و شاعر عربی
 چہ خوب گفت است کہ

عرفی میندیش ز غوغائے رقیباں آواز سگان کم نہ کند رزق گدا را
 چونکہ غلام احمد قادیانی اولاً غیر مقلد و اہل حدیث بود۔ باید کہ در بارہ آن کمی روشنی

بیند اخت زیرا که مروج افغانستان در مله این لعین معلومات ندارند و تفصیل را آن کتاب دیگر من به زبان عربی شیاطین الہند و کتاب فارسی حقیقت قادیانی مطالعه کنید۔ غلام احمد قادیانی نواسہ جرنیل سنگھ مرزا غلام مرتضیٰ است۔ در قریہ قادیان ولایت گورداسپور بتاریخ ۱۸۳۶ء و یا ۱۸۳۷ء پیدا شدہ بود۔ قادیانی مذہب کا علمی سحاسہ ص ۱۲/۱۰۶۔ و کمالاً سرمایہ دار آن دلایت بود و ابتدا کتب فارسی و عربی را پڑھتا خواندہ بود و در ۱۸۶۲ء در ولایت سیالکوٹ عریفہ نویس مقرر شد بعد از فوت پدہ خود در مطالعہ کتب مذہبی شروع کرد در آن سنہ یعنی ۱۸۸۱ء کتاب براہین احمدیہ را نوشت کہ تمام غیر مقلدین ہند انہ آن کتاب حمایت کردند و در ۱۸۸۶ء دعویٰ کردہ بود کہ بہ من الہام شدہ است۔ و در ۱۸۹۰ء از مردم ہند خواست کہ بیعت کند و اہل حدیث نیز در جملہ حامیان آن قرار داشتند و در سن دعویٰ کرد کہ من علیٰ ابن مریم ہستم۔ خلاصہ دعویٰ آن قرار ذیل است۔

- ۱۔ ۱۸۸۲ء من مجدد و مامور من اللہ ہستم
- ۲۔ ۱۸۹۰ء من علیٰ ابن مریم ہستم
- ۳۔ ۱۸۹۱ء من مہدی ہستم
- ۴۔ من بنی نسطری و غیر تشریحی ہستم
- ۵۔ دعویٰ خدائی ۱۸۹۲ء از رپورٹ تحقیقاتی عدالت نساہ پنجاب ۱۸۵۳ء ص ۹۶۸ ج ۱ گویا از ۱۸۸۰ء تا ۱۹۰۴ء مختلف دعویٰ کردہ کہ تفصیل آزا از کتاب دیگر این حقیر حقیقت قادیانیت مطالعہ کردہ خود را مطہن سازید در ۱۹۰۸ء قادیانی مردار شد۔ آن ہم در بدرفت خانہ (مولوی نور الدین غیر مقلد خلیفہ اول جماعت احمدیہ مقرر شد و در ۱۹۱۴ء نور الدین غیر مقلد نیز فوت شد۔ پسر غلام احمد قادیانی مرزا بشیر الدین محمد احمد (در ۱۹۵۶ء خلیفہ دوم مقرر شد و در زمان مرزا بشیر الدین در میان این فرقہ اختلاف رخ داد گروہ بہ سرکردگی خواجہ کمال الدین و محمد علی لاہوری از این فرقہ جدا شدہ فرقہ لاہوریہ را تشکیل دادند۔ این خلاصہ احوال قادیانی بود و مقصد از بیان

سے غیر مقلدین میگویند کہ شاہ صاحب پیر مقلد بود این جہالت آنہا زیرا کہ صدیق حسن خان در الخطہ اکرامہ حق گفتہ است۔ قادیانی الہدیہ

این فقیر این است که قادیانی نیز غیر مقلد بود و سبب اصلی تمام فتنه‌ها و افکار تقلید است و دلائل اینکه قادیانی غیر مقلد و اهل حدیث است قرار ذیل است.

در کتاب قادیانی مذہب کا علمی محاسبہ ص ۸۶

نوشته است که عمل مقلدین (۱) ثناء اللہ امرتسری که بعداً مرتد شده بود نوشته است که قادیان استاذ خود را ذکر گفت که دلیل گستاخی است و گستاخی کاذب غیر مقلدین است نه که عمل مقلدین (۲) ثناء اللہ امرتسری که بعداً مرتد شده بود به خلاف استاذ خود بروی کندی می کرد و گستاخی می کرد

(۳) ثناء اللہ در کتاب فیصلہ مکہ نوشته است که استاذ من یعنی مولوی عبدالمنان غیر مقلد دروغ گفته است - فیصلہ مکہ ص ۴ - معلوم شد که گستاخی و وظیفہ غیر مقلدین است و گستاخی دیگر در کتاب العطر البلیغ که دلیل قاطع است که این گروه گستاخ و بی ادب اند (۴) حکیم محمود در بی ادب استاذ خود را یعنی احمد علی لاہوری فخر کرده است - ص ۳ - ڈھول کا پول طبع پاکستان -

خلاصہ اینکه گستاخی و بی ادبی نتیجہ ترک تقلید است و حقیقت آن است که غلام احمد قادیانی غیر مقلد بود و حوالہ آن از کتاب قاضی عبدالاحد غیر مقلد گذشتہ است دلائل قاطع قرار ذیل است.

قرآۃ فاتحہ خلف الامام

اگرچہ این مسئلہ در میان ائمہ مجتہدین مختلف فیہ است لیکن در ارض ہند صرف غیر مقلدین بہ این قائل اند و مسائل فروعاً را بہ نسبت فرائض زیادہ اہمیت دادہ اند و بہ سبب آن در میان مسلمانان فتنہ و نفاق و مخالفت ایجاد کردند چنانچہ کہ قادیانی نیز بہ فرضیت فاتحہ خلف الامام قائل بود (زیرا کہ غیر مقلد و اہل حدیث بود) ملفوظات احمدیہ ص ۲۱ ج ۱ و فتاویٰ احمدیہ ص ۳۳ ج ۱ و خطبہ الہامیہ ص ۱۳۱ و سیرت الہدی ص ۴۹ ج ۲ و مجدد اعظم ص ۱۳۳ ج ۲ این تمام کتب از قادیانی است و ثابت شد کہ بہ فرضیت الحمد قائل بودہ کہ عقیدہ غیر مقلدین است -

سوم: سنہ تراویح تمام مسلمانان عالم از زمان صحابہ تا امروزہ در تمام بلاد اسلامیہ مسودہ اصل کتاب از سنہ ۳ تا سنہ ۳۳۰ مضاعف شدہ است انشاء اللہ تا طبع دوم اصل مسودہ یافت خواہد شد اللہ

چونکہ قادیانی غیر مقلدات مذہب آن نیز عام است ۶۵ ذکر حبیب و در نماز مغرب و
 پنج وقت نماز جائز است ذکر حبیب ص ۲ - (۱۰) دعا رب بعد از فراغش به نزد احناف جائز و ثابت
 است بلکہ مسنون است چنانچہ کہ مفتی اعظم ہند مفتی کفایت بہ تمام النقائس المرغوبہ فی حکم الدعا
 بعد کتاب نوشتہ کہ برادر بزرگ من مولانا قاری غلام رسول صاحب در وازی بہ زبان فارسی ترجمہ
 کردہ است (ادام اللہ ظلہ العالی) و بہ نزد غیر مقلدین بدعت است فتاویٰ ثنائیہ ص ۱ -
 و قادیانی نیز بدعت گفتہ است ص ۲ ذکر حبیب - (۱۱) حسب بنزد احناف حرام است و بہ نزد
 غیر مقلدین حلال است فتاویٰ ثنائیہ ص ۲ و قادیانی نیز حلال می گوید سیرت المہدی ص ۱۲
 (۱۲) موافقت قادیانی با محمد حسین بٹالوی مادر تمام مسائل متفق ہستیم مجدد اعظم ص ۱۲
 (۱۳) اعتراف قادیانی جماعت با غیر مقلدانہ و ما بہ اہل حدیث قریب ہستیم مجدد اعظم ص ۹
 (۱۴) نظریہ تقلید قادیانی از فقہ کہ انسان آنرا ساختہ است پیروی نمی کنیم مجدد اعظم ص ۹
 (۱۵) وضاحت علامہ مرتضیٰ حسن چاند لوری ابتداء مرزا صاحب غیر مقلد بود و بعد آن دعوی نبوت
 کرد التتبیح ص ۱۵ این است ۱۵ دلائل اگر مطمئن نشدہ باشد بہ طرف حقیقت دیگر شمار متوجہ
 میسازم و آن اینکہ وقتیکہ قادیانی دعوی نبوت کرد تمام علماء اہل حق ہند بہ کفر آن فتاویٰ صادر کردند
 و علماء حق دیوبند بہ زبان عربی - انگریزی فارسی اردو و خلاصہ بہ تمام زبان ہا فتاویٰ صادر کردند
 و کتب نوشتند کہ قادیانی کافر است و خارج از اسلام است - فتاویٰ قاریہ ص ۱ و ۲ و غیر مقلدین
 کہ با او یکی بود نیز مخالفت کردند چنانچہ کہ محمد حسین بٹالوی و کیل اہل حدیث ہند گفت کہ غلام احمد نبوت
 و قطب ما است و در رسالہ خود اشاعت السنۃ اشاعت کفر کردہ و از قادیانی حمایت کرد و فتاویٰ قادیانیہ
 ص ۱ و بٹالوی خود اقرار کردہ است کہ بذریعہ رسالہ اشاعت السنۃ من آن را در آسمان بالا کردم
 تاریخ احمدیت ص ۱۹ - قبلاً دانستید کہ قادیان نیز کافر و جاسوس انگریزی بود حال نظریہ غیر مقلدین را در
 بارہ اول بشوید - تا حقیقت واضح گردد کہ آنها کہ اند - کشف مولوی عبداللہ غزنوی غیر مقلد کہ
 در قادیان نور پابین شد صاحب مجدد اعظم نوشتہ است کہ مولوی عبداللہ غزنوی غیر مقلد یک بزرگ
 بود معاذ اللہ و اول کشف شدہ بود کہ در قادیان نور پابین شدہ است مجدد اعظم ص ۱۹ -
 معاذ اللہ قادیانی نور است و در کتب دیگر آنها آندہ است کہ عبداللہ غزنوی غیر مقلد محبوب
 غلام احمد قادیانی بود - تاریخ احمدیت ص ۱۵ و خود غلام احمد اقرار کردہ است کہ من با عبداللہ
 غیر مقلد امر تشریحی محبت قلبی داشتم حقیقت الوحی ص ۲۲ از این ثابت میشود کہ

قادیانی اهل حدیث بود و روزه محبت برای چه مولوی عنایت اثری غیر مقلد از قادیانی خواست
 که اجازه بدید تا در مسجد اقصی بپوشد که مرکز قادیانیهای پاکستان است و قریب چنیوٹ و سرگودھا پنجاب
 است، نماز تراویح بخاتم و کتاب البحر البلیغ ص ۳۱ - نوشته است که غیر مقلد خواست که در مسجد بپوشد
 نماز تراویح به جماعت بخاند و اقرار کرد که قادیانی مسلمان است از این معلوم میشود که هر دو یکی اند
 اگرچه در اقتدار کافر نماز جائز نیست - (۳) مؤسس مؤخره غیر مقلدین مولوی نذیر حسین دهلوی نکاح قادیانی را
 خاند، صاحب تاریخ احمدیت نوشته که شاه آسمانی یعنی قادیانی با خلیفه خویش از دہلی آمد و در میان
 نماز عصر مغرب از مسجد خواجه میر دارند - مولوی نذیر حسین دهلوی نکاح را خاند و قادیانی مبلغ ۵ روپہ
 و یک معصی بدیتہ داد - تاریخ احمدیت ص ۵۶ و این است حقیقت غیر مقلدیت و اهل حدیثیت
 این گروه اگر بگویند که این نکاح خانی قبل از دعوی بیغمبری بود این قول مردود است زیرا که نکاح
 در محرم ۱۳۲۲ هـ خاندہ شدہ بود و دعوی نبوت در تاریخ ابتداء سال ۱۳۲۸ هـ خاندہ کردہ بود کہ یک سال
 فرق دارد تاریخ احمدیت ص ۵۶ و فتاوی قادیانی ص ۳ معلوم شد کہ یک سال فرق است و این
 نکاح خانی در صورت گرفته است کہ او دعوی نبوت و غیرہ دعوی باطلہ کردہ بود این است اسلام
 غیر مقلدین (الحنیم اللہ) - (۴) رفتن رئیس غیر مقلدین ثناء اللہ امرتسری در قادیان برای زیارت
 غلام قادیانی، ثناء اللہ امرتسری غیر مقلد ۲ - سال بعد از دعوی نبوت قادیانی از بیٹا محض برای ملاقات
 و زیارت غلام احمد قادیانی تا قادیان پای پیادہ بہ زیارت جناب صاحب رفت تاریخ احمدیت ص ۵۶
 و محمد علی لاہوری میگوید کہ ثناء اللہ امرتسری قادیانی را کافر نمی گوید مغرب میں تبلیغ اسلام ص ۱۱ و خود
 ثناء اللہ غیر مقلد می گوید کہ من آنرا از جملہ امت محمدیہ و رحما بینہم میدانم اخبار اہل حدیث امرتسری
 اپریل ۱۹۱۵ء بلکہ بہ این اکتفا نکرده نوشته است کہ نکاح قادیانی جائزہ است اخبار اہل حدیث امرتسری
 ۲۰ - نومبر ۱۹۳۳ء این فتاوی در وقت صادر میشود کہ علماء احناف بہ قیادت محمد شہاب الدین غلام سید
 انور شاہ کشمیری مصنف فیض الباری شرح صحیح البخاری و کفایہ المحدثین و دیگر کتب کثیرہ در عدالت
 بہاولپور بہ خلاف این مسئلہ دومیہ داشتند و فتاوی صادر کردہ بودند کہ نکاح جائزہ نیست و اہل حدیث
 در جانب قادیانی بودند زیرا کہ قادیانی ہا در کتاب تاریخ احمدیت ص ۳۸۲ از آن حمایت می کردند
 الحاد غیر مقلدین بہ صدی رسیده است کہ ثناء اللہ غیر مقلد فتاوی صادر کردہ بود کہ نماز در عقیب قادیانی
 با جائزہ است ملاحظہ کنید فیصلہ مکہ ص ۳ و مولوی عبدالعزیز غیر مقلد و مولوی شمس الدین عظیم آبادی
 نیز گفتہ است کہ ثناء اللہ ملحد بہ این قائل است فیصلہ مکہ ص ۳ حاشیہ و خود ثناء اللہ غیر مقلد گفتہ

است که نماز در اقتدار شعیبه و مزرانی جائز است اخبار اہل حدیث ۱۲ اپریل ۱۹۹۵ء -
 مولوی عبدالعزیز غیر مقلدی گوید کہ شمار اللہ و اقتدار قادیانی نماز خواندہ است فیصلہ مکہ ص ۳۶
 وقتیکہ ڈاکٹر بشارت قادیانی مراد شد شمار اللہ امر تسری غیر مقلد در بارہ صفات و نیکو او مضمون نوشتہ کہ
 مرحوم بہ مثل خلیفہ روم مصنف بود بہ وفات او افسوس می کنم و ماہ بعد در آن ہستیم اخبار اہل حدیث ۱۲ اپریل ۱۹۹۵ء
 و این غیر مقلد نیز در تمام نظریات یا قادیانی یکی بود چنانچہ کہ صاحب تاریخ احمدیت می نویسد کہ وقتیکہ شمار اللہ
 امر تسری غیر مقلد ثنائی نوشت کہ تفسیر و قادیانی موافق بود علماء امر تسری بہ کفر و فتاوی دادند در اورا از اسلام
 خارج کردند وہم دلیل وجہ نوشتہ اند کہ او کافر است مجدد اعظم ص ۱۳۶ و ۱۲۳۹ قارئین کرام غور کنید
 کہ تقلید و پیروی الکہ کرام کفر و شرک است -
 و پیروی قادیانی اسلام و سنت و حدیث بر این عقل و دانش بیاید گریست خلاصہ اینکہ بہ نزد
 غیر مقلدین قادیانی مسلمان است چنانچہ کہ صاحب کتاب فیصلہ مکہ غیر مقلد ص ۳۶ تسلیم کردہ است
 حال شروع کنم در حالات شخصیت بزرگ وکیل غیر مقلدین کہ محمد حسین بٹالوی است و موسس نام اہل حدیث
 در ہند است بٹالوی در کتاب غلام احمد قادیانی یعنی براہین احمدیہ تقریباً نوشتہ نہایت کلمات تحسین
 آمیز استعمال کردہ است فتاوی امام ربانی ص ۵۰ طبع پنجاب و علاوہ از این بٹالوی غیر مقلد غلام احمد
 قادیانی مدعی نبوت را مع اہل خانہ دعوت کردہ است و قادیانی در خانہ او مع عیال خویش بہ دعوت خود
 مشغول بودند و این دعوت نہایت پر تکلف بود و از این دعوت ثابت میشود کہ تعلقات عمیق
 داشتند و گرنہ کسی قائل خود را در جانی تعلقات بہتر نباشد نمیبرد این واقعہ مذکور در تاریخ احمدیت ص ۱۳
 است و بٹالوی قادیانی را گفت کہ در ہر سخن با من مشورہ کن تاریخ احمدیت ص ۱۹ و بہ وقت
 بٹالوی غیر مقلد از قادیانی حمایت میکرد و بہ مسلمان مخالفت می کرد فتاوی قادریہ ص ۲۵ و صاحب موج
 کوثر نیز اعتراف کردہ است کہ محمد حسین بٹالوی دوست خاص غلام احمد قادیانی بود موج کوثر ص ۱۸
 کشف قادیانی در بارہ محمد حسین بٹالوی غیر مقلد وکیل اہل حدیث ہند قادیانی را بہ کثرت کشف و الہامات
 بیان میکرد از جملہ کشف و الہامات او این بود کہ محمد حسین بٹالوی بہ من ایمان میآورد و قادیانی رسمی
 میشود براہین احمدیہ ص ۶۶ محمد حسین بٹالوی از تمام غیر مقلدین و کالت کردہ قادیانی را مسلمان
 گفته است مغرب میں اسلام کا تبلیغ ص ۲۱ - و ضرب مجدد ص ۳۳ و براہین احمدیہ ص ۶۵
 و در محکمہ سیکلوت از طرف تمام غیر مقلدین و کالت شرعی کردہ اعلان کرد کہ غلام احمد قادیانی مسلمان است
 مغرب میں اسلام کا تبلیغ ص ۱۱ و صاحب سیرت ثنائی کہ غیر مقلد است تسلیم کردہ است کہ بٹالوی

Marfat.com

از طرف ہمہ غیر مقلدین وکیل شرعی است سیرت ثنائی ص ۳۳۳ بٹالوی غیر مقلد خود اعتراف کرده است
 کہ قادیانی دوست صمیمی من است و او ہم وطن و ہم سبق و ہم استاد من است اشاعت السنۃ ص ۱
 مجدد اعظم ص ۱۱۱ بعثت مجددیت ص ۱۱۱ احمدیت پاکٹ بک ص ۲۵۷ مسیح معبود کی معجزات ص ۲
 غلام احمد قادیانی نیز اعتراف کرده است کہ بٹالوی دوست صمیمی من است تاریخ احمدیت ص ۱۹
 خلاصہ پروریکی اند خصوصاً در خدمت انگریزہ ہر دو کمر بستہ اند این بود حقیقت اہل حدیث مولوی
 معین الدین لکھوی غیر مقلد و مولوی محی الدین لکھوی غیر مقلد کہ امیر جمعیت اہل حدیث پاکستان است
 مولانا عبدالقادر غیر مقلد کہ از حصار است و عالم معروف غیر مقلدین است می گوید کہ من در جمعیت
 اہل حدیث شامل نشدم زیرا کہ قائلین این جمعیت در عقائد مثل قادیانی ہستند و انہما عقیدہ دارند
 کہ عیسی فوت شدہ است و خروج دجال کذب است و مہدی کذب است و عیسی دوبارہ در
 دنیا نہیاید و در بخاری مسلم احادیث جعلی است و مرزائی را کافر نہیں گوئید تنظیم الحدیث لاہور
 ۲۲ مارچ ۱۹۷۲ء این است عقائد اہل حدیث موجودہ پاکستان از زبان خود آن گروہ شنیدیم
 و این عقائد ہمہ کفریہ است مرکب آن از اسلام خارج است و حال نیز بحث خود را در بارہ وکیل
 این قوم محمد حسین بٹالوی ادا می دہم زیرا کہ خود اہل حدیث با آنرا وکیل شرعی خود گرفتہ اند و ادو کالت
 می کرد پس باید کہ ہمہ بحث متعلق بہ وکیل صاحب باشد و می گفتہ است کہ در تمام زندگی من بہ
 قادیانی روابط خستہ داشتہم اشاعت السنۃ ص ۱ و مجدد اعظم ص ۱۱۱ خود بٹالوی میگوید کہ غلام احمد
 قادیانی در خدمت اسلام (کدام اسلام اسلام غیر مقلدین) ثابت قدم است و در عالم اسلام مانند او
 وجود ندارد و مجدد اعظم ص ۱۱۱ این است عقیدہ غیر مقلد پاکستان در بارہ قادیانی حتی کہ مولف
 مجدد اعظم نوشتہ است کہ محمد حسین بٹالوی پای زار غلام احمد را بہ پیش او با آداب می ہنسا دو بہ
 دست خود او را و نور می داد مجدد اعظم ص ۱۱۱ این ہر دو یعنی قادیانی و بٹالوی وکیل غیر مقلدین
 در اکثر اوقات یک جامی بودند و در تمام مسائل ہم خیال بودند و ہر وقت قادیانی از گورداس پور
 بہ لاہور می آمد و بٹالوی صلاح و مشورہ می کرد و تمام غیر مقلدین پاکستان از او حمایت میکردند
 و برای تشہیر غلام احمد قادیانی مضامین می نوشتند و اخبارات و اشتہارات چاپ می کردند رئیس قادیان
 ص ۳۹ مسکہ این است کہ علت چہ بود کہ بٹالوی غیر مقلد غلام احمد قادیانی را این قدر تشہیر کرد
 حال آنکہ او فاقر العقل مسلوب الحواس بود پس این تعریف و توصیف برای چہ حتی خود بٹالوی گفتہ
 است کہ من این را بلند کردم تحفہ گریوہ ص ۱۱۱ درس قادیان ص ۱۱۱

اشتراک بٹالوی و قادیانی در خصوصیت مهم دیگر اوصاف هر دو مشترک اند.

لیکن در این صفت وجه اشتراک زیاد معلوم میشود و آن وفاداری و نمک حلال و جان نثاری این هر دو به حکومت انگریز که هر دو دوست خدمات علیم النظر و فقید المثال انجام دادند و هر یک در بریکه کوشش می کردند که از دیگر سبقت حاصل کنند نظریه اعتراض بٹالوی از قادیانی سبقت حاصل کرده بود غلام احمد قادیانی در تائید حکومت انگریز کدام نشرات که داشت تفصیل آنرا از خود او بشتویم بهتر خواهد بود - ۱ -

۱ - بعضی اصق و نادان سوال می کنند که آیا جهاد علیه انگریز جائز است یا نه این سوال دلالت به حماقت خود سائل می کند زیرا که شکر احسانات حکومت فرض عین موجب است پس جهاد چه طور جائز است این کار حرام و بدکار است شهادت در قرآن از قادیان ص ۳ - ۲

۲ - هر که به من ایمان می آرد برای آن این عقیده ضروری است که جهاد حرام است و من یک حکم آوردم و آن این که جهاد را ختم کنید رساله جهاد ص ۵

(۳) من در ۱۴ - ۱۵ ساله دعوت خود بارها گفتم که اطاعت حکومت انگریز فرض است و جهاد حرام است تبلیغ رسالت ص ۱۹۷

۴ - بعد از امروز برای دین جنگ حرام است و هر که جهاد بکند نافرمان خدا و رسول است - دارم که چه قدر که متعین من زیاد شود جهاد از بین میرود و تبلیغ رسالت ص ۳۶

(۵) در فرقه ما جهاد نیست تریاق القلوب ص ۳۲ -

(۶) من یقین دارم که متعین من زیاد شود جهاد از بین میرود و تبلیغ رسالت ص ۳۷ -

(۷) اکثر عمر من در تائید حکومت انگریز مصروف شده است و این قدر کتاب در این باره و درباره

حرمت جهاد نوشتم اگر یک جا شود (۵۰) الماری پور خواهد شد - تریاق القلوب ص ۲۵ از اقوال

غلام احمد قادیانی غیر مقلد مدعی نبوت ثابت شد که اکثر عمر اول در تائید انگریز صرف شده است

و جهاد و کار حرامی و بدکار است و جهاد کردن نافرمان خدا و رسول است - کدام خدا و رسول

آیا خدا و رسول غیر مقلدین ممکن است که چنین باشد

و این قدر کتاب در این صبحه نوشته است که اگر یک جا شود (۵۰) الماری پور میشود و قادیانی

گرام شتا در حیرت می افتید که با وجود این قدر خدمات غلام احمد قادیانی غیر مقلد مدعی نبوت از

محمد صبیح بٹالوی غیر مقلد و موکیل اهل حدیث سبقت حاصل نتوانست و کتاب که بٹالوی در این

بارہ نوشتہ است از تمام کتب قادیانی فوقیت و برتری دارد چنانچه کہ خود بٹالوی میگوید کہ اگرچہ در بارہ منسوخی جہاد دیگر خیر خواہ حکومت انگریز (یعنی قادیانی) نیز کتب نوشتہ است بلکہ خصوصیت کہ کتاب من دارد یکی آنها ندارد اشاعت الستہ ص ۱۲۲ شماره ۹ جلد ۸ - در اظہار وفاداری و جان نثاری انگریز و تکمیل خواہشات انگریز بٹالوی غیر مقلد و قادیانی غیر مقلد مقابلہ داشتند و ہر یک کوشش می کردند کہ سبقت حاصل کنند و کوشش می کردند کہ انگریز را راضی ساختہ زیادہ مستحق انعامات گردند چونکہ بٹالوی زیادہ مابہر بود و باوجود آن چالاک بود و نہایت در این مسکہ ذہین و فطین بود -

در جاسوسی و چاپلوسی و کاسہ لیبسی و اظہار نمک حلائی و وفاداری چنین خدمات انجام داد کہ از قدرت قادیانی بیرون بود خصوصاً در منسوخی جہاد کتاب نوشت کہ قادیانی از مثل آن قاصر بود حتی کہ تمام اہل حدیث را در این مسکہ متفق ساخت و از قادیانی بہ درجہ با سبقت حاصل کرد و او وکیل اہل حدیث بود و مقابلہ آن کار آسان نبود چنین فریب و مکاری بہ یاد او بود کہ در خیال قادیانی نبود قاریکن کرام امیدوارم کہ شاخستہ نشدہ باشید در این کتاب شما خود مطالعہ کردید کہ نظر بہ دلائل کہ از کتب خود و قوم نقل کردم این گروہ نو پیدا است در اسلام پیچ سابقہ ندارند حال مختصراً آن تفصیل را اجمالاً ذکر می کنم تا در ذہن شما خوب جائی بگردد و این کردار غیر مقلدین است -

۱ - در جہاد اسلامی ۱۸۵۷ء کہ بہ جنگ آزاد معروف است حصہ نگرفتند بلکہ آنرا حرام گفتند و مجاہدین را باغی گفتند و زخمی انگریز را تیمار داری کردہ در کمیپ انگریز رسانیدن مبلغ ۳۰۰ آٹھ انعام و ورقہ سندہ سہمی و وفاداری و خطاب شما العلماء را حاصل کردند -

۲ - کردار غیر اسلام نواب صدیق حسن خان کہ تفصیل آن را مطالعہ کردید خصوصاً سستی اخلاقی غیر مقلدین
۳ - نواب صاحب اطاعت انگریز را فرض گفت و مجاہدین اسلام را عذر شریعتیہ گفتند انگریز کافر فاسق و غیرہ گفت و مجاہدین ہزارہ را نیز بی دین گفت -

۴ - کتاب نوشتن وکیل غیر مقلدین و منسوخت جہاد و تائید آن از طرف نواب صدیق حسن خان غیر مقلد و تمام اہل حدیث

۵ - در اکثر اوقات اعلان وفاداری غیر مقلدین بہ انگریز و اظہار فخر بر آن -

۶ - در بدل آن خدمت مطالبہ کردن نام اہل حدیث و قبول کردن انگریز این مطالبہ را -

۷ - سپاسنامہ پیشین کردن علماء غیر مقلدین در جشن جوہلی ملکہ بریطانیہ و چاپلوسی کردن آنها -

- ۸ - حصول جانکد و بٹالوی در بدل خدایات انگریز -
- ۹ - در حصول رضا رانگریز مقابلہ بٹالوی غیر مقلد بامرزا علام احمد قادیانی -
- ۱۰ - تعلقات و دوستی غیر مقلدین بامرزا قادیانی و حمایت از آن - تلک عشرہ کاملہ بحث جہاد اسلامی و غیر مقلدین پاکستان و ہند پیچ مسلمان در این مسئلہ شکی ندارد کہ جہاد یکی از فرائض اسلامی بلکہ روح اسلام است غیر مقلدین از این روح اسلام انکار کردہ اند - و چنانچہ کہ از حوالہ جات قبل معلوم شد بہ منسوخیت آن قائل اند و این عقیدہ تمام اہل حدیث غیر مقلدین پاکستان و ہندوستان است و اہل حدیث افغانستان نیز عروسک این ہا اند آہنا از آسمان نیامدہ اند بلکہ از غیر مقلدین پاکستان آموختن اگر بگوئید کہ ما بہ این عقیدہ نداریم دعویٰ آہنا باطل است و این تقیہ است در حقیقت ہمہ یکی اند حال نظریات غیر مقلدین را در بارہ جہاد بشنویم کہ چہ میگویند چونکہ کلام الملوک ملوک الکلام است -
- باید کہ کلام ملک غیر مقلدین را نقل کنم یعنی قول نواب صدیق حسن خان بھوپالی را آن می گوید کہ در پیچ تاریخ ثابت نیست کہ اہل حدیث در پیچ ملک فساد کردہ باشند یا با حکام وقت جہاد کردہ باشند بلکہ این گروہ از جہاد دور اند ترجمان و بابیہ ص ۵۹ در مقام دیگر می گوید کہ اہل حدیث در پیچ ملکی علم جہاد را بلند نکرده بود بلکہ این کار مقلدین است و اہل حدیث از جہاد می گریختند ترجمان و بابیہ ص ۲۱ چنانچہ کہ در شہر روپڑ ولایت زبیا کہ در میان مسلمانان و سکھ با جنگ شروع شد و در آن شہر اہل حدیث اکثریت بودند با وجود آن از مسلمانان حمایت نکردند (زیرا کہ دشمن مسلمانان ہستند) و این جنگ جنگ اسلام و کفر بود بقدرت خداوند جنات از مسلمانان حمایت کردہ اکثر سکھ ہا را بہ قتل رسانیدن حتی کہ صاحب نتائج التقلید کہ غیر مقلد است بہ این حقیقت اعتراف کردہ است - ص ۳۸ -
- نواب صاحب در مقام دیگر می نویسد کہ پیچ کسی تا امروزہ نشندیدہ است کہ متبع سنت و حدیث (یعنی غیر مقلد) از حکومت وقت مخالفت کردہ باشد و یا بہ آن بی وفائی کردہ باشد و یا بہ جہاد آمادہ شدہ باشد یا در غر (یعنی جہاد مجاہدین ہزارہ کہ تفصیل آن گذشت) جہاد کردہ باشد و یا بہ ضرر حکومت انگریز قیام کردہ باشد این ہمہ متبعین مذہب حنفی بودند ترجمان و بابیہ ص ۲۵
- قارآن کرام بہ غور مطالعہ کنید کہ پادہ شاہ غیر مقلدین چہ میگویند یعنی دفاع از حق ہر وقت وظیفہ احناف است و دفاع از کفر وظیفہ غیر مقلدین و در مقام دیگر ص ۳۸ می نویسد کہ مخالفت حکومت انگریز ناجائز است ص ۳۸ و در مقام دیگر می نویسد کہ در اسلام بودن حکومت انگریز پیچ شکی نیست

ص ۲۸ ترجمان و بابیہ (کدام اسلام اسلام غیر مقلدین ممکن است) و در جای دیگر می نویسد که جہاد علیہ
حکومت انگریز جاہلیت و نادانی است و ہمہ پی و قوف و جاہل اند ص ۷ ترجمان و بابیہ

عقیدہ و کیل اہل حدیث را قبلاً بیان کردم کہ جہاد منسوخ است و جہاد علیہ انگریز حرام است و آنہا
کہ جہاد می کنند باغی اند ظلم انگریز امر پوشیدہ نیست بلکہ بہ تمام مسلمانان عالم روشن و واضح است
و عقیدہ اہل حدیث را نیز واضح کردم خود شما فیصلہ کنید کہ آیا آنہا کہ کسانی ہستند۔ و اہل حدیث
افغانستان را نیز چنین قیاس کنید زیرا کہ ہمہ یکی اند بیچ فرق وجود ندارد۔ اگر بہ خلاف این عقیدہ
اصول خویش اظہار خیال کنند بدانید کہ تقیہ است و حقیقت در عقیدہ یکی اند و صریحاً مع مجاہدین و شہدا
بالاکوٹ را کافر می دانند و شہدا بالاکوٹ عبارت اند از سید احمد شہید و سید اسماعیل شہید مریدان و
نواسرہ شاہ ولی اللہ محدث دہلوی مترجم قرآن بہ زبان فارسی کہ در بالاکوٹ ہزارہ جام شہادت را نوش کرد
و رفع یک شبہ ممکن است کہ غیر مقلدین بگوئید کہ ما از جہاد انکار نداریم زیرا کہ شاہ اسماعیل شہید
کہ غیر مقلد بود جہاد کرده بود و دلیل بیان می کنند کہ شاہ صاحب رسالہ تنویر العینین نوشتہ رفع یدین را
اثبات کرده است۔ جواب اول این است کہ چنانچہ کہ بہ حوالہ گذشت شما آنرا کافر غاصب فاسق
و بی دین می گوئید چگونہ او از شما میشود۔ دوم این کہ شاہ صاحب غیر مقلد نبود بلکہ مقلد و حنفی المذہب
بود از دلیل قاطع ثابت است کہ شاہ حنفی بود فقہ ہند رشید احمد گنگوہی در فتاوی رشیدہ ص ۱۲۱
نوشتہ است کہ شاہ صاحب حنفی المذہب بود و در مقام دیگر نوشتہ است کہ مقلد امام ابو حنیفہ بود
ص ۱۱۱ و در ارواح ثلاثہ ص ۱۱ طبع بہار نیور نوشتہ است کہ شاہ صاحب حنفی المذہب بود و علامہ
قاری عبد الرحمن یکی در کشف الحجاب ص ۱۲ نوشتہ است کہ مولانا اسماعیل الشہید کان سنیا حنفی ص ۱۲
و در مقام دیگر نوشتہ است کہ من بہ شاہ صاحب ملاقات کرده بود او غیر مقلد نبود بلکہ مقلد بود۔ و دیگر
او را غیر مقلد بگوئید کذاب است کشف الحجاب ص ۱۱ و خیر التقلید ص ۵۔

و خود بادشاہ غیر مقلدین شاہ صاحب را حنفی المذہب گفتہ است بنید الحطہ ص ۱۱۱۔

از این دلایل ثابت شد کہ مجاہد اعظم حنفی المذہب نہ کہ غیر مقلد غیر مقلد و جہاد کار آسان نیست و
رفع یدین شاہ صاحب اول رفع یدین می کرد و کتاب ہم نوشتہ بود لیکن تحقیق ترک کرده بود چنانچہ
کہ اساذ نذیر حسین دہلوی غیر مقلد مولانا سید عبدالحق کہ خود صاحب نتائج التقلید کہ غیر مقلد است
تسلیم کرده است او اساذ نذیر حسین است و کتاب اہل السنۃ و الجماعت ص ۱۱۱ از مولانا

محمد علی صدیق ثابت است که مولانا سید عبد الخالق بیان کرده که شاه صاحب بعد از مباحثه مع علماء سرحد رفیع بدین را ترک کرده بود طائفه منصوره ص ۲۷ و در مقام دیگر نوشته است که رساله تئویر العین بعد از مرگ آن مشهور شده است یعنی یقین نیست که او باشد ممکن است که از سایر اهل غیر مقلدین باشد آنرا نوشته به طرف شاه منسوب کرده باشند اگر از او باشد نیز کدام باکی ندارد زیرا تقدیر آخر عمر ترک کرده بود و مطابق حدیث نبوی صلی الله علیه وسلم انما الاعمال بالخواتم تنیة الفعالمین ص ۸۶ و طائفه بر حاشیه نظام الاسلام طبع خورشید عالم لاهور از این زیادہ دیگر چه شہادت باشد که استاذ نذیر حسین بلی مؤسس غیر مقلدین می گوید که شاه صاحب رجوع کرده بود و آن مرد میدان به ہمراهی شاه صاحب در بلاکوٹ جام شہادت را نوش کرده است طائفه منصوره ص ۲۷ خلاصه این که شاه صاحب حنفی المذہب بود و جہاد که کرامت بزرگ است نصیب این گروه است نہ نصیب بی ادب پس معلوم شد که شاه صاحب حنفی المذہب و مرد مجاہد بود نہ کہ جاسوس انگریز و حامی کفر و دشمن اسلام کشف شبہ دیگر چونکہ در کثیر کتب حدیث مثل ترمذی ص ۱۲۲ از علی بن المذنبی نقل است کہ فرقه ناجیہ اصحاب الحدیث است و ہم چنین از امام بخاری در فتح الباری ص ۱۳۱ آمده است کہ ہم اہل العلم والاثر و از امام عبد اللہ ابن مبارک استاذ بخاری و شاگرد امام صاحب در کتاب شرف اصحاب الحدیث للعبادوی ص ۱۲۱ آمده است کہ ہم اصحاب الحدیث و از احمد بن حنبل منقول است کہ انہما اہل الحدیث اند مسلم ص ۱۲۲ و فتح الباری ص ۱۲۲ و ہم چنان شیخ عبد القادی جیلانی در غنیۃ الطالبین ص ۱۹۸ نوشته است کہ وہم اصحاب الحدیث و مفہوم این حوالہ جات این است کہ فرقه ناجیہ اصحاب حدیث یا اہل حدیث یا اہل علم یا اہل اثر است غیر مقلدین کہ نام اہل حدیث را از انگریزہ حاصل کردند میگویند کہ مراد از این فرقه ما ہستیم عرض میکنم کہ آیا از قند گفتن وہن شہین میشود بہ محض اطلاق نام آیا شما اہل حدیث ہستند قارئین کرام حقیقت آن است کہ مراد از این کلمات آن است کہ اہل حدیث و اصحاب حدیث و محدثین آنہا را می گویند کہ عمر خود را در خدمت حدیث مصرف کرده باشد و در مختلف علوم حدیث کتاب نوشته باشند نہ آن کہ صرف نام خود را اہل حدیث بکنند این علت جہالت و قلت عقل است علامہ ابن تیمیہ در نقض المنطق می نویسد کہ مراد از اصحاب الحدیث آن ائمہ اند کہ در فہم حدیث عمر خود را مصرف کرده باشند نقض المنطق ص ۸۱ مصر وہم چنان علامہ حافظ محمد بن ابراہیم الوزیر در روحی الباسم ص ۱۲۱ طبع مصر نوشته کہ مراد از اصحاب الحدیث آن اند کہ در خدمت امین علم باشد و لوازم مذہب کہ باشد مثل کہ امام حاکم اصحاب و اہل حدیث است با وجود آن کہ شعیبہ است و خود نواب صدیق حسن گفته است

که حاکم شیعہ بود دلیل السالین ص ۵۲۵ طبع بمعرباں و ہم چنان بسیار از علماء شیعہ در واقع نقل اند کہ آنها را اہل حدیث یا اصحاب اہل حدیث می گویند زیرا کہ خدمت حدیث کردند نہ آنیکہ نام خود را اہل حدیث گذاشتن برای تفصیل ببینید تاریخ بغداد ص ۲۸ و ص ۲۷ طبع مصر و ہم چنان تذکرہ ص ۹۷ و ص ۱۵۳ و تاریخ بغداد ص ۱۵۴ و ص ۱۵۵ و تذکرہ الحفاظ ص ۲۲ و ص ۲۳ و ص ۳۲۵ و ص ۲۹ و میزان ص ۱۵۴ طبع مصر و تذکرہ الحفاظ ص ۳۱ - و از تمام این حوالہ جات ثابت میشود کہ اہل حدیث و اہل حدیث علماء ہستند کہ خدمت حدیث کردند نہ آنیکہ نام خود را اہل حدیث گذاشتند نہ از قند گفتن دہن شریف نمی شود و کہ است کہ از آنکہ اربعہ و متبعین آن زیادہ خدمت حدیث نبوی علی صاحبہا الف الف التحیۃ والسلام کردہ باشد و این مختصر گنجائش تفصیل را ندارد و تفصیل خدمت حدیث الکریم کرام را از کتاب فارسی این فقیر بنام احسن الکلام سیرت النعمان مشہور بہ سیرت امام ابی حنیفہ و کتاب عربی این فقیر بنام خیر الکلام فی اصطلاحات احادیث خیر الانام کہ در اصول علم و اصول حدیث نوشته ام مطالعه کردہ معلومات حاصل کنید -

رفع شبہہ دیگر این گروه کہ بعضی جمال این گروه بہ فخر خود را سلفی می گویند و مقصود آنها از این کلمہ این است کہ سلفی و سلفیت منافی تقلید الکریم است و این دلیل نیز بہ جہالت آنها بہ علم و اہل علم است زیرا کہ سلفی صرف آن گروه از علماء مقلدین را می گویند کہ صفات باری تعالی را مثل بیدوبہ و استوی علی العرش وغیرہ را بدون چون و چرا یعنی بیدون تاویل مناسب و لائق او تعالی تسلیم می کنند و گروہ دیگر علماء آن را تاویل می کنند فرق صرف در این است بین سلف و غیر آن نہ کہ سلف غیر مقلدین را گویند چنانچہ کہ حافظ ابن صلاح کہ شافعی المذہب است چنانچہ کہ از تذکرہ الحفاظ ص ۱۱ و طبقات الشافعیہ الکریم از سبکی ص ۱۲ و قول ابن خلکان ص ۱۲ و تحف الاخوری ص ۱۰۵ - صریح آندہ است کہ حافظ تقی الدین ابو عثمان متوفی ص ۶۳ شافعی بود با وجود آن در تذکرہ گفته است کہ ولی ابن الصلاح شافعی بود و دیگر مقام سلف ص ۱۱ تذکرہ الحفاظ پس معلوم شد کہ او با وجود کہ شافعی بود سلفی بود معلوم شد کہ سلفیت مقابل تقلید نیست بلکہ بعضی علماء مقلدین نیز سلفی اند نہ کہ غیر مقلدین ہستند پس این دعوی باطل نیز شد از غیر مقلدین می خواہم کہ در تمام عالم اسلام بہ غیر داد ظاہری و این حرم کہ در تذکرہ ص ۲۱۴ آندہ است کہ لایقلا اصلاً یک عالم نشان بدھید کہ در بارہ آن آندہ باشد کہ لایقلا اصلاً - ہر قدر انعام کہ می فاید حاصل کنید او میدارم کہ تمام شباطین خود را جمع کنید باز ہم ثابت نہ فاید کرد پس شرم کنید و از دستہ ضد اسلام و مسلمانان خود را نگاه دارید و گرنہ

مصداق خبر فی الدنيا والاخرة خایر گشت - قارئین کرام شاید که خسته نشده باشید زیرا که من نیز
مجبورم زیرا که وظیفه ایجابی من است که هر باطل را در کتب و حقائق آنها را اظهار کنم و تمام تبلیغات
آنها را جواب دهم تا حقائق به نزد مردم واضح گردد و حقائق حق و ابطال باطل شود تا این با حقائق
و واقعات غیر مقلدین را خاندید و بعد از تفصیل اجمال آنرا نیز مطالعه کردید - باز دیگر نیز به نظر
غور و حق طلبی این کتاب را بخانید و آن را در ذهن خود حاضر کرده فیصله حق صادر کنید که آیا آن
جماعت که موسس آن جاسوس انگریز بود و معاون آن خود انگریز و مقصد اساسی آن تعاون به
انگریز و سرکوبی و دشمنی با مسلمانان و به وقت حامی انگریز و کفره و دشمن آن حمایت و فاداری انگریز
باشد و عمر خویش را صرف تکمیل مقاصد انگریز کرده باشد پس چگونه این فرقه محب وطن و اسلام
و مسلمانان و خیر خواه عالم اسلام شده میتوانند این خیال است جنون است جنون و آیا این
فرقه فاکر و داعی واقعی اسلام شده میتوانند و یقیناً نه این حقیقت است که انکار از آن گمراهی
و ضلالت است در آئینه کردار این گروه اخلاق علماء و اکابرین و مجربین غیر مقلدین را بی بینید
و قتیکه عمل و کردار کبار آنها چنین است که مطالعه کردید - پس عمل و کردار اصاعتر آنها را خود شما
بخوبی اندازه میتوانید کرد قیاس کن ز گلستان من بهار مرا - این حقائق بود که به نهایت وضاحت
از کتب خود گروه ضاله ثابت کردم و در تمام حواله جات اگر یک حواله غلط ثابت شود هر سزای
را که خود آنها مقرر کنند قبول دارم این افسانه نیست بلکه حقیقت است که بعد از مطالعه کتب خود این
گروه نوشته کردم زیرا که مدت یک سال در مدرسه این گروه به حیثیت صدر المدرسین مدرس قسم
علیا بودم و کتب حدیث و درجه علیا را تدریس می کردم در همان سال واقعات را مشاهده کردم که
ضمیر انسان و مسلمان آنرا بر گز قبول نمی کند مثلاً تا دلواپت عام بود و دشنام المکه و میباحث بی معنی
به اوج خود رسیده بود بعد از دیدن چنین واقعات قصد کردم که در حالت و حقیقت این گروه چیزی
بنویسم تا مسلمانان در دام تندویر این گروه غاله نه افتند همان بود که این مضامین را در کتب خود این
قوم به نهایت امانت داری نقل کردم و وظیفه من رسانیدن حق بود عبرت گرفتن و نه گرفتن کار شاماتین
است و یک حواله این حقیر انشاء اللہ به غلط نیست به اطمینان کامل می گویم که حواله جات صحیح اند
شعره دادیم ترا گنج مقصود نشان - گرمانه رسیدیم تو شاید بررسی - امید دارم که شاد رک
حق کرده به حق برسید - شعر در این کتاب نظر کن و به چشم عبرت بین که به سریره دینا و مظهر
دین است - و قتیکه این کتاب را نوشته می کردم به این عقیده بودم که این صلاح است مسلمانان

عالم را عموماً و وام افغانستان را خصوصاً شعر -
 وقت که نهادیم در این دهر قدم را گفتم صلاحی است عرب را و بهم عجبم را
 و مانی فیه اننی اراه هوای وافق المقصد اوارجوا الثواب بکتب الصلوة
 علی السید المصطفی احمداً

هم دعا از تو و اجابت هم ز تو
 ایمنی از تو و مهابت هم ز تو -
 برادران مسلمان و قارئین کرام مقصد اصلی این احقر از نوشتن این کتاب و دیگر کتب متعلق به
 این موضوع اظهار حق و وحدت در میان مسلمانان است و کوشش می کنم که حقائق دشمنان اسلام
 را که به هر نام و جامه که باشند به مسلمانان عالم واضح کنم تا مسلمانان از شر آنها و از شر تفاق خود محفوظ سازند
 مقصد من دشمن با کسی نیست بلکه اجرائی و وظیفه اسلامی من است و من مکلف هستم تا وظایف
 اسلامی و ندبهی خود را انجام بدهم -

اللهم آرنی الحق حقا وارزقنا اتباعه وارنا الباطل باطلا وارزقنا
 اجتنابه وصل الله علی خیر خلقه محمد و اعلی آله واصحابه اجمعین و
 علی من تبعهم باحسان الایوم الدین آمین یا رب العالمین
 وما علینا الا البلاغ
 بنده عاجز احقر عباد الله -

فَكشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ خَيْرٌ مِنْ الْبَصَرِ

إِكشَافَات

فقيه ومحقق العصر الحاج مولانا القاري مفتي محمد نصر الله لطفي
— الشهير بالاستاذ ابو الوفاء الافغاني —

فاضل السنة الشرقية	فاضل الدرس النظامي
المختص في قسم الافكار والدعوة	المجتهد في العلوم العربية والاسلامية
المختص في الفرق	

خطبه انکشافات

الحمد لله الذي هدانا للاسلام وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله
وكشف عن بصرنا القطي والصلوة والسلام على صفيه محمد بن المصطفى وعلى
آله واصحابه الاتقيا وعلى من اتبعهم من اهل النهي خصوصا على الائمة الاربعة
الذين بذلوا جهادهم لتسهيل الامر على امة المجتبي وعلى تابعهم من اهل
الورى اما بعد بنده پير تقصير الحاج مولوى مفتي محمد نصر الله لطفى شهير به استاد ابو الوفاء افغانى عرض
مى دارم که در حين دور پير فتن که از هر طرف اهل الحاد و استعمار شرق و غرب تمام دول اسلامى را در تحت نفوذ کفرى
مخود را آورده است و فکر سليم مسلمانان را سلب کرده است عدّه از بى خردان که خود را اهل حديث و ديگران را کافر و
مشرک مى دانند توجه مسلمانان را از مسائل اساسى به طرف اشياء غير ضرورى مبذول کرده است و استعمار را
موقع مى دهند تا فکر باطل خود را مستحکم کنند اين جاسوسان استعمار از کتاب اللّه و سنت رسول صلى الله عليه وسلم
نام برده و حدت اسلامى منتشر کرده و فتنه را بى راهى استعمار بيهود مساعدى سازند و طرق فعاليت اين گروه نهايت
شرم ناک است زيرا که از اسلام نام برده عليه اصلى دين اسلام را سلب مى کنند و بى گناه گمراه کردن مسلمانان
اهل علم و ائمه دين را بدنام مى کنند و به مسائل فقہ اسلامى اعتراض مى کنند و دعوى اجماع کرده مسائل فقہ اسلامى را
مخالف کتاب و سنت مى گویند اين همه بى راهى بظن کردن مسلمانان از اسلام و بالاخره بى تقويت استعمار است
لازم دانستم تا وجل و فريب اين گروه را به مسلمانان و وطن عزيز خويش ظاهراً کنم تا ملت مسلمان ما فريب نخورد و در
اين موضوع بعضى مسائل کفرى و اجماعى اين گروه مبتدعه را از کتب خود اين گروه باطل باحواله کتاب مورد بحث
قرار داده ام تا ملت مسلمانان از لغزش و دروغين عمل به کتاب و سنت اين مبتدعه آگاه شوند زيرا که تمام اين مسائل مخالف
کتاب و سنت است پس ثابت شده که مقصد اين گروه عمل به کتاب و سنت نيست بلکه بى نام کتاب و سنت ريجاد دين بديدين
خرافات و فحاشى و عياشى است که بى اساس منافى دين مقدس اسلام است - قارى کن کرام شيوه پير مبتدعه در تمام مصور تاريخ
بشرى همين بوده است تشابهت قلوبهم للآيه - ليکن بايد که ما بيدار باشيم و کاملاً از تمام تبليغات دشمنان اسلام خود را آگاه
کنيم تا در دام تند و پرايانه انقيم و طيفه مسلمانان بيدارى و جدوجهد است نه که غفلت و سستی و تبلى بايد که خود را بيدار کرده تمام
دشمن را به خاک بنيزانيم خداوند ما را از توفيق نصيب کند تا دشمن را از دوست بشناسيم و آخرت خود را خراب نکنيم اللهم آمين
و انا الاحقر الحاج مولوى مفتي محمد نصر الله لطفى مشهور به استاد ابو الوفاء افغانى مفتي اعظم افغانستان تريل مکة المکرمه بتاريخ

انکشافات

دین جدید اهل حدیث | مذهب اهل سنت و جماعت

۱ - جهاد حرام است و اهل حدیث هرگز جهاد نکردند | جهاد فرض است و مجاهدین اسلام شهید یا غازی و
 است و تمام مجاهدین اسلام باغی و مباح الدم هستند | ماجور و محرم الدم هستند - تمام کتب مذہب حنفی در
 ترجمان و عابیه ص ۲۵ و ص ۲۸ و ص ۳۰ و ص ۳۱

برادران مسلمان افغانستان این است حقیقت اهل حدیث (غیر مقلدین) که از بزرگ ترین فریضه اسلامی
 که جهاد است انکار کرده اند لیکن باید بدانیم که سبب انکار چه است حقیقت این است که وقتیکه انگریز
 منخوس قدم شوم خود را در هند نهاد مسلمانان هند از پیله جهاد و غیرت ایمانی خود کار گرفته جهاد اسلامی را علیه
 انگریز به پا کردند و انگریز هرگز نتوانست تا جذب به جهاد را از دل مسلمانان خارج کند مجبور شد تا از میان
 مسلمانان چنین اشخاص پیدا کند تا نظریه فتاوی دروغ دل مسلمانان از جهاد سیاه کرده جذب به جهاد را از
 قلب مسلمانان خارج کند در این باره اولین همکار انگریز قادیانی بود بعد از ناکامی قادیانی انگریز
 اهل حدیث (غیر مقلدین) را استعمال کرد و محمد حسین بٹالوی و کیل شرعی غیر مقلدین (اهل حدیث) در حرمت
 جهاد کتاب نوشت که حکومت انگریز آن کتاب را به زبان عربی و انگریزی ترجمه کرده در
 دول اسلامی تقسیم کرده هدف آن ختم کردن جذب ^{جهاد} از میان مسلمانان بود و انکار از فرصیت جهاد و باغی
 گفتن مجاهدین کفر محض است روی این حقائق غیر مقلدین (اهل حدیث موجوده) بلاشک کافر و اذیت
 اسلامیة خارج هستند این حکیم من مبنی بر تعصب نیست بلکه مبنی بر حقائق است و هر فرد مسلمان
 خود می داند که انکار از فرض کفر است ای مسلمانان قهرمان و معتدین افغانستان بعد از درک این
 حقایق چرا با این گروه الحادی همکاری می کنید نمی دانید که همکاری در معصیت حرام است چرا این قدر
 غافل هستید بیدار شوید وقت غاب نیست وقت جهاد است -

۲ - جهاد علیه حکومت انگریز حرام است ترجمان | جهاد علیه انگریز و سایر اهل کفر فرض است تمام کتب
 مذہب حنفی -
 و عابیه ص ۲۹ -

از قول دوم امام غیر مقلدین (اهل حدیث نام نهاد) نیز بوی کفر و الحاد می آید زیرا که از قول معلوم می شود که حکومت انگریز حکومت اسلامی است و گرنه چرا جهاد علیه آن حرام باشد و در صورت قائل این قول کافر و اعدایان و انصار او ملحد و بی دین هستند با اسلام که حضرت محمد به ما رسانیده است بی هیچ سر و کاری ندارند و این گروه نومولود منکر چهار و منکر فرائض اسلامی هستند ۳ اطاعت انگریز فرض است - ترجمان دبابیه **اطاعت کافر حرام است کتب مذیب حنفی** این قول سوم ادنی کفر صریح است زیرا که او اطاعت کافر انگریز را فرض می گوید که این قول بدون شک کفر صریح است عجب است که اطاعت انگریز فرض است و اطاعت الله اریح کفر و شرک برین عقل و دانش بیاید گریست ای مسلمانان افغانستان آیا بعد از معرفت این کفر صریح باز هم اهل حدیث نام نهاد را مسلمانان می دانید و در روز قیامت چه جواب فایده داد از خدا بترسید و از روز قیامت رافرموشی نکنند علیه این کفره اقدام کرده بساط الحاد را نابود کنید تا جبرائیم این این گروه الحادی به تمام وطن سرایت نکنند و در صورت تغافل در جبرائیم شریک به حساب میروید -

۴ در اسلام جهاد نیست بلکه جهاد منسوخ شده است | جهاد فرض نیست دائمی و تا قیامت ادامه دارد و مدعی منسوخیت بدون شک مرتد و ملحد است - تمام کتب مذیب -

قائل این قول مرتد و انصار آن گمراه است و این کتاب که در منسوخیت جهاد نوشته کتاب الحاد است (اصل این کتاب الحادی که در حمایت حکومت انگریز نوشته است و در بدل آن کلمه اهل حدیث به این گروه مخصوص گردیده است به نترد این حقیر موجود است)

۵ مجاهدین اسلام همه بی دین و ظالم و خونخوار و منحرف از اسلام و غاصب هستند ترجمان دبابیه صلا صدیق حسن خان - این عقیده الحادی است و قائل آن ملحد است

این قول نواب صدیق حسن خان ترجمانی خبیث باطل آن را می کند و این دلیل واضح است بگمراهی جماعت اهل حدیث (غیر مقلدین) که انکار از آن دلیل جهالت است و بلاشک قائل این قول و طامیان آن همه گمراه اند -

۶ - جهاد مجاهدین جهاد اسلامی نیست ترجمان
و بایه ص ۳۳ - صدیق حسن خان -

مسلمانان غیور و فداپرست شما خود فیصله کنید که اگر جهاد مسلمانان مجاهد جهاد اسلامی نیست پس جهاد که جهاد اسلامی است حاجت به تبصره من ندارد و هر فرد مسلمان خود فیصله کند زیرا که کفر قاتل ظاهر است

۷ - جهاد بغاوت است و مرتکب آن باغی است
ترجمان و بایه ص ۳۱ -

جهاد فرض است بغاوت نیست و مجاهدین
ماجور اند منکر آن کافر و ملحد است -

جهاد را بغاوت گفتن کفر محض است افسوس به غیر مقلدین (اهل حدیث) جهال افغانستان طالبان عبد
الدنیا و در اہم آنها چه طور خود را اہل حدیث غیر مقلدین می گویند و از اہل حدیث پاکستان و ہندوستان
عبرت حاصل نکرده اند بہ خیال من ریال عقل سلیم آنها را سلب کرده است ندعو اللہ ان یدعی ہم الی سوا
السبیل -

۹ مذاہب اربعہ حنفی شافعی مالکی حنبلی ہمہ از
اہلسنت و جماعت خارج اند ترجمان و بایہ
ص ۵۳ طبع لاہور

قاتل این قول خود گمراه و از اہل سنت و جماعت
خارج است -

این قول نیز مضحکہ خیز است چه گونه شده میتواند کہ اہل مذاہب اربعہ از اہل سنت و جماعت
خارج باشند و این جاسوسان انگریز اہل سنت باشند
قارئین کرام بدانید کہ این گروه نہایت عزائم خطرناک دارند تقیہ کرده ظاہر نمی کنند و گمراہی نزد
این جاسوسان انگریز (اہل حدیث) بیج فرد مسلمان نیست برادران مسلمان و خدا پرست افغانستان
از زبان شرین و شکل ہائے انسانی و شیطان صفت این گمراہ فریب نخوردید زیرا کہ عزائم
آنها از عزائم دیگر کفرہ ہم بدتر است ہوشیار باشید و در اولین فرصت این گمراہ باطل را نابود کنید
و گمراہ امن و امان اسلامی را از دست نخواہد داد -

۱۰ مذہب غیر مقلدین حق است و مذہب ائمہ
اربعہ باطل است - سیاحت الجنان بمباکوتہ
اہل الایمان اردو ص ۱ -

بلکہ مذہب خود غیر مقلدین باطل است و از اہل حق
یعنی از فرقہ ناجیہ خارج اند -

این قول نیز باطل است زیرا که مذہب حق مذہب اہل سنت و الجماعت است در حال
 این گروه باطل (اہل حدیث) کاملاً از اہل سنت خارج ہستند پس از کجا حق شدہ می توانند البتہ گمراہ
 آنها حق است ما نیز درین مسألہ متفق ہستیم قارئین روشن ضمیر بدانید کہ این گروه دشمن اہل
 ہستند از این لحاظ و باطل و خود را حق می گویند و این دعوی مکرر و فریب و خدعہ است فریب نمی
 یقیناً این گروه خود باطل و از اہل حق خارج است و گمراہ چہنہی است

<p>۱۱ تنقیص صحابہ جائز است تمام کتب غیر مقلدین انکار از بعض آیات و احادیث صحیح است ترک تقلید ص ۹۱ - ص ۹۲</p>	<p>تنقیص صحابہ حرام است تمام کتب مذہب این عقیدہ مردود است تمام کتب عقائد -</p>
--	--

برادران مسلمان شما خود غور کنید کہ بعد از جواز تنقید بہ اصحاب کدام اصول اسلامی قابل قبول ہستند
 صحت شدہ می تواند این اعترافات از روافض است و در مذہب و عقیدہ اہل حدیث نام
 نیز روافض ہستند تقیہ خود را سنی می گوئی ملت مسلمان افغانستان از خواب غفلت بیدار شدہ حقیقتاً
 الحادی این گروه را درک کردہ درستی دفع آن شوید و در صورت تفاہلی امن آئیندہ کشور
 اسلامی خود را خراب خواهد کرد و مسلماً انکار از بعض آیات و احادیث ضرورت بہ تبصرہ ندارد کفر
 اظہر من الشمس است و این صفات بہ غیر مقلدین (اہل حدیث) مبارک باشد -

<p>۱۲ تراویح ۸ رکعت است کتب غیر مقلدین ۱۳ و تراویح ۱۲ رکعت است تمام کتب غیر مقلدین ۱۴ حد قصر و سفر ۳ میل است متفقہ - ۱۵ سه طلاق در یک مجلس یکی واقع میشود - تمام کتب غیر مقلدین</p>	<p>تراویح ۲۰ رکعت است تمام کتب مذہب و تراویح ۳ رکعت است تمام کتب مذہب حد قصر ۴۸ میل است کتب فتاوی - طلاق در یک مجلس سه واقع میشود کتب ائمہ اربعہ و ثلوی شرح مسلم</p>
---	--

مسئلہ ۵ رکعت تراویح این نیز از جملہ اصول بی دینی غیر مقلدین (اہل حدیث) است و آن
 مخالفت با مسلمانان است و اگر مقصد مخالفت نباشد غیر مقلدین مرد شدہ بعد از خلافت طلحہ
 دوم اسلام تا قرن ۱۳۰۰ ہجری یک فر مسلمان و یا یک مسجد اسلامی نشان بدہند کہ در آن مسجد
 ۸ رکعت تراویح خواندہ شدہ باشد
 در این مسألہ کتاب مستقل نوشتہ ام (التلویح فی توضیح التراویح) بہ آن مراجعہ کنید ۱۲ مد -

و از فلاحت ما شده گرفته تا امروز در تمام بلاد اسلامی به شمول حرمین شریفین تراویح با جماعت ۳۰ رکعت ادا می شود لیکن این منافقین هستند که در میان مسلمانان اختلاف و انتشار می اندازند و امن و وحدت اسلامی را نابود می کنند برای هر مسلمان فرض است که خود را از این گروه نجات دهد. مسأله و ترویج و حد قصر در سفر نیز از جمله مسائل مضحکه خیز غیر مقلدین (اهل حدیث) است زیرا که مذہب اهل سنت در این مسأله اقوام است پس مخالفت از آن و ایجاد قول غیر مرجوح سبب اختلاف و فساد است که در اسلام حقیقی حرام است -

۱۶ قربانی مرغ و تخم مرغ جائز است - | قربانی مرغ و تخم مرغ ناجائز و مرتکب آن مبتدع فی
فتاویٰ ستاریه ص ۲۱۴ غر بار اهل حدیث | الدین است کتب مذہب -

در مسأله قربانی کردن مرغ و تخم مرغ مسأله است که اگر اهل حدیث (غیر مقلدین) حیا داشته باشند مرگ از آن بهتر است لیکن حیا و اهل حدیث این ناممکن است -

حکایت - در شهر اوکاڑہ پنجاب یکی از علماء احناف کثر اللہ سوادیم به عالمی از علماء اهل حدیث (غیر مقلدین) در کراچی خط نوشت که ما امسال پوست چرم، قربانی خود را صرف و صرف برای شما نگاه کرده ایم شما از کراچی ۲ - موتر ترک بسیارید تا این چرمها را به شما بسپارم مسأله عالم اهل حدیث (غیر مقلدین) که با جماعت غر بار اهل حدیث منسک هستند از کراچی به شهر اوکاڑہ آمدند و به شخص مذکورہ تماس گرفتند عالم حنفی به آنها گفت ما مردم غریب هستیم و قدرت به قربانی گاو و گوسفند و بز نداریم لهذا ما تخم مرغ قربانی کرده ایم و چونکه این کار به نزد شما شروع است لهذا شما را طلب کرده ایم هر سه عالم اهل حدیث (غیر مقلدین) خجالت شده روسیاه به کراچی بازگشتند این است دین آسان اهل حدیث (غیر مقلدین) امروزی -

۱۷ شامه موش و صب و سنگ پشتک و گزوم | شامه همه این حیوانات نجس است و نماز به
و دیگر محرمات پاک است و نماز به آن جائز | آن جائز نیست کتب مذہب -
است - فتاویٰ ستاریه ص ۲۱۴ -

این مسأله نیز دلیل واضح به جهالت اهل حدیث (غیر مقلدین) نام نهادن به علوم شرعی است و این مسائل مضحکه خیز است و جواز نماز به این حالت نجاست به اهل حدیث (غیر مقلدین) لائق است اینے پاکے و پاکدامنیے به آنها مبارک باشد -

۱۸ ذبیحه قادیانی و مجوس و یهودی و ملحد
 و ذبیحه تمام کفره و ملحد و از طریق حرام است
 و ندینق جائز است - دلیل الطالب ص ۱۳۱
 و محل آن کافر است کتب مذہب

این دلیل واضح است که اهل حدیث نام نهاد به اسلام محمد عزیزی صلی اللہ علیہ وسلم پیچ سر و کاری
 ندارند بلکه مخالف قرآن و حدیث هستند و گرنه هرگز حلال بودن ذبیحه این مرتد قول نمی کردند
 معلوم می شود که آنها به شریعت اسلامی اعتماد ندارند بلکه قصد ایجاد دین جدید دارند

۱۹ خون تمام حیوانات و انسان پاک است
 نماز به آن صحیح است دلیل الطالب ص ۱۳۱
 خون انسان و تمام حیوانات حرام است
 و نماز مع خون جائز نیست کتب مذہب
 مسله پاکی خون حیوانات نیز بسیار نگر فحش باطنی اهل حدیث نام نهاد است و این خرافات
 به فقہ اسلامی پیچ مناسبت ندارد -

۲۰ لواطت به همراہی زن و کنیز جائز است -
 یعنی فعل قوم لوط جائز است - ہدایۃ المہدی
 ص ۱۱۸ از وصیہ الزمان غیر مقلد -
 لواطت عموماً حرام و محل آن کافر است
 از تمام کتب مذہب - و مسله بنزد
 ائمہ اربعہ متفقہ است -

مسله حلال بودن لواطت نیز از جمله مسائل است که به اهل حدیث مذہب دارد و افراد
 که با اهل حدیث نام نهاد تعلق دارند آنها از حقائق این گروه خوب آگاہ هستند کہ بازار لواطت گرم
 است حتی کہ در مدارس این گروه لواطت عام است از فائده های این گروه مرده گاو خانہ جور
 شدہ است اگر انکار می کنند بیانید تا من آنها را نشان بدهم و جوانان کمبیل به عیاشی دارند
 این گروه نہایت خورسنداند زیرا کہ ضرورت حیوانی آنها بہ نام اسلام رفع می شود ای مردم
 مسلمان و قہرمان افغانستان از غیرت ایمانی کار گرفته این تخم فساد و منبع عیاشی را نگذارید
 تا ملت مسلمان ما را گمراہ کنند در مرحلہ اول این مفسدین فی الارض را خنثا کنید تا ملت مسلمان از فحاشی
 نجات یابند -

بوسه دادن و مسح کردن ، حبیب قرآن کریم
جائز نیست کتب مذہب -

۲۱ جنب میتواند که قرآن کرم را بگردد و بوسه
دید و مسح کند -

دلیل الطالب ص ۲۵۳ صدیق حسن خان

این مسأله آنها نیز مخالف قرآن و مخالف حدیث و مخالف فقه اسلامی است کجا غیر مقلدین (الجمعیۃ)
و کجا قرآن و حدیث علم به قرآن و حدیث خاصه اهل سنت و جماعت است بی ادب از فهم دین
دور است -

در مال تجارت زکوٰۃ فرض است و منکر آن
بی دین است کتب مذہب -

۲۲ در مال تجارت زکوٰۃ فرض نیست
بدور الاہلیہ ص ۱۰۲

این مسأله نیز دلیل واضح انکار اهل حدیث (غیر مقلدین) از قرآن و سنت است زیرا که زکوٰۃ در
مال تجارت فرض است و غیر مقلدین (اهل حدیث) از این فریضہ اسلامی انکار کرده است و
آخرت خود را خراب کرده اند و اهل سنت از چنین خرافات ببری الذمہ است این خرافات
به اهل حدیث (غیر مقلدین) نام نہاد مبارک بار -

مقلدین احناف فرقه ناجیہ است و خود
غیر مقلدین گمراه اند - مقلدین امام صاحب
فرقه ناجیہ است و مخالف آن گمراه است -
تقلید حکم اللہ واجب است و منکر آن گمراه است -
فرقه غیر مقلدین گمراه است و ناجی اهل سنت و جماعت
است - حنفی اهل سنت و جماعت است و مخالف آن
مبتدع است - قائل این قول و گروه آن خود فی النار
والسقر است - نماز حنفی مطابق نماز رسول اکرم ص
است و مقبول است و منکر آن گمراه و مستحق عذاب است
این نکاح حرام و مرتکب آن ملعون و زندق است -
و محلی این فعل کافر است و ہمین حکم (غیر مقلدین) است

۲۳ مقلدین احناف گمراه اند کتاب مذکور ص ۵
۲۴ مقلدین ابوحنیفہ از فرقه ناجیہ خارج است ص ۵
۲۵ تقلید حرام است یعنی اتباع سلف ص ۵
۲۶ فرقه غیر مقلدین ناجی است و باقی ہمہ جنبی
است - ص ۱۱ -
۲۷ فرقه حنفی از اهل سنت خارج است ص ۱۱
۲۸ فرقه حنفی فی النار و السقر است ص ۱۳
۲۹ نماز حنفی قبول نیست تنقیح التثقید لاہور ص ۳۵
۳۰ نکاح زن حنفی با غیر مقلد بدون طلاق جائز
است تنقیح التثقید ص ۳۵ لاہور

۱۹ - از مسأله ۲۳ گرفته تا مسأله ۳۰ ہمہ کفر محض و گمراهی واضح است و بیان گر عزرا ایم شوم
غیر مقلدین (اهل حدیث) است کہ در حقیقت دشمن اسلام و مسلمانان هستند و کافر گفتن مسلمان کفر صریح است

و تمام اہل حدیث (غیر مقلدین) پاکستان بہ شمول جماعت اہل حدیث و غربا اہل حدیث کہ اہل حدیث
افغانستان کا سہ لیس و چیر کا و خور آنها بہستند در این کفریات ضمناً متفق ہستند و گمراہی
خرافات را رد نہ کردند

۱۔ ملت مسلمان و قہرمان افغانستان بدانید کہ اہل حدیث نام بہار صرف صرف
با مسلمانان مذاہب اربعہ دشمنی دارند و با تمام اہل الحاد و کفرہ دوستی دارند دلیل واضح بر اثبات
این قول این است کہ از زمان پیدائش غیر مقلدین تا امروزہ این گروہ بہ علیہ مسلمان کتب نوشتہ
اند و در تمام اجتماعات خود بہ خلاف مذاہب بیان می دہند لیکن تا امروزہ بہ خلاف کہ نیست ہا
دیگر فرق کفرہ و زنا و قبیہ نہ کتب نوشتہ اند و نہ بیان صادر کردہ اند -

رفع اشتباہ

بعض رسائل کہ احسان الہی ظہیر نوشتہ است در حقیقت از آن
نیست بلکہ کتب علماء اہل سنت است کہ قبلاً بہ رد شیعہ با و قادیانی با نوشتہ بودند۔ احسان الہی
ظہیر برای شہرت حاصل کردن آن کتب را بہ عربی ترجمہ کردہ و از مصنفین آن کتب نام نبرده
کہ این خیانت علمی و جنایت است و اگر در این موضوع شک داشتہ باشید احقر اصل کتاب
اہل سنت را کہ آن خائین ترجمہ کردہ بہ شما نشان خواہم داد تا اشتباہ شمار رفع گردد
و در حالیکہ اعمال او از اعمال اہل تشیع کردہ بدتر بود کجا او و کجا اہل تشیع -

۳۱۔ مذہب حنفی تمام ظلمات و سیئات است نتایج | این قول باطل است و مذہب خود غیر مقلدین مملو
التقلید ۵۵ طبع لاہور | از فطرت و گمراہی است و در آن هیچ چیز وجود ندارد

مذہب حنفی را ظلمات گفتن خود ظلمات است و این قائل جاسوس انگریز است و مقصد آن نقان و اختلاف انداختن
در میان مسلمانان است و در حقیقت خود این گمراہ از اہل سنت و جماعت خارج است -

۳۲۔ علماء احناف ہمہ مشرک اندہ طریق محمدی محمد ^{صلی اللہ علیہ وسلم} | این قول باطل است و خود غیر مقلدین منکر قرآن اندہ
احناف مخالف قرآن اندہ - طریق محمد ۱۲ -

۳۳ نکاح یا مقلدین و خصوصاً احناف حرام است | بلکه نکاح با غیر مقلدین حرام است چرا که کفر نیستند خلاصه اینکه کتاب سیاحت الجنان ص ۵ طبع لاہور | نکاح اہل سنت با اہل حدیث حرام است -
 این قول نیز دلیل واضح است به گمراهی اہل حدیث اگر نکاح با مسلمانان حرام باشد پس نکاح کہ حلال است با یہودی و نصاری و یاد ہری این گروه در حقیقت دشمن مسلمانان ہستند
 روی ہمین موضوع چنین فتاوی اصفقانہ صادر کردہ اند و در این فتاوی بی دینی تمام اہل حدیث (غیر مقلدین) پاکستان متفق ہستند و این کتاب الحادی آنها بہ نزر این حقیر موجود است ہر کہ شک داشته باشد می تواند کہ شک خود را زائل کند -

۳۲ بہ غیر مقلدین) ہمہ قرق اسلامی چہمی اند کتاب | این قول کفر محض است و مسلمان را کافر و چہمی
 نتائج التقلید مصدقہ ۷۲ عام ۱۳۰۲ ین کہ ہر دو گفتن کفر است و خود (غیر مقلدین) مستحق این عذاب
 فرق موجودہ (غیر مقلدین) جمعیت اہل حدیث و ہستند نہ کہ مقلدین اکہمہ اربعہ -
 جمعت عمر بار اہل حدیث بہ آن تصدیق کردہ اند

این عقیدہ باطل است و نظر بہ این عقیدہ غیر مقلدین (اہل حدیث) گمراہ و از اہل حق و فرقہ ناجیہ خارج ہستند برای تفصیل بہ کتب عقائد مراجعہ کنید -
 ۲۵ انبیاء علیہم الصلوٰۃ والسلام ہمہ معصوم نیستند | تمام انبیاء علیہم الصلوٰۃ والسلام معصوم اند و منکر
 رسائل و مسائل و تفہیمات مودودی - عصمت بلکہ است تمام کتب عقائد
 مسکہ عصمت انبیاء مسکہ اتفانی است و مخالفت از آن گمراہی است و قائل این قول گمراہ و از اہل سنت و الجماعت خارج است -

۳۶ غلام احمد قادیانی غوث و قطب بود - | غلام احمد قادیانی مدعی نبوت مرتد و کافر است
 فتاوی قادیانی ص ۵۰ | و ہر کہ کن را مسلمان گوید کافر است کنار المحدثین

محد و مرتد را غوث و قطب گفتن کفر صریح است عجب است کہ مسلمانان بہ نزر اہل حدیث (غیر مقلدین) گمراہ ہستند و محد و مرتد غوث و قطب بدین عقل و دانش ببا پد گویند از این قول معلوم می شود کہ اہل حدیث نیز بہ مثل قادیانی پیدا کردہ انگریز ہستند و انکار این حقیقت دلیل جہالت آنان از کتب خودشان است ہا ہذا عقائد علماء خود را آگاہ کنند و تقلید

جامد نکنند زیرا که حرام است عجب العجائب این است که تقلید اکثر مسلمین کفر است
و تقلید علماء جہال اہل حدیث (غیر مقلدین) اسلام صیغہ صریح بر این جہال اہل حدیث

۳۷ کشف عبداللہ غزنوی غیر مقلد کہ در قادیان نور | قادیانی مرتد و کافر بود و این عقیدہ کفر
نازائشہ است یعنی قادیانی نور است مجد و عظیم | است تمام کتب عقائد -

این کشف کشف شیطانی است ملحد و مرتد نور شدہ نمی تواند ہدف غیر مقلدین (اہل حدیث)
حمایت کفر و دشمنی با اسلام و مسلمانان است روی ہمین موضوع این مرتد را نور می گویند
و این عقیدہ باطل محض و قائل آن مرتدوی بی دین است و حال حامیان جہال آن نیز از حال

کم نیست | نکاح خوان غلام احمد قادیانی نذیر حسین دہلوی است | نکاح خاندن نکاح کافر حرام است و نذیر حسین
۳۸ و این حکم جائز تاریخ احمدیت ص ۵۷ - | مرتکب حرام است تمام کتب فقہ -

این نکاح خوانی بہ اہل حدیث (غیر مقلدین) مبارک باد و این از جملہ صفات ممیزہ این گروہ است
کہ با مسلمانان و دشمنی و با کفار و ملاحدہ دوستی - برادران مسلمان و قہرمان ملت غیر بعد از
درک این حقائق با کرام ضمیر و ایمان با گروہ باطل اہل حدیث (غیر مقلدین) روابط خود را از
می و بید آری از خدا نمی ترسید آیا آخرت را فراموش کردہ اید از میدان حشر و نشر و دیگر حالات
ہولناک بعد از مرگ غافل ہستید

۳۹ نماز در اقدام مزارائی جائز است - | در اقدام کافر نماز جائز نیست و عمل
نثار اللہ امر تسری فیصلہ مکہ ص ۲۹ | آن کافر است تمام کتب فقہ -

این مسئلہ از جملہ مسائل مفحکہ خیز غیر مقلدین است و در این مسئلہ با تمام ملت اسلامیہ مخالفت
کرده اند در حالی کہ تمام ملت اسلامیہ در عدم جواز نماز متفق ہستند پس مخالفت اہل حدیث
غیر مقلدین از جہور امت مسلمہ و موافقت با اہل الحاد و دلیل واضح بہ گمراہ بودن این فرقہ است
برادران مسلمان کشور باستانی و قہرمان چہرا این اہل الحاد را فرصت دادہ اید تا الحاد خود را
در این کشور اسلامی بخش کنند آیا آئندہ خود را فراموش کردہ اید و آخرت و مسکولیت آخرت را در
نظر ندارید برادران مسلمان این وقت وقت اقدام بر علیہ ہر الحاد است پس چہرا این الحاد را فراموش کردہ اید

- ۴۰ در زیورات طلا و نقره زکوة واجب نیست
بدور الایله ص ۱۱
- ۴۱ از طرف ۱۰۰ نفر قربانی یک بزر جائز است
بدور الایله ص ۱۲
- ۴۲ در آب قلیل هر قدر نجاست بفتد آب
نجس نمیشود - بلکه پاک است
عرف المجادی ص ۹ -
- ۴۳ اگر در حالت ناپاکی نماز ادا کرده باشد نماز جائز
است، بدور الایله ص ۳۵
- ۴۴ آب چلم پاک است فتاویٰ علماء اہلحدیث ص ۲۱۳
- ۴۵ رطوبت شرم گاہ عورت (زن) پاک است
ترجمہ اردو مسلم ص ۲۸۷ از وجید الزمان غیر مقلد
- ۴۶ بغیر و حضور سجده تلاوت جائز است
فتاویٰ تدریجیہ ص ۱۵۵
- ۴۷ اگر در وقت ذبح حیوان بسم اللہ نگوید
وقت اکل بسم اللہ بگوید حلال است و
خوردن آن جائز عرف المجادی ص ۱۱ -
- ۴۸ در حالت احرام از وطنی کردن حج فاسد
نمیشود و نہ کفارہ واجب میگردد
بدور الایله ص ۱۲۱
- ۴۹ نماز به قرأة شاذہ جائز است
ہدایۃ المہدی ص ۱۱۱
- ۵۰ لعب شطرنج جائز است ہدایۃ المہدی ص ۱۱۱
- ۵۱ نماز در اقتدار خارجی و رافضی جائز است
اسرار اللغۃ ص ۹۶
- در زیورات مذکورہ زکوة واجب است و
منکر مبتدع است کتب مذہب
قربانی یک بزر از یک نفر جائز است و از طرف
مادار جائز است و فاعل آن مبتدع فی الدین
است کتب فقہ - اگر در آب قلیل نجاست
داخل شود آب نجس میشود و استعمال آن
جائز است کتب مذہب -
در حالت ناپاکی نماز جائز نیست بلکہ اعادہ
ضروری است کتب مذہب
آب چلم ناپاک است کتب فقہ اسلامی
رطوبت شرم گاہ زن ناپاک است
کتب مذہب
بغیر و حضور سجده تلاوت جائز نیست
و فاعل آن مبتدع فی الدین است کتب مذہب
بدون بسم اللہ گفتن ذبحیہ حرام
است و اکل آن نیز حرام
کتب مذہب
از وطنی جماعت فاسد میگردد و
کفارہ واجب است
کتب مذہب -
نماز به قرأة شاذہ جائز نیست
کتب فقہ -
لعب شطرنج حرام است کتب مذہب
نماز در اقتدار خارجی و رافضی جائز نیست
کتب مذہب -

- ۵۲ جنبی بدون غسل نماز ادا می‌تواند ولو که در شهر باشد فتاویٰ حدیثیه - ص ۱۱
- ۵۳ از خون کشیدن پستیکاری و ضروری نمی‌شکند صلا فقه محمدیه
- ۵۴ نکاح مع پدر کلان و مادر کلان جائز است اخبار اهلحدیث ۱۱ محرم ۱۳۳۰ هـ
- ۵۵ برای امت مسک ستر ضروری نیست بلکه ستر مخصوص ازواج نبی بود البیان المرصوص ص ۱۶۸
- ۵۶ در زیورات طلا و نقره سود نیست یعنی زیاده جائز است دلیل الطالب ص ۵۵ اگر با عجمان زنا کند زن حرام نمیگردد در نزل الاسرار ص ۲۸
- ۵۷ اگر با زنی زنا کند نکاح دختر او جائز است اگر چه از نطفه زانی باشد عرف الجاوی ص ۱۹
- ۵۸ در حالت جماع و بول ذکر الله جائز است فقه محمدیه کلان ص ۱۲
- ۵۹ در زنا با حیوانات غسل واجب نمی‌گردد هدایه المهدی ص ۲۴
- ۶۰ متعه جائز است - هدایه المهدی ص ۱۱
- ۶۱ نماز زن بدون ستر عورت جائز است بدور الابله ص ۳۹
- ۶۲ ستر عورت شرط صحت نماز نیست بلکه زن و مرد برپهنه نماز ادا می‌توانند یعنی بدون عذر شرعی، فتاویٰ نذیری ص ۳۳۸
- جنبی بدون غسل نماز ادا نمی‌تواند کتب مذہب
- خون کشیدن و پیشکاری ناقص و ضروری است و نماز جائز نیست کتب مذہب و فقه
- نکاح حرام است و محل آن بی‌دین است کتب مذہب
- حکم ستر عام است و برای هر مسلمان ضروری است و منکر آن کافر است کتب فقه اسلامی -
- در زیورات طلا و نقره سود حرام است و محل مبتدع فی الدین است کتب مذہب
- اگر با عجمان زنا کند دختر او قطعاً حرام میشود و محل مبتدع فی الدین است کتب مذہب
- این فعل حرام است و محل منکر دین است کتب مذہب
- ذکر در حالت جماع و بول مکروه تحریمی است کتب مذہب -
- غسل واجب است و منکر متبذع است کتب مذہب -
- متعه قطعاً حرام است کتب مذہب
- نماز بدون پرده حرام و ناجائز است کتب مذہب -
- ستر عورت شرط صحت نماز است برپهنه بدون حالت عذر نماز جائز نیست تمام کتب مذہب -

ستر عورت از ناف تا زانو برای مرد و تمام بدن
 یہ غیر دست و پا روی برای زن فرض است کتب فقہ
 اسلامی - / جواب سلام دادن درین دو حالت
 ناجائز است و مرتکب آن مبتدع فی الدین است
 کتب مذہب -

مسح بر عمامہ جائز نیست بلکہ بر سر جائز است کتب مذہب
 بدون لباس نماز جائز نیست مرتکب ان مبتدع
 است کتب مذہب -

بعد از استعمال رنگ ناخن وضو رکوع نماز
 ادا رکوع نماز صحیح نیست و رنگ ناخن نیز
 جائز نیست کتب فتاویٰ -

در پوست خوک نماز جائز نیست کتب فتاویٰ

اگر نماز جمعہ و عیدین با ہم جمع شوند ادا کردن
 نماز جمعہ و عید ہر دو ضروری است و منکر بی دین
 است کتب مذہب -

در روز عید نماز عید و ظہر ہر دو ضروری فرض است
 منکر آن مبتدع فی الدین است کتب مذہب
 ادا جمعہ قبل از وقت جائز نیست کتب مذہب

در حالت حیض تلاوت قرآن جائز نیست
 کتب فقہ اسلامی

قبل از حلال کردن ببرد حرام است کتب مذہب

۶۳ در نماز و غیر نماز ستر عضو تناسل ضروری است
 و دیگر اعضاء ضروری نیست علی صلیا طبع بیروت

۶۴ در حالت نماز و آذان معصی و موزن سلام را
 جواب داده میتوانند فتاویٰ ستاریہ ص ۴۴

۶۵ مسح بر عمامہ جائز است فتاویٰ علماء اہلحدیث ص ۱۰۳

۶۶ لباس شرط صحت نیست بلکہ اگر کسی بدون
 عذر شرعی بدون لباس برہنہ نماز بخواند نماز
 او صحیح است بدور الابلہ ص ۳۹ -

۶۷ رنگ ناخن جائز است و بعد از رنگ ناخن
 زن وضو کرده نماز ادا میتواند -
 فتاویٰ علماء اہلحدیث ص ۶۹ -

۶۸ در پوست خنزیر خوک نماز جائز است
 محلی ص ۱۱۸ -

۶۹ اگر نماز جمعہ و عید در یک روز با ہم جمع شود فقط
 باید نماز عید ادا کرده جمعہ لازم نیست
 فتاویٰ نذیریہ ص ۵۹ و فتاویٰ علماء اہلحدیث ص ۵۹

۷۰ در روز عید نماز ظہر ضروری نیست بلکہ صرف
 نماز عید ضروری است فتاویٰ علماء حدیث ص ۵۹

۷۱ در گرمی قبل از روال ادا جمعہ جائز است
 یعنی قبل از وقت ادا نماز جمعہ جائز است
 فتاویٰ علماء حدیث ص ۳۱

۷۲ برای زن حائضہ تلاوت قرآن جائز است
 فتاویٰ شنائیہ ص ۵۱۹ -

۷۳ اگر بسم اللہ بگوید و قبل از ذبح حیوان ببرد حلال است
 فتاویٰ شنائیہ ص ۱۳۴

- ۷۲ استاد بول جائز است فتاویٰ علماء حدیث
- ۷۵ استیجار بہ کاغذ جائز و کافی است ۲۵
- ۷۶ زن ماشینی استعمال مینماید و سنت زیر ناف را بہ ذریعہ ماشین تراش کردن جائز است بہ مثل مرد فلاحہ اینکہ در میان مرد و زن بیخ فرق نیست فتاویٰ ستاریہ ص ۲۵۲ و نذیریہ ص ۲۵۲
- ۷۷ سگ دریائی و آدم و خنزیر و مار ہمہ حلال اند و خوردن آن جائز است بدور الاہلیہ ص ۳۳۹ و کنز الحقائق ص ۱۸۵ از وحید الزمان غیر مقلد
- ۷۸ موش حلال است و اکل او جائز است نزل الابرار ص ۸۲
- ۷۹ مار و مور و مورچہ فلاحہ تمام حشرات الارض حلال است کنز الحقائق ص ۱۸۶ -
- ۸۰ شیر و خر و سگ و خنزیر حلال است بدور الاہلیہ ص ۱۸
- ۸۱ سگ پاک است بدور الاہلیہ ص ۱۶
- ۸۲ گتر دم حلال است بلکہ ہر کہ گتر دم خورد بی دین است فتاویٰ ستاریہ ص ۲۱
- ۸۳ قربانی گتر دم جائز است محل ص ۲۹۸
- ۸۴ سنگ پشتک حلال است و قربانی آن جائز است محل ص ۲۱
- ۸۵ کروش حلال است محل ص ۲۱
- ۸۶ قربانی سنگ پشتک و کروش و شپیش مار جائز است حوالہ بالا ص ۲۱ - محل ص ۱۶
- ۸۷ گوشت و خون و استخوان سگ پاک است بدور الاہلیہ
- این عمل ناجائز است تمام کتب مذہب
 این عمل ناکافی است کتب فقہ اسلامی
 این عمل مردود و مخالف شرع است بلکہ
 برای زن با صرف کردن مشروع است
 کتب فقہ اسلامی
- این حیوانات ہمہ حرام اند و محل آن جاہل
 عن الدین و مبتدع و بی مذہب است
 کتب فقہ اسلامی -
- موش حرام است تمام کتب مذہب
 تمام حشرات الارض حرام است کتب فقہ اسلامی
 ہمہ حرام و ناپاک اند و محل مبتدع است
 کتب فتاویٰ
 سگ حرام است کتب فقہ اسلامی
 گتر دم حرام است و محل مبتدع است
 کتب مذہب -
- قربانی گتر دم حرام است و فاعل مبتدع
 است کتب مذہب
 حرام است و قربانی آن جائز نیست کتب مذہب
 کروش حرام است کتب مذہب -
 ہمہ حرام است و قربانی نیز حرام است
 کتب مذہب
 ہمہ ناپاک و حرام است کتب فقہ اسلامی -

نخس و ناپاک است - کتب مذہب -
 نخس است - کتب مذہب
 نخس است - کتب مذہب
 منی نخس است - کتب مذہب
 نخس است و بیع آن مکروه تحریمی است
 کتب مذہب -
 شراب حرام و نخس است کتب فقہ اسلامی
 خون نخس است کتب فقہ اسلامی
 حرام است کتب مذہب
 مکروه تحریمی است و محل مبتدع است
 کتب مذہب
 مسح نایاب است بلکہ غسل فرض است کتب مذہب
 از خروج ہوا نماز فاسد میشود و اعادہ
 ضروری است - کتب مذہب
 خون خنزیر نخس است کتب مذہب
 حرام و نخس است کتب فقہ اسلامی
 این فعل حرام و محل آن مبتدع فی
 الدین و جاہل از احکام الہی است
 زیرا کہ ستر عورت (یعنی پردہ) فرض است
 و منکر فرض بی دین است پس منہی این
 گروہ نیز بی دین است و ہر نوع تعاون
 بہ این گروہ مبتدعہ حرام است
 واللہ علی ما نقول وکیل

بول و شاشہ و سگ پاک است ہدایۃ المہدی ص ۳۸
 لعاب و پس خوردہ سگ پاک است ص ۳۳
 خنزیر خوگ پاک است - کتب الحقائق ص ۳۱ غیر مطلق
 منی پاک است عرف الجادی ص ۱
 بول شتر پاک است بیع آن بغیر کراہیت
 جائز است فتاویٰ علماء حدیث ص ۳
 شراب پاک است - بدور الابلہ ص ۲۱ صدیق حسن خان
 خون پاک است - بدور الابلہ ص ۵
 شیکار سگ کافر نیز حلال است عرف الجادی ص ۹
 در ظروف طلا و نقر خوردن جائز است
 عرف الجادی ص ۱
 مسح بر پا جائز است عرف الجادی ص ۱۲
 اگر ہوا خارج شود (یعنی گوز) نماز فاسد نمیشود
 بلکہ نماز صحیح است عرف الجادی ص ۱
 خون خنزیر خوگ پاک است عرف الجادی ص ۱
 خود مودہ پاک است عرف الجادی ص ۱
 ہر انسان میتواند کہ بواسطہ دختر و خواہر و
 سنا تمام اعفاء خود را مالش (یعنی چاہی) کند
 حتی کہ مالش حضور تناسل نیز یعنی کند
 جائز است و بیج قباحتی ندارد خلاصہ
 اینکه این جائز است - این فتاویٰ از
 شیخ العل غیر مقلدین است کہ بہ نزد این
 فرقہ بہ درجہ اجتہاد رسدہ بود
 فتاویٰ نذیریہ ص ۱۶۷

۱۰۴ - اجرت و بدل زنا برای زانیہ و تمام مسلمین جائز
 و حلال است - از مولوی عبد الجلیل غیر مقلد و مولوی عبدالقدیر
 غازی پوری غیر مقلد فقہ حنفی کے اسرار گری -
 ۱۰۵ - مال زنا بعد از توبہ مزنیہ حلال است فتاویٰ ثنائیہ
 ص ۷۱۶ از غیر مقلد -

این قول باطل است تمام کتب فقہ اسلامی
 بعد از توبہ حلال نمی شود -

۱۰۶ - مشیت زنی یعنی انزال بہ کف جائز است -
 عرف الجادی ص ۲۰۷ از غیر مقلد -

این فعل حرام و عمل فسقہ است نہ کہ عمل مسلمین مخلصین
 و قائل این قول گمراہ و از اہل سنت خارج است -

قاری کرام این بود چہرہ اصلی (چہرہ منحوس) غیر مقلدین کہ تمام این خرافات را در پردہ کتاب و سنت در میان
 مسلمانان سادہ لوح منتشر کردند و این دین جدید دین فحش و بی حیائی را در میان ملت مسلمان و ملت
 قہرمان ما بہ نام کتاب و سنت کہ یک نعرہ دود و مکر است انتشار دادہ اند مسلمانان با خدای شاخود
 تضادت کنید کہ آیا اسلام با چنین فحاشی و بی حیائی کرام مناسبت دارد یقیناً ہرگز ندارد و از وظیفہ اسلامی
 خود دفاع کردہ ہر نوع بساط الحاد و بی دینی را بنہیں بسرید و گرنہ چنین افراد جاہل و جاہ طلب روح اسلام
 مقدس را مسخ خواہند کرد ع

شعر - گر ہمین مکتب و ہمین مساع کار طفلان تمام خواہد شد -

این تمام کفریات غیر مقلدین ز اہل حدیث را کہ ملاحظہ کردید اصل کتب ابن بی دینیان بہ نزد ابن حقیق
 موجود است و کتب الحاد کا این گروہ قرار ذیل است ۱- معیار الحق - ۲- ظفر المہین ۳- ہدایہ تقلید
 ۴- الارشاد - ۵- تاریخ اہل حدیث - ۶- تقلید سلفی - ۷- طریق محمدی - ۸- ضرب محمدی - ۹- سبیل
 رسول - ۱۰- حقیقہ فقہ حصہ ۱ و ۲ - ۱۱- فقہ محمدی کلان - ۱۲- حقیقہ تقلید - ۱۳- نتائج تقلید و
 تمام کتب محمد جو ناگہری و ثنار اللہ امرتسری غیر مقلد و حکیم صادق سیالکوٹی در تمام این کتب دشمنی اہل حدیث
 با مسلمانان و محبت و موالات با کفار بہ صراحت بیان شدہ است - و عزائم شوم غیر مقلدین بہ صراحت ذکر
 شدہ است بعد از معرفت این حقائق یقیناً بہ المنان کامل گفتمہ می توانیم کہ فرقہ اہل حدیث یک فرقہ غیر اسلامی و عمیل
 سی آئی اے امریکا و یہود عالمی است با اسلام بیچ سر و کار ندارد باید کہ مسلمانان عالم بیدار شدہ از مکر یہود و خود
 را آگاہ کنند و این جاسوسان آہنہارا نابود کنند و گرنہ امن عالم اسلام در خطر است واللہ علی ما نقول وکیل و علی
 تعالیٰ علی خیر خلق محمد و علی آکہ و اصحابہ و علی من اتبعہم الی یوم الدین آمین تم آمین - وانا الاحقر الحاج مولوی مفتی
 محمد نصر اللہ لطفی الشہیر بالاسناد ابو الوفاء الافغانی مفتی اعظم افغانستان نزل مکہ المکرمہ ۱۰ / ۱۱ / ۱۳۶۰ھ -

Marfat.com

وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ
 وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ
 وَسَاءَتْ مَصِيرًا (القرآن)

الْعَلَمَاتُ السُّبُلُ الْعَلَمَاتُ السُّبُلُ الْعَلَمَاتُ السُّبُلُ

المستند

نتائج ونصائح

فقيه ومحقق العصر الحاج مولانا القاري مفتي محمد ناصر الله لطفی
 — الشهير بالاساذ الوالوفار الافغانی —

فاهل السنة الشريفة	فاهل الدرر النظامی
المختص في قسم الافكار والدعوة	المجتهد في العلوم العربية والاسلامية
المختص في الفرق	

فہرست مضامین

صفحہ	مضمون	صفحہ	مضمون	شمارہ
۱۵	انعتقاد خلفائے راشدین بہ برکت تقلید صورت گرفت	۱۱	خطبہ	۱
"	فائدہ و برکت ۱۰ تقلید (اتباع ائمہ دین)	۱۲	پیش لفظ	۲
"	خلافت حضرت ابو بکر صدیق بہ برکت تقلید صورت گرفت	"	تقلید بہ معنی اتباع و اخذ اقوال سلف صالح	۳
"	فائدہ و برکت ۱۱ تقلید شخصی -	"	کار نیک و مشروع است	۴
"	خلافت حضرت عمر رضی اللہ عنہ از برکت تقلید صورت گرفت	"	فوائد و برکات تقلید (اتباع ائمہ سلف)	۵
۱۶	فائدہ و برکت ۱۲ (اتباع ائمہ دین)	"	فائدہ و برکت ۱۲ تقلید (اتباع ائمہ سلف)	۶
"	خلافت حضرت عثمان رضی اللہ عنہ از برکت تقلید شخصی صورت گرفت	"	سلسلہ تعلیم تمام علوم و فنون از برکت تقلید جاری و ساری است	۷
"	فائدہ و برکت ۱۳ تقلید اتباع ائمہ	"	فائدہ و برکت ۱۳ تقلید اتباع ائمہ	۸
"	فائدہ و برکت ۱۴ تقلید اتباع ائمہ دین	"	نظام صحت از برکت تقلید قائم است	۹
"	عمل بہ حدیث نبوی صرف بہ ذریعہ تقلید شخصی ممکن است -	"	اتباع ائمہ دین باعث نجات دنیوی و اخروی است -	۱۰
"	اعتماد بہ محدثین کرام عین تقلید است	"	فائدہ و برکت ۱۴ تقلید اتباع ائمہ دین	۱۱
"	بدون تقلید شخصی زندگی مذہبی و اسلامی ناممکن است	"	تمام ادارہ ہائے خورد و بزرگ عالم بہ برکت تقلید مشغول بہ کار است	۱۲
۸	فائدہ و برکت ۱۵ تقلید شخصی	"	فائدہ و برکت ۱۵ تقلید اتباع ائمہ دین	۱۳
"	تقلید شخصی اساس علم جرح و تعدیل و علم اسما و الرجال است -	"	سکون و اطمینان ہر خانہ از برکت تقلید قائم و استوار است	۱۴
"	غیر مقلدین مسلمانان را بہ سوی جاہلیت دعوت می دہند -	"	فائدہ و برکت ۱۶ تقلید اتباع ائمہ دین	۱۵
"	فائدہ و برکت ۱۶ - تقلید شخصی	"	در دنیا دارد مدار حفاظت و صحت نسبی	۱۶
"	اجماع امت مسلمہ بہ یک حرف یعنی یک قرأت از برکت تقلید است	"	خوانندہ ہا بہ برکت تقلید سدید است	۱۷
"		"	حفاظت نسب در تقلید شخصی است	۱۸

شماره	مضمون	صفحه	شماره	مضمون	صفحه
۲۵	قول امام الہیہند شاہ ولی اللہ حنفی کہ	۱۹	۵۲	تقلید شخصی ذریعہ پیدا کردن جدید ادب و	۲۲
	تقلید شخصی در این زمانہ لازم است	"		احترام در بارہ اصحاب کرام و سلف صالحین	
۳۶	جمع قرآن بہ برکت تقلید شخصی صورت	"		و ائمہ دین است -	
	گرفت -		۵۳	احترام اصحاب کرام و ائمہ دین مناظر دین	
۳۷	تقلید شخصی سبب امن و امان دہدہ	"		مقدس اسلام است	
۳۸	تقویٰ و خاطر جمعی و دینداری است	"	۵۴	اہل حدیث از شراب ترک تقلید مخمور شدہ	
۳۹	فائدہ و برکت ۱۲ تقلید شخصی	۲۰	۵۵	جوابیں خود را از اصحاب رسول و ائمہ دین	
۴۰	تقلید ائمہ دین اختلافات و تفرقہ بندی	"		بہتر می دانند -	
	را ختم کردہ فضاہت و اتفاق با	"	۵۶	غیر مقلدین بہ تمام اکابرین اسلام مرجع می	
	سازگاری سازد			رسانند کہ الحاد است	
۴۱	تقلید شخصی سد باب ہرفتن است	"	۵۷	دل ہائے مقلدین از محبت اصحاب و ائمہ	
۴۲	تقلید ائمہ اربعہ ضامن وحدت اسلامی است	"		دین سرشار و مملومی باشد -	
۴۳	فائدہ و برکت ۱۳ تقلید شخصی	۲۱	۵۸	مقلدین از خود سری و لادینیت محفوظ	
۴۴	جمع قرآن در زمان ابو بکر صدیق صوبہ	"		می باشند -	
	برکت تقلید وقوع پذیرفت		۵۹	نجات در عقیدہ اہل سنت و جماعت است	
۴۵	بہ شمای مسلمانان افغانستان	"	۶۰	مخالفت از آن الحاروبی دینی است	
۴۶	فائدہ و برکت ۱۴ تقلید شخصی	"	۶۱	نقصانات و مفسدہ ہشت انگن ترک	۲۳
۴۷	تقلید شخصی ذریعہ محفوظ ماندن کتاب	"		تقلید شخصی -	
۴۸	و سنت از تخریف معنوی است	"	۶۲	دعوت غیر مقلدین در حقیقت دست شستن	
۴۹	نظر بہ عقیدہ فاسدہ اہلحدیث از	"		از قرآن و سنت است -	
	اسلام دست بشوید		۶۳	فساد علی ترک تقلید شخصی	
۵۰	اہل سنت داعی وحدت اسلامی ہستند	۲۲	۶۴	ترک تقلید سبب اساسی پارہ کردن اتحاد	
۵۱	فائدہ و برکت ۱۵ - تقلید شخصی	"		و وحدت اسلامی است	

شماره	مضمون	صفحه	شماره	مضمون	صفحه
۶۵	ترک تقلید شخصی سبب فساد عالم است	۲۴	۷۸	فرقه غر بار اہل حدیث بہ اجماع دیگران کافر و مرتد است -	۲۸
۶۶	غیر مقلدین مقلد شیطان و نفس خود ہستند	"	۷۹	مخالفت غر بار اہل حدیث با مجاہدین اسلام و حمایت کفر -	"
۶۷	عمل غیر مقلدین تمسخری بہ قرآن و سنت است	"	۸۰	اکثر اہل حدیث نورستان و کونرہ با این گروہ الحادی را بطور دارند -	"
۶۸	در ضمیر ترک تقلید افتراق و انتشار و فتنہ و فساد است -	"	۸۱	اخلاق غر بار اہل حدیث سب و شتم و بیزبانی	"
۶۹	مفاسد آزاد خیالی در امر دین	"	۸۲	فتاویٰ دیگر اہل حدیث در بارہ انتشار اللہ شام تری غیر مقلد -	"
۷۰	اجتہادات احمقانہ اہل حدیث و نتیجہ بد آن -	"	۸۳	انکار افراط قرآن و سنت و مخالفت با اہلسنت و جماعت -	۲۹
۷۱	غیر مقلدین با شیطان وعدہ کردہ اند کہ بہ غیر قول او قول پیچ کسی را قبول نکنند -	۲۵	۸۴	فساد ۱ ترک تقلید شخصی کفر و ارتداد	"
۷۲	این فرقہ جبیتہ در پیچ با قدرت حاصل نہ کردہ اند -	"	۸۵	فساد ۲ ترک تقلید شخصی لا دینیت و الحاد	"
۷۳	اختلافات داخلی غیر مقلدین	۲۶	۸۶	فساد و منہجرت ۳ - ترک تقلید شخصی فسق و فجور	"
۷۴	در سر زمین ہند فرقہ اہل حدیث بہ سرپرستی انگریز ظہور پذیر شد	"	۸۷	فساد ۵ ترک تقلید شخصی نفاق و لامر کزیت در میان مسلمانان است -	"
۷۵	میوہ اہل حدیث نفاق اختلاف و فساد و عداوت با مسلمانان است -	۲۷	۸۸	تائید محمد حسین بٹالوی وکیل غیر مقلدین	"
۷۶	قول مولوی بلالہ العزیز غیر مقلد ہندی در حقیقت اہل حدیث و منافقت این گروہ -	"	۸۹	برای بی دین کردن دینداران صرف ترک تقلید کافی است -	"
۷۷	فرقہ ہای مذہبی اہل حدیث کہ ہر یک دیگر را کافر و مرتد می گویند	"	۹۰	تجربہ ۲۵ - سالہ وکیل اہل حدیث	"
			۹۱	قول قاضی عبدالاحد خانپوری اہل حدیث کہ	۳۰
			۹۲	اہل حدیث امروزہ باب و دہلیز کفر و فتنہ ہستند -	"

شماره	مضمون	صفحه	شماره	مضمون	صفحه
۹۳	تجربۀ علماء اہل حدیث در این موضوع	۳۰	۱۱۰	اسلم جیراچپوری منکر حدیث اہل حدیث بود	۳۵
۹۴	در بطن فتنہ پرور اہل حدیث چندین فتنہ ہا پرورش یافت -	"	۱۱۱	ثمرہ غیر مقلدیت الحاد است	"
۹۵	تمام قائدین الحادی دفتن ہند اہل حدیث بودند	۳۱	۱۱۲	محد دیگر نیاز فتح پوری رفیق مودودی نیز اہل حدیث بود -	"
۹۶	فساد عک ترک تقلید شخصی	"	۱۱۳	اقوال کفریہ این محد -	"
۹۷	ایجاد فتنہ جدیدہ یعنی فتنہ نیچیریت	"	۱۱۴	فساد عک ترک تقلید شخصی فتنہ قادیانیت	۳۶
۹۸	قائدین فتنہ سرسید احمد غیر مقلد و جاسوس انگیزہ بود -	"	۱۱۵	بانی این فرقہ کفرہ اہل حدیث بود	"
۹۹	قول مورخ بزرگ علامہ شیخ محمد اکرام اقسام و بانی در آن وقت -	"	۱۱۶	خلیفہ الحادی غلام احمد قادیانی حکیم نور الدین بیمہروی اہل حدیث بود -	"
۱۰۰	نزیر حسین امام اہل حدیث رفع یدین را از این طرح آموخت -	۳۲	۱۱۷	اقرار علماء اہل حدیث	"
۱۰۱	بہ شما ای مسلمانان افغانستان	"	۱۱۸	حمایت اہل حدیث از مرزبان بارکہ کافر ہستند	۳۷
۱۰۲	فساد عک ترک تقلید شخصی	"	۱۱۹	تصدیق محمد حسین بٹالوی وکیل اہل حدیث بہ کتاب قادیانی	"
۱۰۳	وجود فتنہ کافکارہ حدیث	"	۱۲۰	حمایت شمار اللہ امرتسری اہل حدیث از قادیانی	"
۱۰۴	منکرین حدیث نبوی ہمہ اہل حدیث بودند	"	۱۲۱	حمایت حافظ عبدالمنان و عبداللہ روہی اہل حدیث از قادیانی -	۳۸
۱۰۵	اقرار شمار اللہ امرتسری غیر مقلد	۳۳	۱۲۲	امیر جماعت اہل حدیث در عقائد قادیانی است	"
۱۰۶	چہرہ حقیقی غیر مقلدین کہ پروردہ آن را پوشانیدہ است -	"	۱۲۳	فتادہ اہل حدیث کہ ما و قادیانی یکی ہستیم -	۳۹
۱۰۷	ای مردم مسلمانان حق جوئی افغانستان	۳۴	۱۲۴	فساد عک ترک تقلید شخصی	"
۱۰۸	بیان صاحب موح کوثر در حقیقت منکرین حدیث -	"	۱۲۵	فتنہ بھدیر و اباحیت پسندی -	"
۱۰۹	اہل حدیث افغانستان نیز از زریٹ اس علامہ ہند ہستند -	"	۱۲۶	مذاق و تمسخر بہ شعائر دینی	"
			۱۲۷	تحلیل تمام مہرمات و آزادی از قیود اسلامی	"
			۱۲۸	تمام قائدین اباحیت پسندی ہا اہل حدیث ہند	۴۰

شماره	مضمون	صفحہ	شماره	مضمون	صفحہ
۱۲۹	ہر نوع تعاون با این گروہ حرام است	۴۰	۱۲۵	فساد بلا ترک تقلید شخصی	۴۳
۱۳۰	فساد عذا ترک تقلید شخصی فتنہ	"	۱۲۶	سلب اعتماد از صحابہ و تابعین و تبع تابعین	"
۱۳۱	انکار -	"		وائمه دین -	"
۱۳۲	انکار از اجماع امت مسلمہ و مخالفت با مسلمانان -	"	۱۳۷	جبرأت بہ توہین صحابہ و ائمہ دین	۴۵
۱۳۳	انکار از حدیث نبوی -	"	۱۳۸	اقرار قاضی عبدالعزیز خان پوری اہل حدیث بہ این حقیقت -	"
۱۳۴	مثال اول انکار اہل حدیث از اجماع امت مسلمہ -	۴۱	۱۳۹	اہل حدیث در تمام صفات رافضیہ مستند	"
۱۳۵	قول علامہ مسعود عالم ندوی بر این کہ	"	۱۵۰	اقرار نواب صدیق حسن خان (امام اہل حدیث نام بنام) -	"
	اہل حدیث جاسوس انگریز ہستند	"	۱۵۰	بانی فرقہ اہل حدیث عبدالحق بنارسی -	۴۶
۱۳۶	انکار از تعال صحابہ و تابعین و ائمہ دین	"	۱۵۱	قول حضرت قاری عبدالرحمن پانی پتی شاگرد شاہ اسماعیل دہلوی حنفی -	"
۱۳۷	مثال دوم انکار اہل حدیث از اجماع امت -	۴۲	۱۵۲	بانی این فرقہ مہتمم شیعہ و رافضی بود	"
۱۳۸	فتاویٰ علماء سعودی در طلاق ثلاثہ	"	۱۵۲	گستاخی اہل حدیث در بارہ امام اعظم امام ابوحنیفہ رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ	"
۱۳۹	اقرار مولوی اشرف دہلوی اہل حدیث بہ صحت مذہب اہلسنت	۴۳	۱۵۵	اقرار مولانا داؤد اہل حدیث در این بارہ	"
۱۴۰	قول محدثین کرام و شارحین حدیث	"	۱۵۶	اصول غیر مقلدیت بی ادبی و گستاخی است	"
۱۴۱	کتب علامہ زاہد الکوثری الحنفی	"	۱۵۷	گستاخی و بدزبانی اہل حدیث یک دیگر را	۴۷
۱۴۲	مثال سوم انکار اہل حدیث از اجماع امت	"	۱۵۸	اقوال علماء اہل حدیث در بارہ شمار اللہ امر تشریح اہل حدیث -	"
۱۴۳	مسک قرآۃ خلف الامام و احمد بن حنبل و ابن تیمیہ الحرانی -	۴۴	۱۵۹	اقوال علماء اہل حدیث در بارہ حافظہ عبد اللہ بن مسعود	۴۸
۱۴۴	اہل حدیث و تحریف معنوی قرآن	"	۱۶۰	مولوی عبداللہ بدوی اہل حدیث در فعل لواطت معنویت مبتلا بود -	"

شماره	مضمون	صفحه	شماره	مضمون	صفحه
۱۶۱	اقوال علماء اہل حدیث در بارہ امیر جماعت	۴۸	۱۷۶	تمام کتب قبلی را در آتش بسوزانید	۵۴
	غربار اہل حدیث -		۱۷۷	این اہل تکبیس را نابود کنید -	۵۵
۱۶۲	قول محمد دہلوی غیر مقلد در بارہ عالم	//	۱۷۸	موسس فرقہ اہل حدیث شیعہ در افضی بود	۵۶
	غربار اہل حدیث -		۱۷۹	اقرار علماء اہل حدیث بھوپالی و علامہ سید	//
۱۶۳	قول حکیم صادق سیالکوٹی غیر مقلد در بارہ	//	۱۸۰	عبدالحمی پدر ابو الحسن علی ندوی -	۵۷
	استاذش مولوی ابراہیم سیالکوٹی			فساد ۱۳ ترک تقلید شخصی	//
۱۶۴	تفصیل گستاخی دہلی ادنی غیر مقلدین در	//	۱۸۱	بغاوت و مخالفت از حدیث نبوی	//
	بارہ علماء خود		۱۸۲	بغاوت و مخالفت از حدیث از	۵۸
۱۶۵	فساد ۱۳ - ترک تقلید شخصی	۴۹		حدیث نبوی -	
۱۶۶	تجدید افضی و شیعیت	//	۱۸۳	بغاوت و مخالفت از	//
۱۶۶	در تمام اوصاف غیر مقلدین رافضی مستند	۵۰	۱۸۴	بغاوت و مخالفت از	۵۹
۱۶۷	اعتراف خود علماء اہل حدیث	۵۱	۱۸۵	==	//
۱۶۸	قاضی عبداللہ خانپوری اہل حدیث	//	۱۸۶	==	//
۱۶۹	نواب صدیق حسن خان و کتاب	//	۱۸۷	==	۶۰
	تقصص الا کاہرہ -		۱۸۸	==	//
۱۷۰	مشابہت کامل اہل حدیث با رافضی	//	۱۸۹	بغاوت و مخالفت از حدیث از حدیث	//
۱۷۱	متوجہ جائز است اہل حدیث شیعہ	۵۲		نبوی و عمل دائمی رسول ص -	
	علی است اقرار		۲۰۰	بہ شمای ملت غیور و خدا پرست افغان	//
۱۷۲	وحید الزمان اہل حدیث	//	۲۰۱	فساد ۱۵ - ترک تقلید شخصی	۶۱
۱۷۳	اعتراف اہل حدیث و اہل تشیع علی است	//	۲۰۲	انکار از قرآن کریم	//
۱۷۴	جواب ابن تیمیہ و شاہ عبدالعزیز محدث	//	۲۰۳	انکار از قرانیت سورہ فاتحہ	//
	دہلوی حنفی -		۲۰۴	جذبہ اتباع حدیث باعث ترک تقلید نیست	۶۲
۱۷۵	موافقت اہل حدیث با اہل تشیع	۵۳	۲۰۵	بلکہ دو پردہ داعیہ سہولت نفس حیوانی کار	//
				فرما است -	

شماره	مضمون	صفحه	شماره	مضمون	صفحه
۲۰۶	مقصد اهل حدیث عمل به حدیث	۶۲	۲۱۲	مخالفت از مذاہب اربعہ حرام	۶۸
۲	نبوی نیست بلکه مقصد اتباع	"	"	و سبب گمراهی است -	"
"	خواہشات نفسانی و سهولت است	"	۲۱۵	دلیل ۱	"
۲۰۷	مثال ۱	"	۲۱۶	دلیل ۲	"
۲۰۸	مثال ۲	"	۲۱۷	دلیل ۳	"
۲۰۹	مثال ۳	"	۲۱۸	دلیل ۴	"
۲۱۰	از مثال ۱ تا مثال ۳	۶۳	۲۱۹	از دلیل ۱ تا دلیل ۴	"
۲۱۱	پاک دامنی اهل حدیث	۶۴	۲۲۰	سوالات از غیر مقلدین	۶۹
۲۱۲	ترک تقلید رتبه اول کفر و	"	۲۲۱	سوال ۱ تا سوال ۷	۷۰
۲۱۳	الحاد و زندقمه است -	"	۲۲۲	اختتامیه خروج از مذاہب	۷۲
				مہلک است -	

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي كلفنا بتقليد اهل الذكر حيث قال
 فسائلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون وامرنا بالاتباع الاحسن حيث
 قال واتبعوا احسن ما انزل اليكم من ربكم اذا تعملون والصلوة على
 رسوله الذي حض المجتهدين بالاجر حيث قال اذا حكم الحاكم فاجتهد
 فاصاب فله اجران واذا حكم فاجتهد فاخطا فله اجر متفق عليه
 وارشدهنا باتباع الافقه حيث قال من يريد الله به خيرا يفقه في الدين
 (متفق عليه) وعلى آله وصحبه وانصاره الذين اجمعوا على ان المفتي ليس
 الا المجتهد العدل سيما الاثمه الاربعة الذين كانوا بعد الصحابة
 الاجلة احسن اهل الذكر والعدل الذين هم دعائم الاسلام
 موارد الدراية مناهل الرواية بيدهم ازمة الاجتهاد والاصابة
 هم الذين جاهدوا لخدمة الدين وسهروا الليالي في واديتها
 واستنبطوا من معاني القرآن والحديث غوالي لا ليسها و رصصومباني
 الشريعة وشيخا ومعانيها حتى نالوا الدين وكان عند الشرا جزاهم
 اللدا عن كافية الامه خيرا الجزار وجعلنا منهم اما بعد

بنده ناچيز الحاج مولانا محمد نوري لطفى شهير به استاذ ابو الوفا افغانى به خدمت به موطنان خویش عرض میدارم که
 که در این زمان پرفتن و پر آشوب که به نام بائی مختلف و نعره بائی مختلف دشمنان اسلام و کوشش سلب ایمان
 هستند عهده از احمقان که در حقیقت عمیل یهود عالمی هستند دعوت الحادى خود را با کمال قوت به طرف کتاب
 و سنت که به مثل ادعای اهل تشیع محض مکر و فریب است شروع کرده عدیه از مسلمانان سنی المذهب را
 گمراه کرده و اصل جهنم کرده اند لازم دانستم تا تمام مکر و صیله آنها را در قید قلم در آورم تا مسلمانان سنی
 المذهب در دام تزدیر آن عمیل یهود و صیهونیت عالمی نه افتند به نزد من دلائل قاطع وجود دارد
 که اهل حدیث نام آنها و عمیل سى آئے اى امریکا هستند و هدف آنها ایجاد اختلاف و افتراق و انتشار
 و لامرگزیت در میان مسلمانان است و نتایج شوم این عمل احمقان در تاریخ بشریت ثبت شده است
 چونکه تبلیغات این گروه به خلاف مذهب و عقیده و اتباع سلف صالحین است لازم دانستم تا

فوائد و برکات و منفعت تقلید ائمہ اربعہ را بیان کنم و سپس مفردات ترک تقلید را در آخر تمام
مغالطہ این گروہ مبتدعہ را جواب دادہ اند این گروہ مبتدعہ سوالات کردہ ام تا تمام حقائق بہ قاریین
گرام ظاہر گردد و در این عمل مقصد اصلی این حقیر نجات دادنی ملت مسلمانان افغانستان از
استعمار و حفظ عقیدہ و مذہب حقہ است کہ نجات ابدی بہ آن موقوف است اگر در تالیف
بشریہ نگاہ کنیم ظاہر خواہد شد کہ تمام اہل باطل از کتاب و سنت نام می بردند و مقصد آنها از استعمال
نام عمل بہ مقتضی کتاب و سنت نبود بلکہ در پروردہ پوشانیدن ہمہ الحاد در زیر پروردہ این دعویٰ ہا
بود چنانچہ کہ در تمام فرق باطلہ ہند و فرق روافض مشاہدہ کردہ اید پس باید کہ از مکر این فرقہ مبتدعہ
بیز آگاہ شدہ از ہر نوع تعاون و ہمکاری خوداری کردہ از شر آنها ملت مسلمانان خود را نجات
بدہیم و دنیا و متاع دنیا قیبل و ہیقیر است باید کہ در فکر نجات آخرت باشیم و نجات آخرت
در حفظ عقیدہ و مذہب است کہ در جمع ریال و در ہم خدا یا ملت مسلمان ما را از شر ہمہ فتن
عالم بہ ہر نامی کہ باشد نجات دہ خود حافظ و ناصر این ملت مظلوم و ستم دیدہ و رنج دیدہ باش
آمین بجاہ نبیک محمدن الامین ثم آمین -

الاحقر الحاج مولوی مفتی محمد نصر اللہ لطفی الشہیر بالاستاذ ابو الوفاء الافغانی مفتی اعظم
افغانستان نزیل مکہ المکرمہ - ۱۴۰۷/۱۰/۷ هـ

تقلید معنی اعتماد و کامل به ائمہ دین

واخذ اقوال انہایک کار نیک و لگام لجامی است کہ انسان را از بی راہ روی و کج روی باز میدارد
از مطلق العنانی و خود پسندی و خود بینی و خود سری منع می کند و از آوارگی ذہنی و آزاد خیالی ندیبی
(کہ سبب ہمہ فساد عالم است) باز میدارد و زریعہ اساسی محفوظ شدن از اتباع خواہشات بی لگام و تنفرد
مخالفت از علماء حق صرف و صرف تقلید است این لگامی است کہ انسان را از ہمہ فساد اخلاقی و عقلی نگاه می
دارد و این فضل خداوند است کہ بہ ہر کسی کہ میسر شود کامیاب دنیا و آخرت است و مراد از تقلید تقلید شرعی است
و تقلید جامد نیست و تقلید جامد بہ نزد اہل حق جائز نیست در مسدّد تقلید بہ طرف کتاب من المصباح الجدید فی اثبات
الاجتہاد و التقلید مراجعہ کنید۔

مناسب است کہ فوائد و برکات تقلید (یعنی اتباع) را مع نتائج کج سنگین و بدبخت افکن ترک تقلید
ذکر کنم تا باعث عبرت گردد و دستہ غیر مقلدین و منکرین اتباع سلف صالحین ناکام گشتہ و خلق خدا را گمراہ نکنند
و ہدف اصلی این حقیر از این کتاب و کتب دیگر خواہش خدمت و حفاظت دین مقدس اسلام است و بس
واللہ علی ما نقول وکیل۔

فائدہ و برکت تقلید و اتباع ائمہ دین = سلسلہ تعلیم تمام علوم و فنون اعم از اخروی و دنیوی
از برکت تقلید و اتباع کامل جاری و ساری است؛ قارئین روشن ضمیر تمام علوم و فنون دنیوی صنائع ماشین
دست کاری خلاصہ جمیع اقسام کار و کسب در صورت آموختہ و آموزہ انبیدہ میشود کہ منتعلم از استاد خود تقلید
کند یعنی یک طفل و قتیکہ در مکتب و مدرسہ میرد و بہ نزد استاد ووزانومی نشیند و استاد بہ آموزہ انبیدن
شروع می کند و می گوید کہ بگو الف با الخ اگر شاگرد بجای الف گفتن بگوید کہ دلیل چہ است کہ این
الف است بہ غیر دلیل من قبول نمی کنم کہ این الف است تا آنکہ نوبت بہ انکار برسد۔
قارئین باضمیر شما خود بگوید کہ آیا چنین طفل بہ علم آراستہ شدہ می تواند و آیا از این علم بہرہ می برد
بہ محبتہ من ہرگز امکان ندارد کہ این طفل بہرہ برد و این خیال است و جنون است جنون مثلاً کب

و نیوی را بگیریم اگر شاگرد از تمام بدایات استاذ پیروی و تقلید کند در آن فن و کسب مهارت حاصل کند و آن صنعت و کسب را خوب می آموزد و اگر طرز رویه غیر مقلدانه اختیار کند و در هر کار دلیل طلب کند و از تقلید و اتباع استاذ اعراض کند اگر تمام عمر خویش را مصرف کند مهارت حاصل کردن در کتایب در آن کسب ادنی مناسبت پیدا نماید که در و علی هذا القیاس پس معلوم شد که تقلید و اتباع زریعه حصول علم و کامیابی است و ترک آن زریعه محرومی و ناکافی است - فاعتبروا یا اولی الابصار - فائده و برکت ۲ تقلید - در تمام دنیا نظام صحت از برکت تقلید قائم است: اشخاصیکه از علم طب اگاهی ندارند - برای آنها تقلید طبیب از حد ضروری است اگر غیر طبیب و داکتر و رسوخه نکته چینی کند و اعتراض کند و دلیل پرسیان کند و در استعمال آن چون و چرا کند و در تشخیص مرض چون و چرا کند و تجویز و تشخیص داکتر را به نظر مسخر نگیرد و استهزا نکند آیا چنین مریض صحت یاب و تندرست می شود نه و پیرگزنه این خیال باطل است ای عاقلان آیا این فعل درست و منتج است که غیر طبیب و داکتر خود از کتب طبیب بدون تعلیم از استاذ مرض خود را علاج کند و دواخانه باز کرده مردم را دوا بدهد سپس نتیجه حرکت غیر عاقلانه و احمقانه این شخص به غیر از این چه خواهد بود که به جان و زندگی مردم بازی کند و هزار بار انسان بی گناه را به سبب نادانی خود به هلاکت برساند - در حقیقت این چنین شخص احمق و نادان است و هر که از آن علاج و معالجه کند او نیز نادان و احمق و دیوانه و مسلوب العقل است پس معلوم شد که اتباع و تقلید المکرمه مسلمین سبب نجات دنیوی و اخروی است و اتباع شیاطین امروزه باعث هلاکت و ندامت است -

فاعتبروا یا اولی الابصار -

فائده و برکت ۳ و اتباع المکرمه دین - تمام اداره های خرد و بزرگ دنیا به برکت تقلید مشغول به کار است! برادران مسلمان و خردمندان اگر در کائنات نظر کنم یقیناً به این نتیجه می رسم که تمام ادارات عالم صرف به برکت تقلید ادامه دارد و هر اداره یک منتظم اعلی دارد و تمام افراد ما تحت او کاری کنند اگر آن سرپرده امر بدهد که چنین کار کنید و ما تحت او به عوض تمیل حکم او مشغول به دریافت و دلیل شوند و بگویند که ما این کار را نمی کنیم تا وقتیکه دلیل آنرا بیان نکنی و تا به دلیل ثابت نکنی ما هرگز این کار را نمی کنیم و این قول در تمام افراد اداره سرایت کند تا آنکه کار و عمل معطل شود قاریس کرام شما خود فیصله کنید که آیا چنین کاری بگریزید یا مصلح و آیفانی الحال خارج کردن از کارخانه یا اداره کار مواب است یا نه و خود فیصله کنید که آیا چنین افراد سبب ترقی کارخانه و اداره است و یا سبب بربادی آن به نظر من هرگاه و اداره که در آن چنین افراد سرودی انجام باشد هرگز کامیاب نخواهد شد و در هر اداره که

چنین افراد مخرب وجود داشته باشد باید که فوراً آنها را از آن اداره خارج کنند و در صورت عدم آن کارخانه و اداره نابود فایده شد و حقیقت این است که غیر مقلدین از تقلید خلاصی ندارد و فرق این قدر قدرت است که ما تقلید المومنین را ضروری میدانیم و غیر مقلدین تقلید شیطان و خواہشات نفسانی خود را بین فرق رہ از کجا است تا به کجا خلاصه اینکہ از تقلید مفرد خلاصی نیست و گرنہ ہمہ نظام عالم معطل خواهد شد و تعطیل نظام عالم دلیل جہل است پس معلوم شد کہ منکرین تقلید المومنین سلف جاہل اند و دشمن عقل سلیم ہستند و از عقل محروم اند۔
فائدہ و برکت کے تقلید و اتباع المومنین - سکون و اطمینان بہر خانہ از برکت تقلید قائم و استوار است۔
نظام فامی در صورت درست می شود کہ زن بہ شوہر و شوہر بہ زن کاملاً اعتماد کنند و زن تمام احکامات شوہر را قبول کردہ بدون چون و چرا از آن تقلید کند اگر بایک دیگر اعتماد نکنند و در ہر سخن دلیل طلب کنند انتظام و سکون خانہ از میان می رود۔ امن و امان مرتفع می شود و خانہ منظر بہتر می گردد۔

اگر زن آزاد خیال و خود سر و خود مختار باشد۔ نتایج کہ برآمد می شود از بیان بیرون است خصوصاً در حالیکہ در ہر کار دعوی اجتناب و آزاد خیالی کند نتایج و بہشت آنگن آن از احاطہ قلم بیرون است و برای اہل دانش و خرد عیان است عیان را چہ بیان علاقان بلا این قدر اشارہ کافی است پس معلوم شد کہ تقلید سبب اساسی امن و کامیابی است و انکار و ترک آن سبب بد امنی و انتشار و افتراق و ناکامی است۔ والدین بہتری من یشاء الی صراط مستقیم۔

فائدہ و منفعت و برکت و تقلید و اتباع المومنین

در دنیا و ابد در حفاظت و صحت نسبی خانوادہ با بر تقلید سدید است و در این عالم آب و گل و ہستی کائنات امتیاز قبائل و خانوادہ با و حفاظت و صیانت نسب رہین منت تقلید است بہر فرزند کہ از مادر خود پیدامی شود کاملاً از آن تقلید می کند تا از آن خانوادہ محسوب شود اگر فرزند از مادر خود بہ طرز و رویہ غیر مقلدانہ سوال کند کہ من از پدر خود نیستم تا دلیل پیش نکنی من تسلیم نمی کنم کہ از نطفہ پدر خود باشم۔ قارئین روشن ہنرمندانانہ فیصلہ کنید کہ آیا سوال این طفل صحیح است یا غلط و آیا مادر آن این سوال را با دلیل مبرہین می تواند کہ آن پسر پسری پدر خود است صحت نسب در صورت ثابت می شود کہ فرزند از مادر خود کاملاً تقلید کند و آن ہم تقلید شخصی و گرنہ در حلال زادہ بودن او بہ غیر قول مادر او ہیچ دلیلی وجود ندارد و اگر طفل قبل از بلوغ و یا بعد از سن بلوغ چنین مطالبہ دلیل کند و رویہ غیر مقلدانہ اختیار کند آیا نظام فامی خانوادہ ہائے عالم درست مانده می تواند بلکہ تمام نظام نسبی در ہم و برہم می شود غیر مقلدین در این مسلہ چہ نظر دارند باید کہ بیان کنند و ضمناً از مادر خود دلیل طلب کنند و آن ہم دلیل کتاب و سنت تا حلال ثابت شوند و در غیر آن ہم حرامی ہستند پس معلوم شد کہ در مدار حفاظت نسب در تقلید شخصی است و انکار از آن دلیل حرامی بودن است۔ فاعبروا یا اولی الاباب لعلمک تفلمون الایہ۔

العقاد خلافت خلفائے راشدین نیز بہ برکت تقلید صورت گرفت۔

زمانہ خلافت خلفائے راشدین نہایت دور تابندہ و درخشندہ و مبارک تاریخ اسلامی است اگر در طرز زندگی و کارنامہ ہائے بی مثال دور خلافت انہا نظر بیندازیم این حقیقت بہ مثل نصف نہار واضح می گردد و ظاہری شود کہ در تمام کمالات علمی و عملی مذہبی و سیاسی جا نشین و قائم مقام صحیح پیغمبر اسلام بودند و بہ زریعہ انہا بہ اندازہ کہ تبلیغ دین و اشاعت علوم شرعیہ و سعت یافت و حدود اسلامی نافذ العمل شدہ تاریخ از پیش کردن چنین مثال قاصر است این کارنامہ ہائے انہا دلیل قاطع بر آن است کہ خلافت انہا علی منہاج النبوتہ بود و تمام این حقائق بہ برکت تقلید صورت گرفت تفصیل آنرا بہ غور مطالعہ کنید تا حقیقت واضح گردد کہ انکار از تقلید شخصی در حقیقت انکار از خلافت راشدہ است و این وظیفہ اہل تشیع است نہ کہ وظیفہ اہل سنت و بدانید کہ منکرین تقلید در حقیقت شعیہ ہستند۔ ان اللہ لا یہدی القوم الغافلین فائدہ و منفعت و برکت و تقلید و اتباع ائمہ دین۔ خلافت حضرت ابو بکر صدیق رضی اللہ عنہ و بلا فصل مسلمین؟۔ بعد از وفات پیغمبر اسلام بہ نظر صحابہ کرام از ہم چیز مہم تر مسکہ خلافت بود ہمہ صحابہ کرام در یک جامع شدند حضرت عمر فاروق رضی اللہ عنہ خلیفہ دوم اسلام مختصراً بیان کرد و فرمود کہ حضرت ابو بکر صدیق را برای خلافت حکومت پسند می کنم و قبل از ہمہ حضرت عمر فاروق بہ دست حضرت ابو بکر صدیق بیعت کرد و باقی تمام اصحاب کرام از حضرت عمر فاروق تقلید شخصی کردہ بیعت کردند در بارہ تفصیل مسکہ خلافت بہ مطولات کتب عقائد رجوع کنید و خصوصاً الاحکام السلطانیہ

پیچ فردی از اصحاب رسول نہ دلیل طلب کردند و نہ این عمل فاروق اعظم را شرک و کفر گفتند و نہ کدام حدیث و آیت مطالبہ کردند پس گویا کہ بہ صحت تقلید شخصی اجماع صحابہ است و منکر آن منکر اجماع صحابہ است کہ کفر است و بہر کہ تقلید شخصی را شرک و کفر می گوید گویا کہ ہمہ صحابہ را کافر و مشرک می گوید نعوذ باللہ من مثل ہذا القول الجبث۔ از غیرت بدچین حماقت و جہالت ہزار بار از خدا پناہ می خواهیم۔ ای قاریکن کرام و روشن ضمیر و مسلمانان خدا پرست و حق بین خود فیصلہ کنید کہ حماقت غیر مقلدین بہرہ در چہ رسیدہ است کہ ہمہ صحابہ را کافر قرار می دہند پس در میان این نگورہ و اہل تشیع چہ فرق است بہ نظر من بہر دو یکی ہستند و فرق صرف در پالان است فتدبر۔

فائدہ و منفعت و برکت و تقلید و اتباع ائمہ دین۔ خلافت عمر فاروق رضی اللہ عنہ و انقاد خلافت حضرت عمر فاروق نیز از برکت تقلید شخصی صورت گرفتہ است و قتیکہ حضرت ابو بکر صدیق دید کہ پیامد حیات بر نیز شدہ است و وصل بہ بلا اعلیٰ قریب تر شدہ می رود و وصیت کرد کہ بعد از من حضرت عمر فاروق و خلیفہ خلافت را انجام دہد یعنی خلیفہ مسلمانان شود حضرت ابو بکر صدیق اسحقاق خلافت حضرت عمر را نہ از قرآن ثابت کردہ

و نہ حدیث بیان کرد و نہ وصیت نامہ نہ آیت نوشت و نہ حدیث تمام اصحاب کرامؓ پہ شمول حضرت علیؓ بیرون مطالبہ دلیل و بدون چون و چرا این رائی و قول حضرت ابو بکر صدیقؓ را قبول کردند و نام چنین عمل تقلید شخصی است پس معلوم کہ در صحت تقلید شخصی اجماع اصحابؓ است و منکر اجماع صحابہ کرامؓ گمراہ است و ہرگز حق دعوی سلفی بودن را ندارند البتہ بہ سلف الحادی نسبت انہما صحیح است نہ بہ سلف صالحین فقذکرہ فائدہ و برکت ۵ تقلید شخصی و اتباع ائمہ دین - خلافت حضرت عثمان غنیؓ خلیفہ سوم اسلام و قتیکہ حضرت عمر فاروقؓ در آخر لمحات زندگانی رسیدند بعضی از اصحاب کرامؓ عرض کردند کہ بعد از خود خلیفہ مقرر کن، اول حضرت عمرؓ از این قول اعراض و رزید بار دوم چنین سوال کردند حضرت عمر فاروقؓ فرمود کہ در زندگی این بارگران بر سر من بود من نمی خواہم کہ بعد از مرگم نیز این بار بزرگ بہ ذمہ من باشد پس ارشاد فرمود کہ لا تشس افراد وجود دارد کہ حضرت رسالت مآبؐ بہ انہما بشارت جنت داده است حضرت عثمان و حضرت علی و حضرت عبدالرحمن بن عوفؓ و حضرت سعد بن ابی وقاصؓ و حضرت زبیر بن العوامؓ و حضرت طلحہ بن عبید اللہؓ من انہما را اختیار میدہم تا در میان خود مشورہ کردہ یکی را خلیفہ انتخاب کنند حضرت عبدالرحمن بن عوف از خلافت دست بردار شد بعد از فیصلہ او ہمہ اختیار را بہ او دادند کہ بہر راخاہی انتخاب کن بعد از غور و تفکر سہ شبانہ روز حضرت عبدالرحمن کہ از جملہ عشرہ مبشرہ بالجنۃ است بعد از سہ روز بہ نتیجہ رسید - و در مسجد نبویؐ بعد از نماز صبح حضرت عثمان غنیؓ را گفت کہ عہد کن کہ بہ کتاب اللہ و سنت پیغمبر و سیرت شیعین یعنی حضرت ابو بکر صدیقؓ و حضرت عمر فاروقؓ عمل کنی بعد از گرفتن عہد حضرت عبدالرحمنؓ بدست بر حق حضرت عثمان غنیؓ بیعت کردند و تمام اصحاب کرامؓ از حضرت عبدالرحمن بن عوف تقلید شخصی کردہ بدست بر حق حضرت عثمان غنیؓ بیعت کردند و شمول حضرت علیؓ در این انتخاب حضرت عبدالرحمنؓ نہ آیت پیش کرد و نہ حدیث و تمام صحابہ کرامؓ از او پیروی کردند این است تقلید شخصی کہ مادر اتباع اصحاب و سلف صالح آنرا ضروری می دانیم و باعث نجات مسلمین میدانیم اگر این شرک باشد پس باید غیر مقلدین بیان کنند کہ مسلمان کہ است و اگر بہر رسدہ تقلید کافر شدند (معاذ اللہ) پس شما غیر مقلدین از کجا آمدید ممکن است کہ سلسلہ غیر مقلدین از سلسلہ مسلمانان جدا باشد و این یقین است تفصیل آنرا از کتاب دیگر این حقیر فتح العزیز تو تلاش کنید و خود را از حقیقت غیر مقلدین آگاہ کنید -

فائدہ و منفعت و برکت ۱ تقلید و اتباع ائمہ دین - بہ غیر تقلید شخص عمل بہ احادیث نبویؐ خارج از امکان است و عمل بہ حدیث صرف بہ زریعہ تقلید شخصی ممکن است ۱ قاریکن روشن ضمیر و خدا ترس و حق جوی ہنجا خود غور کنید و قتیکہ از ائمہ حدیث و ائمہ جرح و تعدیل تقلید شخصی نکنیم آیا عمل بہ حدیث ممکن است

یعنی حدیث را که ائمہ حدیث صحیح گفته اند به آن عمل کردن و حدیث را که ضعیف گفته اند ترک کردن آن تا آن وقت ممکن نیست تا مادامیکه تصحیح و تضعیف از ائمہ حدیث تقلید شخصی نکنیم عملی به حدیث ناممکن است تفصیل این اجمال این است که مدار صحت و ضعف حدیث اقوال و افعال ائمہ حدیث است مثلاً امام بخاری شافعی در کتاب خود ۴۰۰۰۰ چهل هزار حدیث صحیح آورده است و حکم آن در صحت این احادیث در کتاب اللہ ثابت است و نه از احادیث یعنی نه خدا گفته که فلان شخص صادق است و فلان کاذب و هم چنان از پیغمبر اسلام در باره پیچ فردی شخصاً حکم وجود ندارد بلکه این حکم صرف از اجتهاد و ظن او صادر شده است و معلوم است که امام بخاری پیغمبر است و نه معصوم و نه خارج از اسکان خطا کردن لیکن امر باعث تعجب و حیرت این است که با وجود که امام بخاری شافعی معصوم نیست غیر مقلدین از او تقلید شخصی کرده تمام احادیث او را صحیح می دانند حال آنکه مدار صحت احادیث او صرف اجتهاد و ظن خود او است حال آنکه غیر مقلدین تقلید غیر نبی را شرک می گویند غالباً به عقیده غیر مقلدین بخاری پیغمبر است اگر تقلید غیر پیغمبر شرک است در غیریت بخاری و همه ائمہ حدیث وفقه برابر هستند پس تقلید ائمہ حدیث از کجا جائز شد و غیر مقلدین نظر به کدام آیت تقلید مقلد را جائز و تقلید مجتهد را ناجائز و شرک میگوید نظر به فتاوی غیر مقلدین خود شرک اند و اگر تقلید نبی کنند پس صحت روایت آنها چه معنی دارد و چه دلیل است آیت یا حدیث باید که تخریر کنند حقیقت این است که از تقلید شخصی خارج شدن ناممکن است و خود در این شرک گرفتار هستند اگر غیر مقلدین از بخاری و دیگر ائمہ مقلدین تقلید شخصی نمی کنند خدا را حاضر و ناظر دانسته و مسوکیست آخرت را در نظر گرفته (در یال سعودی رادر نظر گیرند) بگویند که آیا هر فرد غیر مقلدین تمام رواة بخاری را مطابق علم خویش تحقیق کرده ثقاته آنها را ثابت کرده اند و به آن عمل می کنند این گروه یتیم العلم از الفاظ بخاری خبر ندارند کجا اینها و کجا تحقیق رواة و اسماء الرجال و جرح و تعدیل (بنیما یون بعید) این مقلدین احناف اند که اساس این علوم را وضع کردند و امام یحیی این معین حنفی و سعید القطان حنفی و ابن الجراح الحنفی و دیگر علماء احناف هستند که از بانیان علم جرح تعدیل به شمار می آیند و پیچ مشکلی نیست که استفاده از کتب این فن ضروری است و آن بدون تقلید شخصی ممکن نیست دعوی این که به غیر کتب این فن به غور و فکر خود به آن رواة حدیث اعتماد داریم و خود می دانیم سرتاسر دروغ و فریب است از تاریخ وجود نامسعود غیر مقلدین تا امروز چنین شخصی وجود ندارد که به غیر استفاده از کتب ائمہ این فن که همه مقلدانند به صحت و عدم صحت حدیث ادراک پیدا کرده باشد و یا چنین دعوی کرده باشد و غیر مقلدین چنین دعوی نمی توانند زیرا که اکثر آنها طلبکار ابتداء و عوام کالانعام و جمله اند پس چنین تحقیق از کجا این قدر متدین نیستند بلکه کار آنها صرف انتشار و افتراق در میان مسلمانان است نه که حدیث به

اسلام و مسلمین تفصیل این مسئله را از کتاب دیگر من اهل حدیث و انگریز تلاش کنید پس ذوق تحقیق از کجا تا کجا تحقیق کنند این جاد و صورت باقی است اول آنکه تمام افراد غیر مقلدین از عالم خود که جاسوسی انگریز و دشمن اسلام است تقلید کنند و یا از امام بخاری تقلید شخصی کنند و تمام روایات بخاری را که اساس صحت آن اجتهاد و ظن خود او است صحیح قرار داده از آن تقلید کنند و در صورت تا جائز است نه تقلید این جاسوس جائز است و نه تقلید بخاری زیرا که خود بخاری مقلد است و تقلید مقلد به نزد هیچ کس جائز نیست -

خلاصه اینکه بدون تقلید شخصی زندگی مذهبی و اسلامی ناممکن است و علم حدیث و سنت که اصول دین اسلام است بدون تقلید شخصی عمل به آن ناممکن است مثلاً حکم می‌نشین که این حدیث صحیح است یا حسن و یا ضعیف و یا مرسل و یا معلق یا معضل و یا منقطع و یا مدللین و یا مضطرب و یا مدرج و یا شاذ و یا منکر و یا معلل و یا محفوظ و یا معروض است این همه به سبب حسن ظن و اجتهاد آنها است در مسئله عمل به حدیث غیر مقلدین نیز از ائمہ حدیث تقلید شخصی می‌کنند از کجا است که تقلید ائمہ حدیث که همه مقلد اند جائز است و تقلید مجتهدین نا جائز است دین غیر مقلدین عجیب است از یک طرف تقلید مجتهدین را حرام و شرک می‌گویند و از طرف دیگر تقلید مقلدین می‌کنند بسوخت عقل زحیرت که این چه بوالعجبی است -

فائده و منفعت و برکت از تقلید و اتباع ائمہ سلف صالحین : اساس علم جرح و تعدیل و اسما و رجال نیز تقلید شخصی است از علم اسما و رجال علمی است نهایت عظیم الشان در این علم از علم و فضل و ذمات و فطانت و دیانت و امانت تقوی و ورع و حافظه و ملکه و تفسیر در حافظه و ملکه بحث می‌شود که در کتب این فن که همه مصنفین آن مقلد هستند به تفصیل بیان شده است این علم در معرفت احادیث صحیح و ضعیف حیثیت تراز و دارد بدون این علم معرفت حدیث ناممکن است این علم نیز از برکت تقلید شخصی قائم است در کتب این علم اقوال ائمہ جرح و تعدیل که اکثر اهل سنت هستند مثل ابن معین و سعید القطان و ابن جراح و غیرهم در باره روایة حدیث بیان می‌شود و حال اینکه این ائمہ خدا هستند و رسول و نه مصوم با وجود آن غیر مقلدین از این ائمہ مقلدین تقلید می‌کنند و قول آنها را قبول می‌کنند که گویا حدیث نبوی است آخر تا یکی این فکر و فریب آخر چگونه قول این ائمہ مقلدین قابل قبول است و شما غیر مقلدین بدون چون و چرا قبول می‌کنید و تقلید جاد می‌کنید که کفر محض است و از اقوال ائمہ مجتهدین اعراض می‌کنید و در باره ائمہ حدیث خطا و غلطی ناممکن است و در باره مجتهدین ممکن و تقلید مجتهدین شرک است و تقلید مقلدین توحید و اسلام و تقلید ائمہ جرح و تعدیل که خود مقلد اند به مثل حدیث صحیح قابل اخذ و قبول است و آن هم بدون تامل و غور و فکر واجب القبول است عجیب عقل و منطق است در کدام آیت و حدیث آمده است که قول فلان محدث

را قبول کنید و قول فلان مجتهد را قبول نکنید مگر بانی فرموده آن ایت و حدیث را پیش کنید به خیال من غیر مقلدین
 را پس بسوی جاہلیت دعوت می دهند و از علم و خرد آنانرا محسوم می کنند ای مسلمانان افغانستان از علم
 و خرد کار بگریزید و در دام تنزیر و ابلیسی این ابلیس با ستم انسان صورت نه افتید که سبب ہلاکت شماست
 در قرآن کریم و حدیث نبوی بیخ دلیل و خود ندارد کہ اتباع الئمہ سلف صالح را شرک گفته باشد بلکہ اتباع
 و سلف را باعث نجات و انکار را گمراہی گفته است بہ الطہمان کامل گفته می توانم کہ قبول کردن اقوال
 الئمہ جرح و تعدیل در بارہ روایة حدیث و بنائے احکام شرعی بر آن عین تقلید شخصی است و خلاصی از
 آن ناممکن است و نفی آن الحاد است و انکار از آن انکار از دین است کہ این ہمہ صفات ملحدین است
 نہ کہ صفات موحدین۔

فائده و منفعت و برکت و تقلید و اتباع الئمہ دین۔ اجماع امت مسلمہ بہ یک حرف
 از برکت تقلید بوده است۔ حضرت شاہ ولی اللہ می فرماید کہ اول تقلید شخصی نبود بعد از تقلید شخصی اتفاق
 و اجماع شد و در این زمان ہمین واجب است و انکار از آن گمراہی است و شرک گفتن آن انکار از
 دین است کہ کفر محض است۔ و این اجماع مسلمانان در اسلام نظیری بسیاری دارد نظیر اول جمع قرآن است
 در زمانہ حیات رسول قرآن بہ ہفت لغت عرب قرائت و کتابت می شد و مطابق روایت ابن جریر حضرت
 عثمان غنی از جملہ آن ہفت لغت شش آن را منسوخ کردہ صرف حرف یعنی لغت قریش
 را باقی گذاشت در حالیکہ در زمانہ حضرت رسالت مآب و شیعین بہ ہفت لغت قرائت جائز و صحیح بود
 و حضرت عثمان غنی دیدند کہ بہ سبب اختلاف لغت ممکن است کہ در میان مسلمانان افتراق و اختلاف و جدال
 و فتنہ رخ بدہد۔ شش قرائت را منسوخ کردہ صرف یکی را برقرار گذاشت و تمام اصحاب کرام بہ شمول
 حضرت علی و دیگر بقیہ عشرہ کبیرہ از حضرت عثمان تقلید شخصی کردہ بہ آن عمل کردند و تا امروز تمام مسلمانان
 عالم بہ شمول اہل حریم شریفین بہ این اجماع عمل می کنند و حضرت عثمان بموجب رسم الخط قرآن است و اتباع
 این رسم الخط واجب است و قبل از حضرت عثمان بہ رسم الخط مختلف نوشته می شد و بعد از رسم عثمانی تمام
 رسم الخط با منسوخ شدند و صرف رسم الخط حضرت عثمان باقی ماند کہ این دلیل قاطع بہ تقلید شخصی است
 و در این مسئلہ تعیین و ترتیب سورہم اصحاب کرام از اول تقلید شخصی کردہ اند و از این واقعہ کہ حقیقت است
 واضح می گردد کہ سبب نجات مسلمانان و خلاصی از فتنہ و فساد صرف و صرف تقلید شخصی است و نیز ہمین تقلید شخصی
 سبب امن و امان و زہد و تقوی و خاطر جمعی و دینداری است۔

۱-۳۔ در مسئلہ تقلید بہ کتاب دیگر من المصباح الجدید مراجعہ کنید ۱۲ منہ
 ۲-۳۔ در مسئلہ رسم الخط بہ کتاب این حقیر فتح اللہ الجدید فی علم التجوید مراجعہ کنید کہ کتابت لائمانی ۱۲ منہ

قارین کرام خود غور کنید کہ بعد از این حقیقت اگر تقلید شخصی شرک و کفر باشد آیا بیخ فرد از اصحاب رسول م
و تابعین و ائمہ سلف صالح از این شرک و کفر نجات می یابند و قتیکہ نظر بہ قول غیر مقلدین ابتداء دین از مشرکین
و کفار (معاد اللہ) شدہ است پس بدان دین چہ اعتماد و چنین دین چہ اہمیت خواهد داشت شما خود غور
کرده در بارہ این فتنہ آخر الزمان فیصلہ کنید و بدانید کہ این غیر مقلدین سبب اصلی فتنہ امروزی عالم اسلام
ہستند و علماء اہل سنت و الجماعت حامی دین مجہدین اسلام ہستند و اللہ غالب علی امرہ و لکن اکثر الناس لا یعلمون
فائدہ و منفعت و برکت **۱۱** تقلید و اتباع المذہب **۱۲**

تقلید المذہب دین اختلاف و تفرقہ بندی را ختم کردہ و تضاد اتحاد و اتفاق را سازگاری سازد
بہ سبب ترک تقلید شخصی المذہب دین و آزاد کند بی نام ہما کہ در حقیقت دعوت کفرہ و فسقہ است فرق مختلفہ
ایجاد شدہ است کہ سبب اساسی آن ترک تقلید و اتباع سلف صالحین است چنانچہ کہ داعی وحدت پیر
کامل ہست حضرت شیخ عبد القادر جیلانی جنلی در کتاب خود غنیۃ الطالبین تعداد آن فرق باطلہ را ۱۷ ذکر کردہ
است و تفصیل فرق باطلہ را از کتاب الملل و النحل شہرستانی و مذاہب العالم و مقابلہ الادیان وغیرہ تلاش
کنید این مقام تفصیل نیست و نام بعض فرق باطلہ قرار ذیل است خارجیہ، جبریہ، قدریہ، کرامیہ، جمہیہ، معتزلہ،
صالیئہ، مائریہ، تونبیہ، یونانیہ، بخاریہ، غیلانیہ، شینیہ، معاذیہ، مرسیہ، کلابیہ، کیسانیہ، عمبریہ، محمدیہ، صبائیہ، کعبیہ،
بہمیہ، فراریہ، سالمیہ، قرامضیہ، شمیطیہ، عماریہ، مخطوریہ، موسوسیہ، امامیہ، اسماعلیہ، آفاغانیہ، بہائیہ
ذکر یہ نام پر ویزیر، نیچیریہ، قادیانیہ، مودودیہ، لاندیبیہ، و سلفیہ نام ہما و غیر ہم من الفرق الباطلہ از فرق
سابقہ و عالیہ این ہم فرقہائے بہ سبب ترک تقلید بہ وجود آمدند و این ہمہ فتن بہ سبب ترک تقلید و دعوی
اجتہاد و از یاد خیالی بہ وجود آمد کہ باعث اہلی تضعیف اسلام و مسلمین بود کہ در اوراق تاریخ اسلامی ثبت
است تا وقتیکہ تقلید شخصی در میان مسلمانان عالم رائج بود تمام فرق باطلہ مغلوب و مقہور بودند و این فتن کہ بہ
فکر خود این فرق باطلہ برپا شدہ بود و بہ شرق و غرب ارتباط نہ داشت بہ مدت کمی از عالم ہستی نابود شد کہ خلافت
عثمانی شاید این امر است و ہر فرقہ کہ امروز بہ نظر می آید علت آن ترک تقلید است کہ سبب انتشار و اختلاف
ہستند و در ہر ملک کہ تقلید شخصی رائج است ملیون انسان بہ ایک عقیدہ معتقد اند و وحدت دینی دارند
و ہم چنان اہل عربین خریفین مقلد امام احمد بن حنبل ہستند و عدت دینی و مذہبی دارند و در ہر منطقہ کہ تقلید
شخصی وجود ندارد در ہر قریہ ۲۰ مذہب و ۲۰ عقیدہ وجود دارد کہ ہم مخالف یک دیگر اند مثل ہندستان و
پاکستان کہ صد فرق باطلہ بہ وجود آمدہ است و محرک اساسی آن انگریز و کفرہ است پس معلوم شد کہ
تقلید المذہب دین باعث وحدت اسلامی و ترک آن باعث تفرق و افتراق است و اللہ بہدی من یشاء الی اصرار مستقیم

فائده و منفعت و برکت تلاقی و اتباع الکره دین

جمع قرآن در زمان حضرت ابوبکر صدیق خلیفہ اول اسلام بہ برکت تقلید و وقوع پذیرفت۔ واقعہ این است کہ حضرت عمر فاروق حضرت ابوبکر صدیق را گفت کہ قرآن را در یک جا جمع کن و حضرت ابوبکر صدیق در جواب فرمودند کہ کار ما کہ حضرت ابوبکر صدیق فرمودند کہ ہذا واللہ خیر نہ کدام آیت پیش کرد و نہ کدام حدیث بلکہ صرف را ہی خود را پیش کردند و حضرت ابوبکر صدیق این را ہی را بدون مطالبہ دلیل از قرآن و حدیث قبول کرد و معنی تقلید نیز ہمین است کہ نظر بہ اعتماد قول کسی را بدون دلیل قبول کردن او این اتباع در دین امر مطلوب و ضروری است و تمام مسلمانان عالم بہ آن اجماع دارند خلافاً للبتدعیۃ و الجواہس و ہم چنان امر کردن حضرت ابوبکر صدیق حضرت زید را صحیح کردن قرآن و قبول کردن تمام اصحاب کرام بہ شمول خلفائے و بقیہ عشرہ مبشرہ دلیل قاطع است بہ صحت تقلید شخصی و اگر این تقلید شخصی است پس عقیدہ غیر مقلدین در بارہ حضرت ابوبکر صدیق و دیگر اصحاب رسول چه است باید کہ تقیہ نکنند و عقیدہ خود را اظہار کنند کہ آیا ہمہ نظر بہ عقیدہ غیر مقلدین مشرک بودند یا مسلمان (ببینوا و فوجوا) زیرا کہ حضرت ابوبکر صدیق بدون مطالبہ دلیل از قرآن و سنت قول حضرت عمر را قبول کرد و این امر بنزد غیر مقلدین مشرک است۔ اے مسلمانان افغانستان از قاب غفلت بیدار شوید۔ و در مقابل این فتنہ امر و زہی اقدام کنید تا فضا را امن ملت و ملک بہ فضا رساند سبدل نگر دو۔

فائده و منفعت و برکت تلاقی و اتباع الکره دین

تقلید ذریعہ محفوظ ماند کتاب و سنت از تحریف معنوی است ۱۔ تقلید الکره دین در تشریح و توضیح آیات قرآنیہ و احادیث نبویہ ذریعہ اساسی محفوظ نگاہ داشتن قرآن و سنت از تحریف معنوی است این حقیقتی است کہ انکار از آن اساس ہمہ الحاد و گمراہی عالم موجودہ است چنانچہ کہ از مطالعہ قرآن ما فیہ این حقیقت واضح می گردد و ضرورت حصول عبرت است باید کہ عبرت حاصل کنیم نہ کہ آن الحاد را در یاد کنیم چونکہ اذہان و عقول و طبائع و مزاج انسانی مختلف است و ہم چنان اندازہ فکر انسانی مختلف است و اثرات ماحول انسانی و اجتماع انسانی مختلف است و متاثر شدن آن انسان از اجتماع و ماحول امر طبیعی است و ہم چنان ہمہ و فراست انسانی و ذہن و فکر انسانی و پیمانہ فکر ہر انسان مختلف است و وی این مقالہ اگر ہر شخص را اجازہ داده شود تا بہ مطابق ہم خود تشریح کتاب اللہ و سنت رسول کند و ہر مفہوم کہ در ہمہ او بیاید بہ آن عمل کند این عمل مترادف باز کردن دروازہ تحریف معنوی کتاب و سنت است

در این صورت این قدر اختلافات و تفاوت در قرآن و حدیث واقع شود که عمل به آن خارج از حد امکان خواهد بود در ایک مسأله... اقول و اکثر از آن به وجود خواهد آمد که هر یک مخالف دیگری پس به کدام آن عمل درست خواهد بود. نظر به عقیده غیر مقلدین از اسلام درست بشوید و به الحاد جدید داخل شوید چنین دین را که غیر مقلدین داعی آن هستند اگر به عالم پیش کنم عالم به آن خواهد تمسخر کرد و در این صورت دروازه تحریف کتاب و سنت باز خواهد شد که بند کردن آن خارج از امکان است اینست حقیقت انکار از تقلید و در مقابل آن اگر از تشریحات و تعبیرات سلف صالحین و ائمه مجتهدین پیروی کرده از آنان تقلید کنیم دروازه تحریف کتاب و سنت بند خواهد شد و فضا را اختلاف و افتراق به فضا و وحدت اسلامی مبدل خواهد شد و حدت نوع انسانی مقصد اصلی اسلام است که اهل سنت و جماعت داعی آن است و غیر مقلدین مخالف این حقیقت هستند و هدف آنها انتشار و اختلاف در میان مسلمانان است پس خود فیصله کنید که ای الفریقین احق بالادمن الایه -

فائده و منفعت و برکت ۱۵ تقلید و اتباع ائمه سلف

تقلید شخصی ذریعہ و سبب پیدا کردن جذبه ادب و اخترام در باره اصحاب کرام و سلف صالحین و ائمه دین است - احترام و ادب صحابه کرام و سلف صالحین و اعتماد به آنها مدار و مناط دین اسلام است صحابه کرام مؤمنین اولین و مبلغین سابقین هستند و هم چنین دین به ذریعہ آنها رسیده است و بکذا قرآن کریم و حدیث نبوی پس انکار از پیروی اصحاب و یا جرح به آنان (چنانچه که غیر مقلدین به حضرت عمر و حضرت ابن مسعود جرح می رسانند) جرح به قرآن و جرح به دین اسلام است و از ترک تقلید موصله تنقید به اصحاب قوی می شود و هر کس و ناکس به اصحاب رسول تنقید می کند هر قدر که روید غیر مقلدین نیز تر شود احترام و ادب نیز کم شدن می گیرد - هر قدر که نشئه ترک تقلید زیاده می شود جزایات تنقید و توہین صحابه و سلف صالحین زیاده شدن می گیرد حتی که نوبت به تکفیر و تفسیق می رسد این افسانه نیست بلکه حقیقت است و کتاب کفریات و کفر سازی این گروه به نزد من موجود است از آن کتاب انکار نمی توانند غیر مقلدین از شراب ترک تقلید مخمور شده ادنی عالم خود را کجا سوس انگریز است از صحابه و تابعین و ائمه سلف صالحین بهتر می دانند و به تمام اکابرین اسلام جرح می رسانند نمودن بالله من سوء الادب - بخلاف مقلدین اهل سنت و جماعت که دلها ایشان از محبت صحابه و ائمه سلف صالحین سرشار و مملو می باشند و در دل ایشان دریا و ادب و احترام صحابه و ائمه دین موج می زند و ادنی بی ادبی را در باره صحابه و ائمه سلف مہلک می دانند از این لحاظ مقلدین ائمه سلف

۱۴ - تفصیل را از کتاب دیگر من فتح العزیزه تلاش کنید ۱۲ منہ -

از خود سری و لادینیت محفوظ می باشند و از تمام فتنه های جدیدی که مومن مانده اند، قاری کین کرام ملاحظه کردند که تقلید و اتباع ائمه سلف چه فائده دارد و ترک آن چه ضرر و دانستید که هر کدام تا ۱۵ فائده که بیان کردم خیر دنیا و آخرت را شامل است ضرورت به چشم بینا و دل حساس و ذهن بیدار و فکر آخرت است. و اگر این اوصاف نه باشد چه فائده روزی روشن و آفتاب در نصف بهار و مگر خفاش نه می بیند عیب از که است از آفتاب یا از روزنه یا از خفاش عبرت حاصل کنید ای مسلمانان افغانستان مقام مقام عبرت است از وطن به خاطر اسلام بهجرت کرده و در پاکستان از سلام دست شستید و وقت توبه است توبه کنید با عقیده اهل سنت و اجماعت تمسک کنید و از عقاید فاسده خود را نگاه دارید و گرنه رسوائی آخرت به ذمه شما است نه بفرمان اهل سنت کار ما ابلخ حق است و بس و هذا کتبنا ینطق علیکم بالحق الایة -

نقصانات و مفاسد دینیت افکن ترک تقلید

نقصانات و مفاسد ترک تقلید از احاطه قلم من بیرون است چند آن را برای عبرت ذکر می کنم تا برادران مسلمان در دام مکر و فریب غیر مقلدین نه افتند زیرا که نعره های غیر مقلدین به مثل نعره ها طردین دل کش و جاذب است که دعوت به کتاب الله و سنت رسول و اتباع رسول و غیره در در حقیقت از قرآن و سنت دست شستن است لیکن عقل و فکر سلیم به کار است تا حقائق آنها منکشف گوا و الله یقول الحق و هو بیدری السبیل -

فساد ترک تقلید شخصی

به سبب ترک تقلید اتحاد و وحدت اسلامی پاره پاره می شود و چشمه افتراق و اختلاف و انتشار بیج می کند ترک تقلید بزرگ ترین ذریعه و سبب اختلاف و افتراق انتشار و عداوت و دشمنی و بد ظنی و بد امنی و بالاخره فساد عالم است خود اصول ترک تقلید متفقد می این است و اختلافات غیر مقلدین هند و پاکستان دلیل واضح این امر است حقیقت این است که وقتی که انسان غیر مقلد می شود به مثل شتر بی مهاره به هر طرف در هر زراعت و هر درخت گردن دراز می کند لجام تقلید آن را از هر آزاد خیالی و مطلق العنانی و از نفس پرستی و خود سری و خود خواهی و اتانیت نگاه می دارد لیکن غیر مقلدین آن لجام را از نافه خود را به تمام این صفات ذمیه موصوف کرد بد خرد هوا پرستی سوار شده در صحرا و بیابان فطالت و گمراهی می تفریح می کنند بدانند که غیر مقلدین متبع قرآن و سنت نیستند بلکه نام کتاب و سنت صرف و صرف برای فریب مسلمانان استعمال می کنند و در حقیقت غلام خواہشات و بنده نفس و قید هوس هستند و مقلد تفصیل از کتاب دیگر من فتح العزیزه ملاحظه کنید ۱۳ - مه

شیطان و نفس خود هستند و برای اكمال خواہشات نفسانی آسانی (یعنی بی دینی) طلب می کنند و این عمل غیر مقلدین در حقیقت تمسخری به اسلام و قرآن و سنت رسول است اعاذنا اللہ من شر نذیرہ المرزید پشتمانی
نغمہ کجا و من کجا ساز سخن بہانہ ایست سوئے قطار می کشم ناقہ بی ہمار را ،
در خمیر ترک تقلید افتراق و انتشار و فتنہ و فساد است و اتباع نکردن یکی از ہذا ہیب اربوبہ کہ تمام
امت مسلمہ بہ صداقت و امان داری آنها متفق اند و در خود مختاری و غیر مقلد شدن سراسر فتنہ و فساد و شرارت
و خباثت اختلاف و افتراق و انتشار و بالاخرہ فساد عالم است کہ از جملہ علامات قیامت است این
حقیقت است کہ انکار از آن دلیل نادانی است و قرآن کریم در واژہ این فتنہ را بند کردہ ارشاد فرمودہ
را محفوظ نگاہ کردہ است خداوند کریم ارشاد می فرماید کہ ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها لعلکم
ای منکرین تقلید بعد از اصلاح کہ بہ اتباع ائمہ سلف بہ میان آمدہ است در صورت انکار از آن فتنہ و فساد
نکنید و شر و خباثت بخش نکنید و بہ ذریعہ مخالفت از ائمہ سلف سکون و امن مسلمانان را غارت نکنید
روز آخرت را در نظر بگیرید و بہ حال مسلمانان رحم کنید در آیہ مذکورہ خداوند کریم از ہر قسم فتنہ و فساد
منع کردہ است و این مسلم است کہ ہر چیز کہ باعث و سبب فتنہ و فساد شود ممنوع و حرام است چونکہ
انکار از تقلید سبب فتنہ و فساد است از روی این آیت حرام است و تقلید ائمہ کہ باعث امن مسلمانان
است لازمی است خلاصہ بحث اینکہ چونکہ ترک تقلید باعث فساد عالم است ممنوع و حرام است و
تقلید شخصی چونکہ سبب ختم اختلافات و انتشار و افتراق است و ذریعہ دور کردن از امداد مذہبی و آزاد
خیالی ذہنی است از روی قرآن واجب و ضروری است . قارئین کرام این ذہانہ زمانہ نفسانیت
خواہش پرستی ابا حیت و انانیت و مغروریت است و این حقیقت اظہر من الشمس است و تعلق
مسلمانان نیز بالاین اوصاف امرست واضح و شوق و رغبت چنین افراد بہ تحصیل علوم شرعیہ ظاہر است
کہ از ہر فن و کتاب خواندہ نمی شود فوراً دعوی اجتهاد می کنند در این حالات پر آشوب و پر فتنہ اگر
مردم را کمالاً آزادی دادہ شود تا ہر مطلب کہ از قرآن و حدیث می دانند مطابق فہم خود بہ آن عمل کنند
فتنہ و فساد کہ از این آزادی پیدا می شود از بیان بیرون است عقل سلیم بکار است ریال عرب عقل
غیر مقلدین را سلب کردہ است آنها مشغول بہ سلب کردن عقل دیگران اند از انساہا قصد خبر جوہر کردن
دارند۔ برادران مسلمانان از عقل سلیم کار بگریید و آخرت خود را خراب نکنید از جملہ فساد از خیالی و اجتهاد
جدید این مثال است کہ اگر کسی را گویم تو آزاد هستی مفکر هستی مدبر هستی خلاصہ ہمہ تو هستی ہر مفہوم را کہ از قرآن
و حدیث بہ فہم خود صحیح می دانی بدون خوف و تردید و رجوع بہ اہل حق بہ آن عمل کن تو کمالاً حق داری

که اجتهاد کنی در نتیجه این آزاد نسکری و بی لجامی او احمق اجتهاد کرد و در فهم او آمد که آب
 از حد قلتین کم باشد و در آن نجس افتد ناپاک نمی شود و مفکر دوم اجتهاد کرد که آب هر قدر که کم
 تا از اوصاف ثلاثه او بیج و صفت باقی نماند ناپاک نمی شود و مفکر سوم اجتهاد کرد که المار ظهور و لا
 بنجسه شیء با وجود تغییر همه اوصاف نجس نمی شود چهارم در حبوش اجتهاد به اندازه گرم شد که در جبهه داود
 ظاهری رسید و گفت که اگر در آب شاشه کرده شود ناپاک است و اگر غاطط یعنی مرداری کرده شود
 پاک است خود پاک است و صلاحیت پاک کردن دارد مفکر پنجم اجتهاد کرده گفت اگر خود
 انسان در آب شاشه کند ناپاک است و اگر در ظرف دیگر شاشه کرده شود در آب بیندازند پاک است
 و صلاحیت پاک کردن دارد غیر مقلد ششم در اجتهاد خود ترقی کرده گفت اگر خود شاشه کند و یا شاشه
 کرده در آب بیندازد در هر دو صورت آب صرف برای فاعل ناپاک است زیرا که حدیث نیامده است
 این شش مفکر غیر مقلد در نشه اجتهاد مست شده اجتهاد طفلانه و بیچگانه کردند و این اجتهاد اوصاف آنها
 متضادم است باین همه هر یکی در صحت اجتهاد خود مصر است فرض کنیم اگر این شش مفکر افراد
 یک خانواده باشند و اجتهاد آنها مخالف یک دیگر است و ماقد همه به زعم آنها قرآن و حدیث است
 و هر یکی به سبب زعم فاسد خویش رایی دیگر را قبول نمی کند و هر یکی در مخالفت بلیک دیگر آماده شده
 مجالس مناظر گرم شود قوت بیان لطافت زبان به اوج خود برسد و هر یک دلیل خود را بیان کرده
 دلیل دیگر را رد کند در حبوش غضب مجنون شود و رنگ گردن هر کدام بلند شود آب و کف و همن
 جاری شود در دوران مناظره آتش بیان اوج خود برسد و شعله آن بالا شده نوبت به سب و شتم
 و حقارت و حتی به تحویل و تکفیر برسد و پس نوبت به دست انداختن رسیده یکی گریبان دیگر را و دیگر
 استین دیگر را پاره کند سوم از موی سر گرفته آن را کتش کند چهارم تبس را گرفته به سر دیگر می زند
 پای پنجم می شکند ششم این قدر مجروح می شود که از جای خود بر فاسد نمی تواند از این مناظر میدان غار
 زار جور می شود در نتیجه میدان قتال و جدال این شش مفکر غیر مقلد در آن قریه اختلاف پیدا می کنند
 اهل قریه مختلف می شود در نتیجه این مخالفت، فتنه و فساد برپا میشود پس بدگوی پدر می شود پدر شمشیر
 به پسر میزند زن با شوهر می جنگند شوهر زن را میزند در خانه جنگی رخ میدهد در هر خانه شعله اختلاف و
 افراق جلوه می دهد و این فتنه در تمام شهر سرایت می کند و بالاخره به تمام ملک سرایت کرده امن
 بفساد پیدا می گردد و بازار فساد گرم می شود این همه سانه صرف به سبب آن مفکرین غیر مقلدین رخ می دهد
 که سخن بیج کسی را قبول نمی کنند و در دماغ هر کدام آنها جراثیم اجتهاد چرخ می خورد و هر یک نعره انا المجتهد
 لا غیروی لیلندی کنند از انتشار و افتراق و اختلاف پیدا کرده غیر مقلدین از خدا پناه می فرماییم

برادران مسلمان این است حقیقت دعوی عمل به قرآن و حدیث غیر مقلدین اینها با شیطان وعده کرده اند که قول پیچ کسی را قبول نکنند اگر موحداً آنها عمل به کتاب اللہ و سنت رسول باشد در تمام مسأله که آنها از آن مخالفت می کنند مثل تقلید و عدم قرائت خلف الامام و عدم رفع الیدین و عدم تلمین و وضع دست زیر ناف و عدم صلوة مع نعلین و سر برهنه کردن و ۲۰ رکعت تراویح و ۳ رکعت وتر و قنوت ابن مسعود و خلاصه تمام مسأله مورد اختلاف و سبب فتنه امروزی به نزد ما دلیل همه از کتاب اللہ و سنت رسول موجود است الحمد للہ در مذہب حق اهل سنت و الجماعت پیچ مسأله موجود نیست که از کتاب یا سنت یا عمل صحابه و تابعین دلیل نداشته باشیم اگر مقصد غیر مقلدین عمل به این ادله شرعیہ است پس اختلاف برای چه پس معلوم می شود که غیر مقلدین نظر به اصول شیطانی خود در که قول کسی را قبول نکنند است مذہب حق اهل سنت و الجماعت را قبول نمی کنند و اگر قبول کنند شیطان ناراض می شود و از غیر مقلدیت خارج می شود و تا حال احتراماً و ادب صحابه و تابعین و ائمه سلف در دماغ اہل جہل نگرانی است زیرا کہ دماغ آنها از هر نوع احترام و ادب اسلامی عاری است پس تمیز حق و قبول آن چه طور ممکن است و نیز اعتماد به سلف صالحین به نزد آنها ممکن نیست زیرا کہ اعتماد نه بخیر ترک تقلید را می شکنند اگر یک ملک در دائره غیر مقلدیت داخل شود از شر آن انسان در کنار بلکه حیوانات پناه خابند است این فضل و رحمت خداوند است که این گروه نومولود و منحوس در ملک در کنار بلکه در بیخ قریبه اکثریت حاصل نکردند و فساد آنها در دره نورستان به تمام ملت مسلمان افغانستان واضح شده است و هم چنان روابط آنها با کمونیست با اظہر من الشمس است در باره غیر مقلدین افغانستان و اسباب و محرکات آن و قاندرین آن کتاب دیگری زیر نظر است دعا کنید خداوند بجز این حقیر را توفیق نصیب کند تا ہمہ فرق باطله را به مسلمانان افغانستان معرفی کنم تا مردم مسلمان ما از این فتنه بماند چہرہ که نعره های دلکش و فریب دهنده دارند مأمون ماتنہ واللہ بہوا الہادی الی سوار السبیل

اختلافات داخلی غیر مقلدین

در ہندستان بعد از تسلط حکومت انگریز به سرپرستی انگریز فتنه غیر مقلدیت (اہل حدیث) ظهور پذیر شدہ برگ و شگفتہ آورده میوه گرفت و آن میوه نفاق و اختلاف و فساد و عداوت است چونکہ در خلقت و جبلت غیر مقلدین جبرائیم اختلاف و افتراق و اختلاف شر و فساد موجود است اصول و

و روابط آن متقاضی انتشار و خلفشاری است از این لحاظ وجود افتراق و اختلاف و انتساب
 در غیر مقلدین یک امر فطری است بنا بر این از وجود این فرقه در هندوستان یک قرن نگذشت که این فرقه
 نومولود و مبتدع به چندین فرقه (آن هم مذہبی نہ کہ سیاسی) تقسیم شدند و بالاخر ہر فرقہ بہ چندین گروہ
 منقسم شدند چنانچہ کہ مجتہد غیر مقلدین عبد العزیز رئیس جمعیت اہل حدیث ہند اختلافات داخلی یعنی مذہبی
 و عقیدہ وی غیر مقلدین را بہ نہایت رنج و غم فرکرکوبہ می گوید کہ از ہمہ زیادہ جماعت را این نقصان رسیدہ
 است کہ بطور عموم پابندی مذہبی و گرفت مذہبی و اقتدار از دل مسلمانان غیر مقلدین کم شدہ است
 از چین حزب بازی و اختلافات اہل حدیث بہ چین امراض مبتلا شد مذکہ غیرت و ہمت دینی و پیروی
 و مطبوعی عقائد کہ شیوہ مسلمان است آہستہ آہستہ از میان اہل حدیث بہ سبب اختلافات آنہا
 رفتن می گیرد و آنانکہ از او توقعات برزدگی داشتیم شکار مصلحت خورد شدہ است فیصلہ مکہ مطبوع ہند
 اختلافات غیر مقلدین بہ اوجی رسیدہ است کہ بہ چندین فرقہ مذہبی منقسم شدہ اند و ہر یک دیگری
 را کافر می گوید مثلاً فرقہ غزنوی و فرقہ دوپٹری و لکھوی و فرقہ ثنائی و فرقہ ستاری و فرقہ غفاری و فرقہ
 اندیزی و فرقہ ابراہیمی و فرقہ جونا گھری و فرقہ چکڑالوی و فرقہ پیر ویزی و فرقہ نیپیری و فرقہ
 جیراچپوری خلاصہ از شمار بیرون اند و ہر یک تکفیر و تفسیق و تجہیل دیگر را فریقہ اسلامی و مقصد سید
 خود می دانند چنانچہ کہ فرقہ غربا را اہل حدیث را کہ بانی آن مولوی عبدالوہاب ملتانی غیر مقلد است و
 قائد بعدی آنہا مولوی عبدالستار و عبدالغفار و حال قائم آنہا مولوی عبدالرحمن است و مرکز آنہا
 در بنارس روڈ کراچی است و اکثر طلباء نورستان در آن تعلیم حاصل کردہ اند و آنہا تخم فتنہ غیر
 مقلدیت را در وطن عزیز ما کاشتہ اند و مردم ما عموماً با خصوصاً در قاب غفلت ہستند نمی دانند کہ حقیقت
 این فرقہ نومولود چہ است و از کجا ظہور کردہ اند و سبب اصلی ظہور آنہا چہ است این فرقہ غربا را
 را دیگر فرقہ ہا س غیر مقلدین نہ صرف ضال و گمراہ گفتہ اند بلکہ واجب القتل گفتہ اند و تمام غیر مقلدین
 ہند فتاوی صادر کردہ اند و آن فتاوی ہم از کتاب و سنت است کہ این جماعت غربا را اہل حدیث مع انما
 جماعت مسلمیتہ الکذاب و جماعت آن ہستند و واجب القتل ہستند چنانچہ کہ محقق جماعت غیر مقلدین
 مولوی مبارک استاذ اسلامیات نبی باغ گورنمنٹ کالج کہ شاگرد خاص شخصیت اہم اہل حدیث غیر مقلدین
 مولوی عطاء اللہ حنیف بھوجیانوی است و در رسالہ خود بنام علماء احناف و تحریک مجاہدین در بارہ انما
 جماعت غربا را اہل حدیث می نویسد کہ جماعت غربا را اہل حدیث یک جماعت باغی است این گروہ بہ جماعت
 اہل حدیث بیچ تعلق ندارد بلکہ تمام جماعت مع انما واجب القتل ہستند افسوس کہ تحریک مجاہدین بالا کہ

می شد امام و تمام افراد جماعت غربار اهل حدیث را قتل می کرد و زنی را که غیر برابر اهل حدیث به کفر مجاهدین و جماعت انگریز فتاوی صادر کرده بود لطفی چنانچه حضرت ابو بکر صدیق رضی الله عنه کذاب را مع جماعت او قتل کرد و هر که جلسه و کالفرنس آن را در وقت می دید به مثل مسلمة کذاب است علماء احناف او در تحریک مجاهدین ص ۵۴ طبع لاهور این بود نظریه غیر مقلدین در باره امام و جماعت غربار اهل حدیث اے مردم افغانستان بیدار باشند که اکثر افراد این جماعت گمراه جماعت غربار اهل حدیث در دره نورستان و کنر وجود دارند لیکن به مثل برادران شعبیه تقیه می کنند از این فرقه گمراه خود را نگاه کنید - حال فتاوی فرقه ستاریه غیر مقلدین را در باره غیر ستاریه بشوند - و غور کنید که از دهن مبارک و زبان پاک این فرقه نومولود چه خارج می شود انسان در حیرت می افتد -

اگر اسلام و انسانیت همین باشد پس لعنت بر چنین اسلام و انسانیت مولوی عبدالجلیل غیر مقلد که فرد ممتاز گروه غربار اهل حدیث است و پیشوائی فرقه ستاریه است در باره دیگر غیر مقلدین می گوید که من غیر مقلدین هم عصر خود را اختیار می دهم که این سخن من را غلط ثابت کرده انصافاً به من بگوید که آیا شما اشعری و یا ماتریدی نیستید با وجود اشعری و یا ماتریدی بودن خود را اهل حدیث می گوید - یعنی به نزد غربار اهل حدیث اهل سنت اهل حدیث نیست بلکه معتزله و خوارج و دیگر فرق باطله اهل حدیث هستند شرم و حیانتی کنید آیا می خواهید که آفتاب را به خاک بپوشانید و مهتاب را به جعل و غیره بال برادران اهل حدیث از غاب غفلت بیدار شوید و اگر بیدار نمی شوید از شما کرده منحوس هیچ کسی نخواهد بود فتاوی ستاریه ص ۲۶ طبع کراچی این است طرز کلام اهل حدیث که خود را منحوس می گویند این حالات اهل حدیث مترقی موجوده است و اگر به اهل حدیث ۳۰ و یا ۴۰ سال قبل نظر کنیم حیران خواهیم ماند که چه طور یک دیگر را فاسق جاهل بی دین فاجر مرتد نه ندیق ظالم و غیره گفته فتاوی صادر می کنند و آن فتاوی هم از کتب معتبره این عمل ادا و اهل حدیث ادا کفر سازی غیر مقلدین ادا کرده بزرگی است و امر است تشهیل طلب لیکن صرف فتاوی آنها را در باره یک مجتهد مطلق غیر مقلدین ملاحظه کنید در حیرت افتیده به چنین نذیب و دین لعنت می فرستید و آن مجتهد غیر مقلدین ثنا اللہ امر تسری است که مناظر و متکلم اهل حدیث بود و علم از علماء احناف آموخته بود و گرنه به نزد اهل حدیث به غیر جهالت چیزی دیگر وجود ندارد به نزد تمام علماء اهل حدیث مسلم است در باره او فتاوی علامه اهل حدیث مولوی شمس الحق عظیم آبادی و مولوی ابراهیم سیالکوٹی (مصنف تاریخ اهل حدیث که در آن کتاب تلبسات او ابلیس را شرماننده است) را ملاحظه کنید آنها می نویسند که مولوی ثنا اللہ امر تسری در کتاب خود ثنا اللہ امر تسری کرده است - علامه عبدالعزیزی فرهادی مصنف نبراس تمام خرافات ثنا اللہ امر تسری را او کرده است و کتاب او به نزد من موجود است -

در اکثر مقامات از حدیث نبوی و اقوال صحابه و اقوال محدثین انکار کرده است و نیز مقامات از اهل باطل پیروی کرده است و از اهل سنت و الجماعت مخالفت کرده است لهذا اهل دینی است و از اهل حدیث خارج است فیصد که صحت به مطابق قیاس کن از گلستان من بهار مرا - این قدر کافی است و گرنه تفصیل کفریات غیر مقلدین در رده دفتر نمی گنجد طالب حق را همین قدر کافی است - فساد و عوم ترک تقلید شخصی و اتباع سلف صالح - کفر و ارتداد - فساد عوم ترک تقلید - لا دینیت و الحاد - فساد چهارم ترک تقلید - فسق و فجور - فساد پنجم ترک تقلید شخصی -

نفاق و انتشار و الام کذبیت در میان مسلمانان - این حقیقت به تجربه رسیده است و در اکثر دول به چشم دیده شده است که سبب اصلی کفر و ارتداد و فسق و فجور و فتنه و فساد و نفاق اختلاف در میان مسلمانان صرف و صرف ترک تقلید است که انکار از این حقیقت دلیل جهل است و این صرف تحقیق من نیست بلکه مطابق و الفضل ما شهدت به الاعداد تمام محققین غیر مقلدین اقرار کرده اند چنانچه که بزرگ ترین عالم غیر مقلد که اهل حدیث آن را امام خود می دانند و آن جناب محمد حسین بشاوی رئیس اخبار اشاعت السنه است علامه مذکور در باره اسباب و محرکات و علل کفر و الحاد و ارتداد و فتنه انداخته می نویسد که در سال ۱۲۸۴ قمری به این را ثابت کرد که آنانکه تقلید را ترک می کنند و دعوی اجتهاد می کنند در دعوی خود ترقی کرده از اسلام خارج می شوند بعض آنها یعنی اهل حدیث عیسائی می شوند و بعض لا مذہب (یعنی نیجیری و قادیانی) و بعض پیچ مذہب و عقیده ندارند که نتیجه آن خروج از احکام شرع و فسق و فجور است فسق بعض علانیه است فسق بعض مخفی که در کوشش زن گرفتن به طریقه غیر مشروع اند (واقع زن زنی کردن و زن دیگر آن را بدون طلاق در نکاح خود آوردن به چشم خود دیده ام و نام آن افراد اهل حدیث که به چنین جرائم مبتلا اند به نزد من ثبت است اگر غیر مقلدین افغانستان شائق به تحقیق باشند من به آنها کمک می کنم به شرطیکه عبرت حاصل کنند)

و بعض معارف آنها به عنین حقوق اللہ و حقوق العباد اند اسباب و محرکات کفر و الحاد بسیار است لیکن برای بی دینی و بینداریان صرف ترک تقلید کافی است الخ اشاعت السنه و جلد و ۱۸۸۸ لاهور از محمد حسین بشاوی غیر مقلد علامه موصوف که از غیر مقلدیت و حقائق ان آگاه است زیرا که از سر خود او گذشته است (مطابق اهل البیت ادراکی مافیہ) او در غیر مقلدیت ۵۰ سال تجربه حاصل

کرده بود بعد از ۲۵ ساله به این نتیجه رسید که غیر مقلدیت و ترک تقلید اساس همه فتنه و فساد و الحاد
 است لیکن جهان افغانستان غیر مقلدیت را فخر می دانند (مخاوره عامیانه است که دیده پشیمان
 و نادیده در ارمان) ارمان غیر مقلدین جدید نیز ظاهر بر آمد و پشیمان خابند شدند لیکن بعد از باز کردن
 دروازه الحاد پشیمانی چه سود باید که از سابقه عبرت حاصل کرده این دروازه الحاد را برای ابد
 بندند عالم دیگر غیر مقلدین که او نیز مجتهد غیر مقلدین بود در تاکید بطالوی می نویسد که پس در این زمانه
 اهل حدیث کاذبین مبتدعین مخالفین سلف صالحین که در حقیقت از ماجار رسول جاہل اند آنها در این
 صفت وارث و خلیفه شعیبه اند چنانچه که شعیبه در زمانه قبلی باب و دهلین کفر و نفاق بودند و مدخل نفاق
 و ملاحده بودند هم چنین اهل حدیث جاہل بدعتی در این زمانه باب و دهلین و مدخل ملاحده و کفره
 و زنادقه و منافقین بستند بعینه مثل سعید الخ کتاب التوحید و السیاسة فی رد اهل الحاد و البدعة ص ۱۱۱ این عالم
 جمید و ممتاز غیر مقلدین یعنی علامه بطالوی و قاضی عبدالواحد خانی پوری صاحب کتاب التوحید و السیاسة که هر دو کبیل
 و دفاع اهل حدیث هستند بدکاری جماعت اهل حدیث را ظاهر کرده نقاب را از چهره برداشته آنها برداشته
 حقیقت غیر مقلدیت را واضح کردند - از تحریرات بزرگان این گروه معلوم می شود که غیر مقلدیت
 بزرگ ترین سبب کفر و الحاد و ارتداد و فسق و لادینیت است آن هر دو بزرگ از تجارب
 و سیخ خویش این حقیقت را واضح کرده در قرطاس ثبت کردند تا که غیر مقلدین موجوده عبرت حاصل
 کنند جناب بطالوی صاحب این حقیقت را قبل از ۹ سال سپرد قلم کرده بود و جناب قاضی
 عبدالواحد صاحب قبل از ۵۵ سال و در آن زمانه غیر مقلدیت در حالت طفل بود و به سبب خود سالی
 قابل نبود لیکن با وجود آن ثمره تلخ آن و عواقب فتنه انگیز آن به همه ظاهر شده بود چهل و نیم
 العلم در مسند اجتهاد مطلق نشسته عجیب و غریب اجتهاد طفلان و جاہلان و مسخک خیزی کردند از بس
 فتنه و پرور آنها کفر و الحاد و ارتداد و لادینیت فسق و فجور بدعت بدعتی بی تیزی خارج شدن گرفت تا آنکه
 پیمانده هر جناب بطالوی و قاضی عبدالواحد اهل حدیث بر سر نیز شد این هر دو بزرگ از بزرگ و تخریب تخم و
 دانه خود کاشته خود نالان شدند و تمام غیر مقلدین را از دلسوزی تمام از چنین بی راه روی لگامی لجام
 و خود سری منع کردند لیکن این راه ویلا و آواز و ناله بعد از وقت بود و تیر از کمان خارج شده بود
 کدام تخم که کاشته بودند ظهور و تخریب آن امر فطری بود گندم از گندم روید و جو از جو از مسکافات عمل
 غافل مشوا بطالوی صاحب و قاضی صاحب بعد از وقت نوعیت المناک این واقع را احساس کردند
 و این احساس آنها را نهایت نادم کرده آنها را در آتش کشید و از کرده خود پشیمان شدند و

نهایت آه و بیلا کردند لیکن بعد از داخل شدن گلہ و رسمہ در کشت و کار آہ و بیلاہ چہ سو نظر
 اقرار این ہر دو علماء اہل حدیث کفر و الحاد و ارتداد در غیر مقلدین آن وقت خوب سراپت کردہ بودند
 و بعد از زمانہ آنها در بطن فتنہ پرور این گروہ چندین فتنہ ہائے گرفت مثل فتنہ انکار حدیث کہ اول
 اہل حدیث بودند و ہم چنین فتنہ نیچیریت کہ بانی آن سرسید احمد خان غیر مقلد بود و فتنہ سرزائیت
 و فتنہ اباحیت پسندی و فتنہ تجدید پسندی کہ منشی مودودی داعی آن است کہ این ہمہ میوہ تلخ و
 زہر آلود و برگ و بار ترش شجر غیر مقلدیت است کہ این فتنہ با تاامروز در دست راست مسلمہ جو رہند
 این فتنہ ہائے ختم کردن تعلیمات اسلامی و مسخ کردن علیہ آن و اسلام را بہ مطابق خواہشات
 نفسانی خود در آوردن از ہمہ پیش پیش مستند این فرق باطلہ ہمہ در کوشش اسلام جدید ہستند آن اسلام
 کہ موافق خواہشات نفسانی آنها باشد و از اسلام محمد عربی راضی نیستند در حقیقت فرر کہ اسلام
 را از طرف این فرق رسیدہ است از طرف دشمنان حقیقی اسلام یعنی شرق و غرب نرسیدہ است
 تمام فتنہ ہائے امروز از بطن فتنہ پرور غیر مقلدین پیدا شدہ است و قائمین این ہمہ غیر مقلدین بودند
 و قتیکہ نشہ شراب تند و تلخ و تیز غیر مقلدیت تیز تر شدہ قائمین آنها اسلام محمد عربی را اسلام کردہ و در جستجو
 مورد نوشتند مختصراً تاریخ این فتنہ ہا را ملاحظہ کنید تا حقائق واضح گردد و از دام تذریر آنها محفوظ بمانید

واللہ یقول الحق وهو یمدی السبیل

فساد ترک تقلید شخصی -

فتنہ نیچیریت کہ بانی این فرقہ سرسید احمد خان غیر مقلد است نظر بہ خدمات کہ بہ حمایت از گمراہ
 انجام دادہ بود از طرف حکومت انگلریز بہ خطاب سر مخاطب شد و این خطاب خطاب فخر و عزت
 بود در حالیکہ علی رحق در زندان و سیا چاہ بند و در تختہ دار و شاخ درخت آویزان بودند و در
 تحت عذاب و شکنجہ حکومت انگلریز قرار گرفتہ بودند۔ بہ حکومت انگلریز خدمات او ناقابل تلافی
 است از جملہ خدمات او قیام علی گڑھ کاخ است کہ مقصود او متاثر کردن مسلمانان بود چنانچہ کہ در
 کابل حکومت کونستی چینین سیاست را دنبال کردہ است و این امر مسلم است کہ او اہل حدیث یعنی
 غیر مقلد بود چنانچہ کہ محقق مشہور علامہ شیخ محمد اکرام در کتاب تاریخ خود موزج کوثری نوید کہ سید احمد خان
 در ۱۸۵۹ء سہ سال قبل از وفات خود در یکی از خطوط خود نوشتہ کہ من وہابی را (در آن وقت تمام اہل
 اہل حدیث موجودہ را وہابی می گفتند و این نام باعث حقارت و ذلت آنها بود لطفی) بر سہ قسم تقسیم
 می کنم -

۴ تفصیل این حقائق را در کتب دیگر این حقیر ملاحظہ کنید ۱۲ منہ -

اول و بانی خالص مردم و بانی تلخ سوم و بانی تلخ و نیم حیوان و غیر مقلدین را در قسم سوم قرار میدهم
 نظر بر اقرار خود غیر مقلدین آنها تلخ و نیم حیوان غیر ناطق هستند و سرسید علاوه کرده می نویسد که من نذرین
 و بلوی را که از جمله مجددین الحاد غیر مقلدیت است و بانی تلخ و نیم حیوان کرده بودم او در نماز رتق یدین
 نمی کرد لیکن آن را سنت می دانست من گفتم انسوس است که خوب می دانی و به آن عمل نمی
 کنی و بعد از این گفتگو در مسجد جامع در نماز عصر به رفع یدین شروع کرد مومن کو خر صد
 قاریکی کرام غور کنید و از روشن ضمیری کار بگیری و بدانید که در چند چه کسانی بودند که رفع یدین
 می کردند همه ملحدین و کفره و فسق بودند و قائد غیر مقلدین از پیغمبر اسلام متاثر شده رفع یدین
 نکرده بود بلکه از سرسید احمد جاسوسی انگریز متاثر شده رفع یدین کرده حقیقت خود را واضح کرد که من
 به سنت محمد عزیزی سر و کار ندارم بلکه هر چه ملحدین کند من آن کنم این است حقیقت اهل حدیث و اهل حدیث
 بودن اکی مسلمانان افغانستان عبرت حاصل کنید و خود را ازین گروه نگاه کنید -

فساد و ترک تقلید

فتنه انکار حدیث غیر مقلدین در نشیمن انانیت مست شده اولاً به فقه اسلام اعتراضات و تنقیدی
 کنند و نقائص آنرا (به فهم کوتاه خود نه به فهم صحیح) بیان کرده از آن اعتراض می کنند -
 تا برای آزادی و عیاشی موقع میسر شود طالب آزادی مطلق می شوند در طبیعت آنها آزادی و بی جاگردی
 و خود سری چنان سرایت می کنند که به آزادی قبلی قناعت نمی کنند آزاد از بندش فقه اسلامی آنها را
 آهسته آهسته به مرحله انکار حدیث می رسانند همین وجه است که بانی و مؤسس فتنه انکار حدیث در مرحله
 اول غیر مقلد بود و تمام اعوان و انصار او همه غیر مقلد بودند و تا امروز آنانکه در اشاعت این فتنه
 می کوشند و به ذریعہ تقریر و تحریر مردم را دعوت می دهند همه غیر مقلد هستند و وقتی که نشاء غیر مقلدیت در
 و دماغ آنها سرایت کرد و به تیزی در دل و دماغ آنها مسلط شد اسلام محمد عزیزی را اسلام کرده نشاءند
 و تمام عمر توانائی خویش را در آب بیاری فتنه انکار حدیث مصرف کردند و تاحیات خود در خارزار
 باغی انکار حدیث لرزیده و غلطیده در بنی اعتقادی زندگی بسر کردند و مردم مسلمان را از صراط مستقیم
 فارغ کرده فعالیت و سعی را انجام دادند حتی که داعی اساسی منکرین حدیث این زمانه غلام احمد پیر ویز
 که مرکز او در لاهور است و ما بهمنه او به نام طلوع اسلام در نشراتی الحادی خود معروف است اهل حدیث
 و غیر مقلدین است این است حقیقت اهل حدیث و دعوی عمل به حدیث که در آخر نتیجه آن دست
 شستن از اسلام است - اکی مسلمانان افغانستان از مکر و فداخ این گروه فریب نخورید و بدانید
 ما تفصیل این مسکه را در کتاب دیگر من شیطاین الیهند به زبان عربی ملاحظه کنید ۱۲ مه -

که مقصد آنها عمل به حدیث نیست بلکه انکار از حدیث است عبرت حاصل کنید و از مکرر
 را آگاه سازید امام سابقه غیر مقلدین شما همانند امر تسری در باره رفتار سابقه خود یعنی منکرین حدیث
 تبصره کرده می نویسد که امام اهل قرآن عبد اللہ حکیم طبرانی که (اول اهل حدیث بود) در نفسیات خود کرده بود و او
 می دانست که عقائد و افکار این جماعت (غیر مقلدین) به تدریج تبدیل می شود از این رو او وقتی که دید
 که مردم از بندش فقه اسلامی آزاد شدند او شروع به افتراءات در حدیث کرد و وقتی که در این فکر نیز کاملاً
 شد زیرا که اساس بندش همه فتنه با تقلید بود و او تقلید را ترک کرده و عموماً اجتهاد و عمل به حدیث کرده بود
 در تدوین و جمع قرآن رخنه انداخته تا وقتی که عیاری و پوشیاری او معلوم شد دل و دماغ همه مردم
 علی سبیل عموم و طبقه تعلیم یافته جدا جدا از تعلیم قرآن آگاهی نداشتند بر سبیل خاص از زیر او مسموم
 شده بود که تدارک آن ناممکن بود امام موصوف می نویسد که اهل قرآن (منکرین حدیث) نام کدام تنظیم و یا
 حزب نیست بلکه هر فرد آن خود امام و مجتهد است (به مثل اهل حدیث) و از پیچ امام تقلید نمی کنند
 زیرا که تقلید ناپا بندی به دین است و اینها تمام حربه خود را برای خلاصی از قیود اسلامی استعمال کرده
 اند یعنی خود را از پا بندی به دین ما و را تصور می کنند و قبول پیچ ذات را حتی قول خدا و رسول را قبول
 نمی کنند حتی قول یک دیگر را قبول نمی کنند و به مطابق فهم قاصر خود دعوی عمل به قرآن می کنند و نشان
 بینم و بین العمل با قرآن و فهم پیغمبر و صحاب و تابعین مختلف صالحین قابل قبول نیست بلکه فهم شیطان
 خودی آنها قابل قبول است) فتاوی شانته ص ۲۸ طبع امر تسری بهند - قاریکن کرام شما خود بخور کنید
 و به اضافه بگوئید که آیا تمام صفات منکرین حدیث در غیر مقلدین موجود نیست آیا غیر مقلدین
 به غیر اتباع شیطان به اتباع شخص دیگر ضرورت محسوس می کنند آیا غیر مقلدین مدعی اجتهاد نیستند
 آیا غیر مقلدین از پا بندی تقلید گریزی نمی کنند صد آفرین به شما را الله امر تسری به ایمان نداری کامل و دیباچه
 نقشه بد صورت غیر مقلدین را به وضاحت تمام کشیده و به خوب صورتی تمام تصویر آنگان را به مردم مسلمانان
 معرفی کرده است و در این تصویر تمام قد و حال و نقوش و امتیازات و اختصاصات چهره مخوس غیر مقلدین
 نمایان است عیناً به مثل تصویر آکسره است که تمام حالات داخلی مریض ظاهری کرد و از قول شما را
 غیر مقلد قلم صفات پوشیده این گروه فتنه پرور ظاهر گردد و یار این یک آینه است که غیر مقلدین
 تمام خصوصیات روی زبانی خود را در آن می آینه بر برای غیر مقلدین موجود نصیحت می کنیم تا که در این آینه
 روی زبانی خود را به طور دیده عبرت حاصل کنند فاعتبروا یا اولی الابصار الا یہ

ای مردم مسلمان و قهرمان و شهید پرور حق جوئے افغانستان بدانید که موحدان انکار فقہ اسلامی
 که غیر مقلدین منکر اند و بینداری و اخلاص به اسلام نیست تا ما بگوئیم که در فقہ اسلامی بی دینی بیان شده
 است لهذا ما آن را ترک می کنیم و این فرقه غیر مقلدین نهایت دیندار هستند از این لهذا انکار می کنند
 بلکه این زینہ اول آمده کردن مردم به کفر است زیرا که بعد از انکار فقہ اسلام نوبت به انکار حدیث
 می رسد و بعد از انکار حدیث نوبت به انکار قرآن می رسد این افسانه نیست بلکه حقیقت است
 و در سزین بنده این حقیقت مشاهده شده است انکار از آن دلیل جهالت است و قائلین همه
 الحاد و فتنه بند غیر مقلد و اهل حدیث بودند مثلاً بانی فرقه انکار حدیث عبداللہ چکڑالوی اهل حدیث
 بود چنانچه که محقق و مورخ ہند علامہ شیخ محمد اکرم می نویسند کہ نتیجہ دوم جوش و خروش اہل حدیث بہ
 ابتداء فرقه اہل قرآن است (یعنی منکرین حدیث) جہال اہل حدیث ہمہ دعوی اجتهاد می کنند و خود را
 اہل حدیث (غیر مقلدین) می گویند از تقلید انکہ سلف مثل ابوحنیفہ و مالک و شافعی و احمد آزاد اند
 نتیجہ بہ این جا رسید کہ آنانکہ آزاد خیال اند صرف آزاد فقہ اسلامی کافی ندانستند بلکہ در مرحلہ
 دوم از حدیث بنوی خود را آزاد کردند و مرکز این گروہ در پنجاب است کہ قائلہ آنها عبداللہ
 چکڑالوی کہ اول اہل حدیث است و آنها خود را اہل قرآن می گویند و بالاصل این گروہ عبداللہ
 چکڑالوی است کہ اہل حدیث بود (موج کوثر ص ۵) قارئین روشن ضمیر غور کنید و عبرت حاصل کنید از
 این دعوی حدیث و عمل کردن بہ حدیث کہ در حقیقت دشمن حدیث و منکر حدیث هستند و بدانید کہ
 دشمن اصلی اسلام کہ منکرین حدیث هستند ہمہ اہل حدیث بودند ہیچ کدام آن ملحدین مقلد امام ابوحنیفہ
 نبودند بلکہ ہمہ اہل حدیث بودند بنید فرق از کجا است تا بہ کجا در ظاہر آنها اہل حدیث هستند لیکن در حقیقت
 دشمن حدیث هستند پس اہل حدیث پشاور و نورستان و جہال بدخشان کہ شاگردان این ملحدین هستند ہم
 طور دعوی اہل حدیثیت می کنند آیا اقتاب را بہ غربال می پوشانند در حالیکہ این فرق باطلہ ہمہ اہل حدیث بودند
 و بہ نزد این گروہ اہل حدیث دین رفع یدین و قرآۃ خلف الامم و بر بنیہ سر نماز خواندن و دست بالای سنیہ تہان
 و پائی خود را در و نہادن و آئین بیہر گفتن است و بس ولو کہ اکل آنها حرام باشد و یاد در میان آنها زنا و لواطت
 و غیرہ جرائم و قبائح عام باشد باز ہم اہل حدیث هستند ولو کہ تمام فیصلہ آنها خلاف قرآن و حدیث باشد این
 است دعوی اہل حدیث بودن غیر مقلدین (اضلہم اللہ و من تبعہم و اعانہم) و تمام فرق
 باطلہ ہند نیز چنین دعوی میگردند و عمل غیر مقلدین افغانستان نیز موافق عمل اہل حدیث ہند است (شعر)
 کند ہم جنس با ہم جنس بیرواز کبوتر با کبوتر باز با باز
 و تفصیل مسائل فقیہی غیر مقلد را در آخر این کتاب ان شاء اللہ ذکر می کنیم در اینجا ملاحظہ کنید۔

در صورت که عمل هر دو یکی است پس چطور غیر مقلدین ہند بلکہ اند و غیر مقلدین افغانستان سلفی افسوس صد افسوس برین عقل و خرد و بلکہ دیگر ہند کہ منکر حدیث بود او نیز غیر مقلد بود و نام او اسلام جیراچوری است محقق علامہ محمد اکرم در کتاب مشہور خود موج کوثر نوشتہ است کہ اندازہ این واقعیت را کہ از اہل حدیث ترقی کردہ بہ اہل قرآن می رسند از حافظ اسلام جیراچوری غیر مقلد خواہد توانیست پدری وی مولوی سلامت اللہ شاگرد خاصی رئیس غیر مقلدین مولوی نذیر حسین دیہوی بود و او عالم مسلم اہل حدیث بود حتی کہ جاسوس دیگری انگریز صدیق حسن بہو بالی مولوی سلامت اللہ را طلب کردہ عہدہ رئیسی مدارس غیر مقلدین بہ او سپرد و حافظ اسلام پسر او نیز اہل حدیث بود موج کوثر ص ۵۴

و خود اسلام جیراچوری در کتاب خود نوادرات (ارتدادات) نوشتہ است کہ پدرم اگرچہ اہل حدیث بود لیکن متعصب نبود و در مقام دیگر نوشتہ است کہ خاندان ما مرجع اہل حدیث بود قطعاً نوادرات،
 قاریین کرام غور کنید کہ بلکہ دوم ہند کہ منکر حدیث نبوی و وقت نماز خلاصہ تمام دین است نیز غیر مقلد یعنی اہل حدیث بود او پیدر او مرجع غیر مقلدین بود پس از ثمرہ و میوہ غیر مقلدیت کہ الحاد است آن را درخت قیاس کنید کہ چہ خواہد بود ای مسلمانان قہرمان افغانستان در بارہ این گروہ کہ ظاہر آن ہدایتنا و باطن آن کفر است معلومات حاصل کنید و بہ ہیئت ظاہری آنها فریب نخورید کہ خود را گمراہ کردہ رسوائی و جہان می کنید خبردار ہوش کنید و بدانید کہ ای بسا ابلیس آدم روی است - پس بہ ہر دست نباید داد و بلکہ و منکر حدیث بلکہ منکر دین سوم نیاز فتح پوری استاذ و رفیق مورودی نیز غیر مقلد و اہل حدیث بود این ملحد اہل حدیث در کتاب خود (من ویزدان) قباحت اتباع ائمہ سلف را بیان کردہ می نویسد کہ اگر علماء مسلمین واقعی مسلمان اند پس من یقیناً کافر ہستم و اگر من مسلمان ام پس این علماء رسمہ کافر اند زیرا کہ در اسلام آنها تقلید ائمہ فقہ و ائمہ حدیث مثل بخاری و مسلم و غیرہا امر ضروری است و بہ نزد من حقیقت و کیفیت تا آن وقت پیدائی شدید تا آنکہ خود انسان غور و فکر نکنند و بہ نتیجہ نرسند یعنی بہ دین ضرورت نیست بلکہ صرف عقل بدون شرع کافی است، کتاب من ویزدان ص ۱۵۴ این است عقائد اہل حدیث کہ ہمہ علماء عالم را کافر می دانند و صرف خود آنها مسلمان اند (مسلمان جدید نہ کہ مسلمان بہ اسلام محمد عزلی) و بہ نزد آنها تقلید ائمہ فقہ و بخاری و مسلم کفر است و تقلید شیطان و خواہشات نفسانی اسلام است این است حقیقت غیر مقلدیت غیر مقلدین از نیاز فتح پوری بلکہ اعظم ہند پیروی کردہ ہر فرد آنها دعوی اجہاد دارند و ہر فرد آنها در قرآن و حدیث خود کردہ احکام استنباط می کنند و بنا بر استکبار چنین انانیت اولاف کفر غیر مقلدیت پیدائی شود و پس شوق انکار حدیث کہ انسان را در دین حنیف پرور می کند این است جوش انکار از تقلید کہ انسان را بہ چہ نتیجہ می رساند ای ملت مسلمانان افغانستان

خود و فکر کنید و از این حقائق قریب شده که ہمہ واقعیت است عبرت حاصل کنید و از این فرقه باطل خود را نگاه دارید علماء اہل حدیث بعد از مدتی بہ این حقائق پی برورند و از نتیجہ آن مردم را آگاہ کردند لیکن بہ فضل اینزید متعال ما در مرحلہ اول پی برورہ حقائق را بہ شمار سانیدیم ما از مسولیت آخرت خلاصیم شمامی دانید و آخرت شمارہ ہر کہ کار ما بیان حق بود کردیم قبول کردن کار شما است - و ما علینا الا البلاغ -

فساد ترک تقلید شخصی و اتباع الکرہین

فتیہ قادیانیت : بانی این فرقہ مرزا غلام احمد قادیانی اہل حدیث و غیر مقلد بود چنانچہ کہ حامی و سیرت نگار او داکتر بشدت احمد در کتاب خود مجدداً عظمی نو سید کہ مرزا صاحب قرآۃ خلف الامام می کردند و دست خود را ہلاک سینہ می بستند سیرت مجدو اعظم طبع گویند اس پور ہند و در مقام دیگر می نو سید کہ با محمد حسین بٹالوی کہ قادی غیر مقلد بانی و امام اہل حدیث جدید بودم موافق و ہم فکر بود جگہ ۱۳ و ہم چستان خلیفہ اول مرزا غلام احمد قادیانی حکیم نور الدین بیہروی اہل حدیث و غیر مقلد بود در کتاب تاریخ احمدیت مذکور است حکیم نور الدین بیہروی بعد از بازگشت از عربین شریفین و ہابی شدہ بود (در آن وقت وہابی اہل حدیث و غیر مقلدین را می گفتند یعنی اہل حدیث شدہ بود لطفی) و در ولایت سرگودھا و اولین شخص بود کہ در ترک تقلید تقریر کردہ در علم جوانہ تقلید کتاب نوشت و در بیہرہ دہشت پیدا شد و در مقابل آن علماء حق حضرت غلام نبی لکوی و مولانا غلام رسول صاحب چاوی و مولانا غلام مصطفی صاحب بریلوی و مولانا عبدالعزیز صاحب بگوی فتاوی صادر کردند و در این موضوع در محلہ پراچگان بیہرہ مناظرہ صورت گرفت کہ غیر مقلدین بہ قیادت حکیم نور الدین خلیفہ قادیانی شکست فاحش خوردند و بعد از آن شکست دخول غیر مقلدین در شہر بیہرہ ممنوع قرار گرفت تاریخ احمدیت ص ۶۹ نیز در کتب مذکورہ کہ است کہ حکیم نور الدین قرآۃ خلف الامام می کرد و رفع یدین می کرد ص ۷۱ دلیل دیگر ہر آن کہ حکیم نور الدین غیر مقلد بود این است کہ شاگرد حکیم نور الدین می نو سید کہ یک بارہ در شہر بیہرہ رفتہ بودم برادر بزرگ حکیم نور الدین بہ من ذکر کرد و برادر من (یعنی حکیم نور الدین خلیفہ قادیانی) در سعودی علم حدیث حاصل میکنند و بہ تدریس تہذیب فرست باز میآید و در مدت سہ ماہ حصول علم حدیث ناممکن است بلکہ از طرف حکومت انگریز بہ جاسوسی رفتہ بود و در سعودی و طیفہ جاسوسی را انجام میداد) الی ان قال حکیم نور الدین از سعودی برگشت و علماء غیر مقلدین منتظر جمع شدند و گفتند کہ عالم دیگری مانیرآندہ است و مراد مسجد حکیمان والی امام مقرر کردند و نان را از خانہ خود مقرر کرد ص ۸۰ تاریخ احمدیت) برادران مسلمان افغانستان غور کنید کہ خود شاگرد حکیم نور الدین اعتراف کردہ است کہ استاذ من اہل حدیث بود و آن شاگرد نیز اہل حدیث بود پس انکار از این حقائق جہالت محض است شاخو در بارہ اہل حدیث فیصلہ کنید کہ آیا این گروہ مسلمان است یا کافر و حالیکہ تمام قدمہا این گروہ بلحدین ۴ برای تفصیل بہ کتاب دیگر من فتح العزیز مشہور بہ اہل حدیث و انگریز مراجعہ کنید ص ۱۲ م -

بودند پس به اهل حدیث جدید چه اعتماد امر از اهل حدیث محدثین کرام نیست زیرا که تمام محدثین کرام مقلد بودند بلکه مراد از اهل حدیث این فرقه جدید است که اول خود را دینی می گفتند و پس اهل حدیث محبت من در باره این فرقه است و تمام حکم راجع به این فرقه است که بایمان آن همه بلحدین بودند لطفی) و سر ظفر اللہ خان اولین وزیر خارجہ پاکستان نیز اهل حدیث غیر مقلد بود از اهل حدیث ترقی کرده به مرزائت رسید زیرا که بنیاد همه الحاد غیر مقلدیت است می نویسد که پدر و پدر کلان من سرایه دار و زمین دار و مردم با اثر بودند و تاجاتے که به من معلوم شده آنها به فرقه اهل حدیث تعلق داشتند کتاب حدیث نعمت از سر ظفر اللہ غیر مقلد و مرزائی ص ۳ - معلوم شد که تمام خانواده او غیر مقلد و اهل حدیث بودند برادران مسلمان افغانستان این است حقیقت اهل حدیث بودن که از اسلام دست شستن است و بس نمیدانیم غیر مقلدین افغان در پی ایجاد کلام فتنه اند به خیال من آنها در نشہ ریال مست اند و تا حال به ہوش نیامده اند و گرنہ از عواقب خستناک ترک تقلید و دعوی اجتهاد آگاہ می شدند خداوند ہمہ را ہدایت نصیب کرده بہ راہ حق بازگرداند آمین

حمایت غیر مقلدین از مرزائی ہا

چونکہ فتنہ مرزائیت از بطن فتنہ پرور غیر مقلدیت پیدا شدہ است لہذا تمام علماء اہل حدیث مشغول ناز پروری فرزندار جہند خود ہستند و در این امر بیچ تغافل نگردہ اند بلکہ از آن وقت تا امروز مصروف بہ این خدمت غیر اسلامی ہستند در حالی کہ مرزا غلام احمد در کتاب خود برابین احمدیہ دعوی عیسی بودن کرد و نیز دعوی کرد کہ من مثل محمد ہستم کہ ہمہ این عقائد منافی دین است لیکن مجتہد و کسب اہل حدیث نہ این کہ صرف از آن حمایت کرد بلکہ او را مجدد و مفکر اعظم قرار داد چنانچہ کہ محمد حسین بیٹا لوی بدری مجلہ اشاعت السنۃ و مجتہد اہل حدیث در بارہ کتاب قادیانی می نویسد کہ من در بارہ این کتاب رائی خود را چنین اظہار می کنم در نظر من برابین احمدیہ چنین کتابیست کہ تا امروز در عالم اسلام (اسلام جدید و دینی اہل حدیث) چنین کتاب نوشته نشدہ (بہ شمول کتاب اللہ و سنت رسول و تمام علوم شرعیہ) یعنی چہارہ قرن اسلامی از پیش کردن چنین کتاب قاصر بودند لعل اللہ بحدت بعد ذالک امر (یعنی کلام اہل حدیث و بلکہ دیگر دعوی نبوت کردہ چنین کتاب بنویسند) و مولف این کتاب در خدمت اسلام ثابت قدم است (اسلام اہل حدیث نہ کہ اسلام محمد عربی) کہ مثال آن در مسلمانان سابقہ نہایت کم است و اگر کسی شک داشته باشد باید کہ از انصار اسلام شخصی نشان بدہد کہ پیشل قادیانی مالی و قلمی و زبانی خدمت اسلام (اسلام اہل حدیث) کردہ باشد و دعوی الہام کردہ باشد و دعوی خود را ثابت

کرده است اشاعت السنه ۱۹۱۱ از اقوال مجتهد اهل حدیث معلوم شد که او با قادیانی موافق است پس در باره اهل حدیث شما خود فیصله کنید و یقیناً بدانید که اهل حدیث همه بی دین اند و نام قرآن و حدیث را برای منفعت شخصی خود استعمال می کنند و گرنه از قرآن و حدیث دور اند و شما تا اقول مجتهد آنها را مطالعه کردید و اگر تا حال شک باقی مانده باشد از عبارات تحت انرا ذائل کنید شیخ الاسلام (شیخ الحان) غیر مقلدین ثناء اللہ امرتسری فتاوی داده است که نکاح ما با مرزائی جائز است اخبار اهل حدیث ص ۲۲ نومبر ۱۹۲۳ د این بی دینی کفایت نموده است فتاوی میسره که نماز در اقتدار قادیانی جائز است چنانچه که مجتهد اهل حدیث ثناء اللہ امرتسری می نویسند که بدقی است که در اخبار اهل حدیث این مسله ذکر شده و علماء اهل حدیث حافظ عبد المنان و حافظ عبداللہ و رومی جناب عتیق الرحمن و مولانا عبدالعزیز و دیگر علماء اهل حدیث به اتفاق فیصله کردند که نماز در اقتدار قادیانی جائز است اخبار اهل حدیث امرتسر ص ۲۸ جون ۱۹۱۲ و فیصله مکہ ص ۱ و به این اتفاق کرده اند بلکه ثناء اللہ امرتسری رئیس اهل حدیث در اقتدار قادیانی نماز فائده است ملاحظه کنید فیصله مکہ ص ۳۶

قارئین کرام شما خود قضاوت کرده فیصله کنید که آیا اهل حدیث و جماعت آن مسلمان است یا خیر من از قضاوت بسیار تنگ آمده ام نمی دانم که کدام عقیده این گروه ضالہ را کفریه بگویم تمام عقائد و طبائع آنها مملو از واهیات و کفریات است و از هدایت خارج شده اند زیرا که به حد فتم القلب رسیده اند که بعد از این درجه هدایت خلاف سنت الهی است امیر موجوده جماعت اهل حدیث مولوی غلام محی الدین در عقائد قادیانی است عالم مشهور غیر مقلدین در باره جمعیت اهل حدیث تبصره کرده می نویسند که من از این لحاظ در جمعیت اهل حدیث شامل نشدم زیرا که در عقائد امیر جمعیت عقائد قادیانی سراسر است کرده است او به وفات حضرت عیسیٰ قائل است و از نزول عیسیٰ ۴ و ظهور مهدی منکر است و می گوید که این همه افسانه است و در بخاری و مسلم احادیث موضوعی و جعلی وجود دارد و حال آنکه فتاوی جدامجد لکھوی مولانا عبدالرحمن مدفون مدینه منوره شائع شده است که منکر حیات حضرت عیسیٰ کافر است تنظیم اهل حدیث ص ۶۲ تاریخ ۱۹۸۰ مضمون از علامه عبدالقادر حصاروی مجتهد اهل حدیث و مولف کتاب سیاحتہ الجنان - قارئین کرام غور کنید و منکر کنید اگر قائد یک تحریک و یا یک حزب معتقد به چنین عقائد کفریه باشد آیا این عقائد در افراد آن حزب اثر خواهد کرد یا خیر به عقیده من یقیناً اثر می کنند زیرا که الناس علی دین ملوکهم آمده است پس معلوم شد که تمام افراد غیر مقلدین معتقد به چنین عقائد کفریه هستند و با وجود آن دعوی عمل به حدیث دارند نمی دانم که اهل حدیث به کدام حدیث عمل

می کنند به حدیث شیطان و یا حدیث هواپشتات نفسانی زیرا که در حدیث نبوی انکار از چنین عقاید است - سوال من از غیر مقلدین این است که چرا چنین شخص را امیر و قائد خود تسلیم کردید و دیدید که او عقیده کفریه دارد پس معلوم می شود که شما همه در عقاید کفریه با او متفق هستید و این عقاید کفریه متفق غیر مقلدین است و چون امیر آنها حامی قادیانی است معلوم می شود که تمام افراد اهل حدیث حامی مرزائی هستند پس اسلام محمد عربی در کجا و شما اهل باطل در کجا در پس پرده پیغمبری است که ظاهر نمی کنید غیر مقلدین به این کفریات اعتنا نکرده اند بلکه قادیانی را مسلمان می دانند چنانچه امام اهل حدیث می نویسند که از نقطه محمدیت مرزائی با ما یکی یعنی مسلمان است اخبار اهل حدیث ص ۱۶۶ اپریل ۱۹۱۵ء این است حقیقت اهل حدیثیت و دعوی اجتهاد که اسلام را اسلام کردند است و در وادی ظلمت زندگانی کردن است و این مذکورین از جمله بانیان این گروه اهل حدیث بودند پس ادباً به اهل حدیث حالی به نظریه قائم کنیم در حالیکه خشت اول گره نهد معمار کج - تاثر یا می رود دیوار کج -

فساد و ترک تقلید شخصی و اتباع سلف صالح

تجدید و اباحت پسندی : در این دور پرفتن مرض تجدید و اباحت پسندی به مثل و با منتشر شده است که به سبب آن به تمام اجتهاد و آزادگانی بازار مذاق و تسخر به شعار دین گرم است و در از میخ کنند اسلام تبر و کلنگ می چلانند عقاید و احکام اساسی و بنیادی اسلام را تراش کرده روح و حیلۀ اسلام را مسخ می کنند و شب و روز در تلاش نابود کردن اسلام اند و در حلال بودن سود و قمار و عکس و قلم و سینما فلاحه تمام محرمات و فجایع از قرآن و حدیث دلیل تلاش کرده مضامین تازه و نو به مسلمانان پیش می کنند و زن بار از قید پرده دستر شری خلاص کرده دلایل نامعقول پیش می کنند و برای مسخ کردن اسلام و از میان بردن دین مقدس اسلام بزرگ ترین اداره قائم می کنند و در پرده سرپرست آنها از شرق می باشد و یا غرب این همه اشخاص کدام مدعی هستند - برادران مسلمانان این همه اشخاص که صورت به صفات فوق هستند همه و همه آنان هستند که تقلید و اتباع را که سلف را حرام قرار داده اند و اندک به پیش رفتند از همه قبور و اسلامی خود را آزاد کردند آن کوه که سدر راه این الحاد واقع شده بود و آن بندش که در مقابل هواپشتات نفسانی انبیا به مثل جیل های واقع شده بود آن صرف و صرف تقلید و اتباع الکر سلف و اعتماد به الکر فقہ بود سراسر سکنده ری یعنی تقلید راه اجتهادات جدیدۀ آنها را بند کرده بود و قبل از همه این گروه گمراه از حسن حسین تقلید

خود را بیرون کردند و از تقلید انکار کردند و قتیکه از پایره تقلید خارج شدند برای انانیت آزاد شدند و
اجتهادات الحادسی جدید خود اسلام عزیز را هدفت خود قرار دادند و تمام پیرو مرشدان این اباحت پسند
اهل حدیث هستند آنها برای تخریب اسلام ائمه مجتهدین را هدفت خود قرار می دهند و شب و روز در
کوشش آن اند که تقلید و اتباع ائمه را حرام ثابت کنند و تمام متبعین ائمه کرام را مشرک می گویند و
هدفت آنها از چنین اعمال این است که مردم از ائمه کرام دور شده اسلام عزیز را سلام کنند و تمام فرق طحی
این اصول الحادی را از اهل حدیث آموخته اند و اکثر مجتهدین تجدید و اباحت پسندی اهل حدیث بودند
قارین کرام غور کنید که نتیجه ترک تقلید ائمه چه است آیا بغیر الحاد چیزی دیگر باقی می ماند برادران مسلمان
باید که از چنین مردم مفر که دشمن ایمان مسلمانان هستند اعراض کنید و بدانید که صحبت آنها از سپر قاتل عظیم
است (شعر) دور شو از اختلاط یار بد یار بد تر بود از مسار بد -

یار بد تیر جان و بر ایمان زند

این نصیحت را قبول کنید که باعث نجات ابدی شما است و از هر نوع تماس و تعاون و دوستی و
روابط با این گروه اهل حدیث غیر مقلد خود در عالمی کنید زیرا که تعاون بر اثم و عدوان است که در دین
محمدی صلی اللہ تعالی علیہ وسلم است که باعث گمراهی و دوری از دین مقدس اسلام است و در آخر
کتاب فتاوی مقتی اعظم افغانستان درج می شود به آن فتاوی شرعی عمل کرده اسباب نجات
آخرت را تیار کنید و اللہ یقول الحق وهو یهدی السبیل -

فساد ناشک تقلید شخصی و اتباع ائمه فقہ

انکار از اجماع امت مسلمة و مخالفت با مسلمانان عالم :-

برزگترین فساد از جمله مفاسد ترک تقلید مخالفت اجماع مسلمین است همین وجه است که غیر مقلدین
در مخالفت از اجماع از همه تیز و چست و چالاک اند در بسیاری از مسائل غیر مقلدین مخالف صحابه و تابعین
تبع تابعین و ائمه مجتهدین و سلف صالحین هستند جمهور امت از عصر صحابه تا این وقت همه امت یک یک
طرف اند و این فرقه جاسوس انگریز به طرف دیگر به نزد این گروه گمراه حدیث من کشد شذنی النار بیج
میثیت ندارد و از حدیث ید اللہ علی الجماعه ولا تجتمع امتی علی الضلاله و علیکم
بالجماعه که در اتباع ائمه دین و وحدت اسلامی نص قاطع است انکار می کنند و از انکار حدیث
نبوی بیخ خطری محسوس نمی کنند بیعلم الذین کفروا ای منقلب ینقلبون الایة

مسئله مخالفت این گروه ظالمه از اجماع امت مسلمه که انکار آن کفر است برای تفصیل به کتاب
من الشریعۃ الالہیہ رجوع کنید) مسئله طولانی است به مطابق مشت مود خود را چند امثلہ آنرا مختصر کرد
و شاعر بارہ دیگر خرافات این خود اندازہ کنید و بدانید کہ دعوی اہل حدیث بودن انہما در حقیقت
دشمنی با اسلام است رقیاس کن ز گلستان من بہار مرا۔

مثال اول مخالفت از اجماع تمام امت مسلمہ

انکار از ۲ رکعت تراویح از زمانہ خیر القرون تا امروزہ در تمام عالم اسلام نماز تراویح ۲۰ رکعت راجح است
در ہمین عدد سنت است از پیغمبر اسلام و صحابہ و تابعین و تبع تابعین و محدثین و مفسرین و فقہا خلاصہ از ہم
اہل علم ۲۰ رکعت ثابت است و تا حال در حریم شریفین ۲۰ رکعت ادا می شود و تا ۱۲۸۵ھ
در عالم اسلام پیچ فردی وجود ندارد کہ از ۲ رکعت تراویح کم ادا کرده باشد بلکہ بعد از ۱۲۸۵ھ
در شہر آلہ آباد ہندوستان یک غیر مقلد کہ جاسوس انگریز بود فتاوی داد کہ تراویح ۸ رکعت است
و ۲۰ رکعت تراویح بدعت است و در سرزمین پنجاب محمد حسین بٹانوی جاسوس انگریز اولین
شخصی است کہ ۵ رکعت تراویح ادا کردہ تخم فتنہ را در میان مسلمانان پنجاب کاشت و او را
جملہ بزرگترین حامیان انگریز بود حتی کہ اطاعت انگریز را فرض می گفت و در حرمت جہاد کتابی
نوشته است کہ بہ نزد این حقیر موجود است و نام آن کتاب الاقتصاد فی مسائل الجہاد است
و تمام افراد اہل حدیث آن وقت در مسئلہ فرضیت اطاعت انگریز و حرمت جہاد علیہ آن متفق بودند
و ہمین جاسوس انگریز فتاوی صادر کرد کہ ۲۰ رکعت تراویح بدعت است و اصل تراویح ۸ رکعت
است۔ علامہ مسعود عالم کہ او موافق و معاون سودوری بود و پس نظر بہ و اہیات سودوری از مودت
توبہ کردہ بود در کتاب مشہور خود ہندوستان کی پہلی اسلامی تحریک ص ۲۹ نوشته است کہ این محمد حسین
قائد اہل حدیث جاسوس انگریز بود قارئین کرام خود بخور کنید کہ آنا کہ دعوی عمل بہ حدیث دارند در حقیقت
دشمن حدیث ہستند و حتی کہ فیصلہ و تعامل صحابہ و تابعین و تبع تابعین و حریم شریفین و کوفہ
و بصرہ خلاصہ تمام عالم اسلام را قبول ندارند و در مقابل تمام مسلمانان عالم و عمل مسلمہ مسلمانان صف
گرفته اند و تمام قرون اسلامی را بہ جہل نسبت می کنند و خود را موجد میدانند و این عمل خیر و نیک
را بدعت می گویند مطلب آن است کہ صحابہ و اہل خیر القرون و حتی اہل ۱۳۰۰ قرن اسلامی معنی بدعت

را نفہیدہ اند۔ و این جاسوسان انگریز فہمیدہ اند بدین عقل و دانش بیاید گریست حقیقت
 این است کہ ۲۰ رکعت تراویح از زمانہ صحابہ تا امروزہ در عالم اسلام رائج است و اکثر اربعہ بہ آن
 اتفاق دارند و این امر اجماعی است کہ انکار از آن گمراہی است حتی کہ مجدد اہل حدیث غیر مقلدین توابع
 صدیق حسن خان بھوپالی در کتاب خود عنون الباری نوشتہ است کہ و ما وقع فی زمن عمر کالاجماع خلاصہ
 این کہ در ۲۰ رکعت تراویح اجماع است کہ مخالفت از آن گمراہی است و اہل حدیث شجاعت
 گمراہ و اہل سنت و الجماعت خارج است و برای تفصیل و در مسکہ تراویح بہ کتاب دیگر من التلوخ
 فی توضیح التراویح مراجعہ کنید

مثال دوم مخالفت اجماع امت

اجماع امت مسلمہ در بارہ طلاق ثلاثہ ۱ و در بارہ طلاق ثلاثہ اجماع امت است و تمام محدثین در
 کتاب ہای خود ابواب قائم کردہ اند کہ در مجلس واحد اگر بہ یک لفظ طلاق میدہد سہ طلاق واقع
 می شود لیکن غیر مقلدین در این مسکہ از اتباع صحابہ کرام و تمام علماء اہل اسلام سرکشی می کنند بلکہ
 حضرت عمر فاروق رضی اللہ عنہ و مسکہ دوم اسلام را خطاکارہ و مجرم می گویند و از اجماع خیر القرون انکار می کنند
 و اجماع اکثر اربعہ را بہ خیال خود نہ نمی آورند و دعوی عمل بہ حدیث می کنند در حالی کہ در بخاری باب
 جداگانہ این مسکہ را واضح کردہ است کہ بہ لفظ واحد طلاق طلاق واقع می شود لیکن غیر مقلدین از
 نصوص قرآنی و حدیث نبوی و اجماع امت مسلمہ اعراض کردہ در مقابل آن بحدیث ضعیف و منسوخ
 عمل می کنند و عمل تمام امت مسلمہ را باطل می دانند غیر مقلدین در این مسکہ بہ مثل اہل تشیع مسلمانان
 را در مصیبت مبتلا کردند و نسل مسلمانان را مخلوط کردہ اند و تمام اولاد آنها حرامی است لہذا کہ
 بعد از طلاق ثلاثہ رجوع حرام است و آنها رجوع می کنند و آن را حرام نمی دانند پس لا محالہ این
 فعل آنها حرام و جماع آنها زنا است این مذہب باطل غیر مقلدین خلاف قرآن و سنت و اجماع امت است
 غیر مقلدین چنانچہ کہ ۲۰ رکعت تراویح را انکار کردہ اند اجماع ۱۳۰۰ سالہ اسلامی را در آب انداختند
 ہمین چنین ہا سہ طلاق را یکی گفتند و اجماع ۷۰۰ سالہ اسلامی را در آب انداختند و تمام علماء مسلمین
 حتی کہ حکومت سعودی و علماء سعودی در این مسکہ بہ اہل سنت و الجماعت موافق اند از طرف ادارہ
 بحوث علمیہ کتاب مستقل شایع شدہ کہ بہ نذر این غیر موجود است و در آن فیصلہ شدہ است کہ

به لفظ واحد سه طلاق سه واقع می شود و مذہب اہل حدیث باطل است و قائل آن مذہب گمراه است
 و خود عالم غیر مقلدین مولانا الشرف دہلوی در این مسئلہ حقیقت غیر مقلدین را واضح کرده می نویسد کہ در مسئلہ
 وقوع طلاق ثلاثہ اجماع صحابہ و تابعین و محدثین است و یک طلاق باطل است من الدعی فعلیہ البیان
 احوالہ کتاب ترک تقلید صلا طبع پنجاب و تمام محدثین از قبیل بخاری و مسلم و امام مالک و ابو داؤد و نسائی
 و ترمذی و ابن ماجہ و امام نووی و ابن حجر عسقلانی و امام بدر الدین تیمبی و ابن کثیر و ابن جریر و امام حازمی
 صاحب کتاب الاعیاش فی بیان الناسخ و المنسوخ من الآثار ہمہ این مسئلہ را تفصیل داده حدیث
 ابن عباس را کہ در مسلم است منسوخ قرار داده اند و ناسخ آن آیت الطلاق مرتان فاساک بمعروف
 او تصریح با حسان الایۃ است انتہی عون المعیود شرح متن ابو داؤد ص ۳۳۳ و امام نسائی باب قائم
 کرده است کہ سه طلاق واقع می شود و ان طلاق مغلقا است ص ۳۳۳ علامہ موصوف بحث را ادامہ داده
 می نویسد کہ مسلک ہمہ محدثین بر آن است کہ سه طلاق واقع می شود و این مسلک اجماعی است و در آخر
 قرن ہفتم لہن تیمیہ اولین شخصی است کہ از این اجماع انکار کرد و تمام علماء آن عصر بہ شمول فخر
 او علامہ ذہبی از او نفرت کردہ (در بارہ این تیمیہ کتاب علامہ زاہد الکوثری قاضی القضاة خلافت عثمانیہ
 را مطالعہ کنید کہ نہایت مفید است و تمامی کتب او در کراچی بہ چاپ رسیدہ است عالم است
 منعی و حقوق بی بدل) در پاداش این امر لہن تیمیہ را بہ شتر سوار کردہ در تمامی شہر برای تحقیر گردانید
 و انگازن کردند کہ این جزا رکبسی است کہ از اجماع امت مخالفت می کنند فتاویٰ شاریہ ص ۲۱۹/۲۱۸
 از اہل حدیث -

قارئین کرام غور کنید و از حقیقت مذہب نام نہاد اہل حدیث خود آگاہ کنید کہ مقصد آنها انتشار
 در میان مسلمانان است و بس و در قصہ کتاب السنہ و سنت رسول و اجماع نیستند مقصد آنها اتفاق
 است ہر جائے کہ حاصل شود و این نتیجہ ترک تقلید است کہ آنها داعی آن ہستند و در مسئلہ ترک
 تقلید با اہل تشیع موافق ہستند

مثال سوم مخالفت اجماع

در بارہ نزول آیہ و اذا قرأ القرآن فاستمعوا له وانصتوا الایۃ تمام امت مسلمہ اجماع دارند کہ این آیت
 در بارہ نمازہ باجماعت نازل شدہ است و غیر مقلدین از این اجماع امت منکر ہستند و در این مسئلہ از اہل

تابعین و تبع تابعین و محدثین و مفسرین ذوالمجدد و الاحترام مخالفت کرده اند و به خلاف اجماع امت سلم
عمل می کنند مردم را به مناظره دعوت می دهند و آن در خانه مسجد خود نه گور میدان و اگر این دعوت
در میدان باشد ما علماء اهل سنت حاضریم تا مسلک حق خود را ثابت کنیم و اهل باطل لا مسکت و این گروه
گمراه تمام مسلمانان عالم را تارک صلوة و مفسد صلوة می دانند که گمراهی محض است حضرت عبداللہ بن عباس
و حضرت مجاہد و سعید بن مسیب و کعب و ابو عالیہ و ظہوری و عبید ابن عمر و عطاء ابن ابی ریحان و
محمد بن کعب قرظی و ضحاک و ابرہیم نخعی و قتادہ و کثابہ و امام شعبی و عبدالرحمن بن زید ابن اسلم و
امام ابن جریر و ابن کثیر و بیضاوی و علامہ سعود سہمی گویند کہ این آیت در بارہ نماز نازل شدہ
است حتی کہ حضرت امام احمد بن حنبل در این سلسلہ اجماع صحابہ را نقل کرده است و این تیمیہ (قول
قول ابن تیمیہ را بخاطر انزام خصم نقل می کنم زیرا کہ خصم بہ او معتقد است می فرماید کہ و ذکر احمد بن حنبل
الاجماع علی انہا نزمت فی الصلوٰۃ و ذکر الاجماع علی انہا لا تجب القراۃ علی الماسوم الخم فتاویٰ ابن تیمیہ
ص ۲۶۸ و در مقام دیگر می فرماید کہ و قول الجمهور هو الصبیح فان اللہ سبحانہ و تعالیٰ قال و اذا قرأ القرآن
فاستمعوا لہ الآیۃ ص ۱۶۹ - قاری بن کرام خود غور کنید کہ اہل حدیث چه می فرمایند اگر مقصد اہل حدیث است
پس چرا از اجماع صحابہ و تابعین و خیر القرون انکار می کنند - آیا آنہا مسلمان نبودند صرف غیر مقلدین مسلمان
ہستند یقیناً بدانید کہ مقصد اہل حدیث غیر مقلدین اسلام و عمل بہ اسلام نیست بلکہ مقصد آنہا تخریب
اسلام است و دعویٰ اہل حدیث بودن صرف بہانہ و فریب مسلمانان است -
ای مسلمانان غیور و قہرمان افغانستان از مکر آنہا آگاہ شوید و ہر نوع تعلقات خود را بہ آنہا
قطع کنید کہ روابط بہ آنہا نہ ہر قاتل است و از خدا بترسید و آخرت خود را خراب نہ کنید -
قاری بن کرام این بود مشت نمونه خروار از مخالفت غیر مقلدین با مسلمان عالم کہ مطالعہ کردید حال خود
فیصلہ کنید کہ مسلمان منکر اجماع می باشد و یا منکر قرآن و یا منکر حدیث و منکر صحابہ و تابعین کرام
پس بدانید کہ آنہا مخرب ہستند بہ قول آنہا اعتماد نکنید کہ در این خیر شما است

فساد و ترک تقلید

اعتماد از صحابہ و تابعین و تبع تابعین و ائمہ سلف دین سلب می شود و وقتیکہ انسان غیر مقلد میشود
در توہین اصحاب کرام و ائمہ اعلام بی باک می شود و در بارہ آنہا دین او گستاخ و بی ادب می شود
توہین اصحاب کرام و ائمہ دین شغل محبوب آنہا می گردد و استعمال کلمات ناشائستہ شیوہ انہائی

و در ظن فاسد مبتلا شده و در وادی تکبر و انانیت سیر و سیاحت می کنند و به سبب خود بینی در
 در تنقید صحابه و سلف صالح نهایت دلیری و بی باکی می شوند صحابه کرام را بدعتی و ائمه دین را کور و گمراه
 می گویند چنان چه که یک فرد خبیث غیر مقلدین عبداللہ و پویری در رساله رفع یدین ص ۲۱ چنین مردار
 خوری کرده است حتی که حضرت عمر را مبتدع و حضرت عثمان را بدعتی و حضرت عمر را گمراه می گویند و
 تمام جماعت اہل حدیث و غیر مقلدین از او دفاع می کنند ای مسلمانان عالم چرا تا هنوز در خواب
 غفلت هستید و از صحابه کرام دفاع نمی کنید که اسلام به ذریعہ آنها به ما رسیده است برخیزید و تمام
 بساط الحادی و فتنہ غیر مقلدیت لایسکنید ناسل آئینہ عبرت حاصل کرده در آنها چنین جرأت
 نکنند گستاخی و بی ادبی غیر مقلدین یک حقیقتی است که انکار آن ناممکن است حتی که خود غیر مقلدین
 بر این حقیقت اعتراف کرده اند چنانچه که بزرگ ترین عالمی غیر مقلدین علامہ قاضی عبدالاحد خان پوری به طرف این
 حقائق اشاره کرده می نویسد کہ فرقہ روافض خود را شعبیہ ظاہر کرده در شان حضرت علی و حضرت حسین رضی
 علو کرده تمام صحابه و تابعین و سلف صالحین را سب و شتم می کنند و در مقابل آن اگر کفر و الحاد و گمراهی
 و افکار باطلہ ایجاد کنند هیچ باکی ندارد زیرا کہ محبان علی هستند و ہم چنین این جمال اہل حدیث کذاب
 کہ یک بار رفع یدین کنند تقلید ائمہ را رد می کنند و هتک ائمہ می کنند و امام ابوحنیفہ را کہ امامت
 او در فقہ اسلامی بہ اجماع امت ثابت است ہتک و تحقیر می کنند و بہ کفر و الحاد کہ پیش کنند
 آن را دین و السنۃ قبول می کنند و بہ گمراہ نام نمی شنوید ہر قدر کہ علماء و فقہار است آنها را متنبہ کنند تا بنمایند
 رازہ این است کہ این گروه خیر مقلدین از اتباع سلف و نہ سبب اہل سنت و جماعت خارج نشو
 در اہل بدعت و فرق باطلہ داخل شده اند فافہم و تدبیر کتاب التوحید و السنۃ ص ۱۱۱
 از امام غیر مقلدین قاضی عبدالاحد خان پوری در بارہ گستاخی و بی ادبی غیر مقلدین (کہ نتیجہ ترک تقلید است)
 قول مجدد این گروه صدیق حسن بھد پالی را بشنوید کہ مجدد این گروه چہ می گوید وی می نویسد کہ انہ آفات
 این زمانہ یک آفت این است کہ (این گروه اہل حدیث) در مسئلہ انکار تقلید در واژہ طعن و تشنیع
 را تلامذہ کرام باز می کنند این یک بدبختی صریح و گمراہی واضح است چند افراد بدنام بہ سبب سزا
 کردن سلف صالحین نامہ اعمال خود را سیاه می کنند نعوذ باللہ من الخذلان بہر کہ قدح و طعن اہل علم
 کنند او مغتاب است و این گناہ از گناہ زنا بدتر است وقتی کہ غیبت ادنی مسلمان قابل گرفت
 است پس غیبت و بدگویی ائمہ سلف بہ طریق اولی حرام است تاثر صدیقی ص ۲۲ ص ۲۳

قارئین کرام عبارت عالم غیر مقلدین را بہ غور مطالعہ کنید و فیصلہ کنید آیا آنها گستاخ هستند

یا نہ حال آنکہ عالم خود آہدامی گوید کہ گروہ فساد گستاخ ائمہ هستند و قابل مواخذہ هستند دیگر پیچ
شبیہہ در گمراہی این گروہ باقی نہ مانده است و اگر کسی شبہہ داشته باشد بعد از مطالعہ عبارت تحت شبہہ
خود را زائل کنید مولانا قاری عبدالرحمن صاحب پانی پتی کہ از جملہ مجاہدین بالاکوٹ و شاگرد حضرت شاہ
اسحق است (و شاہ اسحق شاگرد شاہ عبدالعزیز محدث دہلوی مصنف تحفہ اشاعہ عشریہ و فتاویٰ عزیزی
و تفسیر عزیزی است) در بارہ غیر مقلدین می فرماید کہ بانی فرقہ غیر مقلدیت (در ہند) مولوی عبدالحق بناری
(کہ ماستر بود) و بہ اتفاق علماء حرمین شریفین ملحد و واجب القتل بود و از حرمین فرار کردہ بہ ہند آمدہ بود
علا نیت می گفت کہ حضرت عائشہ (زوجہ رسول خدا) مجرم بود و اگر توبہ نکرده باشد مرتدہ مردہ است
(نور ذبا اللہ من هذا الکفر الصریح) و نیز گفتہ کہ علم من از علم صحابہ بسیار است کشف الحجاب ص ۴۲
این غیر مقلد خبیث در بارہ حضرت عائشہ و تمام صحابہ کرام گستاخی کردہ است کہ پیچ مسلمان این گستاخی
را متحمل شدہ نمی تواند و این گستاخی شیوہ غیر مقلدین (فذلہم اللہ) است مولانا داؤد غیر مقلد در بارہ
گستاخی تبصرہ کردہ آنہا را متنبہ کردہ می نویسد کہ شکایت مسلمانان کہ اہل حدیث ائمہ کرام را توہین می کنند
بی جا نیست بلکہ من می بینم کہ در علاقہ ما اہل حدیث در این گمراہی مبتلا شدہ اند و ائمہ اربعہ را بہ نظر
حقارت ذکر می کنند و این عمل آہنا سخت گمراہ کن است و برای ما لازم است تا در بازہ داشتن آنہا
بکوشیم کتاب سوانح مولانا داؤد ص ۸۵ و ۸۶ و ہمین عالم مذکور در بارہ افتراق و اختلاف غیر مقلدین تبصرہ
کردہ می نویسد کہ جماعت اہل حدیث بد دعائی روحانی اما ابو حنیفہ بہ گرفتہ است ہر شخص ابو حنیفہ ابو حنیفہ
می گوید و اگر زیادہ احترام کنند اما می گویند و در بارہ او (افتزار کردہ) تحقیق دارند کہ ۳ حدیث می دانست
و بعضی احترام کردہ بہ ۱ حدیث قائل شدہ و بعضی نہایت احترام کردہ بہ ۱ حدیث قائل شدہ بہر دعائی
کہ در بارہ این امام جلیل چنین نظریہ داشتہ باشند در آن اتحاد و یک جہتی چه طور پیدا خواہد شد (بہرگز نماند
غدا یا غریبۃ الاسلام انما الشکوہ بشی و حزنی اللہ سوانح مولانا داؤد ص ۱۳۶ چاپ لاہور
باید کہ مولانا داؤد و دیگر رفقا را از اول منکر می کردند و در واژہ الحاد بی ادبی را باز نمی
کردند بعد از خروج با و چہار زانو نشستن چہ سود اول مردم جہال را بہ ترک تقلید تشویق دادند پس از
نتایج سنگین و وہشت انگن آن مایوس شدند باید کہ اول از تقلید مخالفت نمی کردند تا در واژہ الحاد
باز نمی شد۔

این ظلم خود علماء اہل حدیث است کہ بہ جان خود کردہ اند آہ و ویلا چہ سود قاریکن کرام تا این
جا گستاخی غیر مقلدین را در بارہ ائمہ دین مطالعہ کردید و دانستید کہ این گروہ گستاخ و دشمن مسلمانان
ہستند تفصیل این مسئلہ را در کتاب دیگر من سیرت النعمان ملاحظہ کنید ۱۲۔

هستند حال گستاخی اینها را در باره علماء و اساتذہ خود آنها ملاحظہ کنید تا اینکه یقین کنید
 غیر مقلدیت بی ادبی و گستاخی و دیدہ روی است و در ضمیرہ آنها دیدہ روی و بد زبانی و بد کلامی
 بدگویی و بد تمیزی جای گرفته است که در نتیجہ آن علماء و فضلاء است مسلمہ در کنار بلکه علماء
 قابل احترام خود را نیز معاف نمی کنند شاگرد در باره اساتذ چنین الفاظ گستاخانہ و بی ادبی استعمال می کنند
 و چنین الفاظ و کلمات تحقیر آمیز و بی شرم مانده استعمال می کند کہ پشانی شرم و حیا از عرق ندامت ترمی شود
 زبان کہ در کودتہ تقسیم شسته شده است انسان سلیم الفطرت از شنیدن این زبان بہ زمین می افتد و در علم
 حیرت سوال می کند کہ یا الہی این ماجرا چیست است آن فرقہ کہ دعوی دار حدیث است بلکه مقابیل الہی
 تیکہ داس آن است از تعلیمات قرآن و سنت این قدر باغی و دور است کہ تحدید آن مشکل است
 و بہ عوض اینکه از بد زبانی و بد کرداری و بد تمیزی نادم شوند فخر می کنند و این امر باعث سرور و خوشی آنها
 است در حقیقت ہمہ نتیجہ ترک تقلید است و این امر سبب اصلی زوال این گروه است چنانچہ کہ
 علامہ و امام غیر مقلدین محمد حسین طباطبائی در باره بد زبانی و گستاخی مولوی عبدالجلیل سامروی می نویسند کہ مولوی
 ثناء اللہ را بہ الفاظ تو تو کرده (یعنی تحقیر آمیز) خطاب می کند و ہمین رویداد با مولوی محمد علی جوی است
 اخبار محمدی ص ۱۶ یکم تاریخ ۱۳۳۹ و مولوی فقیر اللہ مدرسی اہل حدیث در باره ثناء اللہ امرتسری غیر مقلد
 می نویسند کہ در این شکمی نیست کہ ثناء اللہ دجال و کذاب است و از جلد ۴ دجال ہند است اگر چه
 آن مردہ و اصل النار شدہ است لیکن این چہارم (یعنی ثناء اللہ غیر مقلد) قائم مقام ہمہ است بلکه از آنها
 تجاوز کرده است خلاصہ این کہ ثناء اللہ اہل حدیث نہ ندیق و دجال بلا مقام و محدث فی الدین بالیقین
 است اہل حدیث امرتسر ص ۱۳۴ جون ۱۹۱۶ - قارئین کرام این مفہومات کم است مزید ملاحظہ کنید
 حافظ عبداللہ روپڑی کہ عالم بزرگ غیر مقلدین است (و مرکز او در لاهور است) در باره مولوی ثناء اللہ
 امرتسری غیر مقلد بہ مطابق ذہنیت غیر مقلدیت خود می نویسند کہ ما ثناء اللہ را معتزلی چہنمی بلکه ملحد و کافر
 و فبیث می دانیم با ثناء اللہ دوستی نکنید زیرا کہ ملحد و بی دین است اخبار اہل حدیث ص ۳۳ ۱۳۳۹
 ۱۹۱۶ (امرتسر ہند)

قارئین کرام این بود بد زبانی و بی ادبی و گستاخی غیر مقلدین در باره امام خود ثناء اللہ امرتسری
 ملاحظہ کردید حال بد زبانی و گستاخی این گروه را در باره یک شخصیت دیگر این گروه حافظ عبداللہ
 کہ اکثر غیر مقلدین پشاور و نوستان شاگرد او هستند ملاحظہ کنید نائب رئیس اخبار محمدی در باره مولوی
 می نویسند کہ اگر در دنیا کسی احمق ضرورت باشد باید کہ این خبیث انسان نما عبداللہ روپڑی را بیند اخبار

Marfat.com

ص ۵ ستمبر ۱۹۳۹ء دہلی ابو عبد اللہ امرتسری غیر مقلد و بارہ عبد اللہ روپڑی می نویسند کہ این
 عبد اللہ روپڑی صرف دروغ نمی گوید بلکه دروغ از خود می تراشد و نیز تهمت از خود می تراشد اخبار محمدی
 ص ۱۵ اپریل ۱۹۳۹ء دہلی مولوی احمد اللہ غیر مقلد می نویسند کہ عبد اللہ روپڑی مشرک است از آن
 پرہیز کنید و ہر کہ پرہیز نہ کنند دوزخی است مظالم روپڑی ص ۲۹ طبع ہند۔
 مولوی عبید اللہ دہلوی اہل حدیث و بارہ عبد اللہ روپڑی اہل حدیث می نویسند کہ روپڑی ملحد
 و بی دین است و ہر کہ ہم خیال او است پرہیز از او واجب است مظالم روپڑی ص ۵۹ و ص ۵۔
 و مولوی عبداللہ لاکھپوری می نویسند کہ حامل عقائد روپڑی ملحد است و ستمخان او قابل قبول نیست
 از آن مفاہعت کردن از ضروریات دین است ورنہ در ایمان خلل است مظالم روپڑی ص ۵
 عالم مشہور غیر مقلدین مولوی محمد دہلوی و بارہ عبد اللہ روپڑی می نویسند کہ مولوی عبد اللہ روپڑی
 معارف قرآنی بیان کردہ آسان و قاصد و دیوسہارا پورہ کردہ و تمام مانند گی تماشاچی با را بر آوردہ
 اخبار محمدی ص ۱۳ ۱۵ اپریل ۱۹۳۹ء نائب رئیس اخبار محمدی دہلی کہ غیر مقلد است مکتوب رفیق
 خاص و صاحب راز و واقف اسرار عبد اللہ روپڑی را کہ مولوی محمد عثمان است را نقل کردہ می نویسند
 کہ مولوی عثمان از روپڑی سوال می کند کہ در زبان طالب علمی در فعل مفعولیت (یعنی در فعل کون داون)
 مبتلا بودی ایما آن عادت را ترک کردہ ای یا تا حال باقی است قاعدہ این است کہ تا در موصوفیت باشد
 این مرض باقی است لہذا از خدا ترس صحیح جواب دہ و الحاد تو بہ کن اخبار محمدی دہلی ص ۱۵ جولائی
 ۱۹۳۹ء و مولوی محمد دہلوی غیر مقلدین مولوی عثمان را مخاطب قرار دادہ می نویسند کہ من عثمان را مشورہ
 می دہم تا عبد اللہ روپڑی را ترک کند و آن را بگذارد و تا بہ مثل سگ بغیر اخبار محمدی دہلی ص ۱۱ اپریل ۱۹۳۹ء
 قارئین کرام خستہ نشدہ باشید مزید آداب و اخلاق مسلمانان اہل حدیث را ملاحظہ کنید۔ و مولوی یوسف کلکتوی
 حال مقیم کراچی کہ از جملہ مجتہدین غیر مقلدین است در بارہ جماعت غر بار اہل حدیث (بدانید کہ اکثر طلبہ
 غیر مقلدین نورستان و بدخشان بہ این گروہ گمراہ تعلق دارند) می نویسند کہ مولوی عبدالستار قائد غر بار اہل حدیث
 احمق و زنیل است و تمام رفقا را و احمق ہستند خود را از انہا نگاہ دارید زیرا کہ متاع دنیوی در کنار
 انہا در دایمان ہستند اخبار الارشاد کراچی یکم جمادی الاولی ۱۳۵۲ھ و عالم دیگر غیر مقلدین محمد دہلوی و بارہ
 فرزند استاد خود انام جماعت غر بار اہل حدیث مولوی عبدالستار می نویسند کہ عبدالستار در کفر خود از کفار کہ
 ترقی کردہ است اخبار محمدی ص ۱۵ ۱۵ نومبر ۱۹۳۹ء نویسنده مشہور اہل حدیث حکیم صادق سیالکوٹی استاد
 خود مولوی ابراہیم سیالکوٹی را (ابراہیم سیالکوٹی مصنف کتاب رسوا زبانیہ تاریخ اہل حدیث است) ہدف

بدرزبانی و گستاخی خود قرار داده می نویسد که اگر من هزار بار میل فلم رومانی داستا بهائے ترا به مردم نسا
 بدیم تمام مردم شهر در عشق لیلای امارت دیوانه خواهند شد (و مقصد او تحقیر و بدرزبانی است) و در مقام
 می نویسد که به زیارت جانشین سگ حضرت علی به پنجاب بیاید شخص که نه ندگی او این قدر تاریک و بنظر
 باشد باید که در گوشه مسجد به خاموشی نشسته گریه کرده تلافی مافات کند لیکن روی خود را پو شانید
 این شخصی که عمر او به ۷۰ سال رسیده است دعوی جوانی می کند کتاب مدعی امارت سے شرعی استفتا
 و ۲۸ - قارئین کرام این کلمات گستاخانه خطاب بود که شاگرد اهل حدیث به این کلمات استاذ
 خود را مخاطب کرده به آن تعلم می کند و استاذ خود را به چنین القاب یاد می کند این است دین اهل حدیث
 دینی بی ادبی و گستاخی و بدرزبانی و بد اخلاقی و تحقیر و استهزا که مسلمانان عالم را حیوان غیر ناطق تصور کرده
 به طرف این دین جدید دعوت می دهند و این حواله جات را که از کتب خود غیر مقلدین پیش کرده ام مشت
 نمونه خروار است که حیثیت آئینه را دارد که در آن چهره منحوس این گروه گمراه را دیدید -
 برادران مسلمان و غیور افغانستان هرند سب و یا هر فکر که باور آن چنین بد اخلاقی و بدرزبانی و
 چنین خرافات وجود داشته باشد آیا چنین ندیب به دین مقدس اسلام که عفت و اخلاق است
 پیچ مشابهتی دارد هرگز و هرگز ندارد باید که عبرت حاصل کنند و از این گروه ضال خود نگاه دارید که در
 کوشش سلب ایمان مسلمانان اند فافلم و تدبر و

فساد ترک تقلید و اتباع ائمہ دین تجرید افضی و رعیت است

اهل حدیث غیر مقلدین و افضی (سامعین کرام اگر از این حقیقت آگاه شوید حیران خواهید شد که در
 حقیقت غیر مقلدیت مادل و مود جدید شعیه و روافض است در اکثر مسائل و عقائد و نظریات و خیالات
 هر دو فرقه یعنی غیر مقلدین و شعیه هم آهنگ هستند چنانچه که اهل سنت و جماعت به قیاس شرعی اقرار دارند
 و آن را یکی از جمله حجج شرعی می دانند لیکن شعیه قیاس را حرام می گوید و از آن منکر اند غیر مقلدین نیز از فرقه
 شعیه اتباع کرده قیاس حرام و شرک می گویند و رافض از تقلید شرعی منکر است غیر مقلدین نیز از تقلید شرعی منکرند
 روافض سه طلاق را یکی می دانند غیر مقلدین نیز سه طلاق را یکی میدانند شعیه از نماز تراویح منکر است غیر مقلدین
 نیز از تراویح منکرند فرقه شعیه به متعه (یعنی زنا کاری) قائل است غیر مقلدین نیز به متعه قائل اند فرقه شعیه به تعزیر
 (یعنی دوزخ گفتن و فریب دادن) قائل است غیر مقلدین نیز قائل اند شعیه به جمع بین صلواتین بدون عذر
 قائل است و غیر مقلدین به جمع بین صلواتین بدون عذر قائل اند حکایت در اکثر مناطق ارضی

اولاً تقیة کرده خود را اهل سنت و جماعت ظاهری کنند و بنام اهل سنت در مساجد امامت می کنند بعد از مدتی خرافات خود را ظاهری کنند و عوام الناس در مصیبت مبتلای کنند این است حقیقت تقیة غیر مقلدین و در زمانه قدیم روافض باب و مدخل بر الحاد و کفر وارد بودند و غیر مقلدین نیز باب و مدخل کفر و الحاد و زندقه و دهریت و تمام فرق باطله هستند و غیر مقلدین کاملاً مصداق این حدیث نبوی هستند **منهم تخرج الفتنة وفيهم قعود الحديث** روافض اصحاب رسول صلی الله علیه و سلم را مورد تنقید و تنقیص قرار داده سب و شتم می کنند و غیر مقلدین نیز در این مسأله از روافض کم نیستند بلکه در بعضی اوقات از روافض ترقی کرده اند چنانچه که حقیقت این گروه ضالان عالم مشهور و مجتهد خود این گروه جناب مولانا قاضی عبدالاحد خان پوری ظاهری کرده (اهل بیت اوری بما فیهم) می نویسند که غیر مقلدین کذاب این زمانه که مبتدعین و مخالفین سلف صالحین هستند در حقیقت از ماجاه و الرسول صلی الله علیه و سلم جاہل اند و در صفات وارث و خلیفہ اهل تشیع هستند چنانچه که شعیه باب و مدخل کفر و الحاد و مدخل ملاحده و زنا و فیه بودند همین چنین اهل حدیث غیر مقلدین جاہل و بدعتی در این زمانه با دلیلی و مدخل ملاحده و زنادقه و کفره اند بعینه مثل اهل تشیع (الی ان قال) مقصد این است که فرقه روافض ملاحده خود را شعیه ظاهری کرده در تعریف حضرت علی و حضرت حسین رضی عنہما عنہم کرده صحابه کرام را سب و شتم کرده دشنام می دانند و هر قدر کفر و الحاد که منتشر می کردند بیخ معیوب نبود زیرا که محبان علی بودند و بهم چنین این گروه ضالان غیر مقلدین کذاب که یک پار از رفیع یدین کنند و پای خود را یک منبر دور نهند و تقلید اکثر سلف را رد کنند و هتک سلف کنند و سب امام حسین (علیه السلام) کنند پس هر قدر کفر و الحاد وارد بخش کنند باکی ندارد و تمام این فساد را بخوبی قبول می کنند (الی ان قال) از این است که این گروه غیر مقلدین از اهل سنت و الجماعت خارج اند و در گروه گمراه شامل شده اند و از اتباع سلف صالح متفرد و مستکبر شده اند

فاهم و تدبر کتاب التوحید و السنه ۲۶۱۲ از علامه قاضی عبدالاحد خان پوری اهل حدیث استاذ مجید کل غیر مقلدین میان نذیر حسین دهلوی و نکاح خوان غلام احمد قاریانی مولانا عبدالحق صاحب می فرماید که مذہب پنجم غیر مقلدین موافق مذہب اهل تشیع است چنانچه که روافض مسلک رفیع یدین را و قرآة خلف الامام و تائین بالجمهور از کتب شوافع ثابت کرده و اهل سنت خصوصاً احناف را در اشتباه می انداختند و وقتی که معتقدین آنها این مسائل را قبول می کردند در تمام مسائل اسلامی آنها را مشکوک کرده اند اسلام خارج می کردند

تقیة الظالمین خود مجرد و داعی اعظم غیر مقلدین نواب صدیق حسن خان اهل حدیث حقیقت روافض بودن غیر مقلدین را اعتراف کرده می نویسند که آنانکه اکثر کرام را طعن می زنند آنها قابل سرزنش اند و این

شیوه روافض است نه که مذہب اہل سنت و الجماعت در ماثر صدیقی ص ۳۱۲

قارئین کرام حقیقت اہل حدیث را از کتب خود اہل حدیث مطالعه کردید بعد از مطالعه این کتب خود شما فیصلہ کنید کہ آیا این گروه اہل سنت اند و یا روافض و مبتدع این گروه در فکر شیطان نہایت ہلک اند لیکن در مقولہ عامیانه آمدہ است کہ پیش شیخ ہم پنج ۱ و پیش صاحب پنج ہم پنج ۱ بہ نزد ہر کہ چالاکی کنید و بہ نزد این حقیر ہم چالاکی در حالیکہ از انداز ۶۰ کتب این گروه باطل را مطالعه کردہ ام لیکن برای معلومات عامہ مسلمانان چند حوالہ دیگر از کتب خود این گروه پیش می کنم تا قارئین کرام مطمئن گردند کہ این گروه اہل حدیث از اہل سنت و الجماعت خارج است و از جملہ روافض است و ہر نوع تعلقات با آنها حرام است در کتابی اساسی اہل حدیث آمدہ است کہ در قافلہ سید احمد شہید (این گروه از جملہ مجاہدین اسلام بودند کہ بعلیہ آنگریز و سیک ہا جنگیدند و در شہر بالاکوٹ ہزارہ جام شہادت را نوش کردند و زیارت آنها در بالاکوٹ معروف است و این حقیر چندین مرتبہ بہ زیارت آنها مشرف شدہ ام) مشہور بودند کہ اہل حدیث غیر مقلدین روافض اند قصص الاکابر ص ۲۲ علامہ و مجدد غیر مقلدین میان نذیر حسین دہلوی می فرمایند کہ ہر کہ در بارہ المذنبی ادلی کند روافض است و این قول در کتاب تاریخ اہل حدیث از قلم محمد ابراہیم سیالکوٹی موجود است شاگرد شاہ محمد اسحاق کہ (تا تمام علماء ہند و شاگرد شاہ عبدالعزیز است) قاری عبدالرحمن پالی پتی می فرماید کہ تمام ملاقات روافض در این فرقہ غیر مقلدین موجود است (۱) انکار از تراویح کہ آن را بدعت می گویند کہ این عمل روافض است (۲) ضاد مجہ را ظاہر می کنند کہ خواص اہل تشیع است (۳) وقتیکہ از مذہب آنها سوال کنی در جواب مجہری می گویند کہ عمل روافض است (۴) اہل سنت حنفی مالکی شافعی حنبلی را کافر مشرک میگویند کہ این قول روافض است (۵) سنن باقور را ترک می کنند کہ این عمل اہل تشیع است (۶) و در وضو آب از طرف دست بہ طرف تاخن می اندازند کہ عمل روافض است (۷) مخالفت اہل سنت راجح می دانند کہ مذہب شعیہ است (۸) بدون عذر جمیع بین معلوتین می کنند کہ مذہب روافض است (۹) و بہ جواز متعہ قابل اند کہ مذہب شعیہ است (۱۰) و در مقابل حدیث غیر قوی قرآن را ترک می کنند کہ مذہب شعیہ است و فتاوی مولوی عبدالحق بنارسی ملحد و موسس طیر مقلدین بہ نزد من موجود است کہ متعہ جائز است کشف الحجاب ص ۱۲۳ از مولانا قاری عبدالرحمن شاگرد شاہ اسحاق دہلوی - ۱۱ - عورت آن در غیبت شوہر خود بہر وقت کہ بخواہد با کسی دیگر نکاح کند و این متعہ غیر مقلدین است

کشف الحجاب ص ۱۲۳

متعه جائز است

عالم مشہور غیر مقلدین علامہ وحید الزمان در کتاب خود ہدیت المہدی ص ۱۱۲ نوشتہ است کہ متوعہ جائز است و در مقام دیگر می نویسد کہ جمع بین صلواتین بہ نزد اہل حدیث و اہل تشیع جائز است ^{متعلق}

اہل حدیث تشیع راجح علی است

مولوی وحید الزمان غیر مقلد نوشتہ است کہ اہل الحدیث ہم شیعہ علی ہدایت المہدی ص ۱۱۲ و سہ طلاق بہ نزد اہل حدیث یک طلاق است کہ شعار اہل تشیع است و نواب صدیق حسن خان مسکہ طلاق را تفصیلاً ذکر کردہ در آخر آن را رد کردہ و گفتہ کہ این شعار روافض است و مذہب حق مذہب اہل سنت است فتاویٰ ثنائیہ ص ۲۲۲ در انکار قیاس و مذہب اربعہ اہل حدیث بارہ روافض یکی اندر روافض قیاس راجح علی باطل قرار دادہ بہ المذہب اربعہ تنقید کردہ مذہب اربعہ را بدعت می گویند و غیر مقلدین نیز در این مسکہ بارہ روافض متفق اند غیر مقلدین بارہ روافض این قدر بہا ہنگی دارند کہ منظر ع (من تو شدم و تو من شدی) بہ چشم می خورد حتی کہ خود این تمیہ در کتاب معروف خود منہاج السنۃ این اعتراض معروف روافض را نقل کردہ جواب دادہ است عبارت قرار ذیل است

قال الرافض وذهب الجميع منهم (ای من اهل السنة والجماعة لطفی) الى القول بالقياس والاخذ بالرأى فادخلوا في دين الله ما ليس منه وحرّفوا احكام الشريعة واتخذوا مذاهب اربعة لم تكن في زمن النبي ولا في زمن الصحابة واهملوا تاويل الصحابة مع انهم نصوا على ترك القياس وقالوا ان اول من قاس ابلیس الخ منہاج السنۃ ص ۸۹ بعد از نقل این اعتراض روافض شیخ الاسلام آن را جواب معقول و دندان شکن دادہ است ای مسلمانان عالم بہ نظر انصاف مطالعہ کنید کہ آیا این اعتراض روافض با اعتراض غیر مقلدین امر دزدی موافقت ندارد پس غیر مقلدین چرا از روافض بودن انکار نمی کنند باید کہ تقیہ را ترک کردہ حقیقت خود را ظاہر کنند تا بہ نزد عامہ مسلمانان عالم حقائق ظاہر گردد و ای غیر مقلدین اگر حال شما مقلدین روافض هستند پس بگوئید کہ تقلید المذہب اربعہ حرام است تقلید روافض یکی جائز است و عقل غیر مقلدین عجیب کہ در تقلید روافض بیح قباحت بہ نظر آنها نمی آید لیکن تمام قباحت در تقلید

اگر اربعہ جمع شدہ است برین عقل و دانش ببايد گريست حضرت شاه عبدالعزیز پسر شاه و امام اللہ
 محدث دہلوی حنفی در کتاب معروف خود تحفہ اثنا عشریہ کہ در رد روافض نوشتہ است و در مدت ۲۰
 سال اہل تشیع بہ جواب دادن کتاب او قادر نشدہ اند در رد مکایر روافض می نویسند کہ ہشتاد و پنجم
 آنکہ طعن کنند بر اہل سنت و جماعت کہ ایشان مذہب ابوحنیفہ و شافعی و مالک و احمد را اختیار می کنند
 تحفہ اثنا عشریہ ص ۱۹۱ از عبارت شاه صاحب معلوم می شود کہ متبعین ائمہ اربعہ اہل سنت و جماعت است
 و خارج از آن از اہل سنت و جماعت خارج است پس معلوم شد کہ غیر مقلدین از اہل سنت و جماعت خارج
 است حضرت شاه صاحب در جواب روافض می فرماید کہ جواب اینکہ نبی صلی اللہ علیہ وسلم صاحب شریعت
 است نہ کہ صاحب مذہب زیرا کہ مذہب نام را ہے است کہ بعضی ایشان را در فہم شریعت کشادہ
 شود و بہ عقل چند قواعد مقرر دہند کہ موافق آن قواعد استنباط مسائل شرعیہ از ماخذ آن نمایند و ہذا محتمل
 صواب و خطا باشد و لہذا مذہب را بسوی خدا و جبرائیل و ملائکہ نسبت کردن کمال بی خردی است
 تحفہ اثنا عشریہ از شاه عبدالعزیز ص ۱۰۹

قاریین کرام خود فیصلہ کنید کہ آیا اہل حدیث (غیر مقلدین) رافضی ہستند یا خیر بہ عقیدہ من یقیناً
 رافضی ہستند و این حقیقت را علامہ مشہور غیر مقلدین تسلیم کردہ می نویسند کہ ہر مجتہد کہ فوت شدہ باشد
 تقلید ان جائز نیست و در این مسئلہ شعیہ با ما است ہدایت المہدی از علامہ وحید الزمان غیر مقلد ص ۱۱۲
 و نہ صرف در این مسئلہ بلکہ در اکثر مسائل اہل حدیث با اہل تشیع است و خداوند این موافقت را نصیب المحدثین
 کند ما اہل سنت از موافقت با الحار و دویم و خداوند مزید بارانگاہ دارد آمین
 و از عقیدہ غیر مقلدین معلوم می شود کہ ہر شخصی کہ فوت کردہ باشد استفادہ از علم او ناجائز است پس باید
 کہ تمام کتب تفسیر و حدیث و فقہ و اصول و صرف و نحو و معانی و بدیع و بیان و فلسفہ و ریاضی و حساب
 و عروض و قوافی خلاصہ اینکہ تمام کتب علوم و فنون کہ قبلاً نوشتہ شدہ است و مصنف آن فوت فوت شدہ
 ہمہ آنها را در آتش انداختہ بسوزانند زیرا کہ اتباع آنها جائز نیست برین عقل و دانش ببايد گريست این
 گروہ غیر مقلدین تا ہنوز حقیقت خود را از مسلمانان محضی نگاہ کردہ اند و حقیقت آنها این است کہ این گروہ
 عمیل و جاسوسی و دشمنان اسلام ہستند و روی ہمین موضوع از تمام کتب دینی و ائمہ کہ ام بیزار ہستند
 و عدم اعتماد بہ ائمہ سلف دلیل قاطع بر آن است کہ این گروہ محرب اسلام ہستند نہ کہ حامی اسلام نام اسلام
 را برای فریب استعمال می کنند۔ اے مردم مسلمانان افغانستان آگاہ شوید و از خواب غفلت بیدار شدہ
 دشمنان اسلام و مذہب را بشناسید و علیہ اینہا اقدام کنید زیرا کہ در موصلہ اول سرنگونی این آسمان است

بعد از تقویت مشکلات اضافه خواهد شد وظیفه مذهبی و اسلامی شما است که هر باطل را سرنگون کرده پروگرام الحادی آنها را شکست داده نظمنه را برای نفاذ اسلام مساعد سازید که نجات دنیوی و اقروی شما صرف و صرف در نفاذ کامل نظام اسلام است و آن اسلام اسلام اهل سنت و جماعت نه که اسلام پرملحد و مرتد لهذا از تمام مسلمانان افغانستان خواهش دارم که در باره اسلام حقیقی اسلام اهل سنت و جماعت بکوشید و از اسلام برای تمام این ملحدین خود را نگاه دارید -

باید بلا توقف بر علیه این گروه بی دین اقدام کنید و ملت مسلمان از شر آنگینده این گروه شدید
نگاه دارید -

مؤسس فرقه غیر مقلدین

حال باید که در باره مؤسس این فرقه نظر افکنیم تا از حقائق این فرقه آگاه شویم قراین کرام بدانید که فرقه
غیر مقلدین به دورغ خود را اهل حدیث می گویند و مردم را فریب می دهند که مراد از اهل حدیث محدثین کرام
است و بابه محدثین کرام تعلق داریم برادران مسلمان این مغالطه است زیرا که تمام محدثین کرام مقلد بودند و
اینها تقلید را کفر و شرک می گویند پس به هیچ صورت نسبت آنیها به محدثین کرام درست نیست بلکه اینها
گروه مبتدعه هستند که مؤسس آنها مولوی عبدالحق بنارسی بلگرامی بودند استاذانام غیر مقلدین
(مولوی نذیر حسین دهلوی) حضرت مولانا قاری بجله الخاق صاحب در کتاب مشهور خود تنبیه الفضالین می نویسد که بانی
این فرقه مولوی بجله الخاق بنارسی (بنارسی یک منطق و سبع دست در بند) مدتی است که در بنارسی میباشند و به
سبب حرکات ناشائسته او حضرت سید احمد شهید او را از جماعت خود خارج کرد و علماء حرین شریفین به قتل او
قتلادی صادر کرده اند نمی دانیم چه قسم فرار کرده خود را از قتل خلاص کند. تنبیه الفضالین ص ۳
این بود حقیقت بانی این فرقه که به نزد علماء حرین شریفین واجب القتل است و امیر مجاهدین اسلام
او را از جماعت خود خارج کرده صرف این کافی نیست بلکه او شعیبه بود -

مؤسس اهل حدیث شعیبه بود

این تهمت نیست بلکه حقائق است حتی که مجد و اهل حدیث نواب صدیق حسن خان اقرار کرده
است که بجله الخاق بنارسی شعیبه بود چنانچه می نویسد که تنزل و عقائد ایشان (یعنی عبدالحق بنارسی) و اهل
سوی تشیع معروف است کتاب سلسله العسجد فی ذکر مشایخ السند از نواب صدیق حسن خان طبع
بھوپال ہند -

قراین کرام ملاحظه کردید که مجد و این گروه خود اعتراف کرده است که بانی این فرقه شیوخ افضی بود
حال خود شما در باره فرزندان او فیصله کنید که آنها که هستند و علاوه بر اقرار مجد و این گروه علامه و مورخ

علامه سید عبدالحی لکهنوی پدر بزرگ و ارعلامه سید ابوالحسن علی الندوی دیوبندی که عالم معروف است در باره بانی این فرقه نوشته است که **ومنهم من سلك مسلك الافراط جدا و بالغ في حرمته التقليد و جاووز عن الحد و بدع المقلدين و ادخلهم في اهل الاهوار و وقع في اعراض الائمة لا سيما الامام ابو حنيفة و هذا مسلك عبدالمحق البنا و بسى الخ السقافة الاسلاميه في الهند ص ۳۱ -**

قارئین کرام و روشن ضمیر خود بخود کنید که تنقیص و تحقیر ائمہ کرام شعار که است اگر شعار روافض است پس بانی اهل حدیث (غیر مقلدین) نیز روافض است پس تمام افراد این گروه روافض اند زیرا که این از جمله اصول مسلم است که افراد هر تنظیم و یا حزب از نظریات و فکر و خیالات قائم خود متأثر می شود چنانچه که در احزاب سیاسی افغانستان مشاهده می کنیم حتی در نام و لباس و حتی در دستار و یقیناً نظریات قائم در افراد سرایت می کند و از اخلاق و کردار او متأثر شدن امر فطری است و وقتی که قائم گروه غیر مقلدین را مورد نظر و بحث خود قرار می دهیم می بینیم که نظریات بانی و قائم این گروه غیر مقلدین عبدالحق بنارس در دل و دماغ تمام افراد غیر مقلدین سرایت کرده است هر انسان با شعور و وقتی که در کتب و جراید این گروه نظری کند می بیند که تمام نظریات این گروه به نحو مطابقت نظریات عبدالحق بنارس است و تمام گستاخی و بی ادبی او سرایت کرده است و در مباحث قبل برخی از گستاخی آنها را مطالعه کردید پس خود شما فیصله کنید که آیا این گروه گمراه و واجب الطاعت اند یا واجب المخالفت به عقیده من ستر آنما از نفع ایشان بسیار است پس برای هر مسلمان لازم است که از شر این گروه خود را نگاه دارد.

فساد و عکس ترک تقلید شخصی و انکار اتباع ائمه سلف

بغاوت از حدیث بنویس

مخالفت اهل حدیث (غیر مقلدین) با قرآن را در مباحث سابقه مطالعه کردید خصوصاً مخالفت مجتهد آنها را (شاه التمام تسمی) که در جیب ۲۰ مقام با قرآن کریم مخالفت کرده خود را اصل جهنم ساخته آخرت خود را خراب کرده است چون این گروه دعوی اهل حدیث بودن را دارند و به فخر می گویند که اهل حدیثیم و ائمه کرام را نمی شناسیم لازم دیدم تا حقیقت عمل به حدیث این گروه را ظاهراً کنیم و پرده را که در چهره منحوس خود کشیده اند بالا کنیم تا چهره اصلی آنها ظاهر گردد و مسلمانان عالم از شر آنها نجات یابند و اللہ علی نقول و کبیر.

و قاریین کرام دعوی این گروه سراسر باطل است زیرا که به نظریه که این گروه قائم کرده اند و گویند که به خلاف آن آیت قرآن و یا حدیث نبوی و یا هر دلیل شرعی باشد از آن نظریه رجوع نمی کنند بلکه آن نظریه خود را صحیح می دانند و نصوص صحیح را تاویل فاسد و توجیه غلط می کنند و بآن هم از خدا شرم و حیا نمی کنند و در عمل به حدیث می کنند این مسأله تفصیلی است و مقصد این حقیر در این کتاب اختصار است لهذا چند مخالفت این گروه را به حدیث نبوی صلی الله علیه و سلم مطابق مشت نمونه خروار ذکر می کنم و از قاری کرام خواهش دارم که در این مسأله نفاغلی نکنند و از حقیقت این گروه مردم مسلمان افغانستان را با خبر کنند و این چند مثال مخالفت این گروه به حدیث نبوی طالب هدایت را کافی است خیر الکلام ماقبل و دل -

مخالفت و بغاوت ۱ - غیر مقلدین از حدیث نبوی

حدیث :- و اذا قرأ فانصتوا للحديث مفهوم حدیث این است وقتی که امام قرأت کند شما خاموش باشید و این حدیث صحیح و صریح و مرفوع است و در این حدیث هیچ جرح نیست و این حدیث جماعاً صحیح است این حدیث در عدم قراة مقتدی نص قاطع است چونکه این حدیث صحیح نبوی ۲ مخالفت نظریه غیر مقلدین است لهذا در خلاصی جان خود شروع به حیل کرده هزار با حیل و پنهان تلاش کرده حدیث نبوی را رد می کنند و هزار تاویل باطل می کنند سوال - این است که اگر شما اهل حدیث هستید پس این تاویلات و حیل برای چه این چه قسم قضاوت است که شما با وجود تاویل و تلاش حیل اهل حدیث هستید و اگر تاویل کنیم اهل را می هستیم در سر شما کدام تاج است برای مهربانی آن تاج را به مانیز معرفی کنید تا مانیز همان تاج را در سر خود نهیم این بود انکار اهل حدیث (غیر مقلدین) از حدیث نبوی -

مخالفت و بغاوت ۲ - غیر مقلدین از حدیث نبوی

حدیث :- و اذا قال الامام غير المغضوب عليهم والضالين فقولوا آمين - مفهوم حدیث این است که وقتی که امام این کلامات بخواند شما آمین بگوئید این حدیث صحیح و مرفوع است لیکن غیر مقلدین از این حدیث انکار کرده مخالفت حدیث را شیوه خود قرار داده اند زیرا که در این حدیث میان ایما و مقتدی فترق است و بر این امر تصریح است که امام و الضالین بگوئید و مقتدی آمین و اهل حدیث از این

حدیث مخالفت کرده امام نیز آئین می گوید از حدیث رسول صلی اللہ علیہ وسلم انکار کرده با وجود آن دعوی
حدیث و عشق رسول جهالت است زیرا که آن المحب لمن یحب لم یطیع؟ این است حقیقت دعوی
اہل حدیثیت غیر مقلدین کہ از احادیث نبوی منکراند

بغاوت و مخالفت ۳ غیر مقلدین از حدیث نبوی

حدیث: لا صلوة لمن لم یقرأ بفاتحة الكتاب فصاعداً (وفی روایة
او ما زاد وفی روایة او ما تیسر وفی روایة او ثنی من القرآن) کہ در مسلم ج ۱۶۹
و مسند ابوعنوانہ ج ۲۲ و نسائی ص ۵۸ و مشکوٰۃ ص ۸۸ و این حدیث صحیح و صریح و مرفوع است چونکہ این
حدیث مخالف عقیدہ غیر مقلدین است لهذا غیر مقلدین از جملہ آخرین حدیث انکار کرده اند و در اقتدار امام
قرآءه را فرض می گویند کہ انکار از جملہ آخرین حدیث است بعد از انکار حدیث نبوی دعوی اہل حدیثیت
باطل است -

بغاوت و مخالفت ۴ غیر مقلدین از حدیث نبوی

حدیث: اما کان یزید فی رمضان ولا فی غیرہ علی احدی عشرة
رکعتہ الحدیث، غیر مقلدین در ماہ رمضان المبارک ۸ رکعت تراویح را سنت می دانند و آنہ
لفظ ولا فی غیرہ حدیث مذکورہ انکاری کنند نہ برامضہوم حدیث مذکور این است کہ عمل پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم
در رمضان و غیر رمضان ہمین بود و غیر مقلدین صرف در رمضان بہ این حدیث عمل می کنند و در غیر رمضان از
این حدیث منکراند و بعد از انکار حدیث دعوی اہل حدیثیت جهالت است و تفصیل مسد تراویح را در کتاب
دیگر من التلویح فی توضیح التراویح ملاحظہ کنید

بغاوت و مخالفت ۵ غیر مقلدین از حدیث نبوی

حدیث: ابروا بالصاوة (وفی روایة بالظہر) فان شدة الحر من فیج جہنم الحدیث
ترمذی ج ۱۱ و این حدیث صحیح و بشرط شیخین است و مقصد حدیث این است کہ در موسم گرما نماز ظہر را تاخیر
کنند تا ہوا قدری سرد شود و غیر مقلدین در موسم گرما در وقت شدت گرمی نماز ظہر را ادا می کنند کہ مخالفت با این حدیث نبوی است

و با وجود مخالفت حدیث دعوی اهل حدیثیت جهالت محض است -

بغاوت و مخالفت غیر مقلدین از حدیث نبوی

حدیث: لولا ان اشفق علی امتی لا مرتکم ان یوخر و الصلوة الی ثلث اللیل الحدیث که حدیث صحیح و مرفوع است و در صحاح سته آمده است و غیر مقلدین از این حدیث منکر اند و نماز عشاء را نهایت وقت ادائیگی کنند و بعد از آنکار این حدیث دعوی اهل حدیث بر خود باطل است

بغاوت و مخالفت غیر مقلدین از حدیث نبوی

حدیث: حضرت عبداللہ بن مغفل رضی اللہ تعالیٰ عنہ کہ گفته است کہ بسم اللہ به چہر خاندن محدث یعنی بدعت است و غیر مقلدین از این حدیث منکر اند و بسم اللہ را جہراً می خوانند و با وجود بغاوت از حدیث دعوی اهل حدیثیت می کنند (لی جیبا باشن سپر چه خواہی کن) -

بغاوت و فساد غیر مقلدین

از حدیث نبوی و عمل داعی رسول اللہ

در پیچ حدیث صحیح مرفوع ثابت نیست کہ حضور صلی اللہ علیہ وسلم در تمام طول عمر خویش حتی یکبار برہنہ سر نماز خواندہ باشد و غیر مقلدین بہ خلاف حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم عمل کرده و آن را شعار خود قرار دادہ اند و با وجود مخالفت و انکار از احادیث نبوی خود را اہل حدیث می گویند کہ فریب و جهالت محض است ای برادران مسلمان شما خود غور کرده فیصلہ کنید کہ آیا کسانیکہ از حدیث نبوی منکر اند اہل حدیث شدہ می توانند بدانند کہ دعوی اہل حدیث بودن آنها فریب و مکر است و در حقیقت بہ حدیث نبوی پیچ ہر کاری ندارند و ہدف آنها تخریب دین است نہ کہ احیاء دین لیکن فہم و فراست می باید فہم و تہم

فساد و اترک تقلید شخصی و اتباع امم دین انکار از قرآن حکیم

گروه غیر مقلدین اهل حدیث، در عقائد و نظریات باطل خود این قدر متصلب و متشدد و متعصب اند که در مقابل آن هیچ نص را قبول ندارند حتی که در مقابل نظریه خود آیات قرآنی و احادیث نبوی را قبول ندارند از آیات قرآنی و احادیث نبوی انکاری کنند لیکن از نظریه باطل خود رجوع نمی کنند و هرگز احکام نمی کنند قافله تباہ شده و اهل قافله از احساس زیان قاصر است مسلمانان افغانستان و استان مخالفت این گروه با قرآن و انکار آنها از آیات قرآنی طولانی است لیکن این حقیر مختصراً چند مثال عرض می کنم تا که مسلمانان وطن عزیز ما را حقائق این گروه آگاه شده در مس عبرت حاصل کنند و از شر این گروه خود را نجات دهند (۱) آیه و اذا قومی القرآن فاستمعوا له وانصتوا الایة در باره نماز نازل شده است و در این اجماع صحابه و تابعین و تبع تابعین است و مفهوم آیت این است که وقتی که امام قرائت کنند شما ساکت باشید چونکه این آیت به خلاف عقیده غیر مقلدین است آیه مبارکه را تاویل کرده معنی آن را ختم کرده اند تاویل باطل در جای خود حتی از قرآن بودن سوره فاتحه انکار کرده اند و می گویند که در قرآن و اذا قومی القرآن آمده است چونکه سوره فاتحه قرآن نیست لهذا از قرات آن منع نشده است -

سوال این است که در نماز صرف قرآن خوانده می شود اگر سوره فاتحه قرآن نیست پس خواندن او در نماز از کجا جائز شد در حالیکه در نماز صرف قرآن خوانده می شود در مسئله فرض بودن قرائت برای مقتدی از این آیت انکار لازم می آید که جرم عظیم است مسلمانان در باره تفسیر و مذاق این گروه با قرآن کریم خود شما غور کنید و حالیکه قیاس به نزد این گروه حرام است لیکن خود قیاس شیطانی می کنند و به ذریع این قیاس شیطانی از قرآن بودن سوره فاتحه انکار می کنند در حالیکه علامه ابن تیمیہ می فرماید که سوره فاتحه اولین مصداق قرآن است و باقی تمام قرآن در ردیف ثانی است و سوره فاتحه را از قرآن خارج کردن نهایت ظلم و خیانت است که در انقض و فرزند ان او اهل حدیث به آن جرأت می کنند در حالیکه انکار یک آیت قرآنی کفر است و غیر مقلدین از یک سوره منکر اند و نیز غیر مقلدین از این حدیث والذی نفسی بیده ما انزلت فی التوراة و لا فی الانجیل و لا فی الزبور و لا فی القرآن مثلها و انها السبع المثانی و القرآن العظیم الذی اعطیت و این حدیث ترمذی است

و در تمام کتب تفسیر موجود است و حدیث صحیح است و در این حدیث آقائے نامدار سرور کائنات
 فخر موجودات حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وسلم سورۃ فاتحہ را سبع مثانی و قرآن عظیم قرار داده است
 لیکن غیر مقلدین بہ خلاف پیغمبر اسلام صلی اللہ علیہ وسلم فیصلہ صادر کرده اند قرآنیت این سورہ انکار کرده
 اند با وجود کہ غیر مقلدین از آیات قرآنی و احادیث نبوی منکر اند و دعویٰ اہل حدیثیت می کنند در حالی کہ این
 دعویٰ خیال است و محال است جنون بر اوران مسلمان مشتے نمونہ از خروار شما برخی مخالفت ہائے این گروہ
 را با اولیہ شرعیہ ملاحظہ کرید حال بدانید کہ سبب اصلی ترک تقلید کہ غیر مقلدین آن را شیوہ خود قرار داده اند
 جذبہ عمل بہ حدیث نبوی نیست بلکہ در آن داعیہ سہولت نفس حیوانی است ۔

جذبہ اتباع حدیث باعث ترک تقلید نیست

بلکہ در پردہ داعیہ سہولت نفس حیوانی کار فرما است

غیر مقلدین (اہل حدیث) در تحریر و تقریر و کتب و رسائل خود بہ نہایت زور و شور و شدت دعویٰ
 می کنند کہ ہدف ما از ترک تقلید جز عمل بہ حدیث نبوی چیز دیگر نیست یعنی مقلدین و ائمہ اربعہ از حدیث مخالفت
 می کنند و صوف ما بہ حدیث عمل می کنیم، بعد از مطالعہ کتب این گروہ این حقیقت واضح گردید کہ این دعویٰ
 کلاً باطل و صد فی صد دروغ است و باعث اصلی ترک تقلید سہولت پسندی طبیعت و سہل انگاری
 نفوس و آرام طلبی جسم است و آنها آسانی می خواہند کہ ہرچہ کنند قائل مسائلی نباشد کہ بگوید چرا و بیج
 مانع در مقابل نفس آنها نباشد و ہرچہ کہ خواہش داشتہ باشند بدون در نظر داشتن حل و حرمت و بدون خوف عمل کنند
 این است حقیقت باعث ترک تقلید این مسلک طولانی است لیکن مطابق مشتے نمونہ خروار چند مثال ذکر می کنم
 تاریخین کرام خود غور کردہ فیصلہ صادر کنند ۔

مثال ۱ - ۴۰ - رکعت تراویح چونکہ بہ نفس این گروہ شاق بود بہ ۸ رکعت اکتفا کردند و اجماع تمام
 مسلمین بہ شمول صحابہ بہ ترک کردند این ہمہ برای تکمیل خواہشات نفسانی است ۔
 مثال ۲ - ۳ - رکعت و تراویح ۳۰ رکعت و تر بہ طبیعت این گروہ شاق بود با اجماع مخالفت کردہ بلاء
 رکعت اکتفا کردند ۔

مثال ۳ - ۴۸ - میل سفر برای قصر نماز چونکہ این امر در طبیعت این گروہ از حد سخت بود بہ ۳ میل اکتفا
 کردہ عمل خیر القرون را ترک کردند ۔

مثال ۴ - در یک مجلس و یک کلمه سه طلاق دادن چونکه به خلاف خواہشات نفسانی این گروه است انہما سے طلاق را یکی شمار کرده از اجماع تمام مسلمانان مخالفت کردند -

مثال ۵ - چونکہ در قربانی شتر و گاو و بز و گوسفند پول زیاد مصرف می شود غیر مقلدین برای تکمیل خواہشات نفسانی قربانی مرغ و تخم مرغ را جائز گفته اند و در این مسکہ از تمام ادلہ شرعیہ انکار کرده اتباع شیطان را ضروری قرار داده اند و در قرآن کریم آمده است کہ ومن یقتبع غیر سبیل الموصنین فوله ما تولیٰ ونصلیہ جہنم الا بیتہ و این فتاویٰ مسخرہ غیر مقلدین در فتاویٰ ستاریہ

ص ۲۷ موجود است -

مثال ۱ - شاشہ تمام حیوانات ماکول اللحم مثل بز و گوسفند شتر و گاو اسب و غیرہ اگر در لباس برسد لباس نجس می شود و نماز بہ آن جائز نیست چونکہ این امر خلاف طبیعت این گروه بود لهذا فتاویٰ دادند کہ این پاک است و نماز بہ آن جائز است (و بدون غدرہ شرعی) فتاویٰ ستاریہ ص ۲۵۶ -

مثال ۷ - از حرمت ذبیحہ کافر چونکہ نفوس پاک می ماند و سہولت ختم می شود غیر مقلدین فتاویٰ دادند کہ ذبیحہ قادیانی و مجوسی و زندق و ملحد ہمہ پاک و حلال است دلیل الطالب ص ۱۴۲ -

مثال ۸ - خون اگر در کالا خون آلودہ شود بی نماز می گردد و چونکہ این امر برای این گروه شاق بود فتاویٰ داده اند کہ پاک است و نماز جائز است دلیل الطالب ص ۲۳۱ -

مثال ۹ - بہ نزد غیر مقلدین (اہل حدیث) لواطت با زن و کنیز جائز است ہدایۃ المہدی ص ۱۸ از وجہ انزہان غیر مقلد - قاری کین کرام غور کنید کہ بہ سبب شہوت پرستی فعل ناجائز و حرام و قبیح را جائز می گویند این شہوت پرستی نیست چہ است پس در میان اہل حدیث نام نہاد و اہل تشیع چہ فرق است -

مثال ۱۰ - بہ نزد غیر مقلدین جنب بدون غلاف قرآن کریم را گرفته می تواند دلیل الطالب ص ۲۵۲ از مجد و غیر مقلدین و این سخن مخالف قرآن است -

مثال ۱۱ - بہ نزد غیر مقلدین در مال تجارت زکوٰۃ نیست بدور الاہلیہ ص ۱۳ از نواب صدیق حسن خان غیر مقلد

مثال ۱۲ - بہ نزد غیر مقلدین در زیورات طلا و نقرہ زکوٰۃ فرض نیست بدور الاہلیہ ص ۱۱

مثال ۱۳ - بہ نزد غیر مقلدین یک بز از طرف ۱۰۰ نفر جائز است بدور الاہلیہ ص ۱۴ -

مثال ۱۴ - از افتیدن نجاست آب ناپاک نمی شود ولو کہ نجاست غلیظہ باشد عرف الجادی ص ۹ -

مثال ۱۵ - نماز در حالت ناپاکی و نجاست جائز است ص ۲۸ بدور الاہلیہ

مثال ۱۶ - آپ چلم پاک است فتاویٰ علماء اہل حدیث ص ۳ و ص ۴ -

- مثال ۱۷- رطوبت شرمگاه زن پاکست مسلم ترجمہ اردو از وحید الزمان غیر مقلد ص ۱۸۷
- ۱۸- سجده تلاوت بدون وضو جائز است کتب موہودوی غیر مقلد و فتاویٰ نذیریہ ص ۱۷۰
- ۱۹- اگر در وقت ذبیح بسم اللہ نگوئید و در وقت خوردن بگوئید حلال است عرف الجاہلی ص ۱۷۱
- ۲۰- بہ نزد غیر مقلدین از وظیج فاسد نمی شود و نہ کفارہ لازم بدور الاہلیہ ص ۱۷۱
- ۲۱- بہ نزد غیر مقلدین بہ قرآءہ شاذہ نمازہ جائز است ہدایۃ المہدی ص ۱۱۷
- ۲۲- بازی شطرنج جائز و کار ثواب است ہدایۃ المہدی ص ۱۱۸
- ۲۳- بہ نزد غیر مقلدین نمازہ در اقتدار شعیہ و رافض و خوارج جائز است اسرار اللغۃ ص ۱۷۱
- ۲۴- بہ نزد غیر مقلدین نمازہ در اقتدار زانی قادیانی جائز است فیصلہ مکہ ص ۱۷۱
- ۲۵- بہ نزد غیر مقلدین نمازہ در حالت نجاست بدون غسل ولو کہ در شہر باشد جائز است فتاویٰ حدیثہ ص ۱۷۱
- ۲۶- از خون کشیدن وضو نمی شکنند یعنی ناقض وضو نیست فقہ محمدیہ ص ۱۷۱
- ۲۷- بہ ہمراہ پدرہ کلان و مادر کلان نکاح جائز است اخبار اہل حدیث امرتسر ص ۱۱۱ و ص ۱۱۲
- ۲۸- آیات حجاب پردہ شرعی صرف برای ازواج کرام نازل شدہ دیگر است در آن شامل نیست البیان المرصوص ص ۱۶۸
- ۲۹- بہ نزد غیر مقلدین در زیور طلا و نقرہ سود نیست بہ ہر نوع کہ بجاہد معاملہ کند دلیل الطالب ص ۱۷۱
- ۳۰- بہ نزد غیر مقلدین اگر کسی با خجدا من جماع نہ تا کند زن او حرام نمی شود تزل الابرار ص ۱۷۱
- از وحید الزمان غیر مقلد
- ۳۱- اگر بہ ہمراہ زنی نہ تا کند دختر آن زن حلال است یعنی نکاح جائز است عرف الجاہلی ص ۱۷۱ ولو کہ آن دختر از نطفہ او باشد
- ۳۲- در وقت قضائی حاجت و جماع ذکر اللہ جائز است فقہ محمدیہ کلان ص ۱۷۱
- ۳۳- اگر بہ ہمراہ حیوانات نہ تا کند بہ نزد غیر مقلدین غسل واجب نیست ہدایۃ المہدی ص ۱۷۱
- ۳۴- بہ نزد غیر مقلدین متعہ یعنی زنا نام جائز است ہدایۃ المہدی ص ۱۷۱
- ۳۵- بہ نزد غیر مقلدین نمازہ برہنہ بدون سرعورت جائز است خاہی نمازی تنہا باشد و یا خیر بدور الاہلیہ ص ۱۷۱

۳۶ - به نذر غیر مقلدین نماز بدون ستر شرعی جائز است حتی که زن و مرد بر ہتہ نماز ادا می تواند

حاشیہ فتاویٰ تدریجیہ ص ۳۲۸

۳۷ - برای مرد صرف پوشانیدن قبل و در ضروری است و بس محلی ص ۳۱۲

۳۸ - نماز گزار در حالت نماز و مؤذن در حالت آذان سلام را جواب داده می تواند فتاویٰ ستاریہ ص ۳۱۲

۳۹ - در دستار مسح جائز است فتاویٰ علماء اہل حدیث ص ۱۳۱ -

۴۰ - برای صحت نماز پاکی لباس شرط نیست بلکہ بدون عذر قصداً در لباس نجس نماز جائز است

بدور الاہلیہ ص ۳۹

۴۱ - رنگ ناخن جائز است زن بعد از استعمال رنگ ناخن وضو کرده نماز ادا می تواند فتاویٰ علماء

اہل حدیث ص ۶۹ -

ترک تقلید بہ سبب جذبہ حب عمل بہ حدیث نیست بلکہ برای اکمال خواہشات نفسانی است

چنانچہ از مسائل مذکورہ واضح می گردد و بدانید کہ دعویٰ عمل بہ حدیث محض فسریب و ادا

تزویر است خود را نگاه دارید و حال بہ طرف دسترخوان غیر مقلدین (اہل حدیث) رجوع کنیم تا بینیم کہ در

دستوار (حدیث) کدام قسم حیوانات گذاشتہ می شود و اہل حدیث از آن ماکولات لذت لطف و لذت

حاصل می کنند جہالت حرام خوری بہ خوان رسیدہ است کہ در دسترخوان آنها شیر سگ قنچغ و

پشک و کباب مار و گژدم و پشک و حشرات الارض گذاشتہ می شود کہ ہمہ حرام و نجس است این است

دسترخوان عالمین اہل حدیث چنانچہ کہ مجدداً این گروہ نواب صدیق حسن خان در کتاب معروف خود بدور الاہلیہ

ص ۲۴۹ می نویسد کہ (۴۲) تمام حیوانات دریا حلال است مثلاً سگ دریائی و حوک خنزیر دریائی

و خر دریائی و آدم دریائی و موش دریائی و مار دریائی ہمہ حلال است کنز الحقائق از مولوی وحید الزمان

غیر مقلد ص ۱۸۵ (۴۳) خوردن موش حلال و جائز است نزل الابرار از وحید الزمان ص ۲۲

(۴۴) حشرات الارض کہ موش گژدم مار و مور ہمہ حلال است کنز الحقائق از غیر مقلد ص ۱۸۶

(۴۵) شیر سگ و خنزیر و خر حلال است بدور الاہلیہ ص ۱۸ -

(۴۶) سگ پاک و حلال است بدور الاہلیہ ص ۱۶

(۴۷) اکل گژدم جائز است و امام جماعت غر بابر اہل حدیث مولوی عبد الستار (کہ اکثر طلباء نورستان و کونہ

بہ او تعلق دارند) می نویسد کہ ہر کہ گژدم خورد امامت او جائز نیست (یعنی از جملہ شرائط امامت خوردن

گژدم است) برین عقل و دانش بباید گریست فتاویٰ ستاریہ ص ۳۱۲

(۴۸) به نزد غیر مقلدین نه صرف خوردن گندم جائز است بلکه قربانی گندم نیز جائز است محل ص ۱۱۱
 (فوا اسفی من قلته العلم)

(۴۹) سنگ پشتک خواه از خشکه باشد یا از دریا حلال است محل ص ۱۱۱

(۵۰) سنگ پشتک نه صرف حلال است بلکه قربانی او نیز جائز است محل ص ۱۱۱

(۵۱) قنبت حلال است محل ص ۱۱۱ (۲) قنبت نه صرف حلال است بلکه قربانی آن نیز جائز است محل ص ۱۱۱

(۵۳) گوشت سگ و استخوان و موی سگ همه پاک است بدور الابهلیه ص ۱۱۱

(۵۴) شاشه سگ نیز پاک است هدایه المهدی ص ۱۱۱ -

(۵۵) پسخوره و آب دهن سگ پاک است هدایه المهدی ص ۱۱۱

(۵۶) خنزیر پاک است کنز الحقائق ص ۱۳ از وحید الزمان غیر مقلد -

(۵۷) منی پاک است عرف الجاوی ص ۱۱۱ - به نزد اهل حدیث منی پاک است

ترجمه مسلم از وحید الزمان غیر مقلد ص ۱۱۱

(۵۸) شاشه شتر پاک است و بیج آن بدون کراهیت جائز است فتاوی علمای اهل حدیث ص ۱۱۱

(۵۹) شراب پاک است بدور الابهلیه ص ۱۱۱

(۶۰) خون پاک است بدور الابهلیه ص ۱۱۱

(۶۱) شکار سگ کافر نیز حلال است عرف الجاوی ص ۱۱۱

(۶۲) در کاسه طلا و نقره اکل حلال است عرف الجاوی ص ۱۱۱ -

(۶۳) در وضو صرف مسح پا (به مثل اهل تشیع) جائز است عرف الجاوی ص ۱۱۱

(۶۴) اگر در نماز گوزه (یعنی بدبو خارج شود) بنزد نماز صحیح است اعاده نماز ضروری نیست عرف الجاوی ص ۱۱۱

(۶۵) خون خنزیر پاک است عرف الجاوی ص ۱۱۱ -

(۶۶) خرر سوره پاک است عرف الجاوی ص ۱۱۱ -

بر شخص به ذریعه خواهر و دختر خود و نسای خود تمام اعضا را خود را چابی کرده می تواند حتی که آنکه تناسل

را نیز دست زده می تواند حتی که به طرف عضو مخصوص نگاه کردن جائز است معاد الله فتاوی نذیر حسین ص ۱۱۱

از نذیر حسین دهلوی امام و مجدد غیر مقلدین آن مفتی قبیث که این فتاوی بی شرمی را صادر کرده است

نذیر حسین دهلوی شیخ الكل و مجدد غیر مقلدین است و در فرقه غیر مقلدین خواهرشات نفسانی و در فرقه

و شهوت رانی به درجه غلبه کرده که حتی که در حالت موئی سفیدی نیز جوش شهوت باقی است حتی که دست زدن یعنی مالش عضو تناسل و غیره جائز است (نعوذ بالله من شره الشیطان و حتریه و نصاره) در ثبوت این امر بیچ شکی نیست و این فتاوی از طرف خود فرقه غیر مقلدین چاپ شده است که انکار از آن امر ناممکن است بعد از مطالعه خرافات غیر مقلدین فیصله را به خود قاری محترمی سپارم تا خود فیصله کنند که آیا این اسلام غیر مقلدین با اسلام محمد عربی صلی الله علیه و سلم بیچ نسبتی دارد و دین محمد عربی صلی الله علیه و سلم دین عصمت و عفت و پاک دامن است و دین غیر مقلدین دین فحاشی شهوت رانی و عیاشی است و بینهما بون بعید اقوال غیر مقلدین را که مطالعه کرده دید به مطابق قیاس کن زگلستان من بهار مرا و دیگر احوال آنها را شما خود قیاس کنید و این اقوال از آن علماء غیر مقلدین (اهل حدیث) است که در مسند اجتهاد و تصویری نشه اند لیکن در حقیقت از تمام صفات اجتهاد عاری اند با وجود این جهالت در زعم باطل و ظن فاسد خود مبتلا بودند و به سبب این گمان غلط امت مسلمه را فاسد کردند و فتاوی طفلانه و احمقانه صادر کردند که شما (۶۷) آنرا ملاحظه کردید که انسان در کنار حیوان را نیز شرم می آید اما غیر مقلدین در اتباع اکایرین مست شده اجتهاد فاسد را وظیفه خود قرار داده اند و عجیب عجیب فتاوی صادر می کنند که انسان حیران می ماند و می گوید یا رب در ملک تو چنین افراد هم دعوی علم و امانت می کنند که طفل از فتاوی آنها می خندد -

قاریکن با ضمیر و اسلام دوست و خدا پرست و غیور نتایج سنگین و دهبشت افکن ترک تقلید را مطالعه کردید و اثرات بد و مهلک آن را ملاحظه کردید و دیدید مسلمانان هند و پاکستان را به کجارسا نیده است نظریه نتایج که مطالعه کردید از تمام مسلمانان عالم عموماً و از مسلمانان افغانستان خصوصاً درخواست می کنم که از تقلید ائمه اربعه خارج نشوید و آن را لازم قرار ندهید و در صورت خروج از اتباع ائمه اربعه تباه خواهد شد و نتیجه ترک تقلید را مطالعه کردید از آن عبرت حاصل کنید ای مسلمانان صرف در تقلید ائمه اربعه حفاظت و صیانت دین اسلام است و فلاح و فوز هر دو جهان در آن مضمراست و بدانید که ترک تقلید رتبه اول کفر و الحاد و زندگه است در این کشتی شکسوار شده از دریا گذاشتن نهایت دشوار است و اگر خواهی سلامت برکنار است دعای کنم که خداوند متعال تمام مسلمانان عالم را از تب ترک تقلید نگاه دارد تا نفس خود را در بلاکت نه افکنند آمین یا رب العالمین مختصراً اقوال ائمه دین را دوباره اتباع ائمه اربعه ذکر می کنم تکمیلاً للفائدة خروج از مذاهب اربعه جائز نیست بلکه گمراهی محض است -

- ۱ - آیتہ واتبیع سبیل من اناب الہی الایکھ
- ۲ - قول صاحب الاشباہ والنظائر وما خالف الاکثمہ الاربعۃ فهو مخالف للاجماع وقد صرح فی التحریر ان الاجماع انعقد علی عدم العمل بمذہب مخالف لانضباط مذاہبہم وکثرة اتباعہم الخ -
- ۳ - علامہ طحاوی نوشتہ است کہ من کان خارجاً عن هذه الاربعۃ فی هذا الزمان فهو فی اهل البدعۃ والنار خیراً تنفیذاً علامہ جالندری
- ۴ - قول سیوطی در شرح جمع الجوامع یجب علی العامی وغیرہ ممن لم یبلغ درجۃ الاجتہاد التزام مذہب معین مذہب المجتہدین الخ -
- ۵ - قول الہندولی الشہد بلوی الحنفی فی الانصاف وجب علیہ ان یقلد بمذہب الی حنیفہ ودر التعلیل ویرم علیہ ان یخرج من مذہبہ لانہ حینئذ یخلع من عنقہ رقبتہ الشرعیۃ ویسقی سدی مہلاً ص ۶۹
- ۶ - قول حافظ ابن حجر عسقلانی معنی فتح الباری شرح صحیح البخاری وفتح المعین شرح اربعین می نویسد کہ واما فی زماننا فقال ائمتنا لا یجوز تقلید غیر الائمة الاربعۃ الشافعی و مالک و ابی حنیفہ و احمد بن حنبل
- ۷ - ابن ہمام در فتح القدر نوشتہ است کہ انعقد الاجماع علی عدم العمل بالمدذہب المخالفة للائمة الاربعۃ الخ
- ۸ - شاہ ولی اللہ دہلوی حنفی در عقد الجید ص ۳۸ می نویسد کہ ولما اندرست المذہب الا ہذہ الاربعۃ کان اتباعہما اتباعاً للسواہر الاعظم واطروح عنہا خروجا عن السواہر الاعظم الخ
- ۹ - ایضاً شاہ صاحب در انصاف ص ۳۳ می نویسد کہ وبالجملة فالتمذہب للمجتہدین سرہ الہم اللہ تعالی العلاء وجمعہم علیہ من حیث یشعرون او لا یشعرون الخ -
- ۱۰ - شاہ صاحب در صراط مستقیم می نویسد کہ در اعمال اتباع مذہب اربعہ کہ راجح ودر تمام اہل اسلام است بہتر و خوب است الخ -
- ۱۱ - امام غیر مقلدین محمد حسین بٹالوی در اشاعت السنۃ ص ۱۵۷ می نویسد کہ سبب تمام قتل ہند ترک تقلید است -
- ۱۲ - قاضی عبدالاحد خان پوری غیر مقلد می نویسد کہ ترک تقلید دعوت الحاد است کتاب التوحید والسنة ص ۲۶۲ - قاریین کرام این بود حقائق کہ غیر مقلدین در وادی و صحرائے جہالت سیر و تفریح کردہ اند آن انکار می کنند لیکن اہل حق و طیفہ خود را انجام دادہ تمام حقائق را بہ نظر آید

میکنند و حال اختیار آنهاست که بطرف حق می آیند و یا در گمراهی خود باقی می مانند و ظیفه
 ما ابلاغ حق است ما ابلاغ می کنیم

من آنچه مشروط ابلاغ است با تو می گویم

تو خواه از این مستختم پند گیر خواه ملاک

حال از غیر مقلدین چند سوال قانونی می کنم تا مزید تحقیق واضح گردد

در خدمت تمام علماء اهل حدیث (غیر مقلدین) عموماً و غیر مقلدین نورستان و کونیه و بدخشان خصوصاً
 سوالات درج ذیل را تقدیم می کنم اگر قادر به جواب این سوالات باشند و جواب صحیح و معقول و مدلل
 و تسلی بخش دهند در متبادر به سوال جاتره معقول خواهم داد و اهل من مبارزت دیده باید.

(سوال اول) من از تمام علماء اهل حدیث (غیر مقلدین) سوال می کنم که شما خود را اهل حدیث

یا عامل به حدیث یا اصحاب الحدیث می گوید و مقلدین ائمه اربعه رضی اللہ تعالی عنہم را تاریک حدیث
 و یا مشرک و مبتدع می گوید سبب و منشأ این چه است سوال این است که آیا شما به تمام احادیث
 نبوی عمل می کنید یا به بعض احادیث اگر دعوی عمل به تمام احادیث نبوی می کنید ناراض معاف این حدیث
 صد دروغ است و این دعوی باطل است زیرا که در اکثر احادیث نبوی صلی اللہ علیہ وسلم تعارض
 است که جمع در میان آنها در وقت واحد ناممکن است مثلاً رفع یدین و عدم آن در آن واحد
 در هم چنان آیین جبراً و سیراً و در عمل به یکی ترک دیگری لازم می آید در حالیکه در هر دو طرف احادیث
 موجود است پس دعوی عمل به تمام احادیث مضمحنه خیزد و دروغ است اگر جواب دهند که هر اد
 از عمل به حدیث عمل به بعض احادیث است پس جواب می دهیم که در عمل به احادیث به این معنی و
 مفهوم تمام مقلدین امام ابوحنیفه و امام مالک و امام شافعی و امام احمد بن حنبل عامل به حدیث اند
 زیرا که هر کدام به احادیث که به نزد آنها زیاده صحیح باشد عمل می کنند شما چه خصوصیت دارید و کدام
 سرحی و لب شریعی بالش کرده آید که به بعض احادیث عمل می کنید اهل حدیث و عامل به حدیث هستید
 و دیگر مسلمانان که به بعض احادیث عمل می کنند مخالف حدیث هستند اگر شما به سبب عمل به بعض احادیث
 اهل حدیث هستید پس مقلدین ائمه اربعه چه قصور دارند که با وجود عمل به بعض احادیث تاریک

عذر جالبها آیا این غیرت قلندانه خود را به ثبوت رسانیده فتاویٰ صادر کرده می توانید که تمام غیر مقلدین (اہل حدیث) که از دلائل آگاہی ندارند همه کافر و مشرک مرده اند و همه جہنمی اند زیرا کہ تقلید آباتی کرده بودند و بہ محض تقلید مسلمان بودند باید کہ فتاویٰ صادر کرده از عہدہ و زمرہ داری منصب خود کاملاً برآید آیا چنین غیرت دارید یا غیر دیدہ باید۔

سوال ۴۔ اگر غیر مقلدین بہ حال زار مسلمانان غیر تعلیم یافتہ رحم کرده ایمان آنها را کہ محض تقلید آباتی است، معتبر قرار می دهند سوال این است کہ وقتیکہ در ایمانیات (یعنی مسائل اساسی و بنیادی اسلام) تقلید معتبر است پس در مسائل فرعی مثل قرآء خلف الامام و رفع یدین و جہود و غیرہ و آئین چہر تقلید معتبر نیست این عجیب انصاف است کہ عمل در ایمانیات توحید و سنت است و مسائل فرعی کفر و شرک می باشد فتدبیر۔

سوال ۵۔ چہال غیر مقلدین در کنار بلکہ اکثر علماء غیر مقلدین از دلائل و براہین جاہل اند با وجود جہالت خود را موحد و تیکد از جنت می دانند سوال این است کہ آیا برای موحدیت و نجات صرف ہمین قدر کافی است کہ انسان بگوید کہ من غیر مقلد ہستم و تقلید شرک است و تمام مقلدین کافر و مشرک ہستند و غیرہ و غیرہ و احادیث ضعیفہ را بہ خیال فاسد خود صحیح گفتہ بہ آن عمل کند و خود را محقق داند و از تمام مسائل اسلامی از ابواب طہارت گرفتہ تا ابواب وقف و فرائض و معاملات و عقائد اسلامی جاہل باشد و صرف بہ سبب تقلید علماء غیر مقلدین نجات حاصل کند آیا این انصاف است کہ در یہ یا ہمسہ مجتہد باشد و دیگر در تمام مسائل دینی مقلد بآن ہم خود را ناجی داند و دیگران را جہنمی و غیر ناجی این چنین ارکان دولت ملک را دیران کنند۔

سوال ۶۔ اگر کافری بدون معلوم کردن دلائل شرعی قلاوہ اسلام را در گردن خود انداختہ از دولت ایمان بہرہ مند شود و در تمام شون زندگی احکام اسلامی را تقلیداً قبول کرده بہ آن عمل کند و درین حالت بہ عالم جاویدانی رحلت کند سوال این است کہ آیا این شخص بہ نزد علماء غیر مقلدین مسلمان است یا کافر آیا تقلید ایمانی این شخص معتبر است یا نہ اگر علماء غیر مقلدین این شخص را مسلمان قرار می دهند و تقلید ایمانی را معتبر قرار می دهند پس در مسائل فرعی چہر تقلید معتبر نیست و ما الفرق بینما فتدبیر۔

و مخالف حدیث ہستند حال آنکہ احادیث کہ مقلدین بہ آن عمل می کنند از احادیث غیر مقلدین قوی تر ہستند ۴۔ پس دعوی اہل حدیثیت برای چہ واز کجا و نظر بہ کدام حقائق ۔

سوال ۲۔ اگر شخص احادیث بخاری و مسلم را بدون مطالبہ دلیل قبول کند و آنرا صحیح تصور کند پس علماء غیر مقلدین چہ می فرمایند آیا بہ سبب حسن ظن بدون مطالبہ دلیل روایات را صحیح تسلیم کردن و قبول کردن آن از قبیل تقلید است یا نہ اگر تقلید است (و یقیناً تقلید است) آیا این تقلید قابل مدح و ستائش و فخر است و یا قابل مذمت و نفرت و آیا این تقلید شرک و کفر و عبت است و یا توحید و سنت خوب غرور و فکر کنید و بعداً جواب دہید

ہر پشتمہ گمان مبرکہ خالی است
شاید کہ پلنگ خفتہ باشد ۔

سوال ۳۔ در تمام عالم در تمام خانواده مسلمانان افرادی وجود دارند کہ از علوم شرعی آگاہی ندارند بلکہ محض جاہل اند لیکن در خانہ مسلمان تولد شدہ اند و تمام تربیہ آنها در این خانہ صورت گرفتہ است و عموماً در کار دنیوی مشغول اند از قبیل تجارت و دہقانہ و غیرہ و از دلائل آگاہی ندارند و نہ از براہین و نہ از احکام و مسائل اسلامی خبر دارند بلکہ ہر چہ کہ پدر و مادر آموختہ بہ آن عمل می کنند و مسلمان اند در حالیکہ از دلیل آن خبر ندارند و درین حالت حیات مستقار خود را تکمیل کردہ و فوات می شوند و از عالم قانی بہ عالم جاودانی رحلت می کنند سوال من این است کہ آیا این چنین افراد بہ نزد غیر مقلدین مسلمان اند و یا کافر و آیا اسلام آنها معتبر و مقبول است یا مردود و غیر معتبر و آیا این افراد بہ سبب تقلید آباء (کہ غیر مقلدین نوعہ می زنند) معاذ اللہ ہمہ کافر و مرتد مردہ و جنہمی و مطروح فی النار اند و یا مسلمان مردہ در بہشت اند و آیا اسلام آنها معتبر است یا نہ اگر معتبر نیست پس اکثر است مسلم کافر و مشرک و مرتد مردہ اند زیرا کہ طبقہ ای تعلیم اکثریت دارند ہمہ در دوزخ اند حتی کہ خود غیر مقلدین در این زمرہ شامل اند زیرا کہ اکثر غیر مقلدین از دلائل آگاہی ندارند خصوصاً طبقہ عوام غیر مقلدین و طبقہ عوام آنها صاف بہ تقلید علماء (شیاطین) خود عمل می کنند و این عمل بہ نزد غیر مقلدین شرک و کفر است زیرا کہ تقلید پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم نیست بلکہ تقلید علماء و بزرگان است پس جواب دہید کہ آیا آن افراد غیر مقلدین کہ وفات کردہ اند دلائل آگاہی ندارند آیا مسلمان است یا کافر و مشرک جنتی است یا دوزخی

۴ برای تفصیل بہ اعلاء السنن ۲۲ جلد و معارف ۶ جلد و الجواب عن النقص والبرہان و مواہب الرحمن جمعاً

سوال ۷ - آیا صرف تقلید امام اعظم ابوحنیفہؒ شرک است و یا تقلید دیگر ائمہ نیز شرک است
 و اگر تقلید کاملاً شرک است و تقلید دیگر ائمہ نیز شرک است پس جواب بدهید کہ آیا نماز و راقتمدار شرک
 جائز است یا نہ حال آنکہ در اقتدار علماء حرمین شریفین نماز ادا می کنید و آن را ثواب می دانید و دیگران
 را ترغیب می دهید و در حالی کہ تمام علماء سعودی و حکومت و قانون اساسی و منضعات مذہبی ہمہ جنبلی اند
 و در مسائل مذہبی جنبلی هستند و بہ تقلید احمد بن حنبل فخری کنند و فتیہ تقلید بہ نزد شما شرک است و تمام
 علماء سعودی شرک اند پس در اقتدار آنها نماز چه طور صحیح است و ممکن است کہ یہ یال و متاع و تنوی باشد
 کہ بہ مثل برادرهای خود رد و افض تقیہ کرده حصول زر می کنید و آیا این تقیہ کہ خود را جنبلی و سلفی ظاہر کرده
 جلب منعت می کنید در اسلام جائز است و اگر حرام است پس در حرام ارتکاب حرام کرده از خدا شرم کنید
 اگر در مقامات مقدسہ از خدا خوف نمی کنید و مرتکب فعل حرام می شود پس در پاکستان و افغانستان کہ مرکز شاطین
 دینی دینی و بہ نوع مفاسد است در بارہ شما چه نظریہ داشته باشیم (اگر کفر ز کعبہ خیزد کجا ماند مسلمانان)
 بیچ توقع نیک در بارہ این گروه ممکن نیست زیرا کہ در حرام مرتکب فعل حرام اند پس در خارج حرم
 چه خواهند کرد - قارئین کرام این بود مختصر گزارشات کہ در بارہ غیر مقلدین مطالعه کروید و امید دارم
 کہ از مقصد اصلی این گروه آگاہ شدہ باشید پس تراز و عدالت در دست خود شما است خود شما فیصلہ کنید
 آیا این گروه حامی اسلام و مخلص هستند و یا خیر اگر نیستند پس خود را از شر این گروه نگاه کنید و از مذہب
 خارج نشوید کہ سبب گمراهی شما است و نجات مشکل است خداوند این کتاب را قبولیت عام عطا کن
 زیرا کہ صرف بہ خاطر خدمت اسلام و نجات مسلمین نوشته شدہ است ، کعبہ را ہر دم تجلی می فرود -
 زیرا کہ از اخلاصیات ابراهیم بود - و این کتاب را سبب ہدایت اہل ذریع گردان و تمام کوشش اہل ذریع
 را ناکام کن - چراغ مقبلان ہرگز نمرود - ہرگز نمرود آنکہ دلش ز ندہ شد بہ عشق ثبت است بر جبریدہ
 عالم دوام ما - اللهم ارنا الحق حقاً وارزقنا اتباعه وارنا الباطل باطلاً
 وارزقنا اجتنابه و صلی اللہ تعالی علی خیر خلقہ محمد و علی آلہ واصحابہ
 اجمعین و علی من اتبعہم فی یوم الدین آمین یا رب العالمین -

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَدَّرَ لَنَا	فِي الدِّينِ كُلَّ حَكْمَةٍ وَأَبْدَعَنَا
ثُمَّ مَلَأَنَا بِهِ عِلْمًا وَمَشَقَّنَا	بِهِ قَوْلَهُ وَفَعَلَهُ بِأَلْسِنَتِنَا
وَمَا كُنَّا نَحْتَسِبُ الْقِتَابَ وَمَا كُنَّا	مَعَ سَائِرِ النَّبِيِّينَ مِنَ الشُّعْرَاءِ
وَاللَّيْلِ وَالنَّجْمِ وَكُلِّ الْعِلْمِ مَا	قَدَّرَ اللَّهُ لَنَا مِنْ حَقِّ عَمَلٍ
وَيَتَّبِعُ اللَّهُ أُولَئِكَ أَجْمَعِينَ	وَمَا كُنَّا نَحْتَسِبُ الْقِتَابَ وَمَا كُنَّا
فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ عَذَابِ	فِي الدِّينِ كُلِّ حَكْمَةٍ وَأَبْدَعَنَا
جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ	مِنْ كُلِّ بَابٍ نُبْعَثُ عَنْ كُنُوفِ السَّمَوَاتِ
يَسْتَأْذِنُ بَعْدَ الْبُعْدِ أُولَئِكَ	وَيَقَعُ رَعْوٌ مِنْ سَمَاءٍ مُسْتَقِيمَةٍ
خَدَعَتْ مِنْهُمْ الْأُودِيَّةَ وَالْحَمِيرَ	وَيَعْمَلُ الْكَلْبُ كَالْإِنْسَانِ أَتَى
مِنَ الْكُتُبِ وَالْحَدِيثِ وَالْحِكْمِ	وَالْأَمْرِ وَالنَّبِيِّ الْحَرِيِّ وَالْعَرَبِ
أَخْبَرِي تَتَّبِعُنِي بِإِلَادِنَا إِمْرًا	فَاتَّبَعْنَا نَبِيًّا قَالُوا سَفَهًا
قَدْ قَاتَى طَهَ بَعْدَ أَنْ أَسَارًا	تَفَرَّقَ الْيَهُودُ وَالنَّسَارَ وَالرُّبَا
يَفِرُّنِي فَأَمَّنِي تَتَفَرَّقَتِ	بَعْضُهُمْ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ فِرْعَوْنَ
فَمَنْ يَنْتَظِرِ الْآيَةَ الْكُبْرَى	وَاحِدَةً فَيُتَوَقَّعُهَا كَمَا تَتَوَقَّعُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وانه يخرج قوم سفها
ورثوا القرأت بانفيا
دعوا الي كتاب ربي والحبار
واحسنوا القول وفعلهم ريسا
فان مضي قرن نشأ من الي
فانما ليتموهم فاقبلوا
رقي السديت بعضه البخاري
ثم القرون قد مضت كما ذكر
فجاء رجل يعنين بنجاب
يسمى ابنا اعلي ويا مؤدود
تعلم المبادئ العربية
بل لا اجادة رسها ولا اسم
فعدا ان مات ابوه جال في ال
فكانت في ارضه نبيح
بما وهذا الرجل من كماله
احلامهم حداثا اشنان زها
اي انهم ما جاوزوا الثرا حيا
ليستوا من الدين بشيء معتبر
وقالتوا الاسلام بغيا وحسبا
ان يخرج الذجال في تلك الملة
ففيه اجر الله فيمن قتلوا
تلكه اجد في الاخبار
بوقتنا هذا انما فيها رعب
يجل دعويهم مع اقتداب
يحيى حزب قبل بالموذوي
من بيته وهلكه الدينية
ولا تلقاهم من الشيع الا تم
بلاد للعيش يصنع بجميل
صاحبه المؤدود به جيا فصيح
فراية ينريه علي حدة

وكانت هذه القصيدة في سنة ١٠٠٠ هـ
وكانت في سنة ١٠٠٠ هـ
وكانت في سنة ١٠٠٠ هـ

هذا الرجل
هو
وهو
وهو

هذا الرجل
هو
وهو
وهو

أَوْ لَأَخِيرَتُهُ وَلَوْ أَقَلَّ
 كَانَتِ الشَّيْءُ يَقْبَلُ مِنْ جَانِبَيْهَا
 فَلَا تَمِيلُ إِلَى هَوِيٍّ لَلْوُدُودِي
 لَا يَعْرِفُ الْكِتَابَ وَالْأَخْبَارَ
 يَقُولُ فِي الْقُرْآنِ بِالْأَمْثَلِ
 قَالَ رَبَّنَا يَا أَلَيْسَ لَنَا
 خَيْرٌ مِنَ الْقُرُونِ قَوْمٌ ظَلَمُوا رَسُولَكَ
 وَيَطْعَنُونَ الْأَيِّمَةَ اتِّجَابَةَ
 بَنِي طَعْنَةَ انْتَهَى لِخَيْرِ الْبَشَرِ
 جَوَابٌ ظَلَمَ الْمُصْطَفَى لِمَنْ سَأَلَ
 وَقَالَ فِيهِ رَبُّهُ مَا يَنْطِقُ
 بِنُكْحَانِ مَادَرِي الْمَلِكِينَ جَمْعَ الْمُتَنَلِّفِ
 أَجَازَ لِلرُّسُلِ خَطَاوَهُ نَسَبًا
 وَإِنَّ عِصْمَةَ الْإِلَهِ تُنْقَلُ
 حَالٌ يُعْرِضُونَ أَنْتَهَى مِنَ الْبَشَرِ

لَوْلَا هُوَ لَمْ يَكُنْ
 لَوْلَا هُوَ لَمْ يَكُنْ

مِنْ حُظَّةٍ كَثُرَ فَمَا هَذَا إِلَّا جَلْ
 قَوْمًا أَوْ بَعْدَهُ الْمُرْجُونَ عَالِمًا
 فَإِنَّهُ مِنْ أَفْجَحِ الْجَدِيدِ
 يُظْهِرُ مِنْ أَرَائِهِ مَا اخْتَارَا
 وَفِي حَدِيثٍ خَيْرٌ الْأَنْبِيَاءِ
 قَبُولُهُ مَا مَنَّفَ فِي الْقُرْآنِ
 ثُمَّ الَّذِي يَلِيهِ ثُمَّ مَا يَلِي
 مَرْتَقِيَابِهِ إِلَى الضَّمَامَةِ
 فَقَالَ لَمْ يَعْلَمْ بِحَالِ الْأَعْمُورِ
 عَنْهُ يَا وَهَامُ لَيْسَ هَذَا الرَّجُلُ
 عَنِ الْهَوِيِّ فَالْحَيْلُ وَحَيْ بُصْدُقُ
 مِنْ التَّحْدِيثِ فِي آسَائِي مَوْتَلِفِ
 إِنَّهُ يَكُونُ وَابْتَدَأَ الرَّبَّ
 عَنْهُمْ بِأَخْيَانٍ لَهُ بِهِ يَأْفَلُ
 بِالْأَكْمَلِ وَالنِّكَاحِ أَوْ حَوَالِ الشُّفَرِ

فَكَانَ فِيهَا بَارِعًا وَيُسَيِّفًا
وَكَانَ مَعَهُ أَيْ لَدَى أَعْلَامُهُ
فَمَارَهُمْ أَوْ مَنَّا مُخَرِّرًا
فَمِنْ هَذَا دَعْوَاهُ حِينَ رَقِمَا
فَبَشَّرَهُمَا عَلَى هَذَا كَلَامًا
فَعَنْ كِتَابٍ مِثْلَهُمَا مَا أَجْمَعَا
فَعَبْدٌ مَجْدِيدٌ قَدْ أَجْرِي
فَرَأَيْتُ الْجَدِيدَ فِيهَا نَظْرًا
وَعَلَى جَمْعِيَّةٍ قَدْ أَتَا
بِمَاءَةٍ إِلَّا بِرِثْمَاعًا وَهَلْ
شَرَطْنَا كَثِيرَةً تَتَالُفُ
نَعْمَ تَلَاثِينَ بَيْنَ الْمَلِكِ لَا
فَبَعْدَ مَا يُجَدِّدُ الْإِسْلَامَا
يَا وَيْلَتَا مَا ذَا الَّذِي قَدْ شَرَطُوا
لَأَنْ مَنْ بَأْتِيهِ إِنْ كَانَ عَلِيٌّ

أَقْلَامُهُ جَدَابَةٌ بِلِ خَطِيئَةٍ
فَهُمْ عَادَعُوهُ إِلَيْهِ قَامُوا
جَرِيدَةً يَكْتُبُ فِيهَا اسْطَرًّا
تَذَكِيرَةً فَيَذْخَرُهَا لَعَلَّهَا
فَلَمْ يَزِدْهُ ذَا سِوَى الشَّمْسِ
فَمَا كَانَ عَنْ تَخْرِيدهِ قَدْ قَطِمَا
بِأَرْبَعِينَ لِلْقُرْآنِ تَذَكِيرًا
مَمُوقًا شَيْئًا فَيَأْتِي نَظْرًا
مُعَدَّةً اشْرُوبَهَا مَدَائِشَا
بِحَسْبِ الْأَشْرَارِ أَعْمَاءُ وَجِلُّ
لِيَنْزِلَ رَجَبًا الْخَوْضَ بِهَا بِمَالٍ
فِي ذَا وَلا فِي ذَاكَ شَرْطًا أَدْعُلَا
لَهُ الْأَمِيرِ إِنْ رَأَى الْيَسْوَامَا
وَكَيْتَ شَجَرِي خَرَطُوا أَوْ فَرَطُوا
إِسْلَامِهِ فَبَيْنَ الْبَحْمَلَا

أَعْمَالٍ دِينِي فِيهِ رَبِّي بَيْتٌ رَضِيَ الْإِسْلَامَ دِينًا زَيْنًا
 وَبِي لَادِيَةٌ عَلَى الْإِسْلَامِ يَكْفِي الْمَوْلُودَ فِيهِ مُشَاهِدًا
 رَوَى الْجَارِي كُلُّ مَوْلَى دِينِي فِيهِ إِسْرَافٌ فِي شَأْنِ تَمَامِهِ تَقِيدُ
 وَقَالَ عَدُوِّي الزُّنَا الَّذِي أَهْتَسَا مَعَ النَّبِيِّ تَنْظِيمًا عَظِيمًا بِالْفَلْطِ
 مِنْ قَوْلِهِ مَنْ جَالِقَرِبِ الْبَيْتِ لَمْ يَجْعَلْ خَالِدًا لَمْ عَدُوٌّ قَدْ قَصَمَ
 يُسَبِّحُ لِلْأَقْوَامِ رُفِيَّةَ اللَّعِبِ مِنْ شَأْنِ تَشْبِيلِ يَنْقَلِبُ جَدَبًا
 وَمَا زِي بَشْدَقِي مَحْرَفِي تَجْرِي لِي فِي تَدْيِهِ قَابَسُوقِ
 وَتَدْعِي عُلُومَهُ الْإِلَهِي وَتُنشِئُ عُلُومَهُ الْعِلَلِي
 وَمَرَّةً إِقَامَةَ الْخِلَافَةِ وَالذِّبْرَ فِي آخِرِ فِصْرٍ غِلَافِهِ
 وَفِي الْبِلَادِ الْعَرَبِي مَا تَبْعُ فَتَبْسُطُ بِيَارِيهِ كَمَا لَمْ يَبْلُغْ
 فِي مَجْلِسِ الْعِلْمِ لَهُ إِذْ تَبْلُغُ عَنْ آيَاتِهِ تَنْزِيلًا مُنْجَلِي
 مِنْ عَرَبِيَّةٍ لِأَزْدِيَّةٍ بَرْدُ يَمُتُ بِسَائِرِ مَسْأَلِهِ لِأَبْنِ بَرْدُ
 وَأَجْنَتَا كَيْفَ يَقُولُ إِسْمُهُ أَمِيرًا مُسْتَكْرَمًا يَغْدُو وَالشُّبُهَةُ
 أَشَدُّ بِأَكْمَتَانِ أَجْمَعُوا يَا يَكُونُ فِي تَوَاحُلِ قَانَسْتِينِ
 وَعَلَّمَ أَدَارَ الْعُلُومِ تَشْرُوا فِي رَدِّهِ رِسَالَةَ فِيهَا انْظُرُوا

من مملكات ومصرى ضيفت في الامم

قوله وبعثنا في غنمنا
 اذ ذكروا انهم لم يذكروا
 في قوله وبعثنا في غنمنا
 اذ ذكروا انهم لم يذكروا
 في قوله وبعثنا في غنمنا
 اذ ذكروا انهم لم يذكروا

في قوله وبعثنا في غنمنا
 اذ ذكروا انهم لم يذكروا
 في قوله وبعثنا في غنمنا
 اذ ذكروا انهم لم يذكروا

قَدْ خَالَفَ الْفَرَّانَ وَالْأَخْبَارَ
 لَمْ يَنْجِ الْقَوْمَ إِلَى التَّمَوَاتِ
 قَدْ قَالَ النَّبِيُّ لَمَّا مَلَكَوْا
 وَقَالَ يُونُسُ النَّبِيُّ قَضِيْرًا
 كَفَى الْعَذَابَ عَنْهُمْ لَعْنَةً
 وَقَالَ فِي الْفَرَّانِ لَمَّا امْتَنُوا
 بَعْضَ الْأَحَادِيثِ الصَّحَاحِ أَكْثَرًا
 لِأَنَّهَا جَاءَتْ إِيْنَامِيْنَ طَرَفًا
 مَا جَمَعُوا مَا قَدْ رَوَى الْبُخَارِيُّ
 وَبَعْضُهُمْ يَقُولُ قَدْ أَفَادَا
 أَجَارَ لِلْأَمِيرِ أَنْ يَبْدُلَا
 وَالَّذِينَ وَالْإِسْلَامَ مَا قَدْ شَرَعَا
 فِي عَيْ شَيْءٍ إِنْ أَجِبَ فَلْيُجِبْ
 وَأَمْرَ الرَّبِّ الْعَلِيِّ مِنْ تَلْكَ
 فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ يَوْمَ عَرَفَةَ

فِيهِ وَإِجْمَاعًا فَلَا نَسِيْرًا
 أَمْ رَهْمَ وَتَوَارَوْى الشُّبُهَاتِ
 بِنَسَةِ كَثْرِي تَبَعْدُ أَمْ لِكُوْا
 أَنْوَاعَ تَقْصِيْرِ بِتَسْلِيْغِ عَرَا
 إِثْمًا مِجْنَةَ لَدَى ذَا الْخَمِيْمِ
 عَنْهُمْ كَشَفْنَا مَا يَسِيْرُ فَا مِدْوَا
 يَمَارَوْى الشُّجْرَةَ سَادَ عَزْوَرَا
 لِأَلَّا تَقِيْدُ غَيْرَ نَسِيْرٍ مَا يَحِيْشُ
 وَمَنْ لَمْ يَرْقُ قَدْ نَسِيَ الْخَبَارِ
 عَلِمَ مَضْرُوبًا سَادَ جَادَا
 بِحِكْمَةٍ أَكْثَرِ مَرَجٍ قَدْ عَلَا
 رَفِيْ فَلَا تَبَسُّ فِيهِ وَقَعَا
 فِي كُلِّ أَمْرٍ لَسِيْرٍ لِأَلَّا تَعْدُرَ تَشْرُ
 قَدْ مَا يَكُوْنُ لِيْ أَنْ أَبْدِكَه
 قَدْ أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ قَوْلًا مُّشْتَبَهًا

وَمَا كَرِهَ اللَّهُ لِعَبَادِهِ أَنْ يَأْتُوا بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 وَالْحَارِ وَالْبَارِدِ وَالرُّجُلِ وَالسَّائِرِ
 وَالْحَارِ وَالْبَارِدِ وَالرُّجُلِ وَالسَّائِرِ
 وَالْحَارِ وَالْبَارِدِ وَالرُّجُلِ وَالسَّائِرِ

يُخْرِفُونَ عَائِدَةً مِنْ أَوْلِي
 مِنْ دُونِهِ إِذَا رَأَى عِلْمًا
 بِتِلْكَ الْأَشْيَاءِ كَتَبَهُ فِي الثَّانِيَةِ
 أَفْعُولٌ حَسْبُكَ مِنَ الرَّجُلِ
 رَسَدٌ بِسَمِيهِ الْمَسْمُومِ
 وَرَبُّ بِلَادِ الْبَيْتِ حَرْبٌ ذَا الرَّجُلِ
 وَرَبُّ بِلَادِ الْبَيْتِ حَرْبٌ ذَا الرَّجُلِ
 فَتَرَى عَلَى الْأَرْضِ بِأَنْوَاعِ الْفِتَنِ
 تَطْعَنُوا حَتَّى مَدَّ الْبَيْتُ نَحْرَهُ
 لَا تَرَى بَيْتَهُ إِذْ هَذَا الرَّجُلِ
 تَعَبَتْكُمْ بِأَيْدِيكُمْ وَتَطَاعَا لِنَا
 نِيَابَةُ الْمَعَالِمِ فَسَرَّ
 لَا تَتَّبِعُوا فِي بَيْنِنَا
 قَدْرًا لَا الْفِعْدَاتِ وَالْيَرْبُوعِ

وَتَمَّ بِرُؤْيَا عَائِدَةٍ مِنْ أَوْلِي
 قَدْ خَالَفُوا مَشْكَدَةَ الْمَلَامَا
 وَلَا يَتُوبُ عَنْ هَذَا إِذَا دَبَّتْ
 مُخَالِفٌ لِنَصِّ الْبَيْنِ الْفَضْلَا
 وَيَبْرَاحُ زَائِعٌ مَتَا مَسُومِ
 بِحَيْرَةِ التَّوَلَّى مَعَ عَيْنِ الْفَعْلِ
 لَا يَتَمَادَى الْعِلْمُ بِسَمِيَةِ
 وَرَعْمًا بِإِصْلَاحِ دِينِ عَرَبِي
 قَبُولًا بَيْنَ بَعْدِ فِي الْبَيْتِ
 وَرَبُّهُ فِي الْبَيْنِ بِأَشْفَعْلِ
 فَإِنْ أَبَوْا فَكُنْ عَلَيْهِمْ غَائِظًا
 فِي دِينِنَا أَوْ تَكْتُمُهُ شَائِقًا
 لَهُ وَمَنْ يَرَاهُ تَدْرِيْنَا
 يَدِينُنَا فَدَفْعُهُمَا مَقْطُوعًا

وَمَا كَرِهَ اللَّهُ لِعَبَادِهِ أَنْ يَأْتُوا بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 وَالْحَارِ وَالْبَارِدِ وَالرُّجُلِ وَالسَّائِرِ
 وَالْحَارِ وَالْبَارِدِ وَالرُّجُلِ وَالسَّائِرِ
 وَالْحَارِ وَالْبَارِدِ وَالرُّجُلِ وَالسَّائِرِ

وَمَا كَرِهَ اللَّهُ لِعَبَادِهِ أَنْ يَأْتُوا بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 وَالْحَارِ وَالْبَارِدِ وَالرُّجُلِ وَالسَّائِرِ
 وَالْحَارِ وَالْبَارِدِ وَالرُّجُلِ وَالسَّائِرِ
 وَالْحَارِ وَالْبَارِدِ وَالرُّجُلِ وَالسَّائِرِ

المخاطب للعلماء والمشائخ

الدين النصيحة

بسم الله الرحمن الرحيم

يا عالم الاسلام نقرع بابكم

والله ضاق الدين في البلدان

يا وصية الاسلام يا شيخ الوري

كيف تركتم دعوة الرحمن

أيا نخبة الاعلام عوجوا بدعوة

هي الناجية من الخسرات

فاسرعوا بادار فريضتكم

ولا تكونوا خريطة الشيطان

واعلموا ان ترك اداء الفريضة

يضد من عمل الجهلاني

واعطوا يد العون في ما

بينكم وكونوا كالاخوان

وانتروا الخلاف والمجدال

فانهما حرامان في كل الاديان

وتمسكوا بسنة نبيكم الخاتم

لكي تفوزوا بمحصول الجنان

واسترزقوا ربكم الكريم

فانه بالتحقيق خيرا مستعات

واشد من كل شئ عندى

مقام عالم الحر على الهوان

لماذا جهلتم عن ما حدث وما

الجواب عند الملك الديان

وهل عرفتم منصبكم في الكون
فاسمعوا مني ايين لكم
على شرط ان تقبلوا مني وان
فايدأ باسم الله الذي حيي
احيارنا باعوا لخوف مذهباً
اشياخنا ناموا في قبر غفلت
امرائنا جعلوا الدلهم شرباً
فاجيرنا صاقت عليه ارضه
ونزلنا قد غلقوا ابوابهم
حكامنا قد اشرقوا اعمالهم
قد سدوا والتزييج في اعمالهم
جعلوا الائمة المومنين مغرب

فليما اذا تصاحبون اهل الخذلان
ما اذا حدث باحسن البيان
تصيروا حقاً من اهل الايمان
على الدوام وليس بفان
ومحبة للاسفة الرنان
والله ان هم الاعبدة الشيطان
هم اخرجوا من خصلة الانسا
هم عنده في الجور كالسرطات
طافوا وما دكة السلطان
في الجور والترخيص في النسوان
ولقللوا الكثير في الصبين
تروا العمل بشريعة الرحمن

أكلنا عبداً ونخبز لبينتنا
أهل الثقافة أخرجوا من نجسهم
أهل السياسة قد تركوا جبل الإله
وإن أهل الدين قد تركوا أصولهم
والشيعة جعلوا الإسلام لعباً
والمبتدعة جعلوا الدين مكسباً
والسلفية جعلوا الإسلام مضحكاً
والموردية قد غير الإسلام كلياً
والعامة أفكارهم مسلووبة
وهل عرفتم ماذا حدث في
فاجروا واطلبوا قاسداً
قد عمّت الآفات في أفاقتنا
هذا آخر ما أورد اللطفي بلاغة
واختتم نظمي بالصلاة والسلام

تركوا الإله وصاحب القرآن
الفحش بالتصوير والرقصان
والله قد اعتصموا بجبل البطلان
والله قد ذهبوا خلف الشيطان
هم جهلة من أمة القتات
وابتدعوا في الإسلام سنة النصران
واشروعوا في البلاد بسلب الأيمان
هم آفة من فتنه الزمان
يشنون فوق الأرض كالحيوان
العالم وانتم في العقلة كالسكران
يقودكم إلى أحكام الفرقان
قوموا تنجوننا من آفة الطغيان
والحق إن ما على الرسول إلا البيان
على المصطفى والآل واصحاب الأيقان

گرفبول افتد زہے عز و شرف

اللہم ارنا الحق حقاً وارزقنا اتباعه وانا الباطل بالہلال

وارزقنا اجتنابه وصلی اللہ تعالیٰ علی خیر خلقہ محمد ^{صلی اللہ علیہ وسلم} وعلیٰ آلہ و صحابہ

وعلیٰ من تبعہم باحسان الی یوم الدین آمین یا رب العالمین

وانا الاحقر الحاج مولوی مفتی محمد نصر اللہ لطفی حنفی چشتی قادری نقشبندی الشہیر بالاستاذ ابو الوفا
الافغانی تشریل مکہ المکرمہ بتاریخ ۱/۹/۱۴۰۷ھ

